



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مجله‌ی علمی - تحقیقی پامیر، دپامیر علمی - خبرنیزه مجله
سال نهم، شماره‌ی ۲۹ تابستان ۱۴۰۳ خورشیدی



مجله‌ی علمی - تحقیقی پامیر، دپامیر علمی - خپړنيزه مجله
سال نهم، شماره‌ی ۲۹ تابستان ۱۴۰۳ خورشیدی

هیأت تحریر

صاحب امتیاز: پوهنتون بدخشان
آمر مجله: پوهنمل دکتر حبیب الرحمن رضاپور
مدیر مسؤل: پوهنوال اقبال حسام
سر دبیر علوم اجتماعی: پوهندوی سید عظیم الله عصمتی
سر دبیر علوم طبیعی: پوهنمل جنید الله صبوریار
مدیر عمومی مجله: شمس الدین ادیب
مدیر نشریه: نصرت الله نوری
هیأت تحریر (بخش علوم اجتماعی)

پوهندوی دکتر عبد القیوم طیب
پوهنمل دکتر حبیب الرحمن رضاپور
پوهندوی جار الله بهروز
پوهندوی نیاز محمد ذاکری
پوهندوی نظام الدین نظری
پوهنمل فضایل فضلومند

هیأت تحریر (بخش علوم طبیعی)

پوهندوی عبد المجید عبیدی
پوهنمل عبد الحلیم مجیدی
پوهنمل مقصود الله سعیدی
پوهنمل معراج الدین راسخ
پوهنمل محمد شاکر دهزاد

فهرست مطالب

عنوان مقاله

نگارنده

صفحه

بخش نخست: مقاله‌های علوم اجتماعی

- | | | |
|-----|---|---|
| ۱ | پوهنمل عبدالقهار صمیم | تجارت و عناصر آن از دیدگاه اقتصاد اسلامی |
| ۱۹ | پوهندوی جلاله بهروز | نقش دستور زبان عربی در فهم قرآن و سنت |
| ۳۳ | پوهنوال محب الله میدانی | اهمیت و تاثیر علف چرها بالای محیط زیست |
| ۴۹ | پوهنیار امین الله امین | اسباب ضعف اخلاقی جوانان و راهای علاج آن |
| ۶۷ | پوهنیار غلام احمد سوسیال،
پوهنیار مجیب الرحمن جويا | نفرت پراکنی علیه مهاجران افغان در شبکه‌های اجتماعی ایران
(مطالعه ی موردی کانال تلگرامی سید هادی کسای زاده) |
| | پوهنیار قربان حسین پامیرزاد | |
| ۸۱ | پوهنیار پرویز ایریانی | بررسی موسیقی بیرونی (وزن عروضی) اشعار میر اولیا حسین مغموم |
| ۹۹ | خالد صافی | د جنایی تحقیقاتو په کیفیت باندې د مصنوعي ادراک اغېزه |
| ۱۱۳ | پوهنوال نورحسن حسن خېل | د اوبو د تامین د سرچینو ډولونه |
| ۱۳۱ | پوهنیار پرویز ایریانی | واژه دل و جایگاه آن در اشعار مولانا عبدالله مصرع - صغیر |
| ۱۴۷ | سید عبدالله کریمی | نقش و جایگاه معاهدات از دیدگاه اسلام و حقوق بین الملل معاصر |

بخش دوم: مقاله‌های علوم طبیعی

- | | | |
|-----|---|---|
| ۱۶۷ | پوهنیار محبوب الله جويا، پوهنمل عبدالشهیر "قدیری" | اثر تاریخ کشت بر عمل کرد گندم |
| ۱۷۷ | پوهنمل محمد عارف نیرو | بررسی نقش منابع معدنی در توسعه‌ی پایدار مطالعه‌ی موردی: ولایت بدخشان |
| ۱۹۷ | پوهندوی عبدالخلیل خلیل | بررسی اثرات باران‌های اسیدی بالای محیط زیست و روش‌های پیشگیری از آن |
| ۲۰۹ | احمد رامین رهنورد | {g,l} - مشتق‌های جردن روی C^* - جبری‌های مرتبه صفر حقیقی |
| ۲۲۳ | پوهنیار احمد فرهاد ظاهر، پوهاند خالقداد فیروزکوهی | محاسبه‌ی کوتاهترین مسیرها بین نقاط سطوح |
| ۲۳۵ | پوهنیار زحل صدیقی | بررسی آفت کش‌ها و تاثیرات آن بر سلامت انسان و محیط زیست |
| ۲۴۵ | پوهنمل محمدعارف نیرو | بررسی غلظت، اثرات صحتی و محیط زیستی فلزات سنگین در معدن نمک تاقچه‌خانه ولایت تخار |
| ۲۶۷ | نامزد پوهنیار جاوید (شریفی) | نقش جنگل‌ها در صنعت اکتوریزم (گردشگری طبیعی) |



بخش اول : علوم اجتماعی



(سال نهم، شماره 29 تابستان 1403 خورشیدی)



تجارت و عناصر آن از دیدگاه اقتصادی اسلامی

پوهنمل عبدالقهار صمیم

دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنچی شریعات، پوهنتون البیرونی
samimabdulqahar@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0003-5397-9954>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

در تمام ادوار تاریخی تجارت و عناصر آن نقش مهم و اساسی در پیشبرد حیات بشر، امرار معیشت، سطح در آمد، صادرات و واردات، تبادل‌ی کالا، و بر آورده ساختن نیازها و خواسته‌های آنان داشته است. بنابراین هیچ کشوری دنیا نمی‌تواند بدون داشتن تبادل‌ات تجارتي در سطح ملی و بین‌المللی به خواسته و نیازهای اتباع خود فایق آید، هدف اصلی این تحقیق تبیین نقش تجارت و عناصر آن در رشد و توسعه اقتصاد در سطح تجارت‌های خورد و کلان، تمویلی، استثماری، داخلی و خارجی است. در این مقاله از روش تحلیلی و توصیفی با رعایت اصول نوشتاری، معیارهای آکادمیک و امانت علمی استفاده گردیده است. کار خود را در این اثر با مطالعه‌ی موردی کتابهای اقتصاد اسلامی، مقالات علمی، تفسیر تحلیلی اقتصادی، تفسیر موضوعی اقتصادی، تفکر در قرآن کریم و آیات دارای فکره اقتصادی با اعتماد به تفسیرهای معتبر علمی به عینک اقتصادی آغاز نموده و تمام آیات و احادیث مرتبط به تجارت، عناصر تجارت و مفاهیم مستفاد از آنها را جمع آوری و در روشنی آنها مقاله‌ی هذا را ترتیب نمودم، و از خلال این تحقیق دریافتم که تجارت و عناصر آن حیثیت خون‌جهنده، قلب‌تپنده و شاه‌رگ حیات بشری را داشته و ضامن بقای ملت‌ها، استقرار دولت‌ها، تأمین روابط تجاری و سیاسی بین کشورها است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، اسلام، استقرار، تجارت، عناصر .

Commerce And Its Elements From the Perspective of Islamic Economics

Author
Email
Orcid

Abdul Qahar Samim

Department of Islamic Education, Faculty of Sharia, Al-Biruni University, Mahmood
Raqi, Afghanistan.

samimabdulqahar@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0003-5397-9954>

Abstract

Throughout history, trade and its elements have played a vital and fundamental role in the advancement of human life, sustenance, income levels, exports and imports, exchange of goods, and meeting human needs and desires. No country in the world can meet the demands and needs of its citizens without engaging in trade, both at the national and international levels. The primary goal of this research is to explain the role of trade and its elements in the growth and development of the economy, particularly in small and large-scale trade, financing, exploitation, and both domestic and foreign trade.

This article employs an analytical and descriptive methodology, adhering to academic writing standards and scientific integrity. The research was conducted through a case study of Islamic economics books, scholarly articles, analytical economic interpretations, thematic economic exegeses, and reflections on the Qur'an, focusing on verses related to economic principles. Relying on credible scientific interpretations, I gathered all relevant verses and hadiths regarding trade, its elements, and the derived concepts, arranging this article in light of those sources. From this research, I concluded that trade and its elements are the lifeblood, heartbeat, and life-line of human existence, ensuring the survival of nations, the stability of governments, and the establishment of commercial and political relations between countries.

Keywords: economy, Islam, stability, trade, elements

مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على خاتم المرسلين، و على آله و صحبه اجمعين إلى يوم الدين. وبعد: بدون تردید تجارت چه درگذشته، چه در حال و چه در آینده به مثابه‌ی شاه‌رگ حیات و نبض تپنده امت اسلامی مطرح بوده است. زیرا تجارت تأثیر مستقیم رویابعد مختلف فکری، سیاسی و اجتماعی امت اسلامی دارد، پس وقتیکه تجارت دارای چنین اهمیت بزرگ در حیات امت اسلامی است، باید اسلام نقش واضح در قضایای تجارتی همگام با تطورات و پیشرفتهای معاصر در جهان امروز داشته باشد، زیرا اسلام آخرین آیین سماوی و پاسخگوی نیازهای جامعه‌ی بشری است.

تبیین مسأله

این مقاله تنها بر محور تجارت و عناصر آن (معنوی، بشری و مادی) از دیدگاه اقتصاد اسلامی می‌چرخد، تجارت و عناصر متشکله‌ی آن در روشنی ادله‌ی شرعی را مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد.

پرسش‌های تحقیق

الف- پرسش‌های اصلی

۱- نقش تجارت در فعالیت‌های اقتصادی چگونه است؟

۲- نقش عناصر تجارت در رشد و توسعه‌ی اقتصاد چیست؟

ب- پرسش‌های فرعی

۱- نقش عنصر معنوی تجارت در فعالیت‌های اقتصادی چیست؟

۲- نقش عنصر بشری تجارت در فعالیت‌های اقتصادی چیست؟

۳- نقش عنصر مادی تجارت در فعالیت‌های اقتصادی چیست؟

اهداف تحقیق

الف- اهداف اصلی:

۱- بیان مفهوم علمی تجارت از دیدگاه دانشمندان اسلامی و دانشمندان اقتصادی و نقش آن بالای روند فعالیت‌های اقتصادی و تجارتی است.

۲- بیان عناصر اساسی تجارت و نقش آنها در رشد و توسعه‌ی اقتصادی در سطح داخلی و بین‌المللی است.

ب- اهداف فرعی:

۱- بیان عناصر مادی، معنوی و بشری تجارت و نقش آنها در رشد و توسعه‌ی اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی است.

۲- بیان فواید و ثمرات تجارت زمینه‌ی فعالیت‌های تجاری در سطوح مختلف برای تجار و سرمایه‌گذاران مساعد می‌سازد.

۱- تبیین عناصر تجارت با استناد به ادله‌ی شرعی از قرآن و سنت است.

اهمیت تحقیق

تجارت و عناصر آن از دیدگاه اقتصاد اسلامی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ی برخوردار است، زیرا در قرآن کریم

کلمه‌ی تجارت، کلمات مترادف تجارت و مشتقات آن، آیات مرتبط به عناصر تجارت (منابع طبیعی، منابع بشری و منابع اقتصادی) و آیات دارای فکری تجارتي در حدود « ۸۹۰ » هشت صد و نود آیت وارد شده است. با این حال می‌توان گفت که حدود (% ۱۴,۲۷) در صد قرآن را آیات تجارتي و اقتصادی تشکیل می‌دهد، این خود مبین اهمیت اقتصاد از نظر اسلام است، اما واژه‌ی تجارت حدود (۹) بار در قرآن کریم ذکر گردیده است، زیرا تجارت از نظر اسلام یکی از مهم ترین عناصر کسب و کار و مفاد آور در بازارهای مالی و تجاری کشورها به شمار می‌رود، تجارت پایه‌ی اساسی در تمام زمینه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی اعم از صنعتی و زراعتی است، تجارت تنها بر منافع و تبادل کالا تاکید ندارد، بلکه تجارت بیشتر از آن برای تبادل فرهنگ‌ها بین قبیله‌ها، ملت‌ها، اشتغال زایی، مبارزه با فقر، جلوگیری از بلند رفتن قیمت و سیر صعودی خط فقر در جامعه، بلند بردن جایگاه کشور در بین کشورهای جهان، رشد و توسعه‌ی اقتصادی تاکید دارد، خصوص تجارت بین المللی زمینه‌ی تقدم، پیشرفت تکنالوژی و فناوری کشورها، سازگاری تجارت با معیارهای مدرن معاصر، افزایش تولیدات در عرصه‌های مختلف صنعتی، زراعتی و افزایش حجم اقتصاد را می‌سازد و با فعال نگه‌داشتن تمام زمینه‌های فعالیت‌های تجارتي، افزایش تولیدات ناخالص داخلی، افزایش عواید و درآمد‌های داخلی باعث اصلاح اقتصاد کشورها میگردد.

پیشینه‌ی تحقیق

در مورد تجارت، اهمیت تجارت و عناصر آن کتاب‌های مختلف و مقالات متنوع به زبان‌های متداول منطقه تحریر گردیده است، برخی از آن‌ها از این قرار اند: «حرية التجارة في الفكر الاسلامي» تألیف خالد عبدالله ابراهيم العيساوي، مؤلف این کتاب فقط در محور تجارت آزاد بحث نموده است، «ضوابط التجارة في الشريعة الإسلامية» رعد غالب النداوي، مؤلف این کتاب اصول و قواعد تجارت را محور بحث قرار داده است، «مقومات التجارة» تألیف سناء الدويكا، «ماهی أهم المقومات التجارة» تألیف احمد جمال، «مقومات البدء بالتجارة» صفا حسن و «مقومات الدولة التجارة الخارجية» تألیف ایمن النحرولی... سنا، جمال، صفا و نحرولی این چهار نویسنده فقط در مورد عناصر مادی تجارت در روشنی اقتصاد تقلیدی بحث نموده اند.

تفاوت کار بنده با تألیفات فوق در دو چیز است: در نخست بنده در مقاله‌ی هذا عناصر تجارت در روشنی ادله‌ی شرعی ترتیب نموده ام، در حالی که دیگران بدون استناد به ادله‌ی شرعی تحریر نموده اند، دوم اینکه دیگران تنها به عناصر مادی تجارت تمرکز نموده اند، و بنده در ضمن مستند سازی عناصر مادی، عنصر معنوی و بشری را به گونه‌ی تفصیلی بیان نموده ام.

روش تحقیق

در این تحقیق بر علاوه‌ی از رعایت تمام اصول نوشتاری، حفظ امانت علمی و معیارهای آکادمیک از روش تحلیلی توصیفی از نوع مطالعه‌ی موردی استفاده گردیده است، در ابتدا مواد را از طریق تفکر در قرآن کریم، کتب اقتصاد اسلامی، مقالات علمی، محاضرات اقتصادی، تفسیر تحلیلی اقتصادی، تفسیر موضوعی اقتصادی، از طریق تتبع واستقراء در آیات اقتصادی قرآن کریم و شرح مفردات، اهداف و اسرار احکام اقتصادی آن‌ها، با اعتماد به تفاسیر معتبر علمی و تلاوت قرآن کریم به چشم اقتصادی جمع آوری نمودم، و سپس به ترتیب و تنظیم این مقاله پرداختم. این تحقیق مشتمل بر چکیده، مقدمه، نتایج و یافته‌ها، نتیجه‌گیری، پیشنهادات و منابع است.

نتایج و یافته‌ها

تعریف تجارت:

الف - تعریف لغوی تجارت: واژه‌ی «تَبَاةَ» أصلًا عربی بوده و از ماده (ت ج ر) { تَجَرَّ يَتَجَرَّرُ تَجْرًا وَتَبَاةً } گرفته شده و به معنای خرید و فروش، داد و ستد، سوداگری، مبادله‌ی کالا، قرار داد و انتقال ملک آمده است، این واژه در قرآن کریم هم به همین مفهوم به کار رفته است. الله سبحانه و تعالی میفرماید: «فَمَّا رَحَّتْ تَبَاةَهُمْ» (بقره ۱۶). پس تجارت آن‌ها سودی نداد. جمع آن «تَبَاةٌ» به کسر تا و تخفیف جیم است، و تاجر: کسی که فعالیت خرید و فروش را انجام می‌دهد. (فیروز آبادی، ۱۴۲۶: ۳۵۶).

هم چنان از باب افتعال نیز می‌آید: «اتَّجَرَ» و «التَّجَارَةُ» مصدر آن است، به معنای به چرخش در آوردن مال از طریق خرید و فروش به منظور بدست آوردن فایده است. الله سبحانه و تعالی میفرماید: {قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللّٰهُوَ وَمِنَ التَّجَارَةِ}. (جمعه: ۱۱).

ترجمه: بگو: آن چه نزد خداوند است از سرگرمی و تجارت بهتر است. (عمر، ۱۴۲۹: ۲۸۴).

ب - تعریف اصطلاحی تجارت: در مورد تعریف اصطلاحی تجارت دیدگاه‌های متفاوت از سوی دانشمندان لغت، فقه و اقتصاد مطرح شده است:

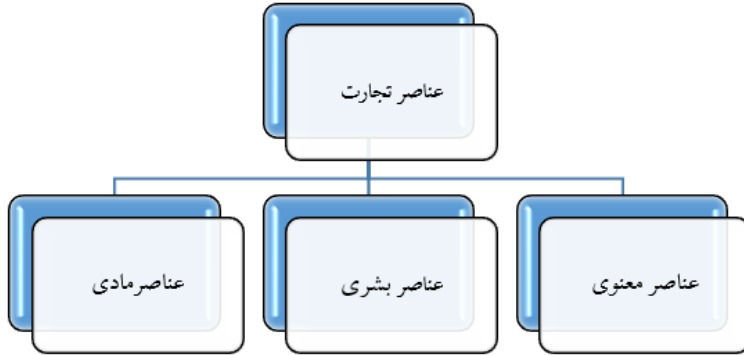
علامه جرجانی در مورد تعریف تجارت می‌گوید: «تجارت عبارت از خرید و فروش کالا برای بدست آوردن سود است» (جرجانی، ۱۴۰۳: ۵۳).

امام راغب اصفهانی در مورد تعریف تجارت می‌گوید: «عبارت از تصرف در رأس المال به منظور کسب سود و منفعت است» (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۳).

علامه ابن خلدون در مورد تعریف تجارت می‌گوید: «عبارت از تلاش برای در آمد از طریق توسعه‌ی سرمایه با خریداری کالای (گندم، جو، حیوان و تکه ...). به قیمت ارزان و فروش آن به قیمت گران‌تر، انبار کردن کالا و انتظار بلند رفتن نرخ آن در بازارها و یا از طریق انتقال کالا به شهرهای دیگر و فروش آن به قیمت بلندتر است» (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۳۹۴).

تعریف معاصر تجارت: دانشمندان معاصر تجارت را اینگونه تعریف نموده‌اند: «عبارت از خریداری کالا و خدمات از مراکز تولیدی، انتقال آن به اماکن رهایشی و فروش آن بالای مصرف‌کنندگان و مستهلكان است» (زیدان، ۱۹۷۸: ۳۸).

از خلال تعریف‌های فوق می‌توانیم تجارت را این گونه تعریف نماییم: «تجارت عبارت از خرید و فروش کالا و خدمات به مقصد فایده است».



عناصر تجارت از دیدگاه اقتصاد اسلامی

عناصر تجارت از دیدگاه اقتصاد اسلامی به سه دسته تقسیم می شود:

اول - عنصر معنوی:

مهم ترین و اساس ترین عنصر تجارت و فعالیت های اقتصادی از دیدگاه اقتصاد اسلامی عنصر معنوی است، عنصر معنوی بر مبنای دو اصل کلی (ارزش محوری و مفسده زدائی) استوار است، هر کدام از اصول فوق از خود مبانی مهم دارند در ذیل به آن اشاره می نمایم:

الف - ارزش محوری:

اولین اصل عنصر معنوی تجارت و فعالیت های اقتصادی از دیدگاه اقتصاد اسلامی اصل " ارزش محوری " است، زیرا از دیدگاه اقتصاد اسلامی رعایت ارزش های معنوی را در باب تجارت و فعالیت های اقتصادی باعث رشد، تقویت تجارت و اقتصاد می گردد :

۱- رعایت اصل تقوی: نخستین اصل ارزش محورکه باعث رشد و افزایش تجارت و فعالیت های تجارتي میشود رعایت تقوی و پرهیزی گاری در فعالیت های اقتصادی است، اگر تجار مسلمان به معنای واقعی در فعالیت های تجارتي، داد و ستد، تولید، تصدیر و تورید کالا، خدمات اصل تقوی و پرهیزی را رعایت نمایند، بدون تردید تجارت شان رونق میگیرد، خیر و برکت به تجارت شان بر می گردد و فعالیت های اقتصادی شان مستدام و پایدار باقی می ماند، این همان حقیقتی است که الله سبحانه و تعالی ضمانت اجرای آنرا بدوش گرفته می فرماید: {وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ} [الأعراف: ۹۶]. و اگر اهل آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند برکت های آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم.

ولی متأسفانه امروز تجار مسلمان در سطوح مختلف تجارتي از دکان دار محلی تا تجار بین المللی، از پرچون فروش تا عمده فروش، از کفش دوز لب سرک تا فابریکه داران تولیدی ... همه و همه در پی تقلب، فریب، خدعه و نیرنگ به جان زدن هستند، و این گونه رفتار های ناشایسته ی خویش را فن تجارت توجیه میکنند، پس نتیجه ی جزء ورشکست تجارتي، از بین رفتن خیر و برکت کار و بار، سقوط تجارت های کلان اقتصادی و افزایش پدیده فقر و بلند رفتن سطح بی کاری در جوامع اسلامی چیزی دیگری در پی نخواهد داشت.

۲- رعایت اصل استغفار: دومین اصل ارزش محور که سبب رشد و توسعه‌ی تجارت و فعالیت های اقتصادی می شود رعایت اصل استغفار و آموزش خواهی است، بر مبنای این اصل هرگاه تجار در جریان تولید، توزیع، تصدیق و داد و ستد خواسته و نا خواسته دچار اشتباهی شوند، می بایست دوباره در پی اصلاح فعالیت خود بر می آیند و از پروردگار شان در قبال این گونه حرکت اشتباه و زیان آور برای افراد جامعه اسلامی طلب استغفار و بخشش می نمایند. الله سبحانه و تعالی روی همین تاکید نموده می فرماید: {فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلَ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيُنَبِّئْ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا} (نوح: ۱۰-۱۲).

ترجمه: و گفتم: از پروردگارتان آموزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است، خدا از آسمان های پر خیر و برکت و بیابای می بارند، و شما را با اموال و فرزندان مدد می رساند و به شما باغ ها می دهد و برایتان رودها پدید می آورد.

ولی متأسفانه امروز در جوامع اسلامی این داعیه ها جنازه اش خوانده شده است، تجار مسلمان اگر نواقص و خلاهای تجارتی خویش را درک هم نمایند، نه در پی اصلاح آن بر می آید و نه تصمیم توبه، استغفار و انابت به سوی خدا را دارد، فقط با استفاده از واژه ی تقدیر همین بوده است از مسئولیت های خویش فرار نموده و مسئولیت را به دوش الله سبحانه و تعالی می گذارند.

۳- رعایت اصل صداقت: سومین اصل ارزش محور که باعث رشد تجارت و فعالیت های اقتصادی می شود، رعایت اصل صداقت و راستی در جریان تجارت است، زیرا صداقت و راستی در جریان فعالیت های تجارتی باعث افزایش ثروت، تجارت، تولید، مشتریان، خیر و برکت کسب و کار و زندگی تاجران و سرمایه گزاران می شوند. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در این خصوص می فرماید: «... فَإِنَّ صَدَقًا وَبَيْنًا بُورِكَ لَهُمَا فِي بَيْعِهِمَا» (بخاری، ۱۴۰۷: ۵۸). اگر بایع و مشتری راست بگویند و عیب کالا را کتمان نکنند، این معامله برای آنان مایه خیر و برکت می گردد.

با کمال تأسف در تجارت امروزی صداقت و راستی جلیخود را به کذب و دروغ عوض نموده است، اکثریت مطلق تجار مسلمان واژه ی صداقت و راستی را نمی شناسند، تجارت، تولید کالا، خدمات، بیع و شراء، صادرات و واردات معاصر با کذب دروغ، چال و نیرنگ، خدعه و فریب، غبن های گوناگون عجین شده است، بنابراین در تجارت های امروزی ثبات، اطمینان، قناعت، خیر و برکت، طهارت و پاکیزه گی وجود ندارد... نتیجه هم هویدا است، که سرمایه دار دیروز گدای امروز، غنی دیروز فقیر امروز، وام دهنده ی دیروز وام گیرنده ی امروز، کار فرمای دیروز مزدور امروز، زیرا صداقت رمز خیر و برکت و شرط اساسی بقا و استمرار تجارت است، ولی متأسفانه صداقت وجود ندارد، نظر به قاعده‌ی فقهی هرگاه شرط مفقود گردید مشروط خود به خود مفقود می گردد.

۴- رعایت اصل بیان عیوب کالا: چهارم اصل ارزش محوریکه باعث رشد تجارت و فعالیت های اقتصادی می شود، بیان عیوب کالا برای مشتریان است، زیرا با بیان عیب کالا و اجناس حقیقت مبیعه واضح، قیمت واقعی مبیعه معلوم، رضایت و عدم رضایب مشتری بر بیع روشن و جلو کتمان و پنهان کاری گرفته می شود، حالا مشتری می تواند با رضا و رغبت خویش کالای عیب دار عیب را با تفاوت قیمت خریداری نماید، در نتیجه بائع در میان مردم اعتماد خود را کسب می کند، مشتری از پیشمانی و جدل آینده محفوظ میماند و خیر و برکت بر تجارت و خرید و فروش بر می گردد.

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: « فَإِنْ صَدَقًا وَبَيْنًا بُورِكَ لُهُمَا فِي بَيْعِهِمَا » (بخاری، ۱۴۰۷: ۵۸). اگر بایع و مشتری راست بگویند و عیب کالا را کتمان نکنند، این معامله برای آنان مایه خیر و برکت می گردد.

ولی با کمال تأسف امروز اساس بازارهای امت اسلامی و به خصوص بازارهای مالی افغانستان را کتمان عیب و پنهان کاری تشکیل میدهد، از قصاب تا ترکاری فروش، از بزاز تا خیاط، از طیب تا دوا فروش و از پینه دوز تا تجار بین المللی همه در پی پنهان کاری، خلط کالا معیوب با کالای سالم، گذاشتن کالای خراب در وسط کالای سالم استند، پس جامعه‌ی اسلامی چطور ساخته شود؟ کی ها جامعه را بسازند؟ کسانی که دیروز در کنار مجاهدان در ساختن جامعه، فتح سر زمین ها سهمیم بودند، امروز از عقب امت اسلامی و مجاهدان را خنجر میزند، ما دیروز بسیاری از سر زمین ها را به زور شمشیر نه بل که به صداقت، ایمان داری، امانت داری، تقوی و طهارت تجار امت اسلامی فتح نموده بودیم.

۵- رعایت اصل فریضی زکات: پنجمین اصل ارزش محوریکه باعث رشد تجارت و فعالیت های اقتصادی می شود پرداخت زکات و صدقات برای مستحقان آن است. زیرا زکات به عنوان رکن سوم اسلام به منظور سه هدف جامع فرض گردیده است، تطهیر و پاکیزه‌گی نفوس سرمایه داران از حرص و بخل، رسیدگی به مشکلات اقتصادی جامعه‌ی اسلامی و فقر زدایی و افزایش در سرمایه ها و خیر و برکت در تجارت و کسب و کار است. الله سبحانه و تعالی می فرماید: {خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا} (توبه: ۱۰۳).

تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آن ها را (از ذرائع اخلاقی، و گناهان، و تنگچشمی) پاک و پاکیزه سازی و رشد و برکت دهی.

پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - برای راه روانش ضمانت میدهد: قطعاً دچار تزلزل نشوید هیچگاه پرداخت زکات و صدقات باعث کاهش سرمایه هایتان نمی گردد، بل که بزرگترین عامل افزایش سرمایه ها است. فرمودند: « مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ، وَمَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا، وَمَا تَوَاصَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ » (نیشاپوری، ۱۳۹۲: ۲۰۰۱). هرگز صدقه، از مال کم نمی کند، و یقیناً خداوند در برابر گذشت بنده اش، عزت او را زیاد می کند، و هر بنده‌ی برای خدا تواضع کند، خداوند عز و جل مقام او را بلند می گرداند.

متأسفانه امروز این فریضه در میان مسلمانان کم رنگ شده است، برخی از سیاست مداران با تبعیت از هوای نفس فریضه زکات را پایان یافته اعلان نموده برای اغنیاء و ثروت مندان حاتم بخشی نمودند، و در بسا از کشور های اسلامی این فریضه ی الهی از نظام مالی اسلام حذف و تکس و مالیات های وضعی بشری را جایگزین آن نموده اند، این همه دسیسه ها به خاطر کم اهمیت جلوه دادن فریضه‌ی زکات و رکن سوم اسلام، کنار زدن رمز خیر و برکت از سرمایه ها، از بین بردن بزرگترین پیوند دهنده نظام اجتماعی، نادیده گرفتن موفق ترین عامل از بین برنده نظام های طبقاتی در جوامع اسلامی، حذف تدریجی زکات و جایگزینی تکس بر حوزه مالیاتی امت اسلامی و سر انجام غرب گرایی و اسلام ستیزی است.

ب- مفسده زدایی :

دومین اصل عنصر معنوی تجارت و فعالیت های اقتصادی از دیدگاه اقتصاد اسلامی اصل « مفسده زدایی » است، زیرا از دیدگاه اقتصاد اسلامی رعایت ارزش های معنوی در باب تجارت و فعالیت های

اقتصادی باعث رشد و تقویت تجارت و اقتصاد اسلامی می گردد، این اصل شامل گزینهای ذیل است:

۱- عدم تمرکز سرمایه بین اغنیاء: نخستین اصل مفسده زداییکه باعث رشد تجارت و فعالیت های اقتصادی از دیدگاه اقتصاد اسلامی می گردد اجتناب از تمرکز سرمایه بین اغنیاء است، نظام اقتصادی اسلام می خواهد از طریق به گردش در آوردن چرخه ی اقتصاد، جلوگیری نظام طبقاتی، حفظ توازن اقتصادی میان اغنیاء و فقراء، جلو تمرکز و انحصار گرایی سرمایه را بگیرد، تا از یک طرف زمینهای کینه و عداوت طبقاتی را ریشه کن نماید و از سوی دیگر زمینه رشد و توسعه ی اقتصادی را فراهم سازد. الله متعال میفرماید: «كَيِّ لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷).

تا این که (غنائم و اموال، تنها) میان ثروت مندان شما در چرخش و گردش نباشد.

۲- تحریم ربا: دومین اصل مفسده زدایی که باعث تجارت و فعالیت های اقتصادی از نظر اقتصاد اسلامی می گردد، اجتناب از ربا و سود خوری است، زیرا سود یکی از صورت های فساد اقتصادی در جامعه بوده و سرمایه ها را بدون تولید و سرمایه گذاری به جیب یک تعداد افراد و شرکت ها سرازیر می نماید، اما هدف اقتصاد اسلامی از سرمایه تولید و سرمایه گذاری در پروژه های مشروع و عام المنفعه است، عدالت هم زمانی تحقق می یابد که انسان ها در بدل کار و تلاش های حقیقی شان مفاد به دست بیاورند، و انسان ها تبتل و سست عنصر نباید بدون سعی و تلاش سود به دست بیاورند.

نظام اقتصادی اسلام برای تحقق اصل عدالت سود را حرام و تجارت را مباح قرار داده است. الله رب العالمین میفرماید: { وَأَحْلَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا } (بقره: ۲۷۵). خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است (سیدعمر، ۱۴۴۵: ۱۸۳).

۳- تحریم ثروت اندوزی سرمایه: سومین اصل مفسده زدایی که باعث رشد تجارت و فعالیت های اقتصادی از نظر اقتصاد اسلامی می گردد، خود داری از ثروت اندوزی است، نظام اقتصادی اسلام به خاطر جلوگیری از تعطیل سرمایه ها و عدم استثمار و بهره برداری و دوران سرمایه بین تولیدکنندگان، مصرف کنندگان، اغنیاء و فقراء از ذخیره اندوزی سرمایه جلوگیری میکند زیرا در گردش سرمایه بین افراد جامعه منفعت تمام افراد جامعه نهفته است، درحالی که در ذخیره اندوزی تنها منفعت ذخیره کنندگان نهفته است، از همین رو نظام اقتصادی اسلام به خاطر مصلحت عامه کنز و ثروت اندوزی را منع نموده است.

الله سبحانه و تعالی می فرماید: {وَيُلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ} (همزه: ۱-۲). وای به حال هر عیبجوی طعنه زن کسی که مال گرد آورد و آن را شمارش کرد.

۴- تحریم احتکار و انبارکرن کالا: چهارمین اصل مفسده زدایی که باعث رشد تجارت و فعالیت های تجارتي از دیدگاه اقتصاد اسلامی می گردد، دوری جستن از احتکار و انبار کردن کالا است. زیرا احتکار در حقیقت جلوگیری از قانون طبیعی عرضه و تقاضا جهت به دست آوردن فایده ی بیشتر است، احتکار پیامدهای منفی بر سکتور های تجارتي وارد می کند که سبب کم یابی تصنعی امتعه و کالا، بلند رفتن قیمت کالا و اجناس در بازارهای مالی و تورم پولی در کشور ها میگردد، بنابر این نظام اقتصادی اسلام از احتکار و انبار کردن کالا به خاطر جلوگیری از پیامد های شوم آن روی بازارهای مالی منع نموده است (بغدادی، ۱۹۹۰: ۱۱۴). رسول الله - صلی الله علیه وسلم - میفرماید: « لَا يَحْتَكِرُ إِلَّا خَاطِيٌّ » (نیشاپوری، ۱۳۹۲: ۱۲۲۷). جزء انسانها خطاکار کس دیگری احتکار و ذخیر اندوزی نمیکند.

۵- سازگاری مبادی اقتصاد فعالیت‌ها اسلامی با پیشرفت‌های معاصر: پنجمین اصل مفسده‌زدایی که باعث پیشرفت‌های تجارتي و فعالیت‌های اقتصادی می‌گردد، هماهنگ بودن مبادی اقتصاد اسلامی با پیشرفت‌های هر عصر و زمان است، با وجودیکه نظام اقتصادی اسلام در باب تعاملات مالی و فعالیت‌های اقتصادی عموماً بر اصول ثابت استوار است، اما به خاطر مماشات و سازگاری با پیشرفت‌های در هر زمان و مکان و پاسخگویی نیازهای تمام اعصار با در نظر داشت اصول ثابت، احداث، نوازل و متغیرات را می‌پذیرد، این خود بیانگر وسعت دایره اقتصاد اسلامی و سازگاری آن با تقدم و پیشرفت در هر عصر و زمان است، مشهورترین مثال‌های آن عقود مضاربه، مشارکه و مرابحه معاصر در بانکداری‌های اسلامی معاصر است (صاوی، ۱۹۹۶: ۱۷). زیرا اسلام دین کامل و شامل برنامه‌ی حیات برای تمام جوانب زندگی بشر از جمله اقتصاد است. خداوند می‌فرماید: {الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا} (مائد: ۳).

امروزه دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خداپسند برای شما برگزیدم.

دوم - عنصر منابع بشری:



دومین عنصر فعال و نقش‌آفرین در عرصه‌ی تجارت و فعالیت‌های اقتصادی از دیدگاه اقتصاد اسلامی عنصر منابع بشری و نیروی‌کار است، زیرا تمام عناصر مادی و معنوی دیگر بر محوریت همین عنصری می‌چرخد، اگر عنصر نیروی کار و منابع بشری وجود نداشته باشد، قطعاً پروسه‌ی تولید، توریید، تصدیر و تجارت متوقف خواهد شد، و بدون موجودیت عنصر نیروی کار نه تولید به وجود می‌آید، نه واسطه‌ی نقلیه به حرکت می‌آید، نه عاقدان، نه دکان و مغازه، نه مستهلک و مستمر وجود خواهد داشت، در نتیجه گفته می‌توانیم تمام فعالیت‌های تجارتي از قبیل تولید، خدمات ... وابسته به نیروی کار و منابع بشری است.

امروز خوشبختانه جهان اسلام از نیروی بشری عظیم برخوردار است، این نیروی کار و منابع بشری تقریباً نزدیک به دو میلیارد انسان در این نقشه‌ی زیبای جهان مسکن‌گزین بوده و حیات خویش را با فراز و نشیب‌ها به پیش می‌برند.

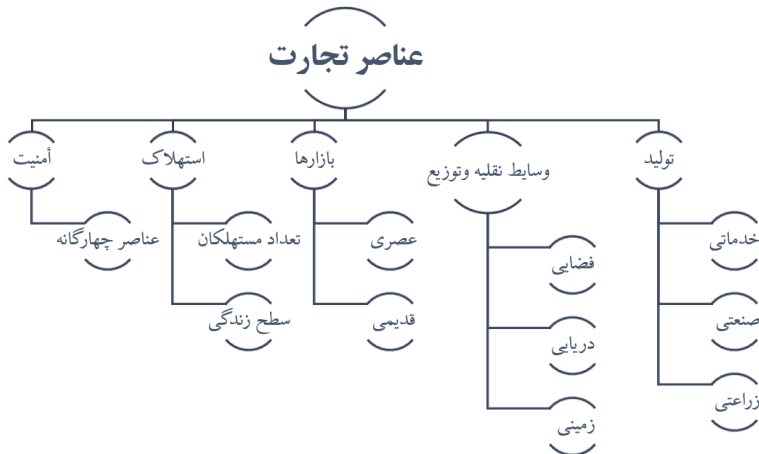
در کشورهای آسیایی حدود ۱/۴ میلیارد انسان، در کشورهای افریقایى حدود ۵۸۱ میلیون انسان و در کشورهای اروپایی حدود ۰/۵۶ انسان زندگی میکنند، و طبق گزارش مرکز تحقیقات (بیو) امریکا، امکان دارد تا سال ۲۰۶۰ تعداد مسلمان به سه می‌لیارد انسان برسد، و تحقیقات نشان می‌دهد حد اوسط عمر در کشورهای اسلامی حدود (۲۳) سال است، به این مفهوم که اکثریت مطلق اتباع کشورهای اسلامی را جوانان تشکیل می‌دهد، و این نسل جوان قوه‌ی بزرگ محرک برای تجارت و فعالیت‌های اقتصادی در جهان است، و برامت اسلامی واجب است که این قشر جوان را برای مصالح و مفاد تجارت و اقتصاد اسلامی با یک استراتژی‌ی طویل‌المدت توظیف نمایند، تا در نتیجه این پلان دراز مدت ارزش کار و فعالیت، شوق و رغبت برای خود کفایی، پایان دادن به بی‌کاری و تقدم و پیشرفت اقتصادی در سطح جهان بر ملا گردد.

ولی با وجود این امکانات بشری بزرگ در کشورهای اسلامی متأسفانه هنوز هم توسعه و پیشرفت‌های اقتصادی قابل ملاحظه‌ی برای مسلمانان مساعد نیست، امروز بیشتر از ۳۲۲ میلیون مسلمان از فقر رنج می‌برند، نسبت بی‌سوادى در کشورهای اسلامی در بین زنان حدود ۶۵٪ درصد، و در بین مردان حدود ۴۰٪ بالغ می‌گردد و حدود بیشتر از ۴۰ میلیون مسلمان از جمله بی‌جاشدگان و پناهندگان استند.

قرآن کریم روی این عنصر تاکید نموده انسان را به عنوان عنصر فعال و سازنده‌ی منابع بشری و نیروی کار برای آبادانی زمین از طریق ساختمان سازی، زراعت و مالدارى، اقتصاد و تجارت و صنعت و حرفه‌های مختلف معرفی نموده است. *اللّٰه سبّحانه و تعالی می فرماید: { هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا } (هود: ۶۱).*

او است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است .

سوم - عناصر مادی



عناصر مادی به مثابه‌ی ستون فقرات تجارت را تشکیل می‌دهد، در وراء این عناصر تجارت غیر ممکن، مواجه به رکود بوده و به یک‌بارگی متوقف می‌گردد، این عناصر عبارتند از:

۱- تولیدات: نخستین عنصر مادیکه سبب ادامه‌ی تجارت و رشد فعالیتهای تجارتي میگردد تولید کالای تجارتي است، فرق نمی‌کند کدام نوع تولیدات باشد، تولیدات زارعتی از قبیل برنج، گندم، آرد، لبنیات، میوه جات، لحمیات و یا تولیدات صنعتی از قبیل وسایط نقلیه، منسوجات، وسائل الکترونیک، یا مواد تعمیرات یا تولیدات دستی از قبیل قالین، خامک و یخن، پس تولیدات هسته‌ی اصلی تجارت است. قرآن کریم از انواع مختلف تولیدات به عنوان مهم‌ترین عنصر تجارت پرده برداشته است.

الف - تولیدات زارعتی: قرآن کریم تولیدات زارعتی را مطرح نموده و بشر را برای مدیریت درست آن فرا می‌خواند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: { وَالْأَرْضُ وَصَعَهَا لِلْأَنْعَامِ فِيهَا فَاكِهِةٌ وَالتَّحُلُّ ذَاتُ الْأَكْمَامِ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ } (۱۰-۱۱). خداوند زمین را برای انسانها آفریده است، در زمین میوه‌های فراوان، و از جمله خرما است که دارای غلاف است، و گیاهان خوشبو وجود دارد، و هم چنین دانه‌های است که در میان پوسته قرار دارند.

ب - تولیدات صنعتی: قرآن کریم تولیدات صنعتی را مطرح نموده و بشر را برای ایجاد تولیدات صنعتی فرا می‌خواند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: { وَاللَّيْلُ لَهَا الْحَدِيدُ، أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ } (۱۰-۱۱).

و آهن را برای او نرم کردیم. (و به داود گفتیم): زره‌های کامل و فراخ بساز، و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب بساز.

۵ - منابع و فرصت‌های تولیدی: قرآن کریم به منابع تولیدی و فرصت‌های تولیدی اشاره می‌نماید، در حقیقت بشر را متوجه می‌سازد که این کوه‌های سر به فلک منابع بزرگ تولیدی هستند، خداوند سبحان تمام نیازها و خواسته‌های بشر را در دل کوه‌ها پنهان نموده است، بشر می‌تواند در دراز مدت به طور فنی و مسلکی آن‌ها را استخراج نموده مایحتاج خود را به دست بیاورد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: { وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِي مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سِوَاءَ لِلنَّاسِ لِيَوْمٍ } (فصلت: ۱۰). و گردانید در زمین کوه‌های استوار و انواع برکات و منابع بسیار در آن قرار داد و ارزاق اهل زمین را در چهار روز مقدر فرمود و کامل گردانید برای خواهندگان.

بر اساس همین سنت الهی همه‌ی من و شما شاهد هستیم و می‌بینیم که خداوند برای رفع نیازها و خواسته‌های بشر در کشورها و قاره‌های مختلف انواع معادن، اراضی صالح‌الزراعه، اشجار مثمر و غیر مثمر، ابحار و چشمه‌ها را قرار داده است، در یک کشور معدن طلا، در کشور دیگر معدن نقره، در کشور دیگری معدن نفت و گاز، در کشور دیگری معدن لاجورد، زمرد، فروزه، یخک و انواع احجار کریمه، و در کشور دیگری معدن نمک، مس و آهن و در کشور دیگر زمین‌های صالح‌الزراعه، اشجار مثمر و غیر مثمر و ابحار بزرگ و کوچک را قرار داده است، این همه منابع بزرگ در آمد برای بشر و ارزاق اهل زمین است.

۲ - وسایط نقلیه و توزیع: دومین عنصر مادی که سبب ادامه‌ی تجارت و رونق بیشتر فعالیت‌های تجارتي می‌گردد موجودیت وسائل حمل و نقل و توزیع کالای تجارتي است، تا بوسیله‌ی این وسایط نقلیه شرکت‌ها و تاجران امته، کالا و مواد تجارتي را از مکان تولید بارگیری به بازارهای داخلی و خارجی انتقال

داده و در میان مصرف‌کنندگان توزیع و به فروش رسانند، این وسائل حمل و نقل و ترانسپورت گاهی به شکل ترانسپورت زمینی می‌باشد مانند: متوترهای باربری، وگاهی به‌شکل ترانسپورت بحری می‌باشد مانند: کشتی‌های تجارتي، و گاهی به‌شکل ترانسپورت هوایی می‌باشد مانند: هواپیما، بدون تردید ترانسپورت نقش عظیمی در تجارت‌های داخلی و بین‌المللی نقش عمده دارد، وبدون استفاده از وسایط نقلیه، یک عنصر تجارت ناقص و غیر فعال خواهد بود.

قرآن کریم هم به وسایط نقلیه به شکل ابتدای و مدرن به عنوان یک عنصر مهم تجارتي اشاره نموده است. چنانچه در این گفته خداوند تجلی یافت هکه می‌فرماید: { وَ الْخَيْلِ وَ الْبِغَالِ وَ الْحَمِيرِ لَتَرْكَبُوها وَ زِينَةٌ وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ } (نحل: ۸).

اسب‌ها و قاطرها و الاغ‌ها را تا بر آن‌ها سوار شوید و زینتی باشند چیزهایی را (برای حمل و نقل و طی مسافتات) می‌آفریند که (شما هم اینک چیزی از آنها) نمی‌دانید.

منظور از این بخش آیه «وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» ماشین‌ها، هواپیماها، سفینه‌های فضائی، قطارها و دیگر وسائل و مرکب‌های سریع‌السیر است که مولود استعدادی است که الله به انسان‌ها داده است، و در انتقال امتعه و کالای تجارتي در سطح ملی و بین‌المللی نقش بسیار مهم دارند.

۳- بازارها: سومین عنصر مادی که سبب بقای تجارت و گسترش فعالیت‌های تجارتي و اقتصادی می‌گردد موجودیت بازارهای منظم داخلی و خارجی برای عرضه‌ی کالا و خدمات است، تا از طریق همین بازارها عملیه‌ی تبادلیه‌ی کالای تجارتي صورت گیرد، و بدو موجودیت بازار خرید و فروش، صادرات و واردات ممکن و میسر نیست، این بازارها گاهی از طریق مکان معین با اشغال قسمت از زمین راه اندازی می‌شود و گاهی از طریق فضای مجازی و بازارهای دیجیتالی راه اندازی می‌شود.

قرآن کریم هم در موارد متعددی از بازارها به عنوان یک عنصر مهم تجارت پرده برداشته است، خداوند می‌فرماید: { وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ } (فرقان: ۷). می‌گویند: این چه پیغمبری است؟! او غذا می‌خورد، و در بازارها راه می‌رود، (نه شیوه‌ی فرشتگان دارد، و نه روش شاهان. او امتیازی بر دیگران ندارد. چرا که همچون افراد عادی نیاز به تغذیه دارد، و در بازارها برای کسب و تجارت و خرید نیازمندی‌های خود رفت و آمد می‌کند).

وهم‌چنان به اصطلاحات بزرگی در عرصه‌ی پیمانانه و ترازو به عنوان وسیله‌های مهم خرید و فروش در بازار دذذها تجارتي دستور داده است. چنانچه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: { وَ يُؤْتِي الْمِطْفَفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوا يُخْسِرُونَ } (۱-۳).

وای به حال کاهندگان کسانی که وقتی برای خود پیمانانه می‌نمایند (یا وزن و مترای می‌کنند) به تمام و کمال و افزون بر اندازه لازم دریافت می‌دارند. و هنگامی که برای دیگران می‌پیمایند یا وزن می‌کنند از اندازه لازم می‌کاهند.

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هم نظر به اهمیت عنصر بازار در فعالیت‌های اقتصادی بعد از تأسیس دولت اسلامی در مدینه عجلتاً بازار مدینه را ایجاد کردند و اصطلاحات بزرگ اقتصادی را به رانداختند، امروز متون کتب حدیثی مملو از بیوع ممنوع است مانند بیع غرر، عینه، نجش... و همواره از تجارت و معاملات مالی مردم در این بازار نظارت داشته‌اند، ابوهریره - رضی الله عنه - می‌گوید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ عَلَى صُبْرَةِ طَعَامٍ، فَأَذْخَلَ يَدَهُ فِيهَا، فَنَالَتْ أَصَابِعُهُ بَلَلًا، فَقَالَ: مَا هَذَا يَا صَاحِبَ

الطَّعَامُ؟» قَالَ: أَصَابَتْهُ السَّمَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «أَفَلَا جَعَلْتَهُ فَوْقَ الطَّعَامِ حَتَّى يَرَاهُ النَّاسُ، مَنْ عَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا» (نیشاپوری، ۱۳۹۲: ۱۰۹). رسول الله علیه وسلم از کنار توده‌ای طعامی گذشت و دست اش را در آن فرو برد و انگشتان ش کمی تر شد، فرمودند: «ای صاحب طعام! این چیست؟» گفت: ای رسول خدا! باران بر آن باریده، فرمودند: «چرا آن قسمت تر را بالای طعام قرار نداده‌ای تا مردم ببینند؟ کسی که نسبت به ما حيله و فریب کند، از ما نیست!».

۴- مصرف کنندگان: چهارمین عنصر مهم در عرصه‌ی شگوفایی تجارت و رشد فعالیت‌های تجارتي موجودیت مستهلک است، زیرا همین مصرف کنندگان به اثر تقاضاها، خواسته و نیازهای شان زمینه‌ی تولید را مساعد، بازارها را رونق و زمینه‌های توزیع کالا را در میان مستهلکان مساعد می‌سازند، هرگاه این مصرف کنندگان و مستهلکان به عنوان تقاضاکنندگان منابع تولیدی مختلف زراعتی، صنعتی و تکنالوژیکی نتوانند به اثرخواسته‌ها و نیازهای شان زمینه‌ی تقاضا را در بازارها بلند ببرند، طبیعی است که توازن عرضه و تقاضا در بازارها از بین می‌رود، و ادامه‌ی چنین وضعیت به گونه‌ی تدریجی منجر به توقف تولیدات، بسته شدن بازارها و عدم بارگیری کالا و توزیع آن در میان مصرف کنندگان می‌گردد، این امر در واقع آغاز یک فاجعه بزرگ تجارتي است که در دراز مدت بحران‌های کلان اقتصادی را رقم می‌زند.

از همین رو قرآن کریم مصرف کننده را به عنوان یک عنصر مهم در فعالیت‌های تجارتي به رسمیت شناخته است، و در آیات متعددی انسان‌ها را بر استهلاک و مصرف کردن داده‌های خویش به گونه‌ی مستقیم و یا از طریق تولیدات زراعتی، صنعتی و حرفوی دستور داده است: {كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ} (اعراف: ۱۶۰).

از چیزهای پاکي بخورید که روزي شما کرده ایم.

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - مستهلکان را به مصرف عادلانه کالا تشویق می‌کند، زیرا چرخه‌ی تجارت به دستان با برکت مصرف کنندگان است. میفرماید: {كُلُوا وَاشْرَبُوا وَالْبَسُوا وَتَصَدَّقُوا فِي غَيْرِ سَرَفٍ وَلَا مَخِيلَةٍ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ} (نیشاپوری، ۱۴۱۱: ۱۵۰). بخورید، بنوشید، بپوشید، اما از روی اسراف و تکبر نباشد، بدون شک وقتی خداوند به بنده اش نعمتی عطا فرماید، دوست دارد اثر آن نعمت را بر بنده اش ببیند.

نظام اقتصادی اسلام مصرف کننده را بلا قید و شرط به استفاده از کالا ترغیب و تشویق می‌کند، اما به خاطر جلوگیری از مصرف‌های بی رویه، و بحران‌ها همواره بر حذر داشته و بر حفظ توازن بین تولید و مصرف و عرضه و تقاضا تاکید می‌کند: {وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا} (اعراف: ۳۱). بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.

قرآن کریم آنقدر دقیق موضوع را پی‌گیری می‌نماید که در یک آیت مصرف و صرفه جوی را مطرح مینماید، در جزء اول آیت به عنصر مصرف، استهلاک، خواسته‌ها و نیازهای بشر اشاره دارد، تا از انواع خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها در حد نیاز استفاده نمایند و مصرف کنند، اما در بخش دوم آیت از مصرف بی رویه، ولخرجی، خواسته‌ها و تقاضا‌های بیش از حد و بحرانا باز داشته، و بر حفظ توازن میان عرضه و تقاضا تاکید دارد، زیرا پیام قرآن عام است، چنین نه گفته: - ولا تسرفوا فیهما - تنها در خورد و نوش اسراف نکنید، بل که مطلق فرموده است «لا تسرفوا - در هیچ چیز اسراف نکنید».

قرآن کریم در آیات متعددی بر این اصل تاکید دارد و بشر را همواره به رعایت اصل اعتدال و میانه

روی در امر مصرف و استهلاک کالا و پر هیز از اسراف و زیاده‌روی در کلیه شئون زندگی دستور میدهد: {وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا} (فرقان: ۶۷).

و کسانی اند که چون اتفاق کنند، نه ولخرجی میکنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو روش حد وسط را بر می‌گزینند.

همان گونه‌ی که یوسف علیه السلام بحران عرضه، تقاضا، تولید و مصرف را در سر زمین مصر مدیریت نموده و ملت مصر را از یک بحران کلان اقتصادی نجات داده اند: { قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ } (یوسف: ۴۷). گفت: هفت سال بیای پی کشت کنید و آنچه را که درو نمودید جز اندکی که می‌خورید در خوشه‌ی خود نگاه دارید.

۵- امنیت: چهارمین عنصر سازنده و فعال در عرصه‌ی تداوم تجارت و فعالیت های تجارتی تامین امنیت تولیدکنندگان، مصرف کنندگان و سکتورهای ترانسپورتی است، تا هریک از تولید کنندگان، تاجران، مستهلکان، سکتورهای ترانسپورتی و بازارها بتوانند در زیر سایه‌ی امنیت فعالیت های تجارتی و اقتصادی خویش را به وجه احسن به پیش ببرند، اما در نبود امنیت تمام ساختارها فوق فلج و متوقف میشوند، در قدم اول فابریکه های تولید کار و فعالیت های تولیدی خود را متوقف می سازند، همانگونه‌ی که تبعات بارز عدم امنیت در چهل سال اخیر در کشور ما ملموس است. ده ها فابریکه تولیدی که چهل سال قبل از امروز فعال بودند در اثر نا امنی ها از فعالیت به طور کلی یا قسمی باز مانده اند، مانند فابریکه نساجی گلبهار، سمنت گلبهار در ولایت کاپیسا، فابریکه جنگلک و سیلو مرکز در کابل و... وقتی که تولید به عنوان منبع تجارت متوقف شود بالتبع بازارها، شرکت های ترانسپورتی متوقف می گردند و در نتیجه بسیار از مردم شغل و کار خود را از دست می دهند.

چنانچه الله سبحانه و تعالی بر نقش امنیت در تأمین تجارت تاکید نموده مردم قریش را مورد احسان خویش قرار داده می فرماید اگر قریشی ها به خاطر هیچ نعمتی دیگر خدا را پرستش نکنند دست کم به خاطر همین یک نعمت بزرگ انس والفت ایشان به کوچ تجارتی تابستانی و زمستانی بر امن و امان توأم با تعظیم واحترام مردم در حق ایشان می باید حق شناس باشند و خدا را پرستش کنند. میفرماید: { لِإِيْلَافِ قُرَيْشٍ إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ } (قریش: ۱-۴). به خاطر انس و الفت قریش. به خاطر انس و الفت ایشان به کوچ زمستانه و تابستانه بایستی صاحب این خانه را پرستند (که این امن و امنیت را در طول راه و در شهرها و کشورهای پر از کشمکش و ستم و جنگ و غارت، برای ایشان فراهم آورده است). خداوندگاری که از گرسنگی ایشان را رهانیده است و خوراکیشان داده است، و آنان را از خوف و هراس (راهزنان قبائل در راه ها، و ستمگران و قلدران در شهرها و کشورها، رهایی بخشیده است و) ایمن ساخته است.

نتیجه گیری

آنچه از خلال تحقیق دریافتیم این است که نقش تجارت در حیات امت اسلامی به مثابه‌ی نقش خون در پیکر انسان است، تجارت عبارت از خرید و فروش کالا و خدمات به مقصد فایده است. تجارت بر مبنای عناصر معنوی، بشری و مادی استوار است، تجارت از نظر اقتصاد اسلامی ارزش محور و مفسده زدا است، تجارت و عناصر آن نقش اساسی روی روند فعالیت های تجارت دارد، تجارت و عناصر سه گانه‌ی آن نقش

سازنده در راستای رشد و توسعه‌ی اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی دارد، از نظر اقتصاد اسلامی نقش عنصر معنوی و بشری به مراتب مهم‌تر از عنصر مادی در عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی است، قرآن کریم وسنت تمام تجارت و عناصر آن را به گونه‌ی صریح و ضمنی تحت پوشش قرار داده است.

پیشنهادها

برای خوانندگان، تجار و دولت‌مردان پیشنهاد می‌نمایم:

- ۱- تجارت سبب خودکفایی، استقرار و استحکام جامعه گردد باید دولت‌مردان در نهادینه ساختن تجارت در سطح ملی و بین‌المللی گام‌های استوار بردارند.
- ۲- تجارت‌تأمین‌کننده‌ی روابط بین‌کشورها است باید دولت‌مردان از طریق فعال ساختن دهلیزهای هوای وزمین رابطه تجارتي و سياسي خویش را با جهان و بخصوص کشور‌های همسایه تأمین کنند.
- ۳- برای پیشرفت واقعی تجارت باید عناصر مادی، معنوی و بشری به کار انداخته شود.

منابع

قرآنکریم.

- ابن خلدون، عبد الرحمن ابن محمد. (۱۴۰۸هـ) مقدمه ی ابن خلدون. بیروت: دار الفکر.
- اصفهانی، الحسن بن معروف. (۱۴۱۲هـ). مفردات ألفاظ القرآن الکریم. دمشق: دار القلم.
- بخاری، محمد بن إسماعیل. (۱۴۰۷هـ). صحیح البخاری. بیروت: دار ابن کثیر.
- بغدادی، عبدالله بن محمد. (۱۴۱۹هـ). إصلاح المال. بیروت: مؤسسة الکتب الثقافية.
- جرجانی، علی بن محمد. (۱۴۰۳هـ). کتاب التعریفات. بیروت: دار الکتب العلمیة .
- رازی، أحمد بن فارس. (۱۴۱۱هـ). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الجیل .
- زیبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴هـ) تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
- زیدان، عبدالباقی. (۱۹۷۸م). العمل والعمال والمهن فی الاسلام. قاهره: مكتبة وهبه.
- سیدعمر، یحیی (۱۴۴۵). التضخم وسعر الفائده والربا. مكتبة الاسرة العربیة.
- الصاوی، محمد صلاح. (۱۹۹۸م). مشكلة الإستثمار فی البنوك الإسلامیة، بیروت: دارالوفاء.
- عمر، أحمد مختار. (۱۴۲۹هـ). معجم اللغة العربیة المعاصرة. بیروت: عالم الکتب .
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۶هـ). القاموس المحیط. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مرسی، علی بن إسماعیل. (۱۴۱۷هـ). المخصص. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نیسابوری، مسلم بن الحجاج. (۱۳۹۲). صحیح المسلم. بیروت: دار احیاء التراث العربی .
- نیسابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱) المستدرک. بیروت: دار الکتب العلمیة.



نقش دستور زبان عربی در فهم قرآن و سنت

پوهندوی جار الله بهروز

دیپارتمنت عربی، پوهنځی ادبیات و علوم بشری، پوهنتون بدخشان

jarullahbehrooz8@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0002-3911-6708>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

این مقاله به بررسی نقش دستور زبان عربی در فهم متون اسلامی، به ویژه قرآن و سنت، پرداخته است. هدف اصلی تحقیق، شناسایی چالش‌های یادگیری دستور زبان عربی و ارائه استراتژی‌های آموزشی مؤثر برای بهبود فرآیند یادگیری است. این مطالعه از روش‌های کیفی و تحلیلی بهره می‌برد و با استفاده از منابع معتبر و تحلیل متون اصلی، به بررسی موضوع پرداخته است. پرسش‌های تحقیق شامل تأثیر دستور زبان عربی بر فهم صحیح قرآن و سنت، چالش‌های یادگیری دستور زبان عربی، استراتژی‌های آموزشی مؤثر، و نقش فناوری در آموزش دستور زبان عربی می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که فهم دقیق قواعد دستور زبان و نحو عربی برای تفسیر صحیح آیات قرآن و سنت ضروری می‌باشد. چالش‌های یادگیری شامل پیچیدگی قواعد، کمبود منابع آموزشی مناسب، و عدم دسترسی به استادان مجرب است. استراتژی‌های آموزشی مؤثر شامل استفاده از مثال‌های عملی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند نرم‌افزارهای آموزشی و پلتفرم‌های آنلاین، و ایجاد محیط‌های تعاملی آموزشی می‌باشد. فناوری نقش مهمی در تسهیل فرآیند یادگیری دارد و می‌تواند ابزارهای مفیدی برای دانشجویان و استادان فراهم کند. این مقاله با ارائه پیشنهادات عملی برای بهبود آموزش دستور زبان عربی، می‌تواند به توسعه روش‌های آموزشی مؤثر و بهبود فهم متون اسلامی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: آموزش دستور زبان عربی و چالش‌های یادگیری، استراتژی‌های آموزشی، سنت، قرآن، نقش فناوری.

The Role of Arabic Grammar in Understanding the Qur'an and Sunnah

Author
Email
Orcid

Jarullah Behrooz
Badakhshan University
jarullahbehrooz8@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0002-3911-6708>

Abstract

This article examines the role of Arabic grammar in comprehending Islamic texts, particularly the Qur'an and Sunnah. The primary aim of this research is to identify the challenges associated with learning Arabic grammar and to propose effective educational strategies for improving the learning process. The study employs qualitative and analytical methods, utilizing credible sources and analyzing primary texts to explore the topic. The research questions include the impact of Arabic grammar on the correct understanding of the Qur'an and Sunnah, the challenges of learning Arabic grammar, effective teaching strategies, and the role of technology in grammar instruction. The results indicate that a precise understanding of Arabic grammar and syntax is essential for the correct interpretation of the Qur'anic verses and the Sunnah. Learning challenges include the complexity of grammar rules, a lack of appropriate educational resources, and limited access to experienced teachers. Effective teaching strategies involve the use of practical examples, the incorporation of modern technologies such as educational software and online platforms, and the creation of interactive learning environments. Technology plays a crucial role in facilitating the learning process and can provide valuable tools for both students and instructors. This article offers practical suggestions for improving Arabic grammar instruction, contributing to the development of effective teaching methods and enhancing the understanding of Islamic texts.

Keywords: Qur'an, Sunnah, Arabic Grammar Education, Learning Challenges, Educational Strategies, Role of Technology.

مقدمه

نصوص شرعی، از جمله قرآن کریم و سنت، همواره به عنوان منابع اصلی و معتبر در دین اسلام شناخته می‌شوند. فهم صحیح این متون، نیازمند دانش عمیق و دقیق از زبان عربی و قواعد دستوری آن است. دستور زبان عربی، به عنوان یکی از کلیدی‌ترین عوامل در تفسیر و فهم نصوص شرعی، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. این مقاله به بررسی نقش دستور زبان در فهم نصوص شرعی می‌پردازد و اهمیت این موضوع را در تفسیر صحیح و دقیق این متون مورد بحث قرار می‌دهد.

نصوص شرعی، از جمله قرآن و سنت، نه تنها به عنوان منابع دینی بلکه به عنوان آثار ادبی و زبانی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. فهم دقیق و صحیح این متون، نیازمند دانش گسترده‌ای از زبان عربی و قواعد دستوری آن است. دستور زبان عربی، با توجه به ساختار پیچیده و دقیق خود، نقش اساسی در تفسیر و فهم معانی عمیق این متون دارد.

تبیین مسأله

یکی از چالش‌های اساسی در فهم نصوص شرعی، دانش ناکافی از قواعد دستوری زبان عربی است. بدون داشتن دانش کافی از دستور زبان، ممکن است معانی اصلی و دقیق این متون نادیده گرفته شود یا به اشتباه تفسیر شود. این مسئله می‌تواند منجر به سوء تفاهم‌ها و تفسیرهای نادرست از نصوص شرعی گردد.

پرسش‌های تحقیق

- ۱- دستور زبان عربی چه نقشی در فهم نصوص شرعی دارد؟
- ۲- کدام قواعد دستوری بیشترین تأثیر را در تفسیر نصوص شرعی دارند؟
- ۳- چگونه می‌توان دانش دستوری را بهبود بخشید تا فهم نصوص شرعی دقیق‌تر شود؟

اهداف تحقیق

- هدف اصلی این مقاله بررسی نقش دستور زبان در فهم نصوص شرعی است. اهداف جزئی‌تر عبارتند از:
- ۱- بررسی قواعد دستوری مهم: بررسی قواعد دستوری که در فهم نصوص شرعی نقش اساسی دارند.
 - ۲- ارائه مثال‌های کاربردی: ارائه مثال‌هایی از نصوص شرعی که فهم صحیح آن‌ها وابسته به دانش دستوری است.
 - ۳- پیشنهاد راهکارهای آموزشی: ارائه راهکارهای مؤثر برای آموزش و یادگیری بهتر دستور

زبان عربی.

اهمیت تحقیق

اهمیت دستور زبان در فهم نصوص شرعی از چند جهت قابل بررسی است:

۱. حفظ معانی اصلی: دستور زبان به ما کمک می‌کند تا معانی اصلی و دقیق کلمات و جملات را دریابیم.
۲. پیشگیری از سوء تفاهم: با داشتن دانش کافی از دستور زبان، می‌توان از سوء تفاهم‌ها و تفسیرهای نادرست جلوگیری کرد.
۳. تفسیر صحیح: دستور زبان به عنوان ابزاری برای تفسیر صحیح و دقیق نصوص شرعی به کار می‌رود.

پیشینه‌ی تحقیق

مطالعات متعددی نشان داده‌اند که دانش دستوری نقش بسیار مهمی در تفسیر و فهم صحیح نصوص شرعی دارد. پژوهش‌های انجام شده توسط علمای زبان و مفسران، اهمیت دستور زبان را در تفسیر آیات قرآن و سنت نبوی تأیید کرده‌اند.

برای مثال، کتاب «النحو الوافی» نوشته عباس حسن (۱۹۶۰) یکی از منابع معتبر در زمینه دستور زبان عربی است که به تفصیل به بررسی قواعد دستوری پرداخته و تأثیر آن‌ها بر تفسیر نصوص شرعی را مورد بحث قرار داده است. همچنین، کتاب «مفاتیح الغیب» نوشته فخرالدین رازی (۱۲۱۰) به عنوان یکی از تفاسیر مهم قرآن، به بررسی نقش دستور زبان در فهم آیات قرآن پرداخته است.

در کتاب «الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون» نوشته السمین الحلبي (۲۰۰۴م)، نویسنده به بررسی دقیق قواعد دستوری و نقش آن‌ها در تفسیر قرآن پرداخته و نشان داده است که چگونه دانش دستوری می‌تواند به تفسیر صحیح و دقیق آیات کمک کند. همچنین، در کتاب «إعراب القرآن» نوشته زجاج (۲۰۰۰م)، تأثیر قواعد دستوری بر فهم صحیح آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.

این تحقیق با تحقیقات گذشته تفاوت‌های مهمی دارد که عبارتند از:

۱. رویکرد جامع‌تر: در حالی که تحقیقات گذشته بیشتر به بررسی قواعد دستوری و تأثیر آن‌ها بر تفسیر نصوص شرعی پرداخته‌اند، این تحقیق به صورت جامع‌تر و با رویکردی آموزشی به بررسی نقش دستور زبان در فهم نصوص شرعی می‌پردازد. این رویکرد جامع شامل بررسی قواعد دستوری، ارائه مثال‌های کاربردی و پیشنهاد راهکارهای آموزشی است.
۲. تمرکز بر آموزش: یکی از اهداف اصلی این تحقیق، ارائه راهکارهای مؤثر برای آموزش و یادگیری بهتر دستور زبان عربی است. در حالی که تحقیقات گذشته بیشتر به تحلیل و تفسیر پرداخته‌اند، این تحقیق تلاش می‌کند تا با ارائه راهکارهای آموزشی، به بهبود دانش دستوری خوانندگان کمک کند.
۳. مثال‌های کاربردی: این تحقیق با ارائه مثال‌های کاربردی از نصوص شرعی، تلاش می‌کند تا نقش دستور زبان در فهم این متون را به صورت عملی نشان دهد. این مثال‌ها به خوانندگان کمک می‌کنند تا تأثیر قواعد دستوری را در تفسیر و فهم متون به وضوح درک کنند.
۴. استفاده از منابع جدید: در این تحقیق از منابع جدید و به‌روز استفاده شده است که در تحقیقات گذشته مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. این منابع جدید به تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تر موضوع کمک می‌کنند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله کیفی و تحلیلی بوده و شامل مرور منابع ثانویه، تحلیل نصوص شرعی و بررسی مثال‌های کاربردی از آیات قرآن و سنت است. همچنین از منابع معتبر و علمی برای بررسی قواعد دستوری زبان عربی استفاده خواهد شد.

نتایج و یافته‌ها

مبانی دستور زبان عربی

دستور زبان عربی، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و پیچیده‌ترین نظام‌های دستوری در جهان، نقش بسیار مهمی در فهم و تفسیر نصوص شرعی دارد. مبانی دستور زبان عربی شامل قواعد و اصولی است که به تحلیل و تفسیر صحیح جملات و عبارات کمک می‌کنند. در این بخش به بررسی مبانی دستور زبان عربی با استفاده از منابع معتبر پرداخته می‌شود.

۱. نحو و صرف:

نحو و صرف دو شاخه اصلی دستور زبان عربی هستند. نحو به بررسی قواعد ترکیب کلمات و ساختار جملات می‌پردازد، در حالی که صرف به بررسی تغییرات شکل کلمات و ساختار داخلی آن‌ها می‌پردازد. در کتاب «الکافیة فی النحو» نوشته ابن حاجب (۱۲۳۱هـ.ق)، نویسنده به تفصیل به بررسی این دو شاخه و تفاوت‌های آن‌ها پرداخته است (صفحه ۷۰-۷۵).

این مبانی دستور زبان عربی، پایه و اساس فهم و تفسیر صحیح نصوص شرعی را تشکیل می‌دهند. با درک صحیح این مبانی، می‌توان به تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تری از نصوص شرعی پرداخت و به فهم عمیق‌تری از معانی آن‌ها دست یافت.

۲. اسم، فعل و حرف:

یکی از مبانی اصلی دستور زبان عربی، تقسیم کلمات به سه دسته اصلی یعنی اسم، فعل و حرف است. این تقسیم‌بندی اساسی به فهم ساختار جملات و نحوه ترکیب کلمات کمک می‌کند. به عنوان مثال، عباس حسن در کتاب «النحو الوافی» به تفصیل به بررسی این سه دسته و نقش هر یک در جمله پرداخته است (عباس حسن، ۱۹۶۰م: ۱۲-۱۵).

۳. اعراب:

اعراب یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد زبان عربی است که تغییرات انتهایی کلمات را نشان می‌دهد و نقش دستوری آن‌ها را در جمله مشخص می‌کند. در کتاب «جامع الدروس العربیة» نوشته مصطفی الغلابینی (۱۹۹۳)، نویسنده به بررسی قواعد اعراب و تأثیر آن‌ها بر فهم صحیح جملات پرداخته است (صفحه ۴۵-۵۰).

۴. جمله اسمیه و فعلیه:

جملات در زبان عربی به دو دسته اصلی جمله اسمیه و جمله فعلیه تقسیم می‌شوند. جمله اسمیه جملاتی هستند که با اسم آغاز می‌شوند و جمله فعلیه جملاتی هستند که با فعل آغاز می‌شوند. در کتاب «شرح ابن عقیل» نوشته بهاء‌الدین عبدالله بن عقیل (۱۳۷۰هـ.ق)، نویسنده به تفصیل به بررسی ساختار و ویژگی‌های این دو نوع جمله پرداخته است (صفحه ۲۵-۳۰).

۵. حروف جر:

حروف جر نقش مهمی در تعیین رابطه بین کلمات در جمله دارند. این حروف معمولاً قبل از اسامی می‌آیند و معنای جمله را تغییر می‌دهند. در کتاب «مغنی اللیب عن کتب الأعراب» نوشته ابن هشام (۱۳۵۹هـ.ق)، نویسنده به بررسی دقیق حروف جر و نقش آن‌ها در جمله پرداخته است (صفحه ۶۰-۶۵).

نقش دستور زبان عربی در فهم قرآن

دستور زبان عربی نقش بسیار مهم و حیاتی در فهم و تفسیر قرآن کریم دارد. بدون درک صحیح از قواعد دستوری و نحوی، تفسیر و ترجمه دقیق آیات قرآن امکان‌پذیر نیست. به گونه‌ای نمونه چند آیه از قرآن پاک را در این زمینه مثال می‌زنیم:

۱. تفسیر آیه «وَأَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰):

در تفسیر این آیه، برخی مفسران به جای توجه به مقام علم خداوند و مقایسه آن با علم مخلوقات، تنها به ترجمه تحت‌اللفظی بسنده کرده‌اند. اگر به ساختار نحوی دقت شود، مشخص می‌شود که «أَعْلَمُ» به معنای آگاهی مطلق و شمول بر علوم است، لذا برخی از تفاسیری که به اختصار اشاره به علم خداوند دارند، به عمق و دقت معنایی آن توجه نکرده‌اند.

۲. تفسیر آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰):

در این آیه، واژه «إِنَّمَا» نشان‌دهنده حصر است و به این معناست که تنها مؤمنان برادر هستند. بعضی از مفسران با عدم توجه به تأثیر واژه «إِنَّمَا» در زبان عربی، نتیجه‌گیری کرده‌اند که این آیه فقط بیانگر یک واقعیت عمومی درباره مؤمنان است و به عدم برادری باقی انسان‌ها اشاره ندارد. این عدم دقت در نحو می‌تواند به برداشت نادرستی از مفهوم برادری اسلامی منجر شود.

۳. آیه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ» (بقره: ۲):

بر اساس قواعد نحوی، تشخیص صحیح مبتدا و خبر در این آیه مهم است. برخی تفسیرها به این موضوع پرداخته‌اند که «ذَلِكَ» به کتاب اشاره می‌کند و این می‌تواند منجر به سوء فهم مفهوم «لَا رَيْبَ فِيهِ» شود. اگر به نحو به این مسئله دقت نشود، مفهوم اطمینان و یقین در مورد قرآن به درستی درک نمی‌شود.

۴. تفسیر آیه «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشرح: ۵):

برخی مفسران ممکن است به این نتیجه برسند که معنای این آیه به این صورت است که پس از دشواری‌ها، آسانی‌هایی وجود خواهد داشت. اما اگر به نحو دقت بیشتری شود، می‌توان فهمید که این آیه اشاره به ارتباط تنگاتنگ میان سختی و آسانی دارد و این دو به صورت همزمان وجود دارند. توجه به این رابطه به تفسیر عمیق‌تری منجر می‌شود.

این مثال‌ها نشان‌دهنده اهمیت آگاهی از قواعد دستوری عربی برای فهم صحیح قرآن هستند. تفسیر آیات بدون توجه به نحوه ترکیب واژگان و ساختارهای نحوی می‌تواند به برداشت‌های نادرست و ناقص منجر شود. البته باید یادآور شوم که مفسران بزرگ و دانشمندان دنیای اسلام از این موضوعات کاملاً آگاه بوده و مسئله را جدی گرفته‌اند، ولی شوربخانه، این مسائل در برخی تفاسیر دیده می‌شوند و برای فهم بهتر قرآن، تسلط بر قواعد نحوی ضروری است.

در این بخش، به بررسی نقش دستور زبان در فهم قرآن با استفاده از منابع معتبر پرداخته می‌شود.

۱. تفسیر نحوی:

تفاسیر نحوی به بررسی ساختار دستوری آیات قرآن می‌پردازند و نشان می‌دهند که چگونه ترتیب و ترکیب کلمات می‌تواند بر معنای آیات تأثیر بگذارد. یکی از منابع معتبر در این زمینه، کتاب «التفسیر الکبیر» نوشته فخرالدین رازی (۱۲۰۹هـ ق) است که در آن نویسنده به تحلیل نحوی آیات قرآن پرداخته است (جلد ۱، صفحه ۵۰-۵۵).

۲. اعراب قرآن:

اعراب قرآن به معنای تعیین نقش دستوری کلمات در آیات قرآن است. این موضوع به فهم دقیق‌تر معانی و تفسیر صحیح آیات کمک می‌کند. در کتاب «إعراب القرآن» نوشته زجاج (۹۲۲هـ ق)، نویسنده به بررسی دقیق اعراب آیات قرآن پرداخته است (جلد ۲، صفحه ۱۲۰-۱۲۵).

۳. ترکیب جملات:

ترکیب جملات در قرآن کریم به گونه‌ای است که نیاز به تحلیل دقیق دستوری دارد. به عنوان مثال، در کتاب «الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون» نوشته سَمین الحلبی (۱۳۷۳هـ ق)، نویسنده به بررسی ترکیب جملات و نقش دستوری هر کلمه در آیات قرآن پرداخته است (جلد ۳، صفحه ۲۳۰-۲۳۵).

۴. تأثیر حروف جر:

حروف جر در قرآن کریم نقش مهمی در تعیین رابطه بین کلمات و معانی مختلف دارند. در کتاب «مغنی اللیب عن کتب الأعراب» نوشته ابن هشام (۱۳۵۹هـ ق)، نویسنده به بررسی نقش حروف جر در آیات قرآن پرداخته است (صفحه ۹۰-۹۵).

۵. نحو و صرف در تفسیر قرآن:

نحو و صرف به عنوان دو شاخه اصلی دستور زبان عربی، در تفسیر قرآن نقش اساسی دارند. نحو به بررسی قواعد ترکیب کلمات و ساختار جملات می‌پردازد، در حالی که صرف به بررسی تغییرات شکل کلمات و ساختار داخلی آن‌ها می‌پردازد. در کتاب «الکافیة فی النحو» نوشته ابن حاجب (۱۲۳۱هـ ق)، نویسنده به تحلیل نقش نحو و صرف در فهم آیات قرآن پرداخته است (صفحه ۱۱۰-۱۱۵).

۶. تفسیر کلمات مبهم:

در برخی از آیات قرآن، ظاهراً کلمات و عبارات مبهمی وجود دارد که نیاز به تفسیر دقیق دستوری دارند. در کتاب «المفردات فی غریب القرآن» نوشته راغب اصفهانی (۱۱۰۸ هـ ق)، نویسنده به بررسی و تفسیر کلمات مبهم و نقش دستور زبان در فهم آن‌ها پرداخته است (صفحه ۱۴۰-۱۴۵).

نقش دستور زبان در فهم قرآن کریم بسیار مهم و اساسی است. با درک صحیح از قواعد دستوری و نحوی، می‌توان به تفسیر دقیق‌تر و جامع‌تری از آیات قرآن پرداخت و به فهم عمیق‌تری از معانی و مفاهیم آن‌ها دست یافت. منابع معتبر و کلاسیک در این زمینه، به تحلیل و تفسیر دقیق‌تر آیات قرآن کمک شایانی می‌کنند.

نقش دستور زبان در فهم حدیث

اهمیت دستور زبان در فهم احادیث

احادیث نبوی به عنوان یکی از منابع اصلی شریعت اسلامی، نیازمند فهم دقیق و صحیح هستند. قواعد دستور زبان عربی نقش بسیار مهمی در تفسیر و فهم این احادیث دارند. بدون درک صحیح از این قواعد، امکان برداشت نادرست و حتی تحریف معانی احادیث وجود دارد.

در کتاب «شرح صحیح مسلم» نوشته امام نووی (رحمه‌الله)، نویسنده به تحلیل نحوی و صرفی احادیث پرداخته و تأکید کرده است که فهم دقیق از احادیث نبوی نیازمند دانش عمیق در زمینه دستور زبان عربی است. اگرچه امام بخاری و امام مسلم در کتاب‌های «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» به طور مستقیم به مسائل نحوی و صرفی نپرداخته‌اند، اما اهمیت دستور زبان عربی برای فهم دقیق احادیث و متون اسلامی توسط بسیاری از شارحان و مفسران، از جمله امام نووی، مورد تأکید قرار گرفته است.

مثال‌های کاربردی

برای درک بهتر نقش دستور زبان در فهم احادیث، به چند مثال عملی از احادیث که فهم صحیح آن‌ها وابسته به قواعد دستوری است، اشاره می‌کنیم:

- حدیث: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»:

این حدیث به معنای «همانا اعمال به نیت‌ها بستگی دارند» است. در این حدیث، کلمه «إِنَّمَا» به عنوان حرف حصر و «الْأَعْمَالُ» به عنوان مبتدا آمده است. درک صحیح از این ترکیب دستوری به ما کمک می‌کند تا مفهوم حصر اعمال به نیت‌ها را به درستی درک کنیم. در کتاب «فتح الباری شرح صحیح البخاری» نوشته ابن حجر عسقلانی (۱۴۴۹ هـ ق)، نویسنده به تحلیل نحوی این حدیث پرداخته است (جلد ۱، صفحه ۱۰۰-۱۰۵).

- حدیث: «الدین النصیحة»:

این حدیث به معنای «دین، نصیحت است» می‌باشد. در این حدیث، کلمه «الدین» به عنوان مبتدا و «النصیحة» به عنوان خبر آمده است. درک صحیح از این ترکیب دستوری به ما کمک می‌کند تا مفهوم اهمیت نصیحت در دین را به درستی درک کنیم. در کتاب «شرح الأربعین النوویة» نوشته ابن رجب حنبلی (۱۳۹۳ هـ ق)، نویسنده به تحلیل نحوی این حدیث پرداخته است (صفحه ۵۰-۵۵).

نقش محدثان و علمای حدیث در تأکید بر اهمیت دستور زبان عربی در فهم قرآن و سنت

۱. تفسیر و شرح احادیث:
بسیاری از علمای حدیث به شرح و تفسیر احادیث پرداخته‌اند و در این فرآیند به نکات دقیق دستوری و لغوی توجه کرده‌اند. برای مثال:

- امام نووی در کتاب «شرح صحیح مسلم» به تفصیل به توضیح معانی لغات و ساختارهای نحوی پرداخته است تا فهم دقیق‌تری از احادیث ارائه دهد (النووی، ۱۹۸۷م، جلد ۱، ص. ۱۵-۲۰).

۲. تحقیق در علم رجال و اسناد:

در بررسی صحت احادیث، علمای حدیث به دقت به زبان و بیان راویان توجه کرده‌اند. برای مثال:

- ابن حجر عسقلانی در کتاب «تهذیب التهذیب» به بررسی دقیق احوال راویان و نحوه بیان آنها پرداخته است (ابن حجر العسقلانی، ۱۹۸۴م، جلد ۱، ص. ۳۵-۴۰).

۳. تأکید بر آموزش زبان عربی:

بسیاری از علمای حدیث بر اهمیت آموزش و یادگیری زبان عربی تأکید کرده‌اند. برای مثال:

- ابن تیمیه در کتاب «مقدمة فی أصول التفسیر» بر اهمیت یادگیری زبان عربی برای فهم دقیق قرآن و سنت تأکید کرده است (ابن تیمیه، ۱۹۹۳م، ص. ۵-۱۰).

۴. تدوین قواعد دستوری:

برخی از علمای حدیث و زبان‌شناسان اسلامی به تدوین قواعد دستوری و نحوی پرداخته‌اند. برای مثال:

- سیبویه در کتاب «الکتاب» که یکی از منابع اصلی در علم نحو است، به تفصیل قواعد دستوری و نحوی زبان عربی را شرح داده است (سیبویه، ۱۹۸۸م، جلد ۱، ص. ۲۵-۳۰).

۵. بررسی و تحلیل متون:

علمای حدیث با بررسی و تحلیل دقیق ساختارهای نحوی و لغوی متون قرآن و سنت، پرداخته‌اند. برای مثال:

- امام بخاری در کتاب «الجامع الصحیح» به دقت احادیث را جمع‌آوری و تحلیل کرده است (البخاری، ۱۹۹۲م، جلد ۱، ص. ۵۰-۵۵).

چالش‌ها و راهکارها

۱. چالش‌های یادگیری دستور زبان عربی

یادگیری دستور زبان عربی برای زبان‌آموزان و محققان با چالش‌های متعددی همراه است. برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

- پیچیدگی قواعد:

دستور زبان عربی به دلیل داشتن قواعد پیچیده و متنوع، از جمله قواعد نحوی و صرفی، یادگیری آن را دشوار می‌کند. به‌ویژه برای زبان‌آموزانی که زبان مادری‌شان با عربی تفاوت‌های زیادی دارد، این پیچیدگی‌ها می‌تواند چالش‌برانگیز باشد؛ مانند:

۱. حالت‌های اعراب: فعل، فاعل و مفعول در جمله باید به دقت شناسایی و علامت‌گذاری شوند. تغییر در ساختار باعث می‌شود که اعراب تغییر کند.

۲. استفاده از حروف شرط: نحوه به‌کارگیری حروف شرط (مانند «إِذَا») و ناسخ (همچون «فَإِنَّ»)

- و تأثیر آن‌ها بر روی جملات می‌تواند به سادگی نادیده گرفته شود.
۳. پیچیدگی در جملات شرطی: وجود دو جمله شرطی (حالت اول و حالت نتیجه) و هماهنگی بین آن‌ها می‌تواند درک جمله را دشوار کند.
۴. تغییرات در زمان فعل: در جملات شرطی، زمان فعل‌ها برای انتقال معنی دقیق بسیار مهم است و هر اشتباهی می‌تواند معنی جمله را به‌طور کلی تغییر دهد.

- تفاوت‌های لهجه‌ای:

وجود لهجه‌های مختلف در زبان عربی، از جمله عربی فصیح و لهجه‌های محلی، می‌تواند یادگیری دستور زبان را سخت‌تر کند. هر لهجه ممکن است قواعد خاص خود را داشته باشد که یادگیری آن‌ها نیازمند تلاش بیشتری است. مثلاً

- کمبود منابع آموزشی:

منابع آموزشی کافی و مناسب برای یادگیری دستور زبان عربی در بسیاری از مناطق و نه در تمام مناطق وجود ندارد. این کمبود منابع می‌تواند فرآیند یادگیری را کند و دشوار کند.

- مشکلات تلفظ:

برخی از صداها و حروف در زبان عربی برای غیرعرب‌زبانان دشوار است. این مشکلات تلفظی می‌تواند یادگیری قواعد دستوری را نیز تحت تأثیر قرار دهد. به‌گونه‌ی مثال محصلانی که از مکاتب دولتی پس از سپری نمودن آزمون کانکور شامل دیپارتمنت‌های عربی می‌شوند، حتی آشنایی با زبان عربی ندارند، ولی کتاب‌های مقرر درسی در این دیپارتمنت‌ها برای آنان قابل هضم نیست؛ زیرا به جای تدریس ابتدایی دستور زبان عربی، فلسفه قواعد از متون کلاسیک برای‌شان تدریس می‌گردد که این امر باعث دل‌سردی آنان شده و بر مشکلات می‌افزاید.

۲. راهکارهای آموزشی

برای مقابله با چالش‌های یادگیری دستور زبان عربی، می‌توان از راهکارهای زیر استفاده کرد:

- استفاده از منابع آموزشی معتبر:

انتخاب منابع آموزشی معتبر و جامع می‌تواند به زبان‌آموزان کمک کند تا به‌طور سیستماتیک و مؤثر قواعد دستوری را یاد بگیرند. کتاب‌هایی مانند «النحو الواضح» نوشته علی الجارم و مصطفی‌آمین و «شرح قطر الندی و بل الصدی» نوشته ابن هشام انصاری از جمله منابع معتبر هستند.

- آموزش تعاملی:

استفاده از روش‌های آموزش تعاملی، مانند کلاس‌های حضوری و آنلاین، می‌تواند به زبان‌آموزان کمک کند تا با تمرین و تعامل با استادان و هم‌صنفیان، قواعد دستوری را بهتر یاد بگیرند.

- تمرین مستمر:

تمرین مستمر و مداوم یکی از کلیدهای موفقیت در یادگیری دستور زبان عربی است. زبان‌آموزان باید با حل تمرین‌ها و مثال‌های متعدد، قواعد دستوری را به‌طور عملی بیاموزند.

- استفاده از منابع چندرسانه‌ای:

استفاده از منابع چندرسانه‌ای مانند ویدئوها، پادکست‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی می‌تواند به زبان‌آموزان کمک کند تا به‌طور جذاب‌تر و مؤثرتر قواعد دستوری را یاد بگیرند.

۳. نقش فناوری در آموزش دستور زبان

فناوری‌های نوین و ابزارهای دیجیتال نقش مهمی در بهبود فرایند آموزش دستور زبان عربی دارند. برخی از این نقش‌ها عبارتند از:

- نرم‌افزارهای آموزشی:

نرم‌افزارهای آموزشی مانند Duolingo، Stone Rosetta و Memrise با ارائه تمرین‌ها و درس‌های تعاملی، به زبان‌آموزان کمک می‌کنند تا به‌طور مؤثرتر قواعد دستوری را یاد بگیرند.

- پلتفرم‌های آنلاین:

پلتفرم‌های آنلاین مانند Coursera، edX و Udemy دوره‌های آموزشی متنوعی در زمینه زبان عربی ارائه می‌دهند که می‌تواند به زبان‌آموزان کمک کند تا به‌طور ساختاریافته و جامع قواعد دستوری را یاد بگیرند.

- ابزارهای تعاملی:

ابزارهای تعاملی مانند Quizlet و Kahoot با ارائه فلش کارت‌ها و آزمون‌های تعاملی، به زبان‌آموزان کمک می‌کنند تا به‌طور جذاب‌تر و مؤثرتر قواعد دستوری را یاد بگیرند.

- کتاب‌های الکترونیکی و منابع دیجیتال:

کتاب‌های الکترونیکی و منابع دیجیتال مانند PDF ها و فایل‌های صوتی می‌توانند به زبان‌آموزان کمک کنند تا به‌طور مستقل و در هر زمان و مکانی به یادگیری قواعد دستوری بپردازند.

در نتیجه، با استفاده از منابع آموزشی معتبر، روش‌های آموزش تعاملی، تمرین مستمر و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، می‌توان به‌طور مؤثرتر و جذاب‌تر قواعد دستور زبان عربی را یاد گرفت و چالش‌های موجود در این زمینه را کاهش داد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، به بررسی نقش حیاتی دستور زبان عربی در فهم نصوص شرعی پرداخته شد. ابتدا، اهمیت دستور زبان در تفسیر قرآن و سنت با استفاده از منابع معتبر و مثال‌های عملی توضیح داده شد. سپس، چالش‌های یادگیری دستور زبان عربی و راهکارهای آموزشی مؤثر برای غلبه بر این چالش‌ها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، نقش فناوری‌های نوین در بهبود فرایند آموزش دستور زبان عربی نیز مورد بحث قرار گرفت.

دستور زبان عربی نقش بسیار مهمی در فهم صحیح نصوص شرعی، از جمله قرآن و سنت، ایفا می‌کند. فهم دقیق قواعد نحوی و صرفی به مفسران و محققان کمک می‌کند تا معانی عمیق و دقیق آیات و احادیث را درک کنند. بدون تسلط بر دستور زبان، احتمال تفسیر نادرست و سوءتفاهم از نصوص شرعی افزایش می‌یابد. بنابراین، آموزش و یادگیری صحیح دستور زبان عربی برای هر کسی که به مطالعه و تفسیر متون اسلامی می‌پردازد، امری ضروری است.

پیشنهادها

برای بهبود آموزش و یادگیری دستور زبان عربی و تفسیر نصوص شرعی، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- توسعه منابع آموزشی جامع و معتبر:

تهیه و توسعه منابع آموزشی جامع، معتبر و به‌روز می‌تواند به زبان‌آموزان کمک کند تا به‌طور مؤثرتر قواعد دستوری را یاد بگیرند. این منابع باید شامل کتاب‌ها، مقالات، ویدئوها و نرم‌افزارهای آموزشی باشد.

- آموزش تعاملی و عملی:

استفاده از روش‌های آموزش تعاملی و عملی، مانند کلاس‌های حضوری و آنلاین، کارگاه‌ها و سمینارها، می‌تواند به زبان‌آموزان کمک کند تا با تمرین و تعامل با استادان و هم‌صنفیان، قواعد دستوری را بهتر یاد بگیرند.

- استفاده از فناوری‌های نوین:

بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و ابزارهای دیجیتال، مانند نرم‌افزارهای آموزشی، پلتفرم‌های آنلاین و ابزارهای تعاملی، می‌تواند فرآیند آموزش دستور زبان عربی را جذاب‌تر و مؤثرتر کند.

- تشویق به تمرین مستمر:

زبان‌آموزان باید به تمرین مستمر و مداوم تشویق شوند. حل تمرین‌ها و مثال‌های متعدد و استفاده از منابع چندرسانه‌ای می‌تواند به یادگیری بهتر و عمیق‌تر قواعد دستوری کمک کند.

- حمایت از پژوهش‌های علمی:

حمایت از پژوهش‌های علمی در زمینه دستور زبان عربی و تفسیر نصوص شرعی می‌تواند به توسعه دانش و ارائه راهکارهای نوین برای آموزش و یادگیری کمک کند.

منابع

- ابن تیمیة، أحمد بن عبد الحلیم (۱۹۹۸م). مجموع الفتاوی. جلد ۴، ص. ۱۵۰-۱۶۰. مكتبة ابن تیمیة.
ابن تیمیة، أحمد بن عبد الحلیم. (۱۹۹۳م). مقدمة في أصول التفسیر. دار ابن الجوزي.
ابن حاجب، عثمان بن عمر (۱۹۹۹م). شرح الشافیه. طبع دوم. بیروت: دار الکتب العلمیة.
ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علي (۲۰۰۱م). فتح الباری بشرح صحیح البخاری. جلد ۳، ص. ۲۰۰-۲۱۰. دار المعرفة.
ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علي. (۱۹۸۴م). تهذیب التهذیب. دار الفکر.
ابن هشام، جمال الدین (۲۰۰۴م). شرح قطر الندی وبل الصدی. طبع سوم. بیروت: دار الکتب العلمیة.
اسفهان‌ی، راغب (۲۰۰۷م). مفردات القرآن. طبع اول. بیروت: دار القلم.
بخاری، امام محمد بن اسماعیل (۱۹۹۷م). صحیح البخاری. طبع چهارم. ریاض: دار السلام.
بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۹۲م). الجامع الصحیح. جلد ۱، ص. ۵۰-۵۵. دار ابن کثیر.
حسن، عباس (۱۹۹۷م). النحو الوافی. طبع چهارم. القاهرة: دار المعارف.
رازی، فخر الدین (۱۹۸۱م). التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
زجاج، أبو إسحاق (۱۹۸۸م). معانی القرآن. طبع دوم. بیروت: دار الکتب العلمیة.
سیبویه، عمرو بن عثمان (۱۹۸۸م). کتاب. جلد ۱، ص. ۳۰-۳۵. دار الکتب العلمیة.
عسقلانی، ابن حجر (۲۰۰۱م). فتح الباری. طبع سوم. ریاض: دار السلام.
القرآن الکریم

- مسلم، امام (۲۰۰۰م). صحیح مسلم. طبع دوم. قاهره: دار الطباعة.
النووی، یحیی بن شرف (۲۰۰۲م). شرح صحیح مسلم. جلد ۲، ص. ۱۲۰-۱۲۵. دار إحياء التراث العربي.



اهمیت تأثیرات علف چرها بالای محیط زیست از دیدگاه اسلام

پوهنوال محب الله میدانی

دیپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنتون پولی تخنیک کابل

muhebullahmaidani@gmail.com

0009-0004-5208-69

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

گیاهان و درختان این سرمایه‌ی طبیعی و موهبتی بزرگ است که خداوند متعال به بشر ارزانی داشته، قرآن کریم در آموزه‌های خود بر مصونیت منابع طبیعی از هرگونه تجاوز و تعدی تأکید ورزیده است و بر این اساس، تجاوز و تعدی به طبیعت را فساد در زمین دانسته که عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی را در پی خواهد داشت. این مقاله‌ی تحقیقی درباره «اهمیت تأثیرات علف چرها بالای محیط زیست از دیدگاه اسلام» تنظیم شده، بصورت فشرده میتوان گفت که از یک مقدمه، متن که شامل عناوین: اهمیت وجایگاه علفچر، منافع علفچر، جلوگیری از تخریب علفچر، وضعیت چراگاه‌های افغانستان، و حکم فقهی علفچر، نتیجه‌ی بحث، ارائه‌ی پیشنهادات تشکیل شده و از روش تحلیلی و کتاب‌خانه‌ای استفاده به عمل آمده است.

کلید واژها: اسلام، درخت، آب، گیاه، علفچر.

The Role of Arabic Grammar in Understanding the Qur'an and Sunnah

Author

Muhibullah Maidani

Department of Islamic Culture, Kabul Polytechnic University

Email

muhebullahmaidani@gmail.com

Orcid

0009-0004-5208-69

Abstract

Plants and trees represent a significant natural resource and a profound blessing bestowed upon humanity by the Almighty. The Holy Quran emphasizes the protection of natural resources from any form of exploitation or violation, considering such actions as corruption on earth, which incurs both divine punishment in the hereafter and worldly accountability. This research paper examines “The Importance of Grazing Impacts on the Environment from an Islamic Perspective.” It is structured concisely, consisting of an introduction and a main body that includes the following sections: the significance and status of grazing, the benefits of grazing, prevention of grazing degradation, the condition of pastures in Afghanistan, and the jurisprudential ruling on.

Keywords: Islam, tree, water, plant, grazing.

مقدمه

گیاهان و درختان، منابع طبیعی مهمی هستند که خدمات زیست محیطی با ارزش را فراهم و به حفظ سیستم های طبیعی محلی، ناحیه‌ای و جهانی کمک می‌کند. درخت در تغییر آب و هوا، و زیبایی، رونق بخشیدن به طبیعت و جلب باران نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، مانند کارخانه‌ای است که فعالیتهای بسیار مفیدی را بدون کمترین توقع و چشم‌داشتی به جامعه بشری ارائه می‌دارد. درختان و پوشش گیاهی، عامل تصفیه هوا و کاهش کاربن دای اکساید هستند. باید از شکستن شاخه‌ی درختان، چیدن گل‌ها، خم کردن نهال‌ها جلوگیری کنیم و به دیگران هم آموزش دهیم. جنگل‌ها، ریه‌های زمین هستند. باید از آنها محافظت کنیم، بدون تردید، بهره برداری بی رویه و اسراف در این نعمت، ناروا و موجب خشم خداوند جل جلاله خواهد بود.

تبیین مسأله

قطع درختان و گیاهان یکی از معضلات مهم بشری امروز به حساب می‌آید، که بی‌اعتنایی در برابر آن باعث بدبختی زندگی همه مخلوقات در کره زمین گردیده است. امروزه عوامل تخریب کننده‌ی طبیعت و محیط زیست چنان رو به گسترش است که از سوی دانشمندان زنگ خطر ویرانی محیط زیست در همه جای جهان به صدا درآمده است.

پرسش‌های تحقیق

سوال اصلی

وقتی که موجودیت گیان و علف زارها در طبیعت این قدر با اهمیت است اکنون این پرسش مطرح است که اسلام به عنوان یک دین کامل و پاسخگو به نیازهای بشر، چه نقشی در حمایت از گیاهان و علفچرها را دارد؟

سوالات فرعی

۱- آیا گیاهان و درختان و مسائل زیست محیطی در اسلام مورد توجه قرار گرفته است یا خیر؟

۲- راههای بیرون رفت از تخریب علفچرها کدام اند؟

۳- موسسیت ما به عنوان یک شهروند برای حفاظت گیاهان چه است؟

اهداف تحقیق

این تحقیق می‌خواهد به اهداف زیر نایل گردد:

۱- بیان اهمیت علفچرها و تأثیرات آن بر محیط زیست؛

۲- توجه بر حفاظت گیاهان و درختان؛

۳- بیان راهکارهای جلوگیری از تخریب علفچرها.

اهمیت تحقیق

اسلام برای سرسبزی و درختان اهمیت زیادی قایل شده است، همه انبیاء الهی به گونه‌ی در عصر خویش، در ایجاد سرسبزی و حفظ آن کوشا بودند.

- براساس روایات، هنگامی که آدم ابوالبشر پا به عرصه‌ی زمین نهاد، احساس گرسنگی کرد. جبرئیل امین از آسمان فرود آمد و کشاورزی و درخت کاری را به او آموخت.
- حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به محض تشریف آوری به مدینه منوره، منطقه‌ای را به عنوان حرم اعلام نموده و در این منطقه کندن علفها، بریدن درختان و کشتن حیوانات را ممنوع قرارداد.
- در اسلام غرس نمودن درخت و یا کشت کردن زراعت عبادت و صدقه جاریه شمرده شده. امام بخاری روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «هر مسلمانی که نهالی بکارد و یا زراعت را کشت کند و پرندگان یا انسان یا چهارپایان از آن بخورند برای صاحبش صدقه خواهد بود». (نیشاپوری: ۲۰۰۰ص. ۴۳).

پیشینه‌ی تحقیق

باتوجه به نقش و اهمیت گیاهان، درختان و منابع طبیعی در صحت انسان، سلامت جامعه و ترقی کشور، در گسترش فرهنگ حفاظت محیط زیست که سبب آسایش نسل امروز و ضامن بقای نسلهای آینده نیز هست تلاشهای جدی انجام می‌شود. در این راستا، مسئولان سازمان ملل متحد، فعالیت‌های گسترده‌ی را در ابعاد مختلف به صورت تخصصی انجام داده اند.

- در کشور ما افغانستان بنا بر نیازمندی و ایجاب زمان، در ثور سال (۱۳۸۴) بنام اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEA) ایجاد گردید.
- در مورد بررسی گیاهان و درختان، ضمن موضوعات محیط زیست تحقیقات زیادی صورت گرفته، مانند:
- اسلام و محیط زیست. ابوالقاسم یعقوبی. (۱۳۸۰ش). شماره: (۱۰۵ و ۱۰۶).
- حفظ محیط زیست از دیدگاه اسلام. سید ادريس قیصری. (۱۳۹۳ش). شماره: ۲۸/۰۱.
- فقه و اخلاق محیط زیست اسلام. رضایی، پروانه. (۱۳۷۹ش).
- کنفرانس بین المللی محیط زیست. لواسانی (۱۳۷۲ش).
- الهیات محیط زیست: محقق دامات. (۱۳۷۱ش).

اما در مورد بررسی علفچر از نظر اسلام تحقیق مشخص صورت نگرفته، تلاش من این خواهد بود تا حد توان موضوع «علفچرها و تأثیرات آن بر محیط زیست از نظر اسلام» را همه جانبه و به شکل فراگیر تحقیق و

بررسی نمایم. تا معلومات کافی در دسترس خوانندگان قرار گیرد.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر از روش تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای استفاده خواهد شد، که مروری اسنادی آن با مراجعه به کتابخانه‌ها و با بهره‌گیری از قرآن، احادیث، متون دینی و بررسی مقالات خواهد بود.

نتایج و یافته‌ها

تعریف علف چر: مقصود از علف چر، گیاهان سرسبزی است که بر دامن دشتها و صحراها میرویند و سبزه زارها و علف‌چرهای بزرگ و کوچک را تشکیل می‌دهند و حیوانات در آنها میچرند.

جایگاه علف چر در اسلام

در قرآن کریم درباره گیاهان، به‌طور عام، جنگل‌ها و علف‌چرها، به‌گونه‌ای خاص مطالب متنوع و سود مندی آمده است، و از آن به «مرعی»، «أب» تعبیر کرده است، مانند: {أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا} آبش و چراگاهش را از آن بیرون آورد. (نازعات: ۳۱). {وَفَاكِهَةً وَأَبًّا} و میوه و چراگا. (عبس: ۳۱).

از آیات و روایات مختلف، به روشنی به دست می‌آید که خداوند متعال، گیاهان (جنگل‌ها و علف‌چرها) را به عنوان «نعمت» در فراهم آوردن (روزی و برکت) برای انسان‌ها و حیوانات آفریده است.

۱- قرآن از گیاهان به عنوان نعمت یاد کرده می‌فرماید:

{وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ، فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ}. (الرحمن: ۱۲-۱۳).

«و دانه‌های پوست‌دار و گیاهان خوشبوست، پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید».

۲- «روزی» و برکت یاد کرده:

{وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ}. (ق: ۹).

و از آسمان آبی پر برکت فرود آوردیم پس بدان [وسیله] باغها و دانه‌های درو کردنی رویانیدیم.

بدین ترتیب، به انسان‌ها آگاهی داده است که آنها در زندگی بشر، از جایگاهی ارجمند برخوردارند و سهمی بسزا دارند. این نعمت را خداوند جل جلاله در قلمرو و سلطه‌ی آدمیان قرار داده است تا از آن بهره‌برند و به تناسب نیازهای خود، در شکوفایی و رشد کمی و کیفی آنها بکوشند.

۳- از طرفی، عنوان «نعمت» از نظر محتوا، ظریف است و لطیف؛ چون گیاهان در شمار نعمت‌های خداوند جل جلاله ست و انسان باید شکرگزار آن باشد.

خداوند جل جلاله می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ {نحل: ۱۰} .

او کسی است که از آسمان، آب برای شما فروبارید؛ از آن می‌نوشید و در آن چهار پایانتان را می‌چرانید .

این آیه‌ی شریفه، به جای به کار بردن کلمه مرتع، به یکی از ویژگی‌های مهم آن (چرانیدن حیوانات و فراهم آوردن غذای آنها از علف‌چرها) اشاره کرده است.

در تفسیر المیزان، درباره اصطلاح «شجر» آمده است که شجر در زبان عربی به معنای گیاهی است که تنه و برگ داشته باشد. با این حال، گاهی آن را به معنای همه گیاهان و رویدنی‌ها به کار می‌برند - چه تنه دار باشد و چه بی تنه - . اصطلاح شجر در این آیه به همین معنای عام به کار برده شده است (طباطبایی: ۱۴۰۵، ص. ۲۱۴) .

۴- مقصود از گیاهانی که حیوانات در آنها می‌چرند، هرگونه گیاهی است که حیوانات از آن بهره‌برند و علف‌چرها روشن‌ترین مصداق آن است. خداوند جل جلاله در آیاتی دیگر درباره نعمت بودن مرتع میفرماید:

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَّتْ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى {طه: ۵۳} .

ذاتی که زمین را برای شما بستری گسترده قرار داد و در آن، برای شما راه‌های به وجود آورده و از آسمان آبی فرو فرستاد و با آن، انواع گوناگون از گیاهان بیرون آوردیم.

۵- درباره جنگل‌ها علاوه بر آنکه اصطلاح «شجر» و «نبات» را دربر می‌گیرد، برخی از آیات قرآن، جنگل‌ها را در شمار نعمت‌های الهی قرار می‌دهد. برای نمونه، در سوره نبا آمده است:

{ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا، لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا، وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا } . {نبا: ۱۴-۱۶} .

از ابرهای باردار، آبی بسیار روان و ریزان فروفرستادیم تا بدان، دانه‌ها و گیاهان بیرون آریم و بوستان‌هایی از درختان انبوه.

«جَنَّاتٍ أَلْفَافٍ» به معنای مجموعه‌های از درختان انبوه و درهم پیچیده است که پوشش گیاهی سرسیزی را به وجود آورده است. اصطلاح «نبات» در این آیه نیز به معنای هر گیاهی است که از زمین بروید، چه انسان آنرا بکاربرد و چه خود از زمین سر برآورد و رشد کند. از این جهت، مفهوم «نبات»، به روشنی، جنگل‌ها را دربر می‌گیرد. (طوسی: ۱۴۰۴، ص. ۲۴۰) .

آنچه از آیات گفته شده درمی‌یابیم، عبارتند از:

الف - گیاهان، جنگل‌ها و علف‌چرها اهمیت فراوان دارند.

ب - جنگل‌ها و علف‌چرها از نعمت‌های بزرگ خداوند جل جلاله است. از این رو، شکر این نعمت الهی لازم است و انسان باید همواره آن را پاس دارد و در حفظ آن بکوشد.

ج- اسراف در نعمت‌های الهی روا نیست و درباره گیاهان، از هرگونه اسراف نهی شده و خداوند جل جلاله یادآور شده است که اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد.

از آنجا که اسراف به معنای مصرف بی‌رویه و تجاوز از حد قانونی خلقت است، استفاده بی‌رویه از جنگل و علفچر که مشکل امروزی بی‌نظمی در چراندن حیوانات در آن است، از مصداق‌های اسراف محسوب می‌شود.

د- علف چر و گیاهان را خداوند جل جلاله آفریده است تا افزون بر سودمندی‌هایی که برای انسان دارند، «متاع» زندگی حیوانات باشند؛ بدین گونه که در آنها بچرند و تغذیه خود را از آنها فراهم آورند و جای زندگی مناسبی برای آنان باشد که از زندگی در بستر علف چر ها و جنگل‌ها ... لذت برند.

ه- گیاهان و مرتع‌ها از منابع تفکر انسان‌ها به شمار می‌آیند و تأمل در چگونگی رویش و نمو آنها، انسان را به وجود خداوند جل جلاله و توحید رهنمایی می‌کند؛ همان گونه که تفکر درباره چگونگی پژمردگی، مرگ و حیات دوباره آنها، انسان را به درستی روز رستاخیز هدایت می‌کند.

منافع علف چر

علف چرهای طبیعی کشور، از جهت تنوع آن با اهمیت‌اند و از فواید ارزشمندی برخوردار اند. برخی از آنها عبارت‌اند:

۱- تماشای طبیعت سرسبز و زیبای جهان، می‌تواند انسان را به نظاره زیبایی نامحسوس رهنمایی کند؛ حقایق چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم، برای انسان روشن خواهد شد و در احساس بزرگی ملکوت ظاهر و باطن اشکار خواهد شد.

۲- خداوند جل جلاله روح بشر را به گونه‌ای آفریده است که استعداد بسیار گسترده‌ای دارد و بدون ارتباط با زیبایی‌ها، راکد و خنثا می‌شود و در نتیجه، روح، تنها با کمیت و گسترش‌های مادی محض ارتباط پیدا می‌کند و خود را در قفس می‌بیند. مکان‌های پوشیده از جنگل و درخت و فضای سبز، بهترین مکان برای تفریح و تفرّج و گذراندن اوقات فراغت هستند. وجود فضای سبز و درختان و گیاهان می‌تواند موجب افزایش عمر انسان شود؛ چنان‌که حضرت علی رضی الله عنه فرمود: "از جمله عوامل افزایش عمر (طول عمر)، پرهیز از مردم‌آزاری و قطع کردن و نابود ساختن درختان سرسبز است". (مجلسی: ۱۴۰۴، ص. ۳۱۹).

۳- تأمین مواد دارویی: از گیاهان در مصرف‌های پزشکی استفاده می‌شوند، مواد مختلفی از آن استخراج می‌شود؛ مثلاً از «گون»، «کتیرا» تهیه می‌شود یا در گذشته از بوته‌های ایشلن (یشنان) که در مناطق کویری می‌رویند، ماده‌ای به نام «قلیا» می‌گرفتند. گیاه «باریجه» که از آن شیره باریجه تهیه می‌شود (نیروبخش، ضد تشنج، دارای خاصیت چسبندگی و بی‌رنگی) از این دسته است. به‌طور کلی، برخی تولیدات فرعی مرتع را می‌توان شامل این موارد دانست: کتیرا، وشا، باریجه، انغوزه، انگبین، شیرین بویه، آویشن و زیره سیاه. (بهبهانی: ۱۸۲، ۱۸۳).

۴- محل چرای حیوانات و پرورش حیات وحش: بیشترین قسمت غذای حیوانات افغانستان، از علفچرها

تأمین می شود. نابودی مرتع های طبیعی، نابودی حیواناتی را در پی دارد که از آنها تغذیه می کنند، مانند آهو و گوزن و دیگر حیوانات.

۵- تصفیه هوا: خداوند جل جلاله عمل تنفس را در گیاهان و درختان به گونه ای تنظیم کرده است که دی اکسید کربن موجود در هوا را می گیرند و اکسیژن تولید می کنند. اکسیژن، حیاتی ترین نیاز زندگی بشر و دیگر موجودات زنده است و بدون آن، ادامه حیات برای موجودات زنده ممکن نیست. بنابراین، هر مقدار به گسترش جنگل ها و درختان و فضای سبز افزوده شود، مبارزه با آلودگی هوا (گازهای سمی و کشنده) عینی تر خواهد شد.

۶- حفاظت از خاک و آب: از منافع ارزشمند پوشش گیاهی و جنگل ها، «حفظ خاک» است. جنگل ها و درختان، از سیلاب جلوگیری میکنند؛ زیرا با ریزش باران روی برگ ها و شاخه های درختان، از سرعت آن کاسته میشود و خاک جنگل هم پوشیده از شاخ و برگ گیاهان و درختان پوسیده است که آب را به خوبی جذب میکنند و جویبارهایی با آب زلال به وجود می آورند. افزون بر این، ریشه گیاهان و درختان، از فرسایش خاک در برابر باد و باران محافظت میکند.

البته این امر در منطقه های کویری، (دشت و بیابان) بسیار با اهمیت است؛ زیرا اگر پوشش گیاهی و درختان در این منطقه ها از بین برود یا پراکنده و نابرابر باشد، بادهای تند، توفان های شدید شن را در گستره صحراها ایجاد میکنند. بنابراین، رستنی های درختی و گیاهی، با ریشه و شاخ و برگ های خود، از فرسایش بادی خاک جلوگیری میکنند و موجب تثبیت شن های روان میشوند.

۷ - تأمین مواد صنعتی: گیاهان و درختان افزون بر اینکه در تهیه تغذیه انسان ها و دیگر موجودات نقش دارند، در صنایع بزرگ چوبی و ساختمان سازی و تهیه لوازم منزل و پوشاک و برخی فرآورده های جنگلی، مانند کوچ، میز، چوکی، و تأمین ماده خام کاغذ و جهت تهیه دارو و مصرف های پزشکی استفاده میشوند که برای اشتغال زایی نیز بسیار سودمندند. موارد یادشده، نمونه هایی از آثار ارزشمند گیاهان و درختان است که بررسی هر یک از این آثار حیاتی، پژوهشی جداگانه می طلبد.

امتناع از قطع گیاهان و درختان

مسئله مهم دیگری که امروز بیش از همه محیط زیست را به خطر انداخته، قطع درختان و از بین بردن علفچر و جنگل هاست. این عمل از نظر اسلام بسیار زشت و موجب عذاب الهی دانسته شده است.

الف - آیات قرآنی

فرموده الهی است در وصف ظالمان مستبد و خودخواهان ویرانگر که زمین را با از بین بردن کشتزار به فساد میکشند، میفرماید: **وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْأَفْسَادَ ۝ (البقرة: ۲۰۵).**

و هنگامی که پشت میکند و می رود [و یا به ریاست و حکومتی می رسد]، در زمین به تلاش می افتد تا در آن فساد و تباهی ورزد و زرع و نسل [انسانها و حیوانات] را نابود کند [و با فساد و تباهی خود، اقوات و اموال و

ارواح را از میان ببرد، و خداوند جل جلاله فساد و تباهی را دوست نمی‌دارد.

ب- حدیث نبوی

در احادیث متعددی، از قطع درختان و از بین بردن مزارع و گیاهان و آتش زدن آنها نهی و نکوهش شده و پرهیز از بریدن و نابود کردن درختان به عنوان عامل افزایش عمر به حساب آمده است. همچنان کسانی که درختان مفید و میوه دار را نابود کنند، به عذاب الهی تهدید شده اند.

دستورات عمومی اسلام به مجاهدان اسلام سفارش و تأکید میکرد که از قطع کردن درختان، و سوزاندن مزارع شدیداً اجتناب نمایند.

ابوبکر صدیق رضی الله عنه شاگرد اول مکتب رسول هدایت و رستگاری صلی الله علیه وسلم به سپاهیان مسلمان امر میکرد در هنگام جنگ که غالباً مرامهای اخلاقی کم رنگ میشود، چون دیگر ملت‌ها رفتار نکنید و فرمود:

«...ولا تَغْرَبُوا نَخْلًا وَلَا تُحْرِقُوهُ، وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً، وَلَا تَذَبْحُوا شَاةً وَلَا بَقْرَةً وَلَا بَعِيرًا إِلَّا لِمَا كَلَلَتْ» (ابوبکر: ب، ت. ص. ۱۴۵).

... و هیچ نخلی (درختی) را ضایع نکنید و آتش نزنید، و هیچ درخت با ثمری را قطع نکنید، و هیچ گوسفند و گاو و شتری را سر نبرید مگر برای استفاده خوراکی از گوشت آن...

پیش از این اشاره شد که از قطع بیهوده درختان بشدت منع شده، کسیکه مرتکب چنین جنایتی میشود او را به آتش جهنم بیم میدهد.

فقهای اسلام قطع درختان و تخریب مزارع را حتی در سرزمین دشمن که در حال جنگ با مسلمانان باشند، جایز نشموده اند و آن را مکروه و ناپسند قرار داده اند. بدون تردید تشویق به درختکاری و هشدار و نهی از نابودی درختان، فوق العاده به حفظ و بقای محیط زیست کمک می‌کند، و حمایت و اهتمام اسلام را به حمایت از محیط زیست میرساند.

درخت موجود زنده ای است که همانند دیگر موجودات حق حیات دارد و جز به مقدار ضرورت نمیتوان آن‌ها را قطع کرد. اهمیت این مسأله تا حدی است که حتی در زمان جنگ هم سربازان از بسیاری از کارهای خلاف انسانی از جمله قطع درختان منع شده اند که این بیانگر روح والای انسانی در نظام تربیتی اسلام است.

حتی تعالیم اسلامی رعایت حقوق گیاهان و حیوانات و محیط زیست را در کنار حقوق انسان‌ها سرلوحه کار خود قرار داده است:

۱- نباید دژها و منازل دشمن را منهدم کرد مگر در صورت ضرورت.

۲- بریدن درختان و انداختن آتش و یا مسلط کردن آب بر دشمن مکروه است (مگر به ضرورت و این که

راه چاره دیگری نباشد).

۳- زهر آلود کردن یا ریختن سم و مواد شیمیایی به آبشخورها جایز نیست (فارسی: ۱۳۵۹، ص. ۲۷).

امروزه قطع درختان و نابودی گیاهان به معضلی جهانی تبدیل شده است، به طوری که بسیاری از کشورهای رو به توسعه مجبورند منابع طبیعی خود به ویژه جنگلها را از دست بدهند تا ارز لازم برای واردات ماشین آلات و دیگر کارخانه ها را تهیه نمایند.

یک سیاستمدار برزیلی گفته است که: « اگر ما جنگلهای سرسبز خود را محافظت و نگهداری کنیم، آن وقت است که شکوفایی اقتصادی و صنعتی اروپا پایان پذیرفته است » (لواسانی: ۱۳۷۲، ص. ۱۶).

ما به این عقیده هستیم که باید قانونی وجود داشته باشد که به ازای هر درخت که برای مصارف مختلفی قطع می شود یک نهال کاشته شود.

نقش مردم در تخریب منابع طبیعی

تأثیرات به شکل گوناگون در کشور ما اعمال میشود. و به دلیل آن که هیچگاه دولت مرکزی مقتدر و دلسوز نداشتیم تا با وضع و اعمال قوانین، جلو این تخریبها را بگیرد و یا با آوردن اصلاحات سبب بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی مردم شود. مردم نیز به دلیل نبودن امکانات و نداشتن سهولت ها در امور زراعت، مالرداری، تهیه سوخت، مواد اولیه ساختمانی و... یک مقدار از روی مجبورت برخی هم از روی هوا هوس و به هدف تجارت کمر همت به نابودی منابع طبیعی بسته نموده اند. از طرف دیگر جنگلات و گیاهان کشور ما هم از وضعیت خوبی برخوردار نیست؛ زیرا که مردم ما مستقیماً به محیط زیست خود در حصه جنگلات به طریقهای ذیل آسیب می رسانند:

۱- قطع درختان و نابودی جنگل ها به منظور تهیه مواد تعمیراتی، مواد سوخت و یا قاچاق و فروش چارتراش.

۲- قطع درختان و نابودی جنگلها به منظور تهیه زمینهای زراعتی و منازل مسکونی و ایجاد قریه جات در داخل جنگل ها.

۳- آتش زدن عمدی جنگلهای باقیمانده که از آنها چارتراش حاصل نمی شود توسط جنگل نشینان سودجو به هدف تبدیل آن به چوب و کسب درآمد.

۴- چرانیدن موادی در جنگل خصوصاً بز حیوان مضر بوده و با خوردن شاخ و برگ حتی نهالهای نوده، باعث خشکیدن آنها میشود.

وضعیت چراگاه های افغانستان

به اندازهء که جنگلات ما آسیب دیده، به همان اندازه چراگاه ها یا مالچر و علفچرهای ما نیز آسیب دیده است و در حصه نابودی علفچرهای وضعیت بسیار تاسف بار است. تخریب و نابودی علفچرها به دو طریق صورت میگیرد:

اول توسط افراد ساکن و روستانشین. دوم توسط کوچی‌ها و مالداران.

الف: روش‌های تخریب علفچرها توسط افراد روستایی

۱- تبدیل مراتع به زمین‌های زراعتی به دلیل کمبود زمین زراعتی و عدم وجود دیگر امکانات و سهولت‌های زندگی.

۲- تهیه علوفه برای مال و مواشی از چراگاهها و ذخیره آن برای زمستان.

۳- تهیه مواد سوختی و محروقاتی.

۴- بهره برداری بیش از حد و اندازه از گیاهان صنعتی و نباتات دارویی موجود در چراگاه‌ها.

۵- بهره برداری از مواد و امکانات موجود در چراگاهها برای ساختن خانه‌ها.

ب: روش‌های تخریب علفچرها توسط افراد کوچی و مالدار

۱- در وقت آمدن به علفچر و ترک آن به دلیل زیاد بودن تعداد مال‌ها و فراوانی گله‌ها خاک منطقه در زیر سم بز و گوسفند و دیگر احشام از اثر رفت و آمد‌های پیاپی، آن خاکها خورد و شکسته شده و تبدیل به سرمه خاک می‌گردد. و در مقابل جریان‌ات باد و آب حاصل از بارندگی به سرعت تبدیل به گل ولای شده و از منطقه خارج می‌شود؛ که با تکرار این امر دیگر خاکی برای رویش گیاه باقی نخواهد ماند.

۲- چرانیدن بی‌موقع و نابهنگام مال و مواشی در چراگاه‌ها.

۳- چرانیدن مفرط و بیش از تحمل و ظرفیت چراگاه‌ها.

۴- نوعیت مال و احشام هم بی‌تاثیر در نابودی چراگاه‌ها نیست.

۵- رعایت نکردن «قرق» از جانب کوچیها و یا حتی اعلان نکردن پلان «قرق» از طرف دولت و ارگان‌های مسوول در باره چراگاه‌ها که در واقع با این کار، خود مسوولین در امر نابودی علفچرها کمک می‌کنند (حسینی: ۱۳۹۶، ص. ۱۷۵).

حکم فقهی و حقوقی جنگل و علف چر

در بحث احکام فقهی و حقوقی این دو پدیده طبیعی باید دید آیا جنگل‌ها و علفچرها از انفال و از آن حاکم اسلامی است یا از مباحات عمومی یا از اموال مشترک میان مسلمانان است؟

در اصطلاح فقهاء، «انفال» اموالی است که به پیامبر و پس از او به جانشینانش اختصاص دارد. (همدانی: ب، ت، ج ۳، ص. ۱۵۱).

آنان آن اموال را به هر صورت که مصلحت بدانند، به مصرف می‌رسانند. این امر، فضیلت و امتیازی است که خداوند جل جلاله، رسول و جانشینان رسولش را به آن مخصوص گردانیده است. بدین جهت، این

اموال را «انفال» می نامند که تنها امام حق دارد آنها را بر اساس مصلحت، مصرف کند، چنان که پیامبر به آن سزاوار بود.

الف: نخستین آیه ای که درباره انفال نازل شد، آیه اول سوره انفال: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ...» (انفال: ۱). است. این آیه درباره غنیمت های جنگ بدر نازل شده است، ولی سبب نمیشود حکم آن به همان مورد اختصاص یابد، بلکه بر اساس این آیه، اموالی که در لغت، «نفل» گفته شود، یعنی زاید بر استحقاق و انتظار افراد مردم باشد، از آن خدا جل جلاله و رسول و پس از وی، از آن جانشینان اوست.

بنابر این، از نظر ارتباط بین معنای لغوی و اصطلاحی انفال، میتوان چنین تعبیر کرد: انفال، همه اموالی است که خارج از انتظار و استحقاق افراد است و مصداق های آن عبارت است از اموال بدون صاحب و اموالی که افراد خاص استحقاق آنها را ندارند. تمام ثروت های خدا دادی و طبیعی، از قبیل جنگل ها، بیشه ها، مرتع ها و حتی معادن، بنا به قول عده ای و نیز همه اراضی موات و قله کوه ها و... همچنین اموال شخصی پادشاهان و اشیای نفیس منقول شاهانه و غنیمت های جنگی، انفال هستند. (حلی: ب، ت، ج ۴-۹، ص. ۱۸۸). با توجه به تعریف یادشده در باره انفال، روشن است که «جنگل ها و علفچرها» نیز از انفال محسوب می شود.

ب: علماء معاصر، نیز تحلیلی خاص از انفال دارد: هر مالی که مالک خاصی نداشته باشد، از انفال و از آن ولی امر است که باید آن را برای مصالح مسلمانان هزینه کند. بدین ترتیب، مالک اصلی و عنصر اساسی تشکیل دهنده مفهوم انفال آن است، که مال دارای مالک خصوصی نباشد. در این صورت، این مال به ولی امر تعلق دارد؛ چون رهبری و هدایت امور مردم به دست اوست. پس وی، مالک آن اموال نمیشود. به عبارت دیگر، انفال همان اموال عمومی و بی مالکی است که از آن منصب امامت و رهبری جامعه اسلامی است و نه ملک شخصی رهبر و ولی امر. بر پایه این تحلیل، هر زمینی که مالک خصوصی ندارد، از انفال است. تنها در این فرض، زمین از انفال است؛ چه بایر باشد و چه دایر، چه جنگل باشد و چه علفچر و چه از زمین های دیگر. (خمینی: ۱۴۱۰، ص. ۲۵).

از مطالب یادشده درمی یابیم که:

- ۱- جنگل ها و علفچرها از انفال است، نه از اموال مشترك یا مباح.
- ۲ - انفال عبارت است از هرگونه مال بی مالک و مصداق های آن، به زمین موات، جنگل ها، بیشه ها و دیگر موارد یادشده در برخی روایات منحصر نیست، بلکه آن مصداق ها در زمان صدور روایات از انفال بوده است. مالک انفال بودن هر مال، آن است که بی مالک و به تعبیر دیگر، از اموال عمومی باشد که مصداق هایی از قبیل فضا و دریا نیز در آن می گنجد.
- ۳ - اگر حکومت اسلامی در جامعه استقرار داشته باشد، انفال در اختیار حکومت اسلامی قرار میگیرد. حکومت باید برای تأمین رفاه، معیشت و گسترش عدالت، از آن استفاده کند.

نتیجه‌گیری

از مجموع آیات و روایات یاد شده درمی یابیم که گیاهان و درختان، در زندگی انسان و دیگر موجودات زنده نقش تعیین کننده ای دارند.

دستورات عمومی اسلام به مجاهدان اسلام سفارش و تأکید میکرد که از قطع کردن درختان، و سوزاندن مزارع شدیداً اجتناب نمایند، اهمیت این مسأله تا حدی است که حتی در زمان جنگ هم سربازان اسلام از بسیاری کارهای خلاف انسانی از جمله قطع بیهوده درختان و گیاهان بشدت منع شده، کسیکه مرتکب چنین جنایتی میشود موجب عذاب الهی دانسته شده است.

از آنجا که اسراف به معنای مصرف بی رویه و تجاوز از حد قانونی خلقت است، استفاده بی رویه از جنگل و علفچر از مصداق های اسراف محسوب میشود، در اسلام از هرگونه اسراف نهی شده و خداوند جل جلاله اسراف کنندگان را دوست نمی دارد.

گیاهان از نعمت های بزرگ الهی است، که در سلطه آدمیان قرار داده است تا از آن بهره برند و به تناسب نیاز های خود، در شگوفایی، رشد کمی و کیفی و حفظ آنها بکوشند، و به ازای هر درخت که برای مصارف مختلفی قطع می شود یک نهال کاشته شود.

پیشنهادها

با توجه به بررسی‌های انجام شده در این تحقیق، موارد ذیل را به منظور حفاظت علف چرها پیشنهاد میدارم:

۱- به مراکز علمی و آکادمیک منحصیث عالیترین مراجع تحقیقی در کشور پیشنهاد میگردد، تا زمینه تحقیقات بیشتر مسایل حفاظت گیاهان و درختان را مساعد ساخته و به طبع و نشر این گونه مقاله‌ها اقدام نمایند.

۲- به ریاست املاک پیشنهادم این است که برای حفاظت علف چرها قانون «قرق» را تدوین و عملی نماید.

۳- به مسئولین سرسبزی شهرداری پیشنهاد میگردد تا در حصه حفاظت و آبیاری سرسبزی تلاشهای زیاد نمایند.

۴- به وزارت اقوام و قبایل پیشنهادم این است که برای آگاهی دهی مردم کوچی و روستایی برنامه‌های آموزشی را دایر نموده، تا از تخریب علف چرها جلوگیری بعمل آید.

منابع

- ابوبکر احمد بن حسین علی. (بی تا). السنن الکبری. معروف به سنن بیهقی. (ج: ۲-۴-۶-۹-۱۰). بیروت: مؤسسة الرسالة.
- بهبهانی، مصطفی و بهنوش قاسمی، به دنبال توسعه پایدار مراتع، ماهنامه جهاد، شماره ۱۸۲ و ۱۸۳، سال شانزدهم. www/net.tebyan.article/com.
- حسینی، محمد واثق. (۱۳۹۶ ش). اصول ومبانی حفاظت ازمحیط زیست. کابل. انتشارات نویسا. چاپ دوم.
- حلی، علامه حسن بن یوسف. (ب،ت). تذکرة الفقهاء. (ج: ۴-۹). (ب،ط). خمینی، سید روح الله موسوی. (۱۴۱۰ ق). کتاب البیع، (ج: ۳). قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۰۵ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. (ج: ۱-۲-۷-۱۱-۱۲-۱۷). (ص: ۲۱۴). قم، مؤسسه انتشارات اسماعیلیان.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۲ هـ. ق). التبیان فی تفسیر القرآن. (ج: ۳-۸-۱۰). (ص: ۲۴۰). بیروت، دار الإحياء التراث العربی.
- فارسی، جلال الدین. (۱۳۵۹ ش). حقوق بین الملل اسلامی. تهران: انتشارات جهان آرا.
- قرآن کریم
- لواسانی، احمد. (۱۳۷۲ ش). کنفرانس بین المللی محیط زیست. در ریو. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار. (ج: ۷-۱۴-۲۳). بیروت. مؤسسه الوفا. ط: قدیم.
- همدانی، آقارضا. مصباح الفقیه. (ج: ۳). مکتبة الصدر. تهران: چاپ سنگی.



اسباب ضعف اخلاقی جوانان و راه‌های علاج آن

پوهنیار امین الله امین

دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون تخار

aminullah amin224@gmail.com

0009 -0002-2936-1649

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

بخش مهم دین مقدس اسلام را اخلاق پسندیده تشکیل می‌دهد، انسان مسلمان می‌تواند بواسطه‌ی اخلاق نیک خویش به بالاترین درجات و ارجمندترین جایگاهها دست یافته و به کسب محبت خداوند، پیامبر و مؤمنان، و نیز به رضامندی خداوند سبحانه و تعالی ورود به بهشت نایل گردد. جوانان زیربنا و سنگ تهداب جامعه اسلام می‌باشد، از این رو اسلام همواره خانواده‌ها را متوجه تربیه سالم جوانان ساخته و مؤمنان را از عواقب ناگوار عدم توجه به تربیه و تهذیب آنها در حذر میدارد. هدف تحقیق حاضر، شناسایی اسباب ضعف اخلاقی جوانان و راه‌های علاج آن می‌باشد. این تحقیق به روش توصیفی با استفاده از منابع معتبر علمی با رویکرد کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اسباب ضعف اخلاق نزد جوانان بر می‌گردد به ضعف انگیزه‌ی دینی، کاهش نقش خانواده. کاهش نقش نهادهای تعلیمی، نقش مخرب رسانه‌ها، بیکاری، همراهان وهم‌نشینان بد، جهل و عدم تجربه، فقر شدید یا ثروت زیاد، عدم کار گروهی، عدم محاسبه و پاسخگویی، بورسهای تحصیلی. و راه‌های علاج آن به شکل خلاصه:

: اختیار الگوی درست و محیط سالم، پابندی به احکام الهی، تشویق والدین به تربیت فرزندان با اخلاق نیکو و هشدار از بی توجهی به آنها بستگی دارد.

کلید واژها: اسباب، ضعف، اخلاق، جوانان، راه‌های علاج

The Causes of Moral Decline in Youth and Their Remedies

Author

Aminullah Amin

Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Takhar University,
Afghanistan

Email

aminullah amin224@gmail.com

Orcid

0009 -0002-2936-1649

Abstract

A key component of the sacred religion of Islam is commendable morality. A Muslim, through their virtuous conduct, can attain the highest ranks and most honorable positions, earning the love of God, the Prophet, and the believers, and ultimately achieving the satisfaction of God Almighty and entry into paradise. Youth are the foundation and cornerstone of the Islamic community; therefore, Islam constantly reminds families to focus on the proper upbringing of young people and warns believers of the dire consequences of neglecting their moral education and refinement. The aim of this study is to identify the causes of moral decline among youth and explore solutions to address this issue. This research employs a descriptive method based on reputable academic sources.

The findings indicate that the causes of moral weakness in youth are linked to a lack of religious motivation, the diminishing role of families, the reduced influence of educational institutions and media, unemployment, negative peers, ignorance, lack of experience, extreme poverty or excessive wealth, lack of teamwork, absence of accountability, and scholarship programs. In summary, the remedies include adopting proper role models and healthy environments, adherence to divine commandments, encouraging parents to raise their children with good morals, and cautioning them against neglect.

Keywords: Causes, Moral Weakness, Youth, Remedies

مقدمه

إن الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله و صحبه اجمعين!

شریعت اسلامی دارای نظام جامع و کامل بوده و تمام ابعاد زندگی بشری را با ترسیم و سازماندهی برنامه‌های ارزش مند، در بر می‌گیرد و هیچ بخش زندگی بشری خارج از سایه تاب‌ناک اسلام بیرون نخواهد بود. از جمله برنامه‌های مهم و اساسی شریعت اسلامی که در حقیقت نقش سازنده‌ی در اجتماع را دارد همانا نظام اخلاق می‌باشد که در نصوص شرعی از آن به کرات و مرات توصیف گردیده است؛ چنانچه الله متعال در مورد پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ».

تبیین مسأله

ضعف اخلاق جوانان در جامعه به طور گسترده قابل احساس است و جامعه اسلامی و انسانی از این مسأله رنج می‌برد. از آن جای که هیچ معلولی بدون علت نمی‌باشد؛ خواستم با راه اندازی یک تحقیق علمی تحلیلی توصیفی؛ علت‌های ضعف اخلاقی جوانان را شناسایی نموده سپس راه حل‌های علمی معقول و مناسب را جهت علاج این پدیده پیدانموده سهم خویش را به حیث یک محقق بی طرف در قبال نسل جوان و جامعه اسلامی ادا نمایم، بناءً تحقیق حاضر بدنبال شناسایی عوامل ضعف اخلاق جوانان و راه‌های علاج آن انجام شده است.

سوالات تحقیق

سوال اصلی

۱- اسباب ضعف اخلاق جوانان چیست؟

سوال‌های فرعی

۱- ارزش‌های اخلاقی به کدام کدام چیزها اطلاق می‌شود؟

۲- چطور می‌توانیم ارزش‌های اخلاقی را نهادینه سازیم؟

اهداف تحقیق

نسل جوان سنگ تهداب و زیر بنای جوامع محسوب می‌شود، افغانستان از جمله کشورهای است که بیشترین جمعیت آن را نسل جوان تشکیل می‌دهد، این درحالی است که با گذشت هر روز اخلاق جوانان بویژه نسل نو رو به انحطاط است از این رو خواستم علل و اسباب ضعف اخلاقی جوانان را شناسایی نموده راه‌های علاج آن را به بحث و بررسی بگیرم تا از یک طرف بخشی از مشکل جامعه حل گردد و از طرف دیگر سهم خود را در قبال جامعه انسانی بحیث یک محقق ادا نمایم. امید وارم تحقیق حاضر نقشی در تربیه اخلاقی جوانان کشور داشته باشد.

اهمیت تحقیق

اخلاق یکی از ابزار و وسایل رسیدن بشریت به جنت و کسب رضایت الله متعال به شمار می‌رود؛ اما متأسفانه در زمان کنونی اکثریت مردم و خصوصاً قشر جوان به بهانه‌های مختلف از این نعمت الهی کاملاً و یا بعضاً دور مانده‌اند.

گرچند نظام اخلاقی در اسلام شامل آجندای متعدد و مسایل زیادی می‌شود؛ اما آنچه که در این مقاله علمی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است همانا اسباب ضعف اخلاق جوانان و راه‌های علاج آن می‌باشد،

مهم‌ترین عوامل و اسباب ضعف اخلاقی و دگرگونی معنوی جوانان در افغانستان عبارت از: ضعف انگیزه دینی، رسانه‌های جمعی، فیسبک و امثال آن، فضای ناسالم جامعه و خانواده و سایر موارد می‌باشد از نظر علم و تجربه ثابت گردیده است که برای هیچ کسی پنهان و پوشیده نیست. هر اندازه انسان در فضای ناسالم زندگی نماید و به این مسأله مهم و اساسی توجه جدی مبذول ندارد، با گذشت هر روز اخلاقی اسلامی وی ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود؛ چنانچه رسول الله می‌فرماید: «مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَالسَّوِّءِ، كَحَامِلِ الْمَسْكِ وَنَافِعِ الْكَبِيرِ، فَحَامِلُ الْمَسْكِ إِذَا أَنْ يُحْدِثَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً، وَنَافِعُ الْكَبِيرِ إِذَا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ رِيحًا حَبِيبَةً» (بخاری، ۱۴۲۲: ج ۷ ص ۹۶ شماره حدیث ۵۵۳۴).

«مثال همنشین خوب و بد، مانند حامل مُسک و دمنده دَم آهنگر است. حامل مُسک یا به تو مُسک می‌دهد یا از او می‌خری و یا اینکه بوی خوش آن به مشام ات میرسد. و دمنده‌ی دَم آهنگر یا لباسهایت را می‌سوزاند و یا بوی بد آن به مشام ات میرسد».

شکی نیست که هر تحقیق هدف خاصی را دنبال میکند این تحقیق به هدف شناسایی اسباب ضعف اخلاقی جوانان و راه‌های علاج آن صورت می‌گیرد.

پیشنه‌ی تحقیق

در رابطه به ارزش‌های اخلاقی در جامعه اسلامی علاوه بر مباحث اخلاقی ضمن کتب تفسیر و حدیث؛ کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است که هر کدام به نحوی بخش‌های از مسایل اخلاقی را تحت پوشش قرار داده است. به گونه مثال اخلاق اسلامی از محمد غزالی که توسط دکتر محمود ابراهیم در سال ۱۳۷۶ هـ ش ترجمه شده است. نظام اخلاقی اسلام که توسط گروهی از استادان دیپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنتون کابل نگارش یافته است. «وصایای لقمان در تہذیب اخلاق جوانان» توسط پوهنمئل محمد انورظفری استاد دانشگان بدخشان در سال ۱۳۹۶ هـ ش تحریر گردیده که بخش‌های از ارزش‌های اخلاقی جوانان را به بررسی گرفته است.

تفاوت این تحقیق با تحقیقات انجام شده این است که محقق در این مقاله به صورت متمرکز بالای اسباب ضعف اخلاقی جوانان و راه‌های علاج آن توجه کرده داده‌ها را تحلیل و توصیف نموده نتایج را برملا نموده است که متفاوت تر با تحقیقات انجام شده قبلی می‌باشد.

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع معتبر علمی با رویکرد کتاب‌خانه‌ای انجام شده است.

نتایج و یافته‌ها

تعریف اخلاق

تعریف اخلاق در لغت

کلمه اخلاق در حقیقت کلمه‌ی جمع است که مفرد آن خُلُق می‌باشد و اصل اشتقاق لفظی کلمه خُلُق از ماده (خ ل ق) است. الفظلیکه از این ماده اشتقاق میشود کلمات چون (خلق، خلقه و خلاق) می‌باشد. ماده (خ ل ق) در زبان عربی معنی تقدیر، تعیین و اندازه را افاده میکند، لفظ خَلُق به معنی تعیین و اندازه شکل فزیک انسان و دیگر مخلوقات می‌آید، اما خُلُق به معنی اندازه و تعیین شکل و حالت باطنی انسان می‌باشد. به همین ترتیب لفظ خلاق هم به آنچه را که انسان از خوبی‌های و نیکی‌ها تعیین نموده و کسب میکند اطلاق می‌شود؛ زیرا لفظ خلاق به معنی نصیب و بهره هم می‌آید که غالباً به نیکی و خوبی اطلاق

آن صورت می‌گیرد.

پس لفظ خُلُق که جمع آن اخلاق است در نزد اهل زبان به معنی سرشت و طبیعت می‌آید، آن سرشت و طبیعتی که انسان طبق آن آفریده شده است.

راغب اصفهانی در تعریف لغوی خُلُق می‌گوید: خُلُق و خُلُق هر دو در اصل یکی اند با این تفاوت که خُلُق به شکل و حالت ظاهری انسان خاص شده که توسط حس باصره که چشم است درک می‌شود، اما خُلُق به قوه‌های مربوط به سرشت و طبیعت انسان خاص شده که محل درک آن بصیرت انسان میباشد (اصبحانی، ۱۴۱۲هـ: ص ۲۹۷۹).

تعریف اخلاق در اصطلاح

علماء در رابطه به معنای اصطلاحی اخلاق تعبیرات مختلف ارائه نموده اند که در ذیل برخی آنها را ذکر میکنم: ابن مسکویه یکی دیگر از علمای اسلام در علم اخلاق قبل از جرجانی در مورد تعریف آن می‌گوید: اخلاق یک حالت از نفس است که افعال انسان بدون فکر و نظر از آن صادر میشود (ابن مسکویه، ۱۴۰۵هـ: ۴-۵).

اما ماوردی اخلاق را به غریزه های پوشیده تعبیر کرده است که در حالت اختیار ظاهر و در حالت اکراه و جبر سر کوب میشود (ماوردی، ۱۹۸۱م: ص ۱۶).

پس تعبیرات که از اخلاق در اصطلاح به نزد علمای این علم صورت گرفته یا به حیث یک شکل و یا حالتی از نفس تعبیر شده و یا هم مجموعه‌ی از غرائز و قوه‌های است که در نهاد انسان به ودیعت گذاشته شده است که روش و سلوک انسان از آن منشأ می‌گیرد.

اسباب ضعف ارزش های اخلاقی در بین جوانان

پس از تتبع و تحقیق روشن میشود که عوامل و اسباب متعددی وجود دارد که در ضعف و انحطاط ارزشهای اخلاقی در بین جوانان موثر است که مهمترین آنها به شرح زیر میباشد.

۱- ضعف انگیزهی دینی

دین عامل حیاتی برای مصونیت و عنصری ضروری برای کمال وجدان است؛ زیرا انسان به دلیل اعتقاد راسخ که نسبت به الله متعال دارد و معتقد است که او را مینماید، بنابراین سرشت انسان همیشه به سوی نیکیها فرا میخواند، از این رو، به نیکیها آراسته و از ارتکاب زشتیها دوری میکند و با قوی ترین وسایل برای دفع ناامیدی و مقاومت در برابر آن، خود را تقویت میکند و بدین ترتیب انسان به راه خود راهیکه روح او آرزویش را دارد ادامه میدهد. همهی اینها ناشی از اعتماد به خدای متعال است (زهرانی، ۱۴۲۵هـ: ص ۳۰).

هرگاه انسان در قرآن کریم توجه نماید آیات فراوانی را در مییابد که به شکل صریح یا به صورت اشاری دعوت به سوی اهمیت ایمان و تأثیرات آن در حیات فردی و اجتماعی دارد و نیز اشاره دارد که ایمان سبب اساسی برای استقامت اخلاق است.

چنانچه الله متعال میفرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَي رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا) نساء: ۱۳۶.

«ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیغمبرش (محمد) و کتابی که بر پیغمبر نازل کرده است و به

کتابهایی که پیش تر (از قرآن) نازل نموده است ایمان بیاورد. هرکس که به خدا و فرشتگان و کتابهای وی و پیغمبرانش و روز رستاخیز کافر شود واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است.»

«ایمان نیروی هدایت کننده‌ی است که مسیر، هدف و روش انسان را مشخص میکند تا او در نور و روشنایی زندگی کند.»

طوری‌که الله متعال می‌فرماید: **(وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) تَغَابِن: ۱۱.**

«و هر کس که به خدا ایمان داشته باشد، خدا دل او را رهنمود می‌گرداند.»

و نیز می‌فرماید: (وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) آل عمران: ۱۰۱.

«و هرکس به خدا تمسک جوید، بیگمان به راه راست و درست رهنمود شده است.»

همچنان از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت است که می‌فرماید: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ، وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ، وَالْبِدَاءُ مِنَ الْجَفَاءِ، وَالْجَفَاءُ فِي النَّارِ» (ابن ماجه، ب ت: ج ۲ ص ۱۴۰۰ شماره حدیث ۴۱۸۴).

«ترجمه: حیا از ایمان است و ایمان در بهشت است. بی‌حیایی و فحاشی از ستمکاری است و ستم در آتش [دوزخ] است.»

پس میتوان گفت: انگیزهی دینی نقش بسیار زیادی در حفظ ارزشهای اخلاقی و پایداری آنها دارد و آنچه امروز در جوانان مشاهده میشود جز آنکه می‌باشد که مورد رحمت پروردگار قرار گرفته - ضعف انگیزه دینی آنها است که شناخت و معرفت به حدود حلال و حرام را نزدشان کم است. ترسی از خداوند متعال ندارند که آنها را از واقع شدن به ظلم و حرام و از فرو رفتن در ورطه و سوسه و شهوات باز دارد و در نتیجه این امر منجر به زوال و ضعف اخلاق آنها شده است.»

۲- کاهش نقش خانواده

خانواده سنگ تهداب و اولین مکتبی است که جوان در آن از دوران کودکی روابط انسانی، ابزارها و قوانین لازم برای تلقین ارزش های دینی را در خود می‌آموزد؛ زیرا خانواده کانونی است که در آن اخلاق و ارزش های دینی پدید می‌آیند، از این رو خانواده نقش عمده‌ی در تربیت فرزندان با انگیزهی دینی، دارد.

نکته‌ی قابل توجه این است که نقش بزرگ خانواده در این اواخر کاهش یافته است؛ زیرا به جای این که خانواده‌ها به عنوان پشتوانه نقش اساسی خود را ایفا نماید، فرصت را برای وسایل دیگری مهیا نموده است که نقش آن را در تربیت کمرنگ میکند.

مصروف بودن پدر یا والدین در کارهای بیرون از خانه در طول روز بر سطح تربیت و پیگیری فرزندان تأثیر می‌گذارد که این خود زمینه را برای زوال ارزشهای اخلاقی مساعد می‌سازد. مخصوصاً والدین در توجیه و رهنمایی آنان برای بر عهده گرفتن مسئولیتها و آموزش آنان در مورد خطرات زوال و انحراف ارزش های اخلاقی و عواقب آن، تلاش لازم را به خرج ندهند.

علاوه بر این، شرایط اقتصادی خانواده‌ها، سطح فرهنگی آن و مشکلاتی که دامنگیر خانواده‌ها میباشد، از قبیل درگیری مداوم بین والدین، عدم توافق آنها در مورد یک راه کار مشترک در مورد تربیت فرزندان، اختلاف دائمی در خانه، زبان ضعیف گفتگو و مشورت اعضای خانواده و یا جدایی والدین، نقش عمده‌ی در انحراف فرزندان و ضعف ارزش های اخلاقی آنها به دلیل عدم مراقبت و کنترل و محرومیت از مهربانی و رهنمایی صحیح، دارد.

آنچه در اینجا باید به آن توجه داشت این است که برخی از خانواده‌ها در بیشتر موارد ناخواسته کاری را انجام

میدهند که باعث انحراف فرزندان میشود؛ زیرا با آنها به جای اینکه از نرمش کار بگیرند و زمینها را به گونهی مساعد بسازند که فرزندان شان در هنگام مواجه شدن به مشکلات با آنها مشورت نمایند، بدرفتاری میکنند. یا هیچ مسئولیتی در قبال آنها غیر از تغذیه و پوشاک احساس نمیکند، حتی اگر فرزندان به مشکل بزرگی مواجه شوند، والدین از آن شوکه و قهر میشوند. در حالیکه این مشکلات به دلیل انحراف یکی از کودکان نبوده، بلکه به دلیل شرمساری شدیدی اتفاق افتاده است (زحیلی، ب:ت: ص ۵-۶، هندی، ۱۴۳۴ه: ص ۸). این درحالی است که الله متعال از سهل انگاری در قبال تربیت فرزندان در حذر داشته و بیان نموده است که غفلت در تربیت فرزندان گاهاً منجر به واقع شدن در آتش جهنم میشود.

چنانچه الله متعال میفرماید: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ)** (۶) تحریم: ۶.

«ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی بر کنار دارید که درگیران آن انسانها و سنگها است. فرشتگانی بر آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمیکند، و همان چیزی را انجام میدهند که بدان مأمور شده اند.»

مفسرین آیت را چنین تفسیر کرده اند: از الله بترسید و خانواده خود را به پرهیزگاری توصیه نماید (طبری، ب:ت: ج ۲۳: ص ۴۹۲).

۳- کاهش نقش نهادهای تعلیمی

نهادهای تعلیمی میدانی متمایز برای تمرین ارزشهای اخلاقی، تلقین و تبدیل آنها به رفتار در جامعه است، امامتأسفانه امروزه در نهادهای تعلیمی و تحصیلی توجه جدی به ارزشهای اخلاقی صورت نمیگیرد؛ زیرا نهادهای تعلیمی و تحصیلی عمدتاً تمرکز بر تعلیم و تعلم دارند نه تربیت و تهذیب. علاوه بر آن بد خلقی برخی معلمان و کاستیها در پیوند نقش خانه با نقش نهاد آموزشی و فقدان ساز و کار واحد تعلیم و تربیت برای تکمیل یکدیگر و اتحاد در القای تفکر صحیح نیز در انحراف جوانان از ارزشهای اخلاقی بی تأثیر نیست. دروس تربیتی و اخلاقی مشابه دروس دیگری است که فقط برای امتحان به دانش آموز داده میشود. (فایز، ب:ت: ص ۱۵)

معلمان و مربیان باید در هر مکان و زمان خداوند متعال را در نظر گرفته و این سخن الله متعال را که می فرماید: **(إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا)** ۱. « زیرا که بیگمان خداوند مراقب شما است (و کردار و رفتار شما از دید او پنهان نمی ماند) . مورد توجه خود قرار دهند».

۴- رسانه ها

رسانهها نقش جدی در نهادینه سازی وجدان پاک، ارزشها، اندیشه و اعتقاد دارند، امروزه رسانهها از جمله ابزارهای هستند که بیش از همه باعث آشفستگی و زوال ارزشهای اخلاقی در بین جوانان به شمار میرود؛ چرا که ما گرفتار آفتهای غرب شده ایم. رسانه های مادی که عناصر هیجان انگیز، مبالغه، استثمار و بی اخلاقی بر آن حاکم است از برنامه های سالم اسلامی که موجب رشد و تقویت ارزش های اخلاق اسلامی می شود، دور هستند و از جملهی این ابزارها می توان به رسانه های خواندنی مانند روزنامه، مجلات و کتب فلسفی که دعوت به الحاد و کفر به خداوند متعال میکنند و صوتی؛ مانند پخش رادیویی، نوار آواز و ... وسایل

تصویری مانند تلویزیون و شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای و انترنت اشاره کرد (سامرائی، ۱۴۳۴هـ: ص ۱۹-۲۰).

پیام رسانه اغلب منصفانه نیست گاهی صریح و واضح و گاهی ظریف و نامحسوس و به طور غیرمستقیم بر جوانان تمرکز دارد تا ارزش‌های اخلاقی آنها را محو کند.

این موضوع با بسیاری از تحقیقات جنائی ثابت شده است که یکی از عوامل دزدی، خشونت، فحشا، مصرف مواد مخدر، فیلم‌های مبتذل همین پیام‌های بوده که معمولاً از طریق رسانه‌ها به دست نشر سپرده میشود (خالد، ۲۰۰۵م: ص ۹-۱۰).

به طور خلاصه، همه رسانه‌ها به درجات مختلف ارزش‌های تحقیرآمیز و گمراه‌کننده بسیاری را به دست نشر می‌سپارند.

در حالیکه الله متعال در قرآن کریم کسانی را که رذایل را پخش میکنند هشدار داده است. طوریکه الله متعال می‌فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ** (نور: ۱۹).

«بیگمان کسانی که دوست میدارند گناهان بزرگی در میان مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی دارند. خداوند میداند و شما نمیدانید».

از آنجا که انذار را بر محبت ترویج فحشا در میان مؤمنان داده است، هشدار می‌دهد مبنی بر این که محبت ترویج فحشاء مستحق عذاب است؛ زیرا محبت آن نشانه سوء نیت نسبت به مؤمنان است (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ص ۱۸).

پس معکوس سخن این که هرگاه در جامعه رسانه‌ها در خدمت دین باشد و ارزش‌های اخلاقی را نشر و پخش نماید جامعه با فضیلت و دارای ارزش‌های اخلاقی و متعالی به وجود می‌آید. بر عکس هر جامعه‌ای که رسانه‌هایش در محتوا و پیامی که ارائه می‌دهد سقوط کرده باشد، جامعه‌ای را به وجود می‌آورد که در آن انحطاط اخلاقی بوجود آمده و تحت تأثیر تمدن‌های دروغین قرار می‌گیرد (البشر ت: ص ۹-۱۰).

۵- بیکاری

پوچی و بیکاری به سن جوانی سازگار نیست، این مرحله‌ی سنیکه سرشار از نشاط، فعالیت، و عشق به زندگی است، بیکاری در این مرحله، برای فکر، عقل و توان جسمانی کشنده است و اگر با فعالیت‌های مثبت پر نشود، ممکن است با فعالیت‌های منفی مانند موسیقی، افکار بد و اراده‌های بد و شیطانی پر شود.

در نتیجه‌ی تحقیقات ثابت شده است که فراغت و بیکاری عامل بسیار از جرایم، جنایات و انحرافات اخلاقی است، به ویژه اگر دختر یا پسر جوان فاقد مهارت، استعداد و علایق فرهنگی و علمی باشد (سدهان ۱۴۱۵هـ: ص ۳۹-۴۰).

الله متعال عذر اهل باطل را قطع کرده به آنها اجازه داد که از نعمت‌های خدا و فضل او، نگرستن به مخلوقات و تدبیر در آنها، و بازیابی توان ذهن برای بهره‌مندی از امور دنیا و آخرت، کسب در آمد کنند.

طوریکه می‌فرماید: **(وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوَنًا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلَنَاهُ تَفْصِيلًا)** (إسراء: ۱۲).

«ما شب و روز را دو نشان قرار داده ایم. نشان شب را محو گردانده ایم و نشان روز را تابان کرده ایم تا از

فضل پروردگارتان بهره مند گردید را بدانید. و ما هر چیزی را دقیقاً مشخص ساخته ایم».

۶- همراهان وهم‌نشینان بد

نقش هم‌نیشان بد در تمام انحرافاتیکه جوانان در معرض آن قرار می‌گیرند بسیار خطرناک است؛ زیرا در زینت دادن برخی انحرافات اخلاقی وحشت‌آور و اغواکننده نقش مهمی را ایفا مینماید. آنها شیاطین هستند که در مورد گناه، تجاوز و ارتکاب جنایت وسوسه میکنند و آن را به عنوان یک لذت خاص، شجاعت نادر و یا غرور نشان میدهند. گاهاً ممکن است خود را برای همکاران خود فقیه جلوه بدهد، لذا بدون اطلاع دست به افتاء میزنند و حتی داوطلبانه به مشکلات قانونی پاسخ میدهند، تا بالای جوانان عمل بد را تحمیل نماید. همان گونه که جنایتها را لذت بخش جلوه میدهد، انحراف از عبادات را و یا غفلت از آن را نیز آراسته میکند (شعود، ب ت: ص ۳۳).

خداوند سبحان از هم‌نشینی با افراد شرور برحذر داشته و به مصاحبت با نیکان و همراهی با آنان نسبت به خیر بزرگیکه در آن است، امر کرده است.

طوریکه می‌فرماید: (وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَطْعَم مَن آغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا) کهف: ۲۸.

(با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان خدای خود را می‌پرستند و به فریاد می‌خوانند، ذات او را می‌طلبند، و چشمانت از ایشان برای جستن زینت حیات دنیوی برنگردد، و از کسی فرمان مبر که دل او را از یاد خود غافل ساخته ایم، و او به دنبال آرزوی خود روان گشته است و کار و بارش افراط و تفریط بوده است).

همچنین پیامبر خدا از هم‌نشینی با کسیکه از هم‌نشینی با او در امور دینی و دنیوی ضرر میکند نهی کرده است؛ زیرا خیری در او نیست.

قسمیکه می‌فرماید: «مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَالسَّوِّءِ، كَحَامِلِ الْمَسْكِ وَنَافِخِ الْكَبِيرِ، فَحَامِلُ الْمَسْكِ إِذَا أَنْ يُحْدِثَكَ، وَإِذَا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ، وَإِذَا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً، وَنَافِخِ الْكَبِيرِ إِذَا أَنْ يُحْرِقَ تِيَابَكَ، وَإِذَا أَنْ تَجِدَ رِيحًا خَبِيثَةً» (بخاری، ۱۴۲۲هـ: شماره حدیث ۵۵۳۴، قشیری، ب ت: شماره حدیث ۳۶۳۸).

«مثال هم‌نشین خوب و بد، مانند حامل مُسك و دمنده دم آهنگر است. حامل مسك یا به تو مسك میدهد یا از او میخری و یا اینکه بوی خوش آن به مشامت میرسد. و دمنده‌ی دم آهنگر یا لباسه‌ی را میسوزاند و یا بوی بد آن به مشامت میرسد».

۷- جهل و عدم تجربه

جهل بلای بزرگ و تاریکی مهلک است، پس جوان نادان که نمیداند چگونه شروع میکند؟ و چگونه پیش میرود؟ به کجا ختم میشود؟ جهل اش مانند انسان نابینا او را به خطرات و انحرافات میکشاند و نمیداند که تصادفی راه می‌رود و بارها در همان دامها میافتد، بنابراین همه چیز برایش به هم میریزد، پس او توانایی تشخیص، یا تمایز بین آنچه درست و نادرست، و خوب و بد است را ندارد.

علاوه بر آن برخی از جوانان از مشورت با افراد دانشمند، باتجربه و متخصص اعم از والدین یا دوستان وفادار، خودداری میکنند، موضوع بدتر میشود و به راحتی در معرض فریب قرار میگیرد. این درحالی است که جوان ممکن است متوجه انحراف خود نشود مگر بعد از دست دادن فرصت، یعنی پس از

آن که بهای سنگینی برای جهل خود می‌پردازد از قبیل رفتن به زندان، اخراج از خانه و یا ترک و طرد اجتماعی توسط خانواده، دوستان و جامعه (جوابی، ۱۴۳۱: ص ۳۷).

«پس جوانان باید دانش مفیدی کسب نمایند تا مسیر خود را روشن بسازند و به سوی خیر هدایت داده شوند. خداوند به پیامبرش دستور داده که از او دانش بیشتری بخواهد».

چنانچه میفرماید: **(وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا)** طه: ۱۱۴.

و این فقط برای عزت و مقام علم است؛ زیرا علم نوری است که مردم را از ظلمت جهل بیرون می‌آورد و وسیله موفقی برای ساختن و ارتقاء است.

۸- فقر شدید یا ثروت زیاد

فقر شدید و هم ثروت ظالمانه تأثیرات خود را بر زوال ارزش‌های اخلاقی جوانان می‌گذارد؛ زیرا فقر ممکن است جوانان را به سمت حسادت و نفرت، دزدی و انتقام از جامعه سوق دهد و ثروت شدید صاحب آن را به زشتی، افراط در تفریح و لذت و شهوات، تکبر و تحقیر دیگران و هم چنان اسراف فرا می‌خواند.

و چون اسراف از اخلاق ناپسندی است که ضرر فراوانی به صاحب آن و جامعه و ملت میرساند،

خداوند متعال بندگان خود را از آن نهی کرده است (طریقی، ۱۴۲۱هـ: ص ۹۲)

(يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) اعراف: ۳۱.

ترجمه: ای آدمیزادگان! در هر نماز گاه و عبادتگاهی، خود را بیارائید، و بخورید و بنوشید ولی اسراف و زیاده روی نکنید که خداوند مسرفان و زیاده روی کنندگان را دوست نمیدارد.

۹- عدم تحمل مسئولیت

یکی از بدترین چیزهاییکه امروزه از آن رنج می‌بریم، طفره رفتن - بیشتر جوانان - از مسئولیت‌های دینی و اجتماعی است که باعث شده مسلمانان از کاروان تمدن عقب بمانند و از انجام مأموریتی که به عهده آنها گذاشته شده است که همانا خلافت زمین است دست بکشند.

این احساس در اثر عدم توجه به کاستیها به وجود می‌آید، بسیاری از جوانان به دلیل اتکاء به دیگران، یا احساس ناامیدی، و یا ترس از عدم توانایی و تحمل مسئولیت و همچنان به دلیل عدم اعتماد به نفس، از تحمل بار مسئولیت دست می‌کشند.

برخی از جوانان وجود دارند که احساس مسئولیت میکنند، اما به دلیل تمایل به استراحت تبلی نموده و از آن غفلت می‌کنند.

خداوند متعال در قرآن کریم وقایع بسیاری را بیان کرده است که مسئولیت در آنها مشهود است از آن جمله قول الله متعال است که میفرماید: **(وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ)** یس: ۲۰-۲۱

«مردی از دورترین نقطه شهر با شتاب بیامد، گفت: ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید».

این مرد مؤمن با مجاهدت آمد و تلاش او نه از ترس خود، بلکه با تمام وجود برای رسیدن به حقیقت بود؛ زیرا احساس می‌کرد مسئولیت دارد و باید در این موضوع نقش مؤثری داشته باشد، گویی که او دید که این موضوع باید قبل از مرگ یا هلاک شدنش به او برسد.

۱۰- عدم کار گروهی

امروزه به دلیل نبود ارزش کار گروهی، اتحاد بین جوانان از هم گسیخته است، کار جمعی در جامعه اسلامی بیشتر مبتنی بر علاقه و خواهشات شخصی شده که منجر به فقدان فضیلت، برادری، همکاری و احسان به دیگران شده است و این امر زمینه را به زوال اخلاق مساعد میسازد (رحمونی، ب ت: ص ۲).

اگر به آیات قرآن کریم دقت کنیم، درمی یابیم که امر به تعاون در امور خیر و نیکی در آیت یکی از ارکان هدایت اجتماعی در آن است.

چنانچه الله متعال می‌فرماید: **(وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)** مائده: ۲.

«در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید، و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی نکنید. از خدا بترسید. بیگمان خداوند دارای مجازات شدیدی است.»

و همکاری در امور خیر مستلزم این است که جوانان در هر عمل صالحی که به نفع فرد و اجتماع در امور دینی و دنیوی شان باشد و هر عمل نیکیکه به وسیله آن بدیها و ضررهای خود را دفع می کنند، یکدیگر را یاری دهند.

۱۱- عدم محاسبه و پاسخگویی

یک جوان ممکن در قبال مجازات دزدی، قتل و سایر جرایم مشهود آگاهی داشته باشد، اما در مورد بیماری های اخلاقیکه منجر به فروپاشی ارزشهای کل جامعه میشود، مانند دروغ، تکبر، بیحیای، ظاهر نامناسب. مسوولیت ناپذیری و سایر مظاهر بد اخلاقی، بدون پاسخگویی و مجازات میماند و این منجر به بی توجهی به ارزش های اخلاقی در بین جوانان و تشدید اخلاق ناپسند در جامعه به میزان زیادی میشود.

و اگر در نصوص قرآن تدبیر کنیم، درمی یابیم که در برابر هر اشتباه و کوتاهی مسوولیت وجود دارد که شخص باید پاسخگو باشد و بنده بدون آن در آخرت رستگار نیست. طوریکه الله متعال میفرماید: **(أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى)** قیامة: ۳۶.

آیا انسان می‌پندارد که او بیهوده به حال خود رها شود.

و نیز می‌فرماید: **(يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ)** مجادله: ۶.

« روزی خدا همهگان را زنده میگرداند و آنان را از کارهای که کرده اند آگاه میسازد. کارهای که ایشان آنها را فراموش کرده اند، ولی خداوند آنها را شمارش کرده است خدا حاضر و ناظر بر هر چیزی است.»

جوان باید بداند که در برابر هر رذیله- حتی اگر مجازات مشخصی برای آن تعیین نشده باشد- پاسخگو خواهد بود و هم چنان باید توجه کرد که اطاعت از نفس، هوی و هوس انسان را به شرارت میکشاند و هر کس جلو نفس را رها کند تا طغیان نماید، در روز قیامت از جهنم جایگاهی خواهد داشت.

قسمیکه الله متعال میفرماید: **(فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ * وَأَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ)** نازعات: ۳۷-۳۹.

« اَمَا آن كَسِيكَه طَغِيَان و سِرْكَشِي كَرْدَه بِشَد . و زَنَدِگِي دُنِيَا رَا تَرْجِيح دَاده بِشَد . قَطْعاً دُوزَخ جَايگَاه (او) است » .

در مقابل این الله متعال میفرماید: **(وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ) النازعات: ۴۰-۴۱.**

« و اَمَا آن كَسَكِه از جَاه و مَقَام پُروردگار خُود تَرْسِيده بِشَد ، و نَفْس رَا از هُوي و هُوس بازداشته بِشَد . قَطْعاً بَهشت جَايگَاه (او) است » .

۱۲- بورسهای تحصیلی

تحصیل در کشورهای غیر اسلامی بعضاً به گونه‌ی زهراگین است که جوان مسلمان از آن متأثر شده به کشور خود بر میگردد، از جمله پیامد منفی تحصیل در کشورهای غیر اسلامی، تضعیف روحیه‌ی اسلامی و دیانت دانشجوی شامل بورسیه، تضعیف آموزشی و فاداری به مؤمنان و برائت از کفار که یکی از بزرگترین پایه‌های دین اسلام است و ...

مشاهده شده است برخی از کسانی که به کشورهای غیر اسلامی غرض تحصیل می روند به انحرافات اخلاقی دچار میشوند و نماز را ترک میکنند، الکل مینوشند و در ظاهر و پوشش و آداب و رسوم خود از غرب تقلید میکنند؛ زیرا عوامل فساد و اغواگری در کشورهای که تحصیل مینمایند ممکن است بر عناصر مقاومتی که برخی از آنها دارند غلبه کند. خروج از جامعه‌ی محافظه کار به جامعه غیرمحافظه کار تأثیرات ناگواری به جوان وارد میکند که نمیتوان آن را نادیده گرفت (بداح، ۱۴۳۱هـ ص ۴۵).

راه‌ها و طرق علاج ضعف اخلاقی جوانان

وجود رذایل اخلاقی در نهاد انسان به این معنا نیست که این رذایل قابل اصلاح، تربیه و پرورش نمیباشد و یا اینکه انسان گویا مجبور است تا از این رذایل استفاده نموده و آن را در روش و سلوک خویش ظاهر سازد، بلکه زمانیکه در رابطه به خلقت انسان در قرآن مجید غور و تدبر صورت گیرد نمایان میشود که الله متعال در این مورد چنین می فرماید: **(الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ) ملك: ۲.**

کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکو کار تر است.

اختیار الگوی درست و محیط سالم

انسان با ایمان قوی درک سالم پیدا کرده و میتواند با نور ایمان حق را از باطل حلال را از حرام، نیک را از بد و زشت را از قبیح خوبتر تفکیک نماید، و بدین وسیله در می یابد که بهترین الگو، قدوه و پیشوا برای وی کی میباشد و محیط سالم کدام است تا توانسته باشد با مقتدای نیکو و محیط سالم انگیزهها و تمایلات ارزش اخلاقی را در خود تقویه کرده و در روش و سلوک خویش آن را پیاده سازد و در عین زمان از پیروی انسانهای که در گمراهی رذایل اخلاقی فرو رفته اند و هنوز هم فکر میکنند که بهترین مرشد برای دیگران اند، خود را نجات دهد.

محیط سالم و الگوی نیکو از جمله مهمترین وسایل ایجاد فضایل اخلاقی و جلوگیری از امراض رذایل اخلاقی میباشد؛ زیرا هر دو (محیط سالم و الگوی نیکو) در حیات و زندگی انسان تأثیر مستقیم و مستحکم دارند. به همین جهت دین مقدس اسلام انبیاء علیهم السلام را منعیث قدوه و الگو فرستاده و اولین کاری

را که انبیاء علیهم السلام انجام میدهند، ایجاد محیط سالم برای رشد و بلند بردن معیار انگیزه‌های نیکی و ارزشهای اخلاقی در انسان است؛ زیرا یکی از معانی لغوی انسان از کلمه انس گرفته شده که معنی عادت کردن و خوی گرفتن را افاده میکند بناءً انسان با هرنوع محیطی که سر و کار داشته باشد خوی و عادت همان محیط را میگیرد.

ایجاد یک محیط سالم در خانواده با تشکیل افراد سالم صورت میگیرد، تا هر یک برای دیگری خویش الگو و قدوه درست در روش های فضایل اخلاقی و اجتناب از رذایل اخلاقی قرار گیرند. مراد از افراد سالم کسانی اند که در حقیقت ایمان، تقوی، دیانت و اخلاق نیکو داشته باشند. بنا بر این پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را جهت ایجاد یک خانواده سالم به اختیار افراد سالم تشویق و ترغیب میکند؛ زیرا خانواده سالم بهترین محیط است که انسان را در یک سلسله امراض مهلک رذایل اخلاقی تربیه و پرورش درست مینماید.

تأثیر دوست من حیث یک الگو مناسب و محیط سالم برای هیچ کسی پوشیده نمیباشد و از همین جهت پیامبر صلی الله علیه وسلم شناخت حقیقی یک انسان را در شناخت دوستان و هم نشینان وی برای ما معرفی کرده، می فرماید:

«الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ» (سجستانی، ب ت: شماره حدیث ۴۸۳۳)
انسان به کیش دوست خود میباشد، پس هر یک تان بنگرد که باکی دوستی دارد.

پابندی به احکام الهی

احکام الله جل جلاله که توسط انبیاء علیهم السلام برای خوشبختی و سعادت انسان فرستاده میشود یکی از بهترین و مجرب ترین وسایل علاج انسان از رذایل اخلاقی میباشد. احکام الهی که به اوامر و نواهی تقسیم میشود، اوامر عبارت از هرآنچه که الله جل جلاله از ما تقاضا کرده تا آن را انجام دهیم ونواهی عبارت از تمام آنچه‌هایست که الله جل جلاله ما را از آن منع فرموده است؛ زیرا الله خالق انسان است و از تمام انگیزهها، تمایلات و غرایز او آگاه میباشد و ذات الهی خوبتر می داند که چگونه این تمایلات و انگیزهها تربیه و پرورش شده تا انسان توانسته باشد به مقام انسانیت خود نایل گردد و از تمایلات و انگیزه‌های حیوانیت و شیطانیت نجات یابد.

یکی از راههای علاج از رذایل اخلاقی در انسان پابندی به احکام الهی و تعالیم انبیاء علیهم السلام میباشد. بناء تمام فرایض واجبات، سنن و احکامی که انسان مؤمن و مسلمان مکلف به انجام دادن آن است، درحقیقت جهت تنظیم و پرورش همین غرائز، تمایلات و انگیزهها وی میباشد تا به حالت تعادل قرار گرفته و باعث سرکشی در روش و سلوک او نگردد؛ زیرا ظاهر شدن فساد در روش و سلوک انسان باعث انتشار آن در تمام جهان میگردد، چنانچه الله متعال می فرماید: (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ)) (روم: ۴۱)

به سبب کارهای که مردم انجام داده اند، فساد در خشکی و دریا آشکار شده است، تا (خداوند) جزای بعضی از آنچه را که انجام داده اند به آنان بچشاند.

پیامبر اسلام صلی علیه وسلم هم مسلمان واقعی را که پابندی کامل به احکام الهی از اوامر و نواهی دارد، برای ما چنین معرفی میکند: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ» (بخاری، ج ۱ ص ۱۱ شماره حدیث ۱۰).

«مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند.»

در نتیجه گفته می‌توانیم که بهترین وسیله علاج رذایل اخلاقی در انسان پابندی وی به احکام الهی از اوامر و نواهی می‌باشد؛ زیرا احکام الهی ضامن خوشبختی و سعادت انسان در دنیا و آخرت است و رذایل اخلاقی همیشه انسان را به سوی هلاکت و بر بادی سوق می‌دهد، انسان مسلمان توسط عملکرد به احکام الهی جلو این هلاکت، بر بادی، شقاوت و بدبختی‌ها را می‌گیرد.

تشویق والدین به تربیت فرزندان با اخلاق نیکو و هشدار از بی توجهی به آنها

متون قرآنی و نبوی شامل ترغیب والدین به القای آداب قرآن کریم و عالی‌ترین فضایل اسلامی در روح فرزندان و تبیین فوایدی است که از آن حاصل می‌شود. تربیت یک تکلیف شرعی است که باید توسط والدین بخاطر اجرای دستور خداوند متعال در آیت ذیل انجام شود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (تحریم ۶).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که هیمة آن مردم و سنگ‌هاست نگه دارید (آتشی که) بر آن فرشتگان خشن و سخت‌گیر (گمارده شده) که هرگز الله را در آنچه به آنان فرمان داده نافرمانی نمی‌کنند، و هرچه فرمان می‌یابند انجام می‌دهند

این آیه مبنای تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر اهل بیت و خانواده است.

علی رضی الله عنه در تفسیر این آیه می‌فرماید: (ای علموهم و ادبوههم) برای آنها علم و ادب را بیاموزید (طبری، ۱۴۲۲هـ-۲۰۰۱: ج ۲۳ ص ۴۹۱).

هر کس در تقویت اخلاق فرزندان خود کوتاهی کند، به آنان ظلم کرده است، در این باره ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «کسی که از آموختن آنچه که به فرزندش سود می‌بخشد کوتاهی کند و آن را بیهوده رها کند، به او صدمه بزرگی زده است و بیشتر فساد فرزندان ناشی از اهمال و غفلت پدر و مادرشان است که از تعلیم واجبات و سنت‌های دین به آنها کوتاهی می‌کنند.» پس آنها را در خردسالی ضایع کردند (ابن القيم، ۱۹۷۱هـ: ص ۲۲۹).

احیای حس غیرت

یکی از موارد که از انحرافات اخلاقی جلوگیری مینماید، احیای حس غیرت است؛ زیرا انسان غیور هیچگاهی به ناموس کسی تجاوز نمی‌نماید؛ چون از عکس‌العمل آن می‌ترسد. جوانی نزد پیامبر آمد عرض کرد: اجازه می‌دهی زنا کنم؟ آن حضرت بدون ناراحتی از او پرسید تو دوست داری کسی با خواهر، مادر، دختر، خاله و عمه‌ی تو فعل شنیع زنا را انجام بدهد؟ جوان گفت: هرگز، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: دیگران نیز مثل تو دوست ندارد با محارم آنها زنا صورت بگیرد بار خدایا گناهان اور ببخش، قلبش را از گناه پاک کن، شرم‌گاهش را از زنا مصوون دار و بعد از این دیگر این جوان به کسی چشم ندوخت (ابن حنبل، ۲۰۰۱: ج ۵ ص ۳۵۶).

یاد مرگ و رستاخیز

عامل دیگری جلوگیری از انحراف اخلاقی یاد مرگ و رستاخیز است، رسول الله اصحاب خود را همواره با یاد مرگ سفارش میکرد و میفرماید: «أَكْثَرُوا ذِكْرَ هَازِمِ اللَّذَاتِ» (همان، ج ۱۳ ص ۳۰۱ شماره حدیث ۷۹۲۵).

«مرگ را بسیار یاد کنید که همانا مرگ ناپود کننده‌ی لذت‌ها و جدا کننده‌ی شما از شهوتها است».

نقش آموزگار در جلوگیری از انحراف اخلاقی

شکی نیست که وظیفه‌ی آموزگار بسیار بزرگ است اگر آن را مخلصانه انجام دهد و دانش آموزان را بر مبنای تربیت اسلامی تربیت کند، کار او یکی از ارزشمندترین کارها خواهد بود. اما اگر معلم در ادای وظیفه‌اش بی‌توجهی نماید و باعث شود شاگردان به بی‌راهه بروند، هم او و هم شاگردانش دچار بدبختی میشوند و روز قیامت در حالیکه بار سنگین گناه را حمل میکنند و در دادگاه قیامت مورد محاسبه قرار میگیرند؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم میفرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (بخاری ج ۲ ص ۷۹) همه‌ی شما مسوولیت دارید و در قبال زیردستانتان باز خواست میشوید.

چگونه راستگویی را یاد میگیرد بچه‌ی که می‌بیند مری‌اش دروغ میگوید؟
چگونه اخلاق خوب و نیک را یاد میگیرد شاگردی که می‌بیند معلم‌اش فحش میگوید و گفتار بد میگوید و بد اخلاق است؟ بر همین اساس است که رسول خدا مریبان را از دروغ برای فرزندان برحذر داشته هرچند به خاطر سرگرمی هم باشد.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: " مَنْ قَالَ لِصَبِيٍّ تَعَالَ هَاكَ، ثُمَّ لَمْ يُعْطِهِ فَيُحِبِّي كَذِبًا " (ابن حنبل، ج ۱۵ ص ۵۳).

«کسی که به کودکی بگوید بیا به تو چیزی بدهم اما به او هیچ ندهد، دروغ گفته است».

نتیجه‌گیری

از لابلای تحقیق پیرامون این موضوع به این نتیجه رسیدیم که برتری اسلام در تعالیم، آداب و روش‌های درمان ضعف ارزش‌های اخلاقی از منظر اسلام نشان‌دهنده التزام به منهج خداوند متعال و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم و نیز مشوق ساختن جامعه اسلامی. بر مبنای نیکی و فضیلت است، انسان با برخی ارزش‌های تخیلی متولد می‌شود سپس با تمرین و تجربه در مراحل مختلف زندگی خود آنها را پرورش می‌دهد و برخی ارزش‌ها را نیز با تجربه و آموزش به دست می‌آورد. مسئله ارزش‌ها نه کاملاً فطری و نه کاملاً اکتسابی است. نقش مدارس و مؤسسات آموزشی - در بیشتر موارد - در القای ارزش‌های اخلاقی بین جوانان ضعیف شده است، تا جایی که توجه معلمان به انتقال دانش و تکمیل هر چه سریعتر مفردات درسی در زمان کم معطوف شده است. رسانه‌های امروزی اعم از چاپی، شنیداری و بصری یکی از مؤثرترین ابزارهای ایجاد اختلال و ضعف ارزش‌های اخلاقی در بین جوانان است. عدم توجه جوانان به رفع ضعف ارزش‌های اخلاقی و بی‌توجهی دیگران به او، او را به انحراف از ارزشهای اخلاقی و در نتیجه ناآرامی و فروپاشی اجتماعی سوق می‌دهد. الگوهایی که دارای ویژگی‌های الگوی خوب هستند، نمونه زنده اخلاق، رفتار و تعهد پسندیده می‌باشند و تأثیر آنها در روح و روان جوانانی که آنها را پیروی می‌کنند مثبت و مؤثر است.

منابع

قرآن کریم

ابن حنبل. أبو عبد الله أحمد بن محمد. (١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م). مسند الإمام أحمد بن حنبل. المحقق: شعيب الأرتووط - عادل مرشد، وآخرون، بيروت: مؤسسة الرسالة، ج ٥ ص ٢٥٦.

ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر. (١٩٨٤ هـ). التحرير والتنوير. تونس: الدار التونسية للنشر.

ابن عطية، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام. (١٤٢٢ هـ). المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز. محقق: عبد السلام عبد الشافي محمد. بيروت: دار الكتب العلمية.

ابن مسكويه، احمد بن محمد. (١٤٠٥ هـ). تهذيب الأخلاق في التربية. بيروت: دارالكتب. إصفهاني، الحسين بن محمد. (١٤١٢ هـ). المفردات في غريب القرآن. تحقيق صفوان عدنان. بيروت: دارالعلم.

أباني، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين. (س). صحيح الجامع الصغير وزياداته. لبنان: المكتب الإسلامي.

بخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (١٤٢٢ هـ). صحيح البخاري. محقق: محمد زهير بن ناصر. بيروت: دار طوق النجاة،

بداح، عبد العزيز بن احمد. (١٤٣١ هـ). الابتعاث، تاريخه وآثاره، <https://albdah.com/#> ١٧٠٠ =net/?p

بشر خالد. (٢٠٠٥ م). أفلام العنف والإبادة وعلاقتها بالجريمة. فلسطين: جامعة نايف للعلوم الأمنية.

جوابي، محمد طاهر. (١٤٢١ هـ). المجتمع والأسرة في الإسلام. مصر: دار العالم الكتب للطباعة والنشر والتوزيع.

جوزية، محمد بن ابى بكر بن القيم. (١٩٧١ م). تحفة المودود بأحكام المولود. تحقيق: شعيب الأرتووط. دمشق: دار البيان.

رحموني، يوسف. (س). عشرة أسس ومبادئ لنجاح العمل الجماعي، <http://www.maroc.com.droit>

زهراني، عبدالله بن علي. (١٤٢٥ ق) ضعف الإيمان أسبابه، آثاره، علاجه.

سامرائي، حذيفة. (١٤٣٤ هـ). وسائل الاتصال الحديثة وتأثيرها على الأسرة. عراق: كلية العلوم الإسلامية.

سَحْسَتَانِي، أبو داود سليمان بن الأشعث (—). سنن أبي داود. بيروت: المكتبة العصرية، صيدا. سدحان، عبدالله. (١٤١٥هـ). قضاء وقت الفراغ وعلاقته بانحراف الأحداث. الرياض: المركز العربي للدراسات الأمنية والتدريب.

شحود، علي بن نايف (١٤٣٣هـ). النهي عن القدوة السيئة وبيان أضرارها.

طبري، محمد بن جرير. (١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م). تفسير طبري. تحقيق: دكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي. سعودي: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان.

طريقي، عبدالله بن إبراهيم. (١٤٢١هـ). مشكلة السرف في المجتمع المسلم وعلاجها في ضوء الإسلام. سعودي: وزارة شؤون الإسلامية والأوقاف و الدعوة و الإرشاد.

الفايز، فايز. (—). المدرسة والتنشئة الاجتماعية. سعودي: جامعة الملك سعود، كلية التربية.

القزويني، ابن ماجة أبو عبد الله محمد بن يزيد. (—). سنن ابن ماجه. تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار إحياء الكتب العربية.

قشيري، مسلم بن الحجاج أبو الحسن. (—). صحيح مسلم. تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار إحياء التراث العربي.

ماوردي، ابوالحسن علي بن محمد. (١٩٨١م). تسهيل النظر و تعجيل الظفر في اخلاق الملك. تحقيق، محي هلال السرحان و حسن الساعاتي. بيروت : دارالنهضة العربية.

ماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي. (—). تفسير الماوردي. محقق: السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم، بيروت: دار الكتب العلمية.

ملحة، عليوات. (—). المناخ الأسري وعلاقته بالتفوق الدراسي. الجزائر: كلية الآداب.

هندي، اعتماد. (١٤٣٤هـ). الحرمان من الوالدين أو أحدهما وعلاقته ببعض المتغيرات النفسية. سعودي: جامعة أم القرى.



نفرت پراکنی علیه مهاجران افغان در شبکه‌های اجتماعی ایران: (مطالعه‌ی موردی کانال تلگرامی سید هادی کسایی زاده)

پوهنیار غلام احمد سوسیال

دیپارتمنت خبرنگاری، پوهنچی ادبیات و علوم بشری پوهنتون بدخشان
susyall1990@gmail.com
0009-0000-6566-2310

نویسنده

نشانی برقی
نشانی ارکاید

پوهنیار مجیب الرحمن جویا

دیپارتمنت خبرنگاری، پوهنچی ادبیات و علوم بشری پوهنتون بدخشان
joya.mujib2018@gmail.com
0009-0000-0478-1842

نویسنده

نشانی برقی
نشانی ارکاید

پوهنیار قربان حسین پامیرزاد

دیپارتمنت خبرنگاری، پوهنچی ادبیات و علوم بشری پوهنتون بدخشان
pamirzad2023@xjtu.edu.cn
0009000757040635

نویسنده

نشانی برقی
نشانی ارکاید

چکیده

این تحقیق در پی تحلیل و شناسایی سامانمند الگوهای نفرت پراکنی بر ضد مهاجران افغانستانی در رسانه‌های اجتماعی ایران است. داده‌ها از کانال تلگرامی خبرنگار مشهور مهاجر ستیز ایرانی که هم‌زمان در تویتر و انستاگرام نیز نشر می‌شود. به صورت دستی حدود صد نمونه استخراج و پس از کدگذاری باز، گزینشی و نظری به تحلیل موضوعی پرداخته شده است. نتایج تحقیق ضمن تأیید الگوهای به دست آمده در تحقیقات جهانی روی موضوع مانند تمایز گذاری میان مهاجر و میزبان، عمومیت بخشی (همه‌ی مسلمانان) تهدید خواندن مهاجران به فرهنگ و جامعه میزبان، تبلیغ اندیشه نژادپرستی (تابعیت با خاک و خون است) و انسان زدایی (تشبه مهاجران به حشرات و حیوانات) نوعی نگاه سادیستی نویسنده کانال نسبت به مهاجران افغانستانی در ایران را نشان می‌دهد. نویسنده به صورت اغلب تمام چالش‌های ایران که نتیجه‌ی گسست اجتماعی و اقتصادی و ناکارآمدی حکومت است به گردن مهاجران انداخته است. همچنان ترس کاذب از آینده‌ی جامعه ایران در موجودیت مهاجران را تبلیغ می‌کند.

کلیدواژه‌ها: افغانستان، ایران، مهاجر، شبکه اجتماعی، نژادپرستی.

Hate Speech Against Afghanistan's Immigrants In Iranian Social Media

Author	Ghulam Ahmad Sussyall
Email	Journalism Department, Language & Litration Faculty, Badakhshan University, Badakhshan Afghanistan
Orcid	susyall1990@gmail.com 0009-0000-6566-2310
Author	Mujebburrahman Joya
Email	Journalism Department, Language & Litration Faculty, Badakhshan University, Badakhshan Afghanistan
Orcid	joya.mujib2018@gmail.com 0009-0000-0478-1842
Author	Qurban Hosien Parmizad
Email	Journalism Department, Language & Litration Faculty, Badakhshan University, Badakhshan Afghanistan
Orcid	pamirzad2023@xjtu.edu.cn 0009000757040635

Abstract

This study aims to systematically examine Hate Speech patterns against Afghan refugees in Iranian social media. The data were collected from “educating journalism” an Iranian telegram channel which is running by Syed Hadi Kasiezadeh. About a hundred post have been chosen and, qualitative content analysis applied. After open coding, selective coding and, theoretical coding the result has been drawn. This study meanwhile confirming previous researches patterns like distinction between refugee and domestic (we and them); generalization (all Muslims are) threatening of refugee to the culture and all aspects of host society; dehumanization (calling refugees insects, animals); propagation of scientific racism shows a kind of sadistic view about the Afghan refugees in Iran. The writer has been blamed Afghan refugees for almost all social and security problem which is the consequences of social and economic gap and inefficient of the host government. a false fear of the future is also propagating by the channel.

Keywords: Afghanistan, Iran, refugee, social media, Racis

مقدمه

داستان مهاجران افغانستانی در ایران روایت تراژدی طردشدگان، قصه‌ی کودکان کار، غمناهی قربانیان متهم و افسانه‌ی زندگی در زیر شمشیر دموکلیس است.

سیاست دولت ایران در برابر مهاجران افغانستان را می‌توان به سه دوره متمایز تقسیم کرد: سیاست درهای باز؛ سیاست تشویق و ترغیب به بازگشت و سیاست ساماندهی اتباع بیگانه (اصفهانی، ۱۳۹۷). دوره سوم برابر با گسترش و نهادینه شدن کاربرد شبکه‌های اجتماعی و اینترنت است.

روزنامه‌نگاری حرفه‌ای یک سری اصول و کدهای اخلاقی دارد که نفرت پراکنی یکی از نمونه‌های بارز نقض اصول حرفه‌ای است. نهادهای روزنامه‌نگاری بین‌المللی کدهای مختلف اخلاقی را عرضه کرده‌اند مانند: « احترام به حقوق بشر، منع تبعیض و نفرت پراکنی » « جستجوی حقیقت و گزارش آن » دوری از تضاد منافع در برابر فشارهای خارجی که از سوی انجمن خبرنگاران بین‌المللی و انجمن روزنامه‌نگاران حرفه‌ای بیان شده است بر کاهش آسیب رساندن و منصفانه بودن تأکید دارند (تهوری، ۲۰۲۴).

با این وجود، مهاجر ستیزی و سبب فقر، بیکاری و تورم دانستن مهاجران نه تنها در ایران که در سراسر جهان در میان گروه‌های راست افراطی و دستگاه‌های پروپاگندای آن‌ها وجود دارد.

نفرت پراکنی فراتر از جانبداری روزنامه‌نگار و خط سرخ در کار رسانه‌ای است. زمان که بیان بار توهین، تحقیر و تبعیض بر ضد فرد یا گروهی به گونه‌ای که سبب تنفر، دشمنی و خشونت شود؛ نه تنها باعث بی‌اعتبار شدن رسانه و خبرنگار می‌شود بلکه فراتر از آزادی بیان بوده و باید جلو آن گرفته شود (تهوری، ۲۰۲۴).

بنابراین، تحقیق و تحلیل و محتوای نفرت پراکنی در فضای رسانه‌ای و سنجش حرفه‌ای بودن در جهان کنونی با اهمیت است.

تبیین مسأله

شبکه‌های اجتماعی ابزارهای بسیار کم‌هزینه و راحت برای برقراری ارتباطات میان میلیون‌ها انسان در سراسر کره زمین است. در یک نگاه خوش‌بینانه شبکه‌های اجتماعی سبب شکست انحصار رسانه‌های سنتی، کتمان حقایق، فعال و توانمند شدن مخاطبان و گسترش آگاهی جمعی گردیده است. از سوی دیگر از آنجایی که صاحبان شرکت‌های شبکه‌های اجتماعی مسئول محتوای تولیدشده از سوی کاربران این شبکه‌ها نیستند، میزان تولید محتوای آزاردهنده برای گروه‌های خاص، محتوای شبه‌علمی و ضد علمی، مطالب سطحی و بازاری شدن، مطالب دستکاری‌شده و به‌ویژه محتوای نفرت‌انگیز علیه گروه‌های نژادی، قومی و مذهبی برابر و گاه بیشتر از محتوای مفید و سازنده است.

برتری فناورانه و اقتصادی و موجودیت غول‌های تولیدی در غرب و بحران‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از یک سوی و ناکارآمدی دولت‌ها در مهار جنگ‌های بزرگ و کوچک، نبود زمینه‌ی کار و امنیت و مصئونیت موج جدیدی از مهاجرت میلیون‌ها پناهجو از کشورهای سوریه، افغانستان و سایر کشورهای در حال توسعه به سوی غرب بار دیگر اندیشه‌ی نژادپرستی علمی و داروینسم اجتماعی را که ایدئولوژی جریان‌های راست افراطی را تشکیل می‌دهد؛ تقویت کرد. مهاجر ستیزی یکی از اجزای این جریان‌هاست.

نژادپرستی علمی یا داروینسم اجتماعی که فرانتس بائوس پدر انسان‌شناسی آمریکا نادرستی آن را اثبات کرده بود؛ به این باور است که همان‌گونه که موجودات در جنگ در طبیعت سازگارترین‌ها و قوی‌ترین‌ها

زنده می‌مانند؛ در جامعه‌ی انسانی نیز باهوش‌ترین‌ها و قوی‌ترین‌ها که نژاد سفید است حق سروری دارد. بائوس سه نقد اساسی به این نظریه داشت: اول رفتار و کنش‌های افراد ریشه‌ی فرهنگی دارد و نه ژنتیک. دوم، تحقیقات تجربی‌اش نشان می‌دهد که تفاوت زیادی میان حجم جمجمه نژادهای مختلف آن‌گونه که نژادپرستان ادعا می‌کنند وجود ندارد. سوم، با قبول نژادپرستی علمی باید با واکنش‌های کودکان و مهندسی ژنتیک مخالفت کرد چون احتمال زنده ماندن انسان‌ها با سیستم ایمنی بدن ضعیف و نارسا زنده بمانند و توانمند شوند. این کار غیراخلاقی است. پس اندیشه نژادپرستی علمی نا اخلاقی است.

بالین وجود، موج از مهاجر ستیزی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی کشورهای میزبان و پیچیدگی‌های کنترل و مبارزه با آن سبب نگرانی‌های زیادی در میان فعالان حقوق انسانی شده است. این تحقیق بخشی کوچکی ازین مهاجر ستیزی را در شبکه‌های اجتماعی ایران که میزبان میلیون‌ها مهاجر افغانستانی است را به بررسی می‌گیرد.

پرسش‌های تحقیق: پرسش اصلی

1. مهاجران افغانستانی در فضای مجازی ایران چگونه بازنمایی می‌شوند؟

پرسش‌های فرعی

۱. دلایل نفرت از مهاجران چیست؟

2. استدلال‌های نویسندگان متن‌های نفرت پراکن کدام هاست؟

3. کدام عوامل بیشتر سبب نفرت نویسندگان متن‌های نفرت پراکن علیه مهاجران افغانستانی شده است؟

اهداف تحقیق

بررسی نحوه‌ی بازنمایی مهاجران افغانستان در شبکه‌ای اجتماعی ایران؛
سنجش میزان استحکام منطقی و راستی آزمایی استدلال‌های حاوی مطالب نفرت پراکنی در شبکه‌های اجتماعی ایران؛

بررسی دلایل نفرت نویسندگان متن‌های حاوی مطالب نفرت پراکنی؛
بررسی عوامل نفرت از مهاجران افغانستانی در میان نویسندگان متن‌های نفرت پراکنانه.

اهمیت تحقیق

بی‌توجهی و دست کم گرفتن پدیده تولید محتوای نژاد پرستانه و نفرت افکنی در فضای اجتماعی خطرات و تهدیدهای زیادی را به‌ویژه برای پناه جویان، مهاجران، اقلیت‌های قومی و مذهبی زنان و کودکان هم برای خود این گروه‌ها و هم برای جامعه میزبان به همراه دارد. نخستین خطر عادی شدن و احساس زدایی از خشونت در برابر این گروه‌هاست. دومین خطر متهم ساختن قربانیان خشونت و آوارگان و فرودستان به‌جای عاملان اصلی جنگ‌ها و خشونت‌ها و آواره شدن میلیون‌ها انسان در سراسر کره خاکی. سوم خطر ضد سیستمی شدن مهاجران و احتمال ارتکاب اعمال ناشایست از طرف آنان به دلیل کینه و تحقیر. گام نخست

کاوش و تلاش برای درک عمیق این پدیده و تولید محتوایی مقاومت در برابر آن در شبکه‌های اجتماعی است.

پیشینه‌ی تحقیق

برخلاف دغدغه و تلاش دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای علمی - پژوهشی برای کاوش، شناخت، تحلیل و یافتن راه‌حل‌های بر ضد پدیده‌ی نژادپرستی و نفرت پراکنی‌های نژادی، قومی و مذهبی در جهان امروز، در ادبیات تحقیقی فارسی در این باره کار زیادی صورت نگرفته است. بیشترین سخنان در زبان فارسی در سطح مقاله‌ها و انتقادهای رسانه‌ای و باید و نبایدهای اخلاقی برای رفع این چالش بوده است. ایده اصلی نژادپرستی که از نظریه‌های داروین و اسپنسر دربارهی تنازع بقا و بقای موجودات قوی‌تر و باهوش‌تر در مورد انسان‌ها و جامعه به کاررفته است؛ سالهاست که از نگاه علم انسان‌شناسی نادرستی آن به اثبات رسیده است. داروینسم اجتماعی که باورمند به بقای قوی‌ترین و سازگارترین انسان‌ها و نابودی ضعیف‌ترین‌ها و ناسازگارترین‌ها بود و پیروان این فلسفه در جنگ دوم جهانی و سایر جنگ‌های برتری جویانه میلیون‌ها انسان را به کام مرگ فرستادند اما نتیجه‌ی به دست نیامد. با پیروی از داروینسم اجتماعی نباید موافق واکسیناسیون کودکان باشیم چون سبب می‌شود. کودکان با سیستم ایمنی ضعیف زنده بمانند. با پیروی ازین فلسفه‌ی مطرود نباید موافق مهندسی ژنتیک انسانی باشیم چون سبب برطرف شدن کمبود اجزای انسان‌های ضعیف می‌شود (علی، ۱۳۹۷).

نفرت پراکنی در رسانه‌های اجتماعی پدیده جدیدی است که به دلیل بازتولید آن در سایت‌ها و برگه‌های مختلف قانون‌گذاری و نظارت آن را برای شبکه‌ها، نهادها و دولت‌ها سخت و گاه امکان‌ناپذیر ساخته است. مقالات و تحقیقات مختلفی به تبیین ابعاد گوناگون این پدیده پرداخته‌اند. رابطه‌ی میان نژادپرستی و شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه پس از تبدیل شدن پلتفرم‌های دیجیتال به مرکز گفتمان‌های عمومی به بخش مهمی مورد تحقیق تبدیل گردیده است. ادبیات این بخش پویایی پیچیده‌ای را نشان می‌دهد که در آن تعاملات آنلاین ایدئولوژی‌های نژاد پرستانه را تحریک و بازتاب می‌دهد.

یوکا پی بی (۲۰۱۶) در مقاله‌ی " لطفاً کمنت‌ها را بخوانید: تشریح دیالکتیک نژادگرایی گفتمان آنلاین نژادگرایی استدلال می‌کند که نگرش‌های کور رنگ و هویت‌های قومی-نژادی نه تنها در بافتار واقعی برجسته است بلکه در قلمرو دیجیتال نیز آشکار است. کار او مبتنی بر چهارچوب جیسی دنیس است که رابطه میان برتری نژاد سفید و گفتمان آنلاین را به صورت انتقادی تحلیل کرد.

یوکا بیبری بر لزوم کاربرد نظریه‌های انتقادی نژاد برای درک چگونگی بازتاب و به چالش کشیدن نژادپرستی سیستماتیک در تعاملات دیجیتال تاکید می‌کند. او پیشنهاد می‌کند که انکار اینترنت همچو ساحه‌ی گفتمان نژادی خطر چشم‌پوشی نابرابری که رنگین‌پوستان با آن مواجه‌اند را به همراه دارد. بولارد (۲۰۱۷) بر مبنای شالوده، مفاهیم نژادپرستی در تویتر، نشانه‌گذاری پلتفرم همچو فضای دوگانه هم برای بیان نژادپرستی و هم برای مقاومت در برابر آن تشریح می‌کند.

ادل سمیر در مقاله‌ی پناه جویان سوری همچو قربانیان گفتمان ترس و خطر در شبکه‌های اجتماعی به تحلیل ویدیوهای یوتیوب در ترکیه و پولند پرداخته است. او با کاربرد تحلیل محتوای کمی دریافته است که پناه جویان در اکثر کمنت‌ها به‌طور عموم همچو یک خطر بازنمایی شده‌اند. خطر برای فرهنگ یا ملت، یا در

سطح فردی همچو تروریست، متجاوز، دزد و غیره کریستیانا داینر و همکارانش در تحقیقی گسترده‌ای نفرت پراکنی بر ضد پناه جویان در شبکه‌های اجتماعی: سفارش‌ها برای مقابله برای به رسمیت شناسی و مهم‌ترین استدلال‌های نژادپرستان که با استدلال‌های نژادپرستان ایرانی که موضوع این تحقیق است نیز مشابه است را دریافته‌اند. این تحقیق از سوی موسسه Foundation Antonio Amadeu با همکاری وزارت فدرال مسائل خانوادگی، شهروندان بزرگسال، زنان و جوانان؛ دموکراتی لیووا؛ فریودینبرگ استیفتنگ برای چگونگی مبارزه با نفرت پراکنی در شبکه‌های اجتماعی تهیه و نشر کرده است.

بر اساس این بروشور مهم‌ترین برجسپ‌ها بر ضد پناه جویان قرار ذیل است:

۱. در تضاد قرار دادن "ما" و "آنها". ۲. عمویت بخشی: همهی پناه جویان ۳. مرتبط ساختن چالش‌های کل جامعه مانند سکس‌ایزم، جرم و جنایت یا بی‌خانمانی به پناه جویان ۴. تأکید برآمدن مهاجرین برای مسائل مالی و نه به خاطر ترس از کشته شدن ۴. انسان زدایی: تشبه مهاجران به مگس‌ها، حیوانات و غیره ۵. دروغ درباره پناه جویان و ادعای جنایت کاری، تجاوز، اوراق رسمی تقلبی اغلب در لباس ادعای تجربه شخصی بیان می‌شود. ۶. نژادپرستی فرهنگی ۷. مرتبط سازی قوم پرستانه، بی‌خانمان‌ها و کودکان خودمان چه می‌شود؟ ۸. به زودی ما در کشور خودمان همچو بیگانه به نظر می‌رسیم.
۹. رسانه‌های دروغین هرگز واقعیت را به ما نمی‌گویند.
۱۰. هرکسی که مهاجرین را کمک می‌کند افراطی چپ‌گرا است.
۱۱. خب صرف به خاطر نوشتن نباید در سطح نازی قرار گیرم، اگر نوشته‌ام بند می‌شود پس آزادی بیان من کجاست؟ (کریستیانا، ۲۰۱۶: ص. ۵).

به‌طور کل تحقیقات گذشته به پیچیدگی‌های قانونی فراراه نفرت پراکنی فضای آنلاین؛ نگرانی از تعصب‌های موجود در ارزیابی‌های مبتنی بر کمپیوتر؛ کاهش اعتماد به سیستم‌های دیجیتال و آسیب به سلامت افراد در معرض خطر و ابعاد گوناگون نفرت پراکنی آنلاین؛ و چالش‌ها و راهکارهای مرتبط به آن پرداخته‌اند.

روش تحقیق

درین تحقیق از روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است.

تحلیل محتوا بررسی و تفسیر دقیق، مفصل، سامانمند بدنه خاص مواد در تلاش برای شناسایی الگوها، موضوعات، فرضیات و معانی است (برگ و التین، ۲۰۰۸؛ لیدی و آرمورد، ۲۰۰۵؛ نیوندروف، ۲۰۰۲). پس محتوا چیست؟ مواد موردنظر می‌توانند هر چیزی باشند که از سوی افراد برای اهداف مختلف تولید می‌شوند و به‌طور معمول برای تحقیقات در نظر گرفته نمی‌شوند. ما به چنین مواد به‌عنوان مصنوعات اجتماعی اشاره می‌کنیم. به‌طور معمول تحلیل محتوا بر روی اشکال ارتباطات انسانی انجام می‌شود. این می‌تواند شامل چیش‌های اسناد نوشتاری، عکس، فیلم یا ویدئو و نوار صوتی باشد. اما می‌تواند شامل نشانه‌های خیابانی، دیوارنوشته‌ها، گواهینامه‌های شخصی، ظروف و نام‌های آواتارهای آنلاین باشد (لونه، ۲۰۱۷).

در رابطه به کمی یا کیفی بودن تحلیل محتوا باید گفت که تحلیل محتوا ذاتاً نه کمی است و نه کیفی و شاید هم‌زمان هم کمی باشد و هم کیفی.

جامعه نمونه این تحقیق کانال تلگرامی بنام آموزش خبرنگاری است که محتوای آن از سوی شخصی بنام سید هادی کسایی زاده تولید می‌شود. در حدود صد پست مرتبط با مهاجرین افغانستانی در ایران از اول

ماه اپریل تا آخر سپتامبر سال ۲۰۲۴ گردآوری شد. داده‌های خام پس از کدگذاری باز و سنجش بسامد واژگان به ۳۵ مقوله استخراج گردید. این مقوله‌ها در کدگذاری گزینشی به ۷ مقوله اصلی پیوند داده شد. این مقوله‌ها در کدگذاری نظری به چهار مقوله اصلی که محورها و دلایل اصلی نفرت پراکنی بر ضد مهاجرین افغانستانی در ایران را تشکیل می‌دهد تبدیل گردید. پس‌از آن استدلال‌های روزنامه‌نگار موصوف بر مبنای اصول روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، تاکتیک‌های دستکاری‌شده افکار عمومی و مغالطه‌های منطقی و اغوای سیاسی موردنقد و بررسی قرار گرفت. همچنان برای اعتبار کدگذاری نمونه برای دو تن از محققان دیگر واگذار و مورد تأیید قرار گرفت.

شکل ۱/۷: فرکانس واژگان به کاررفته در خبر

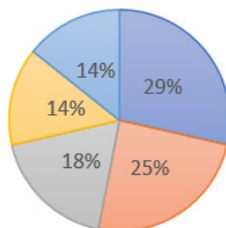
کدگذاری نظری	کدگذاری گزینشی	کدگذاری باز	خبرهای مهم
نابسامانی سیاسی و اجتماعی	عامل ناامنی	تروریست	# رد پای افغان‌ها در هشت حمله‌ی تروریستی در ایران # همهی افغان‌ها در ایران یا مجرم هستند یا تروریست همه باید اخراج می‌شود.
	عامل جرم و جنایت	مجرم قاتل حرفه‌ای	# افغان‌ها در ایران برای قتل اجاره داده می‌شوند. # حمله افغان‌ها به نمازگزاران جوادیه # حمله افغان‌ها به مدارس روستاهای ساوه

نتایج و یافته‌ها

کدگذاری باز، نشان می‌دهد که برجسپ اشغالگر با ۱۴ بار تکرار پربسامدترین است. پس‌از آن برجسپ متجاوز با ۱۲ بار تکرار دومین واژه پربسامد و هجوم با ۹ بار تکرار سومین واژه پربسامد است. برجسب‌های تروریست، حمله هرکدام ۷ بار و سایر برجسپ‌ها ۱-۳ بار تکرار شده است.

شکل ۱/۷: فرکانس واژگان به کاررفته در خبر

بسامد واژگان



سایر ■ تروریست ■ حمله ■ هجوم ■ متجاوز ■ اشغالگر

جدول ۱/۷: کدگذاری باز و محوری

1	عامل ناامنی	1	اشغالگر	14
		2	متجاوز	12
		3	تروریست	7
		4	مجرم	2
		5	حمله	7
		6	هجوم	9
2	عامل انتقال و همه گیری بیماری ها	7	ایدز	1
		8	آبله میمون	1
		9	کرم اسکارس	1
3	تغییر بافت جمعیتی	10	حمایت از جریان خاص	1
		11	زایمان در خانه ها	2
		12	زایمان 15 درصدی	1
		13	ازدواج	1
4	تیوری توطیه و دروغ بزرگ	14	اسرائیل	2
		15	عربستان	3
		16	امریکا	1
		17	ورود 17 میلیون افغان به ایران ده میلیون افغان در ایران	2
		18	تصاحب ادارات	1
		19	سبب بیکاری و دسترسی به	1

	پرونده های مردم و حکومت			
4	دزد	20	عامل جرم و جنایت	5
1	لواط کار	21		
1	قاتل اجاره ای	22		
1	بی سواد	23		
1	بی هویت	24		
1	بدون تخصص	25		
3	سرقت	26		
2	مافیا	27		
1	حیوان	28	انسان زدایی	6
1	تجاوز به سگ ها	29		
1	رائفی پور	30	انتقاد از افراد و رسانه های حامی مهاجران	7
1	جلیلی	31		
1	ابوترابی	32		
1	تسنیم	33		
2	مهر	34		
1	خبرآنلاین	35		
92				مجموعه

جدول ۷/۳: کدگذاری نظری

عامل نامانی	نابسامانی اجتماعی و بی‌ثباتی اقتصادی و صحتی	1
عامل جرم و جنایت		
عامل بی‌کاری		
عامل انتقال بیماری‌ها		
تغییر بافت جمعیتی	فرا افکنی و دروغ پراکنی	2
تیوری توطئه و دروغ بزرگ		
انسان زدایی	نفرت نژادی	3
انتقاد از مسئولان و رسانه‌های حامی مهاجرین	خیانت ملی	4

استدلال‌های نویسنده از نگاه منطقی مغالطه، از نگاه روانشناسی سیاسی فرافکنی و از نگاه رسانه و ارتباطات استفاده از تکنیک دروغ بزرگ، عمومیت بخشی، برجسپ گذاری، دستکاری شده افکار، تحریک احساسات مخاطب و انحراف افکار عمومی از چالش‌ها، نارسایی‌ها و آسیب‌های اجتماعی واقعی جامعه میزبان است. تروریسم مانند سایر اندیشه‌ها و کالاها پدیده وارداتی و واکنش در برابر مدرنیته و سلطه‌ی غرب و نتیجه بازی‌ها و سیاست‌های جنگ سرد و کشورهای همسایه به‌ویژه ایران و پاکستان است. تروریسم پدیده ژنتیکی در میان هیچ قوم و گروه نژادی نیست. اگر تمام حملات تروریستی در سراسر جهان در طول تاریخ از سوی شهروندان یک کشور صورت می‌گرفت؛ بازهم تروریست خطاب کردن تک‌تک مردمان آن کشور نادرست بود. در تاریخ جمهوری اسلامی ایران حملات تروریستی زیادی صورت گرفته است. از ترور کسروی دانشمند و مورخ این کشور شروع تا ترور دانشمندان هسته‌ای و قاسم سلیمانی که تعداد تک‌تک آن‌ها نیازمند تحقیق جداگانه است و کوچک‌ترین ردپای از مهاجرین افغانستانی در هیچ‌یک از این ترورها از سوی هیچ شخص یا نهادی صورت نگرفته است. در آخرین مورد ترور سینماگران و حمله به زیارت گاه نیز حمله‌کننده شهروند کشور تاجیکستان بود. اگر ۱۷ میلیون افغان مهاجر در ایران است و همگی آن‌ها تروریست‌اند مهار ۱۷ میلیون تروریست از توان تمام قدرت‌های بزرگ نیز بالاست، چه برسد به کشور میزبان. ویروس‌ها و بیماری‌های دشمنان بشریت‌اند و تا هنوز بشر به‌طور مشترک با آن مبارزه کرده و هنوز کدام خطر همه‌گیری جدی از بیماری‌های همه‌گیر که حامل آن مهاجران بوده باشد از سوی دولت جمهوری اسلامی و یا سازمان بهداشت جهانی گزارش نشده است.

پیوند مستقیم میان مهاجران و افزایش جرم و جنایت و نابسامانی‌های اجتماعی افسانه است نه واقعیت

علمی. پدیده جرم و جنایت و اعتیاد و انحراف در همهی زمان‌ها و زیر چتر انواع رژیم‌ها در طول تاریخ وجود داشته است. تفاوت زیادی در آمار جرم و جنایت میان شهرهای که مهاجرین حق ورود دارند و شهرهای که مهاجرین حق ورود ندارند و گذشته‌های که افغانستانی‌ها مجبور به مهاجرت نبودند وجود ندارد. مهاجران اهرم فشار سیاسی برای کشور میزبان است نه بر ضد آن نقش اسرائیل و امریکا و عربستان بیشتر سخن مالیخولیای گونه است تا واقعیت. در صورت اثبات چنین امر دولت میزبان توان اخراج مهاجران در کوتاه‌ترین زمان را دارد. نویسنده در جای یادآور شده که افغانستان درگذشته جز ایران بود و در پستی دیگری به مردم هشدار داده که مهاجران افغانستانی فرهنگ لواط دارند. این درحالی است که فعل یا پدیده لواط از گذشته‌های دور یا آنکه دین مبین اسلام آنرا حرام دانسته در میان شاهان و زمامداران مستبد وجود داشته است و مطالعه‌ی تاریخ خاورمیانه این موضوع را روشن می‌سازد. همان‌طوری که دکتر شمیسا در تحقیقی زیر نام شاهدبازی در ادبیات فارسی یا آوری می‌کند حمله به سفیران عثمانی و لواط آن‌ها و موجودیت وزیري در تاریخ ایران بنام لعاب باشی که وظیفه‌ی او آماده کردن پسرکان برای لواط از سوی شاهزادگان و دولت‌مردان وقت بوده است؛ نمی‌توان فرهنگ لواط را به فرهنگ خاصی نسبت داد و برعکس واکنش در برابر لواط در جامعه‌ی سنتی افغانستان به حدی شدید است که حتی احتمال قتل عامل در صورت برملا شدن وجود دارد. مهاجران افغانستانی یا روستاییان هستند که از خاطر تراکم نفوذ، کشاورزی سنتی و کمبود زمین به‌ویژه در ولایت‌های کوهستانی برای کارهای شاقه به ایران مهاجرت می‌کنند. یا نیروهای امنیتی پیشین که از ترس دشمنی‌های دوران گذشته و مخالفت با نظام فعلی کشور فرار کرده‌اند. یا دانشجویان که به هدف آموزش رفته‌اند و هیچ‌یک حتی رویای شهروندی و کسب مشاغل دولتی حساس در ایران را ندارند. مهاجران افغانستانی و ایرانی در کشورهای غربی پس از مهاجرت شانس به دست آوردن بلندترین پست‌های دولتی را دارند اما، برای مهاجرین افغان حتی تمام عمر هم در ایران زندگی نماید شانس دستیابی به پست‌های حساس دولتی امکان‌پذیر نیست. پس ترس نویسنده مبنی بر اشغال مشاغل دولتی و از خواب بلند شدنش و دیدن این که ۵۰ درصد کارمندان مهاجرین هستند مانند خواب شکر پنهان کردن زیرآب است. تغییر بافت جمعیتی پروسه بسیار بزرگ و به‌طور معمول داخلی است. تغییر بافت جمعیتی نیازمند حقوق برابر و قصد زندگی دائمی مهاجرین در کشور میزبان است. با توجه به قوانین جمهوری اسلامی در مورد مهاجرین چنین امر امکان‌پذیر نیست. گرچه سرشماری دقیق در افغانستان صورت نگرفته اما تمام تخمین‌های جمعیتی داخلی و بین‌المللی جمعیت این کشور را کمتر از ۴۰ میلیون نفر تخمین زده‌اند. با توجه به میزان زیاد مهاجران این کشور در کشورهای همسایه به‌ویژه پاکستان و سراسر جهان موجودیت نزدیک به پنجاه درصد کشور که ۱۷ میلیون در ایران باشد، به همین میزان در سایر کشورهای جهان خواهد بود، پس با این حساب شهرها و شهرستان‌های افغانستان می‌بایست خالی از سکنه باشد.

استدلال این که ما نخواستیم که این‌ها به کشور بیایند به این معنی است که نویسنده تنها تصمیم‌گیرنده اصلی در نیم‌قرن اخیر در ایران است. جمهوری اسلامی یک فرد نیست یک کشور با بیش از ۸۰ میلیون جمعیت با سیاست‌مداران و جریان‌های سیاسی مختلف. دو کشور همسایه در تحولات سیاسی در نیم‌قرن اخیر در افغانستان از سایر کشورهای همسایه نقش برجسته و انکارناپذیر دارند. پاکستان و ایران، خیلی تحلیل‌گران کشور نقش پاکستان را در تحولات سیاسی در نیم‌قرن اخیر درین کشور برجسته و اول می‌دانند و ایران را در جایگاه دوم، اما نفوذ فرهنگی ایران با توجه به نقش زبان فارسی در میان تاجک‌ها و نقش مذهب در میان

هزاره از همهی کشورها عمیق‌تر است. زیرا تعداد زیاد متون علمی در پاکستان به‌طور معمول به زبان‌های اردو، عربی و انگلیسی تولید می‌شود. مداخلات سیاسی این دو کشور در تحولات سیاسی در نیم‌قرن اخیر می‌تواند یکی از عوامل آوارگی میلیون‌ها افغانستانی به این کشورها باشد. شما نخواستین که مهاجرین به ایران بروند یا به پاکستان اما در زمان حمله اتحاد شوروی به افغانستان مخالفان رژیم‌های وقت از سوی کشور شما به گرمی پذیرفته شد. به نظر می‌رسد نویسنده به‌جای عامل، قربانی را به محاکمه گرفته است و به‌جای اعتیاد با معتاد درافتاده است.

نتیجه‌گیری

تمام اشکال نفرت نژادی و برجسب‌های مختلف که بر ضد پناه جویان در محتوای کانال تلگرامی که نمونه موردی این تحقیق است وجود دارد. همان‌گونه که راست‌گراهای نژادپرست در غرب حکم همهی مسلمانان تروریست‌اند را به کار می‌برند نویسنده این کانال هم در مصاحبه‌ی می‌گویند: "همهی افغان‌ها یا تروریست‌اند یا مجرم مگر اینکه عکس آن ثابت بشه" وقتی مصاحبه‌گر می‌پرسد مبنای این سخنان چیست یا بر مبنای چه این سخن را می‌گویید. فوراً پاسخ می‌دهد: "برای اینکه هفتاد درصدشان غیرقانونی وارد ایران شدند" خود همین پاسخ همین حکم را نفی می‌کند. چون همهی آن‌ها غیرقانونی وارد نشدند پس کاربرد "همه" بزرگنمایی و اغواگری است. "مگر آنکه عکس آن ثابت بشه" ورود میلیون‌ها افغانستانی در سه دوره از آغاز انقلاب اسلامی خود شاهد اثبات عکس آن است.

جامعه‌ی ایران دچار گسست‌های ژرف اجتماعی - اقتصادی و فکری و نسلی و جامعه در حال گذار است. کالای ولایت‌فقیه دیگر خریداری در میان مردمانش ندارد. اما رژیم جمهوری اسلامی برای بقایش و برای انحراف افکاری عمومی نسل‌های جدید خویش در تلاش تبلیغ ترس برای مردم و دامن زدن به جنگ‌های نیابتی و زرگری است. ترس از تیرباران و تجاوز و زندان در صورت مخالفت با رژیم؛ ترس از نابودی حاکمیت و هستی ایران در نبود رژیم، ترس از تجزیه، ترس از ترس.

بزرگ‌نمایی و سرخط قرار دادن مهاجران افغانستانی می‌تواند یکی از این ابزارهای انحراف افکار عمومی از چالش‌های عمیق سیاسی و اقتصادی باشد. افزون بر این نژادپرستی علمی و تأکید بر آریایی بودن در میان مخالفان رژیم نیز به تقویت مهاجر ستیزی در ایران می‌انجامد. گفته‌های نفرت‌انگیز در قالب‌های مختلف هم در کانال‌های طرفدار شاهزاده و هم در کانال‌های طرفدار رژیم به چشم می‌خورد. در میان بدترین این نفرت پراکنی‌ها انسان‌زدایی و دروغ‌بافی به مهاجران است که حتی جاسوس که جای رهبر حزب‌الله لبنان را افشا کرد افغانستانی خوانده شد که توانست موردقبول واقع شود.

پیشنهادها

۱. گسترش آگاهی دهی درباره نژادپرستی و خطرات آن.
۲. مبارزه با اندیشه‌ی برتری جوی نژادی - قومی به‌جای افراد.
۳. تولید متون انتقادی به‌جای حمله به نژادپرستان.
۴. فراهم‌سازی زمینه‌ی برگشت و پی‌گیری دیپلماتیک موارد جدی نفرت پراکنی علیه هم‌وطنان در کشورهای میزبان.

منابع

اصفهان‌ی، آرش نصر (1397). در خانه برادر-پناهندگان افغانستانی در ایران. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.

تهوری، پژمان (2024) مسئولیت روزنامه‌نگاران حرفه‌ای در مواجهه با مهاجران افغانی، مرکز عدالت
<https://juvenilejusticecentre.org/professional-journalism-responsibility-afghan-migrants/>

شمیسا، سیروس (1381) شاهدبازی در ادبیات فارسی. تهران: بی نا

عسگرپورعلی، مریم، و شیخ رضایی، حسین. (1397). داروینیسیم اجتماعی از نگاه مایکل روس: ارزیابی نقادانه. فلسفه تحلیلی (جستارهای فلسفی-پژوهش های فلسفی)، 14(33)، 117-142

SID. <https://sid.ir/paper/207873/fa>

@kasaeizadeh کانال تلگرامی آموزش خبرنگاری سید هادی کسائی زاده

Alakali, T., Philip Faga, H., & Mbursa, J. (2017). Audience Perception of Hate Speech and Foul Language in the Social Media in Nigeria: Implications for Morality and Law.

Bell, J. (2019). An exploration of social media as a key site for the expression of post-racial politics.

Bruce, L. Berg; Lune, Howard (2017). Qualitative Research Methods for The Social Science. NY: Pearson Publication, ninth edition

Bullard, J. (2017). Racism Across The American South: The Association Between Racism On Twitter, Rurality, & Black Mortality.

Chakraborty, T. & Masud, S. (2022). Nipping in the Bud: Detection, Diffusion and Mitigation of Hate Speech on Social Media.

Dinar, Christina et al (2016). Hate Speech against refugees in social media. Berlin. Amadeu Antonio Foundation/ www.amadeu-antonio-stiftung.de

Sayimer, Idir (2017). Syrian Refugees as Victims of Fear and Danger Discourse in Social Media: A YouTube Analysis. Global Media Journal TR edition 8(15).

Ukpbi, I. (2016). Please, Read the Comments: Exploring the Racial Dialectic of Online Racial Discourse.



بررسی موسیقی بیرونی (وزن عروضی)

اشعار میر اولیا حسین مغموم

پوهنپار پرویز ایریانی

دپارتمنت فارسی دری، پوهنځی ادبیات و علوم بشری پوهنتون بدخشان، فیض آباد، افغانستان

parwiziryani519@gmail.com

0000-0001-5398-6550

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

یکی از ملزومات شعر داشتن موسیقی است، زیرا شعر در حقیقت موسیقی کلمه‌ها و لفظ‌هاست. با این وصف بخشی از بخش‌های موسیقی وزن عروضی است، که بدان موسیقی بیرونی گفته می‌شود. وزن در نزد قدما از ارزش و اعتبار فراوان برخوردار بوده و در تعاریف که از شعر نموده‌اند، نخستین ویژگی آنرا موزون بودن آن بیان داشته‌اند. شعرای بزرگ از ارزش وزن در ساختار شعر آگاه بوده‌اند، چنانکه توجه آنان به اوزان و بحور مختلف عروض بیانگر سبک آنها در حوزه‌ی موسیقی کلام است. در این پژوهش اشعار میر اولیا حسین مغموم از لحاظ موسیقی بیرونی یا همان وزن عروضی به بررسی گرفته شده است و به دنبال وزن عروضی اشعار، استخراج و دسته‌بندی اشعار از لحاظ کمی و کیفی است. در بررسی نخست آشکار شد که مغموم در اشعار خود از اوزان رایج زبان پارسی دری استفاده کرده و تنوع اوزان در اشعار او کمتر است، چنانکه از (۴۷) وزن در (۷) بحر عروضی استفاده نموده است. هرچند استفاده مغموم از اوزان آگاهانه است، ولی گاهی در اشعار او سکتگی‌های عروضی و استفاده از بحور نامطبوع نیز دیده می‌شود. **کلیدواژه‌ها:** بحر، شعر، عروض، مغموم، وزن.

An Analysis of External Rhythm (Prosodic Meter) in the Poetry of Mir Olya Hussain Maghmoum

Author
Email
Orcid

Pawiz Iryani

Associate professor parwiz Iryani, Badakhshan University, faizabad,
afghanistan parwiziryani519@gmil.com
0000-0001-5398-6550

Abstract

One of the essential components of poetry is its musicality, as poetry is essentially the music of words and sounds. Among the different aspects of this musicality is prosodic meter, also referred to as external rhythm. In classical literature, meter was highly valued, and one of the primary features that defined poetry was its rhythmical structure. Esteemed poets have long been aware of the significance of meter in poetry composition, with their attention to various prosodic patterns reflecting their style in the musical dimension of language. This study examines the poetry of Mir Olya Hossein Maghmoum in terms of its external rhythm, specifically prosodic meter, aiming to analyze, extract, and categorize the quantitative and qualitative aspects of his poetry's metrical structure. The initial findings indicate that Maghmoum primarily employed the common meters of Persian Dari poetry, with limited diversity in his use of metrical forms. Specifically, out of 47 instances of metrical usage, he employed only seven different prosodic patterns. Although his use of meter is generally intentional, occasional irregularities and the use of less harmonious meters can be observed in his work.

Keywords: Prosodic pattern, Poetry, Prosody, Maghmoum, Meter

مقدمه

در مبحث سبک شعر، موسیقی جایگاه متبازری دارد. و در تعاریف قدمال (ابوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، رشید وطواط، شمس القیس و...) شعر کلام موزن و مقفا خوانده شده و کلام ادبی می‌توانست در قالب نظم و یا نثر باشد. بررسی موسیقی بیرونی ما را با سبک شعر شعرا آشنا می‌کند؛ دانشمندان این عرصه موسیقی شعر را به چهار نوع تقسیم نموده اند: نخست، موسیقی بیرونی یا همان وزن عروضی، دوم، موسیقی کناری یا همان ردیف و قافیه، سوم، موسیقی درونی یا همان صنایع بدیع لفظی و چهارم موسیقی معنوی یا صنایع بدیعی معنوی می‌باشد. از میان این نموده‌ها موسیقی بیرونی دارای اهمیت ویژه است، بدین ملحوظ که توسط آن می‌توان به شناخت ذهنیت شاعر دست یافت. همان گونه که از وزن های بلند و تند می‌توان روح ملاحظم مولانا را شناخت و از صلابت و کوبندگی اشعار فرودوسی روح آزادگی و سلحشوری و از اوزان ملایم روح نصیحت گر سعدی را. به قول محمد رضا شفیعی کدکنی: نخستین عاملی که مایه‌ی رستاخیز کلمه‌ها در زبان شده و انسان ابتدایی را به شگفت واداشته است همین کاربرد موسیقی در نظام واژه‌ها بوده است؛ انسان ابتدایی رستاخیز واژه‌ها را نخستین بار در عرصه‌ی وزن و با همراهی زبان و موسیقی به هنگام کار احساس کرده است.

این نوشتار کوشش برآن دارد تا وزن عروضی اشعار میر اولیا حسین مغموم را بررسی نموده، و نشان دهد که تنوع اوزان مغموم چقدر است؟ درکار برد اوزان به چه اندازه وارد است؟ و ویژه ترین اوزان کار بردی او کدام‌ها اند؟

تبیین مسأله

عروض فارسی دری از بسیاری جهات (دقت و تنوع، تعدد و خوش آهنگی اوزان) در ادب جهان جایگاه بس بزرگی دارد و هم از این جهت که زایا است و مرتب بر تعداد اوزان آن افزوده میشود و سبب اعتلای شعر فارسی شده است، ارزش و اهمیت خاصی دارد. بنابراین کار در عرصه اوزان عروضی و بررسی دواوین شعرایی که تاهنوز کاری درجهت تبیین اوزان عروضی بکار رفته در دیوان شان نشده است، می‌تواند سبب اضافه شدن قطره‌ی به بحر اوزان عروضی مان گردد. میر اولیا حسین مغموم از جمله شاعران خوب و معاصر زبان پارسی دری است که همه سروده های خود را در اوزان عروضی سروده است و به سبب ممارست و آگاهی که از پدرش در فن شعر و شاعری از سپیده دم جوانی داشته، توانسته است که در استفاده از بحور متعدد و اوزان مختلف در اشعارش سود ببرد، بیشترین اشعار مغموم بسیار خوش آهنگ، روان و عاری از سکتگی زبانی است؛ شاید این امر به جهت انتخاب اوزان رایج، پرکاربرد و خوش آهنگ زبان پارسی است که مغموم با آگاهی تمام از آنها استفاده اعظمی نموده است. باید گفت: برخی از اشعار مغموم به جهت اینکه اوزان رایج و خوش آهنگی ندارند و یا از اختیارات شاعری فرا تر گذاشته است، آنقدر خوش آهنگ و گوش نواز نیستند؛ باید اذهان داشت! به علت اینکه تمام اشعار مغموم و دیوان مکمل اش تاحال به چاپ نرسیده و پاره‌ی از اشعارش نیز گم شده و موجود نیست، سخن قاطعی در این باب نمی‌توان گفت.

پرسش های تحقیق

پرسش اصلی: موسیقی بیرونی (وزن عروضی) در اشعار میر اولیا حسین مغموم چگونه است؟

پرسش های فرعی:

۱. اوزان مورد استفاده مغموم کدام اوزان اند؟
۲. مغموم از اوزان معروف استفاده نموده یا خیر؟
۳. آیا بحور نامطبوع در اشعار مغموم به چشم می خورد؟

اهداف تحقیق

- آشکار نمودن موسیقی بیرونی (وزن عروضی) در اشعار میراویاحسین مغموم
- بررسی چگونگی کار برد اوزان عروضی در دیوان اشعار مغموم .

اهمیت تحقیق

تحقیق هذا، به جهت اینکه مضمونی تحت عنوان (وزن شعر) در دیپارتمنت دری خوانده می شود و هم باید گفت: تحقیق پیرامون شعرای سرزمینی که از هر نطقه نظر می تواند لازم باشد، چون بیشتر از شعرای ما به علت اینکه تحقیقی پیرامون دواوین اشعار شان نشده از دیر باز گمنام مانده اند.

پیشینه ی تحقیق

مشخصاً، در این مورد کدام نوشته ی تا هنوز درج صفحه ی اوراق کتاب و یا مجله ی نشده و اگر هم شده باشد نویسنده تا این دم از آن آگاهی نداشته است. اما مقاله ها و کتاب های در مورد اوزان عروضی شعرای دیگر نوشته شده که بگونه ی نمونه از چندی نام آوری و یاد دهی خواهم کرد. بررسی وزن عروضی غزل های وحشی بافقی از (دکتر علی کراوند و احمد علی پورعلی آباد) نویسنده گان این مقاله به این نظر اند که وحشی در غزلیات خود از اوزان معروف فارسی استفاده کرده و تنوع اوزان در غزلیاتش کم است و از سکتنگی عروضی و بحور نامطبوع در غزلیات خبری نیست و شاعر پا از اختیارات شاعری فراتر نگذاشته است. مقاله ی دیگری تحت عنوان: معرفی اوزان تازه و نادر در اشعار سیمین بهبهانی از داود محمدی. وی به این نتیجه رسیده است که، کاربرد اوزان تازه، بی سابقه، تنوع و تعدد اوزان عروضی در اشعار سیمین بهبهانی چشم گیر است. و هم بررسی عیوب وزنی اشعار سیمین توسط اقبال پروازی و بسا از شعرای دیگر که از دیر باز در مورد وزن عروضی اشعار شان کار شده است. و کتب متعدد از دانشمندان قدیم تا عصر حاضر که در مورد علم عروض تألیف نموده اند.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش کتابخانه ای استفاده شده. ابتدا آثار معتبر مربوط به موضوع مطالعه گردیده و سپس مطالب مورد نظر استخراج و یاد داشت برداری گردید و به عناوین اصلی و فرعی دسته بندی و مطالب بدست آمده بروی صفحه در آمد.

نتایج و یافته‌ها

عروض

در معنی این لفظ اقوال یکسان نیست، بعضی گفته اند که «آنها از بهر آن عروض خواندند که (معروض علیه) شعر است. (یعنی شعرا بر آن عرضه کنند تا موزون از نا موزون پدید آید...). بعضی دیگر باور دارند که عروض چویی باشد که خیمه بدان قایم ماند و شماری هم ماده شتر توسن را گویند، و نظر آخر آنکه (العروض) لقب شهر مکه است. چون خلیل بن احمد این علم را در مکه وضع کرد. (خانلری، ۱۳۶۷: ۸۴) قدما از دیر باز کاربرد این وزن در شعر فارسی را توسط شعرای فارسی زبان با تقلید از عروض عربی می‌دانستند و شماری هم عروض عرب را برگرفته از وزن زبان هندی، چنانکه بسیاری از اصطلاحات عروض عرب با اصطلاحات وزن شعر هندی نزدیکی دارد از جمله مشابهت کلمه (آزی) با عروض و مشابهت (sabda) با سبب و (varta) با وتد. اما دکتر تقی وحیدیان کامیار نویسنده کتاب منشأ وزن شعر فارسی در صفحه‌ی بعد از شناسه کتاب در مورد شکی که دکتر خانلری در کتاب شعر و هنر (مبنی بر این که میتواند عروض فارسی ریشه عربی نداشته باشد) می‌نویسد که: «و ما شک کردیم و از دشواری نهراسیدیم و کوشش پیگیر کردیم تا این رازی که قرن‌ها مکتوم مانده بود روشن شد». (کامیار، ج: ۱۳۷۳) بناء دکتر کامیار مدعی استقلال وزن عروض فارسی شده است.

علم عروض

عروض یکی از اقسام علوم ادبی است که موضوع آن بحث در وزن (آهنگ) شعراست و در مورد چگونگی ایجاد وزن، انواع وزن، صحت و سقم آن و برخی از شکردهای که مخصوص کلام موزون است بحث می‌کند. (شمیسا، ۲۳: ۱۳۸۱). علم عروض علم وزن شعر عربی و فارسی است. وزن شعر این زبان‌ها از نظر کلی با یکدیگر شباهت دارد و اصول عروضی آن‌ها تقریباً یکسان و اصطلاحات آن‌ها مشترک است؛ گرچه بعضی بحر‌ها در یکی از دو زبان بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و در زبان دیگر کمتر به آن توجه شده است. (احمد نژاد، ۵: ۱۳۸۵)

بحر و وزن

در اصطلاح علم عروض، وزن‌های اصلی اشعار را «بحر» می‌نامند. بحر‌های عروضی متداول در اشعار عربی و فارسی نوزده بحراست که نام آنها قرار ذیل است:

هزج، رمل، رجز، متقارب، متدارک، منسریح، خفیف، مضارع، مقتضب، سریع، مجتث، بسیط، طویل، مدید، وافر، کامل، غریب، قریب و مشاکل است. هفت بحر از این نوزده بحر را که از تکرار یکی از اجزای اصلی حاصل می‌شود، بحور متفق الارکان می‌گویند که عبارت‌اند از: هزج، رمل، رجز، متقارب، متدارک، وافر و کامل. دوازده بحر دیگر را که از ترکیب اجزای اصلی حاصل می‌شوند مختلف الارکان می‌گویند. از هر بحر وزن‌های مختلف حاصل می‌شود نسبت آنکه در اجزای اصلی تغییر راه نیافته باشد و یا تغییر در آنها راه یافته باشد سالم و غیر سالم یاد می‌کنند. (احمد نژاد، ۱۵: ۱۳۸۵)

بحور بکار رفته در اشعار میر اولیاحسین مغموم دروازی:

بحر هزج

هزج در لغت به معنی سرود و ترانه و آواز و یا ترنم باشد. و در اصطلاح بحر‌ی است که از تکرار جزو مفاعیلن حاصل آید و مثنی آن چهار بار مفاعیلن است و هر رکن این بحر را در اول وتد مجموع است و

بعد از آن دو سبب خفیف آید و این یاری می‌رساند صورت و گرداندیدن آواز را و اشعار که به این وزن گفته می‌شود، آهنگ‌دار و نهایت دلکش می‌باشد و به همین نسبت خوش آهنگی توجه عربی زبانان و دری زبانان را به خود جلب کرده است. (بنوال، ۶: ۱۳۲۶) بحر هزج فارسی مسدس و مثنی است و حال آنکه هزج عرب فقط مربع است لذا با وجود اشتراک در رکن مفاعیلن بحر هزج عربی با بحر هزج فارسی دری مطابقت ندارد. (کامیار، ۱۱۲: ۱۳۷۳)

این بحر در فهرست نخست اوزان کثیرالاستعمال قرار دارد و بخصوص وزن های زیرین:

۱. مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مثنی سالم)
۲. مفاعیلن مفاعیلن فعولن (هزج مسدس محذوف یا وزن ترانه)
۳. مفاعیل مفاعیل مفاعیل فعولن (هزج مسدس مکفوف محذوف)
۴. مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (هزج مثنی اخر)
۵. مفعول مفاعیل مفاعیل فعل (هزج مثنی اخر مقبوض مجبوب یا وزن رباعی). (شمیسا، ۴۴-۴۵: ۱۳۸۵)

میر اولیاحسین مغموم در اشعارش از این بحر و اوزان مختلف آن بهره فراوان برده است. چنانکه شعری حاوی «۲۳» بیت در مناجات خداوند سروده و به این مطلع آغاز می‌شود:

کریم پادشاه‌ها کردگا را خداوندی نهان و آشکارا (مغموم، ۱: ۱۳۸۶)
(مفاعیلن مفاعیلن فعولن). (هزج مسدس محذوف)

در بیان سلسله‌ی عالیة نقشبندی به زبان شعر در (۸۱) بیت که مطلع آن چنین است:
خداوندا کریم و بی نیازی جمیع بندگان را چاره سازی (مغموم، ۶: ۱۳۸۶)
(مفاعیلن مفاعیلن فعولن). (هزج مسدس محذوف).

در مورد شرح حال و وصف شخصیت های بزرگوار درواز به ویژه حضرت آخوند خلیفه خیرالله و شیخ ابوالقاسم شوریانی (رح) در ۵۲ بیت به همان وزن (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) با مطلع:
به حق آن دو قطب نور رخشان که هستند خواب در قشلاق کیوران
(مغموم، ۱۵: ۱۳۸۶)

غزلی در مرثیه فرزندش در «۹» بیت با مطلع:

دورم زبرت ای عمر قل پسر امروز
قالب تهی از روح شده محتضر امروز.
(مغموم، ۲۲: ۱۳۸۶)

(مفعول مفاعیل مفعول مفاعیل). (هزج مثنی اخر مقصور)

وغزل که به شاه عبدالله خان بدخشی اهدا شده است با مطلع:

نا دیده عاشقم به خدا برلقای تو
دل گشته صید مرحمت بی ریای تو (مغموم، ۱۰۱: ۱۳۸۶)

(مفعول مفاعیل مفاعیل فاعلن) هزج مثنی اخر مکفوف اشتر.

همچنان غزل دیگری بنام (دعای سحر) در پنج بیت با مطلع:

آنم که به دهر نیست از من بتری
گم کرده ره و پر گنه بد سیری
(مغموم، ۳۵: ۱۳۸۶)

(مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن). هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف. و مصراع دوم که وزن (مفعول فعولن).

مستزاد در سوگ پسر با مطلع:

گلغنجۀ باغ طرب و عیش و نشاطم افسوس خزان شد

(مغموم، ۶۳: ۱۳۸۶)

(مفعولُ مفاعلن مفاعیلُ فَعَل). (هزج مثنیٰ محذوف مقبوض محبوب).

غزلی تحت عنوان (نمی کردم چه می کردم) در نه بیت و با مطلع:

به دل جا عشق آن دلبر نمی کردم چه می کردم

زخون دیده دامن تر نمی کردم چه می کردم

(مغم)

م. ۶۶: ۱۳۸۶)

(مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) (هزج مثنیٰ سالم)

غزل دیگر مسمی به مینویسم و با مطلع:

رخت را ماه تابان می نویسم لبت را آب حیوان می نویسم (مغموم، ۷۷: ۱۳۸۶)

مفاعیلن مفاعیلن فعولن (هزج مسدس محذوف)

مرثیه سروده در قالب مستزاد در شانزده بیت با مطلع:

امروز فلک به خاک یکسانم کرد با حال تبا

(مغموم، ۷۹: ۱۳۸۶)

(مفعولُ مفاعلن مفاعیلن فاع) (هزج مثنیٰ اُخرب مقبوض ازل) و هم لختی دوم بر وزن (مفعولُ فَعَل)

(اُخرب محبوب)

غزلی در نه بیت با عنوان (شعله‌ی رخسار) و به مطلع:

شیرین لب خود در خُم شکر زده‌ی باز بر عارض خود خال مکرر زده‌ی باز.

(مغموم، ۸۶: ۱۳۸۶)

(مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیل) (هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف مقصور).

و غزلی دیگر در نه بیت زیر نام (لطف بیکران) به مطلع:

بتی دارم رخس چون ماه پر تو افکن است امشب

جهان از پر تو عکس جمالش روشن است امشب.

(مغموم، ۸۶-۸۸: ۱۳۸۶)

(مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) (هزج مثنیٰ سالم).

غزلی موشح دارد در ده بیت با مطلع:

خواهم که شب و روز به سودای تو باشم پابند سر زلف سمنسای تو باشم

(مغموم، ۸۸: ۱۳۸۶)

(مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن) (هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف).

غزلی تحت عنوان (میزان خرد) در نه بیت در بحر هزج مثنی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) و به مطلع:

بنازم آن دو چشم مست شوخ نیمه خوابش را

صفای عارض و زلف خم پر تاب و پیچش را

(مغموم، ۹۲: ۱۳۸۶)

مخمس مغموم برغزل واصل در مرثیه سید الشهداء حضرت امام حسین (رضی) در بحر هزج مثنی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) با مطلع:

بهاران گل دمید و از دم بادی خزان گم شد

دو پنج و چهار مه دیدم به یک سلخ زمان گم شد

(مغموم، ۱۳۹: ۱۳۸۶)

همچنان مخمسی برغزل میرزا مقصود جانی، در (بحر هزج مسدس سالم) با مطلع:

خیال روی او در سینه جا دارد لب لعلش به جان خاصیت آب بقا دارد.

(مغموم، ۱۴۹: ۱۳۸۶)

و غزلی دیگر در این وزن (هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف) و مطلع:

ای مهوش نازنین دلبر (مفعول مفاعیلن فاعلن) . (مغموم، ۳۸: ۱۳۸۶)

(هزج مثنی اُخرم)

ماه کشور روسی میل مذهب ما کن

(مفعولن مفاعیلن مفعولن مفاعیلن)

(مغموم، الف: ۱۳۸۶)

(هزج مثنی اُخرب مکفوف محذوف)

ای شوخ بیا جانب ماهم گذری کن. (مفعول مفاعیل مفاعیل فاعلن)

(مغموم، ۶۴: ۱۳۸۶)

بحر رمل

رمل از آن سبب گویند که نام غنایی است از آغانی عرب و بعضی گویند که رمل دویدن باشد و باز ایستادن. به قول سیفی رمل در لغت حصیر بافتن است و چون این بحر را وتدی در میان دو سبب است گویا که اوتاد را با اسباب بافتند، این بحر از مستعمل ترین بحرهای عروض به حساب می‌رود. که رکن سالم آن فاعلاتن است. (بنوال، ۸۴: ۱۳۲۶)

مسدس سالم این بحر در مصراع اول با مصراع دوم فرق دارد، که در زبان فارسی این گونه نیست چون واحد وزن شعر عرب بیت و از زبان فارسی دری مصراع است. رمل مسدس سالم یا رمل تام عرب چنین است:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن. (تقی، ۱۱۳: ۱۳۷۳)

بحر رمل پر کار برد ترین بحر در میان بحور بکار رفته در اشعار مغموم است؛ به ویژه وزن «رمل مثنی محذوف» آن (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن). اوزان بکار رفته در اشعار این شاعر از این قرار اند:

در غزلی مسمی به (تابش اختر) در یازده بیت با مطلع:

وقتی آن آمد که پشمین ژنده یی در برکنم پشت پا بر عشرت دنیایی دون پرور کنم

(مغموم، ۲۹: ۱۳۸۶)

(فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف.

وغزلی هم زیرنام (غم مخور) در چهارده بیت و با مطلع:

شکر گو از انقلاب دور گردون غم مخور

هرچه آید برسرت از سوی یزدان غم مخور

(مغموم، ۲۹: ۱۳۸۶)

(فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف.

وغزل های با مطلع های زیرین:

مدتی شد از جفای دهر حیرانیم ما (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف (مغموم، ۴۲:

۱۳۸۶)

دوستان رحمی به حال زار محزونم کنید. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) رمل مثنی مقصور.

مدتی تدبیر دهر پر جفا کردم نشد (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی مقصور. (مغموم، ۴۴: ۱۳۸۶)

(فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف.

(مغموم، ۱۳۸۶: ۴۴)

نشئه مستی نه تنها کیف افیون است و بس (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف

(مغموم، ۵۰: ۱۳۸۶)

رخ تو رنگ قمر پر تب و تابی زنگی. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی مخبون محذوف.

(مغموم، ۵۵: ۱۳۸۶)

دیشب آن شوخ پری چهره زما دل زد و برد. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) رمل مثنی مخبون مقصور.

(مغموم، ۵۷: ۱۳۸۶)

نگه پر غضبیت قلب غضنفرشکند. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی مخبون مقصور

(مغموم، ۵۸: ۱۳۸۶)

غیر درگاهت ندارم فکر سودای دیگر (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن). رمل مثنی محذوف.

(مغموم، ۶۳: ۱۳۸۶)

تا زخورشید رخ آن مه نقاب افتاده است. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) رمل مثنی مقصور.

(مغموم، ۷۰: ۱۳۸۶)

آن ستمگر شانه تا با چین گیسو می‌کند (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف.

(مغموم، ۸۳: ۱۳۸۶)

تا بت من در سمند ناز جولان می‌کند. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) رمل مثنی مقصور.

(مغموم، ۹۰: ۱۳۸۶)

هر زمان دل یاد شهر قلعه‌ی خم می‌کند. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف

(مغموم، ۹۶: ۱۳۸۶)

آمد اکنون وقت رجعت موسم موعود من. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف.

(مغموم، ۱۱۱: ۱۳۸۶)

وای از این مطلب موهوم و نا موجود من. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف.

(مغموم، ۱۲۴: ۱۳۸۶)

محتسب تا کی دهی غم این ضعیف مور را . (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف.

(مغموم، ۱۲۷: ۱۳۸۶)

حسن رویت را فروغ ماه کنعان نشکند. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف.

(مغموم، ۱۲۹: ۱۳۸۶)

گرچه را ندی بنده را از پیش در باز آمدم. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف

(مغموم، ۱۳۳: ۱۳۸۶)

ای مقلد چند بنمایی قیاس دوستی. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف (مغموم، ۱۳۶: ۱۳۸۶)

(۱۳۸۶)

شکر گو از انقلاب چرخ گردان غم مخور. (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف.

(مغموم، ۹۱: ۱۳۸۶)

ای دل غم زده از دهر وفا دیدی نی؟ (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) رمل مثنی محذوف.

(خدایی، ۹۲: ۱۳۹۶)

بحر رجز:

در لغت به معنی اضطراب و سرعت آمده است. عرب‌ها ابیاتی را که بیشتر در معرکه‌ها، جنگ‌ها و در مفاخرات

از مبارزات و قهرمانی‌های اقوام خود می‌خوانند در این بحر است. سالم و مزاحف این بحر نسبت به بحر هزج

و رمل کمتر استعمال شده و مسدس آن به ندرت مستعمل است و مزاحف آن هم صرفاً، در اطراف مطوی و

مخبون می‌باشد. (بنوال، ۹۲: ۱۳۲۶)

این بحری از تکرار جز مستفعلن حاصل می‌شود.

اوزان مورد استعمال بیشتر این بحر شامل:

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (رجز مثنی سالم)

مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن (رجز مثنی مطوی)

مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن. (رجز مثنی مطوی مخبون) (شمیسا، ۴۶: ۱۳۸۱)

این بحر یکی از بحوری است، که در اشعار مغموم از لحاظ استعمال در مرتبه سوم بعد از بحر رمل و هزج

قرار می‌گیرد. وزن سالم و غیر سالم آن مورد کار برد شاعر مذکور قرار دارد، اشعاری که در این وزن در

اشعار مغموم دیده می‌شوند با مطلع‌های زیر اند:

(رجز مثنی سالم)

دارد دلم از شوق تو هر لحظه جولان ای صنم (مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن)

(مغموم، ۲۷: ۱۳۸۶)

(رجز مثنی مقطوع)

فرمان چشم مست، جان و دل حزینم (مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن)

(مغموم، ۳۱: ۱۳۸۶)

(رجز مثنی مقطوع)

افسوس رفت یکسر در غفلت و جوانی. (مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن)

(مغموم، ۳۶:۱۳۸۶)

(رجز مثنی محذوف)

قاصد رسان سلامی آن شوخ دلربا را. (مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن)

(مغموم، ۵۱:۱۳۸۶)

(رجز مثنی محذوف)

آن ماه کرد یکسو از رخ نقاب نیمی. (مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن)

(مغموم، ۹۴:۱۳۸۶)

(رجز مثنی سالم)

ای سرور هر دو جهان، محبوب حی ذو المنن (مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن).

(مغموم، ۱۰۸:۱۳۸۶)

(رجز مثنی سالم)

دارم ز فکر خویشتن سیر گلستان در بغل. (مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن)

(مغموم، ۱۴۷:۱۳۸۶)

بحر مجتث

مجتث از کلمه‌ی اجثا گرفته شده است، که معنی از بیخ برکندن را می‌رساند. این بحر را از بحر خفیف استخراج کرده اند، ارکان این دو بحر یکی است. صرفاً از روی موقعیت شان در مصرع‌ها فرق دارند. یعنی اگر در بحر خفیف اول رکن بحر رمل آید، در مجتث اول رکن بحر رجز می‌آید. این بحر قاعدتاً در اشکال مثنی، مسدس و مربع برابر می‌آید و به ویژه شکل مثنی آن خیلی وضاحت دارد. وزن هر یک مصرع شعر مجتث مثنی سالم با وزن دو بار (مستفعلن فاعلاتن) و مسدس سالم آن با یک بار (مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن) و مربع سالم آن با یک بار (مستفعلن فاعلاتن) را ست می‌آید. شاعران دری زبان در شکل مثنی سالم، مسدس و مربع آن شعر نسروده اند، برای آنکه آهنگ شکل سالم آنها در اشعار ما خوشایند نمی‌باشد و مورد استعمال ندارد. (بنوال، ۱۱۸:۱۳۲۶)

اوزان پرکار برد این وزن عبارت اند از وزن:

مفاعله، فاعلاتن، مفاعله و فاعلاتن (مجتث مثنی مخبون)

مفاعله، فاعلاتن، مفاعله و فعلن (مجتث مثنی مخبون محذوف) می‌باشد. (شمیسا، ۴۱:۱۳۸۱)

این بحر در اشعار مغموم بعد از بحور یاد شده در مکان چهارم می‌ایستد و از این بحر وزن‌های زیرین آن مورد استفاده شاعر قرار گرفته است. مطلع غزل‌های مورد استفاده عبارت اند از:

غزل بنام (خون جگر) در هفت بیت در وزن (مفاعله، فاعلاتن، مفاعله و فاعلاتن)، (مجتث مثنی مخبون اسلم مسیغ).

زیس که عارض گلرنگت ار غوان گون است

سرشک می‌رود از دیده و دلم خون است.

(مغموم، ۲۶:۱۳۸۶)

غزلی با وزن «مفتعلن، فاعله، مفتعلن و فاعلات». «مجتث مثنی مطوی محذوف مقصور» و «منسریح مثنی مکشوف مطوی موقوف».

عشق تو بر سینه جا، من که نکردم که کرد
گرد رهت توتیا، من که نکردم که کرد
(مغموم، ۶۸:۱۳۸۶)

مجتث مثنیٰ مخبون اصلم
(مفاعِلن، فعلاَتن، مفاعِلن و فعولن)
رسید نامه که بد حرف حرف آن دلبر
(مفاعِلن، فعلاَتن، مفاعِلن و فعولن)
زغایبانه رفیق شفیق نیک سیر
(مغموم، ۹۸:۱۳۸۶)

بحر سریع

سریع از بحر های نسبتاً سبک وزن عروض می باشد و اشعاری که به این وزن گفته می شود نهایت تلفظ سبک و خفیف دارند. بحر سریع تنها در اشکال مسدس و مربع می آید و به ویژه شکل مسدس آن وضاحت دارد. وزن هرمصرع شعر این بحر با وزن یک بار «مستفعِلن، مستفعِلن و مفعولات» برابر می آید. شاعران فارسی زبان در وزن سالم آن شعر نگفته اند. (بنوال، ۱۳۲۶: ۱۲۱) وزن مفعِلن، مفعِلن و فاعِلن «سریع مسدس مطوی مکشوف» آن مورد استعمال بیشتر دارد. (شمیسا، ۴۶: ۱۳۸۱)

این بحر در اشعار مغموم فقط دو غزل را شامل می شود که غزل اول به پرتوخورشید ضحی مسمی است در (بحر سریع مسدس مطوی مکشوف)، مطلع آن چنین است:
قاصدم از باد صبا می رسد
و مخمس بر غزل عاجز دارد نیز در وزن سریع است.

(سریع مسدس مطوی موقوف)
دوش زپیشم مه تابان گذشت
(مفعِلن، مفعِلن و فاعِلن)
(مغموم، ۴۸: ۱۳۸۶)

(مغموم، ۱۱۴: ۱۳۸۶)

بحر مضارع

بحر مضارع در بیت های نسبتاً معمولتر نظم دری وجود دارد. این بحر از ارکان اضافی هزج و رمل پیدا شده است. اشعار این بحر در اشکال مثنیٰ، مسدس و مربع بنا می یابند. وزن هر یک مصرع شعر بحر مضارع مثنیٰ سالم دو بار «مفاعیلن و فاعلاتن» مسدس آن یک بار «مفاعیلن، فاعلاتن و مفاعیلن» و مربع آن یک بار «مفاعیلن و فاعلاتن» می آید. سالم آن در جمع بحور نامطبوع است و بیشتر غیر سالم آن معمول است. (بنوال، ۱۱۰: ۱۳۲۶)

اوزان کثیر الاستعمال این بحر عبارت اند از:

مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (مضارع مثنیٰ اُخرب)
مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعِلن (مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف)
(شمیسا، ۴۶: ۱۳۸۱)

میر اولیاحسین مغموم در یک مخمس و هفت غزل از این وزن استفاده نموده است و هر هشت وزن به صورت غیر سالم این بحر است نه سالم آن، مخمس آن با مطلع زیر آغاز می یابد:
در پرتو جمال تو حیران منم منم
(مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعِلن).

(مغموم، ۱۴۲: ۱۳۸۶)

مطلع غزل ها به گونه زیر است:

(مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف)

جانا چرا به صحبت ما خو نمی کنی

(مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن)

(مغموم، ۲۴:۱۳۸۶)

(مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف)

ای شوخ مه لقا تو بگو از کجاستی

(مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن)

(مغموم، ۵۳:۱۳۸۶)

(مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف)

یا د رخ تو عقل من زار می برد

(مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن)

(مغموم، ۶۰:۱۳۸۶)

(مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف)

افسوس شیخ و قطب زمان پیر و پیشوا

(مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن)

(مغموم، ۷۲:۱۳۸۶)

(مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف) (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن)

دل پاره پاره سینه فگاریم آه آه

(مغموم، ۷۵:۱۳۸۶)

(مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف)

بلبل بنال هجر مه پر عتاب را

(مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن)

(مغموم، ۱۱۹:۱۳۸۶)

(مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف مقصور)

دارم هوای آن مه گل پیره‌ن هنوز. (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات) (مغموم، ۱۳۸۶: ۱۱۷)

غزل که ذوب‌حیرین است بنا بر این می‌توان آنرا در دو بحر مضارع (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن) و رجز (مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن).

آن ماه کرد یکسو از رخ نقاب نیمی (بحر مضارع مثنیٰ اُخرب). (مغموم، ۹۴:۱۳۸۶)

غزلی در وزن (مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف مقصور)

بی رویی یار سیر گلستان چه حاجت است (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات)

(مغموم، ۸۵:۱۳۸۶)

بحر منسریح

انسراح به معنی روانی است و چون ترتیب اوتاد و اسباب در این وزن به قسم است که موجب روانی آهنگ می‌شود، بنا بر این آنرا منسریح خوانده‌اند. اوزان این بحر نیز از سبک‌ترین اوزان عروضی به شمار می‌آید. اشعاری که به این بحر گفته شده مانند بحر سریع آهنگ شوخ، رقصان و سبک دارند. بحر منسریح را از بحر سریع استخراج کرده‌اند و نسبت به سریع فرق می‌کند. بحر منسریح به اشکال مثنیٰ، مسدس و مربع می‌آید. شکل مثنیٰ سالم آن دو بار «مستفعلن مفعولات»، مسدس سالم آن با یک بار «مستفعلن، مفعولات و مستفعلن» و مربع آن با یک بار «مستفعلن و مفعولات» درست می‌آید. (بنوال، ۱۳۲۶: ۱۲۳). در اشعار میر اولیاحسین مغموم دو غزل و یک مخمس در بحر منسریح بکار رفته است، که (منسریح مثنیٰ مکشوف

مطوی موقوف) (مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلاتن).

عشق تو بر سینه جا، من که نکردم که کرد گرد رخت توتیا، من که نکردم که کرد
(مغموم، ۱۳۸۶: ۶۸)

باکبر و فخر بسیار رفتارها چه لازم (مفعول، فاعلاتن، مفعول و فاعلاتن)
(مغموم، ۱۳۸۶: ۱۴۴)

نکاتی در مورد وزن اشعار مغموم

۱. استفاده نه‌چندان بیش از وزن دوری: وزن دوری به وزن مصراع‌ی گفته می‌شود که بتوان خود آن مصراع را مرکب از دو نیم مصراع (پاره) متساوی پنداشت. هریک از این پاره‌ها، دو رکن مختلف دارد که عیناً در پاره دوم تکرار می‌شود. در وزن دوری غالباً کلام در پایان پاره (یعنی با رکن دوم) تمام می‌شود. به هر حال در وسط مصراع مکث می‌کنیم. معمولاً وزن دوری در اوزان متناوب الارکان پیدا می‌شود. اهمیت وزن دوری در این است که وسط مصراع حکم پایان مصراع را می‌یابد: یعنی می‌توان در آن جا قافیه آورد، مکث کرد، یک یا دو صامت اضافه بر وزن آورد. و باید یادآور شد که اوزان دوری از خوش‌آهنگ‌ترین اوزان شعری هستند و نیز قسمت اعظم زبانی عروض فارسی بر عهده‌ی اوزان دوری است؛ زیرا با ترکیب ارکان مختلف می‌توان اوزان تازه‌ی ساخت. (شمیسا، ۷۰: ۱۳۸۷). مغموم در اشعار خود فقط چند غزل به این وزن آورده است:

آن ماه کرد یک سو از رخ نقاب نیمی دل‌های عاشقان زو خوش خورد آب نیمی
(مغموم، ۱۳۸۶: ۹۴)
(مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن)

عشق تو بر سینه جا من که نکردم که کرد گرد رخت توتیا من که نکردم که کرد
(مغموم، ۱۳۸۶: ۶۸)

(مفعول، فاعلاتن، مفعول و فاعلاتن)
قاصد رسان سلامی، آن شوخ دل‌را را آن گلبن سیادت، آن منبع وفارا
(مغموم، ۱۳۸۶: ۵۱)

در دو وزن نیز خوانده می‌شود (مستفعلن، فعولن، مستفعلن و فعولن) و (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن).
افسوس رفت یکسر در غفلت جوانی این عمر نازنینم در عیش و کامرانی
(مغموم، ۱۳۸۶: ۳۶)

۲. بکار نرفتن اوزان متنوع:

چنانکه بیان شد از «۴۷» وزن در «۷» بحر عروضی استفاده نموده، از بسیاری بحور حتی یک نمونه هم دیده نمی‌شود، هرچند نمی‌توان سخن قاطع در این مورد بیان کرد، چون دیوان کامل از مغموم تا حال به زیور چاپ آراسته نشده است. بنا بر قول احمد نجیب بیضایی دیوان قلمی مغموم را نزد آقاربین‌اش مطالعه نموده و از بسیاری غزلیات به تعداد چهار بیت گم و تلف شده است.

۳. استفاده از اوزان کثیر الاستعمال:

همان‌گونه‌ی که استاد سیروس شمیسا در اثر خود (عروض و قافیه) بیان می‌کنند که حدود «۳۰۰» وزن در شعر پارسی موجود است. خوش‌آهنگ‌ترین و پرکاربردترین اوزان اوزانی‌اند که مولانا و حافظ بکار برده‌اند و اولین وزن پرکاربرد هم وزن (رمل مثنی‌محدوف/مخبون) را آورده‌اند. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۶) مغموم

از جمله «۲۰» وزن که در بحر رمل دارد «۱۶» وزن آن را رمل مثنی محذوف / مخبون) تشکیل می‌دهد و یا بحر مضارع (مثنی اخب مکفوف محذوف) که از جمع «۹» غزل «۸» غزل آن در این وزن است. بحر هزج نیز وضع به همین منوال است، چنانکه از «۱۹» وزن بحر هزج «۱۸» وزن آن (هزج مثنی سالم / محذوف) اند. بحر رجز هم از جمله بحر های است که از میان «۶» غزلی که در این وزن سروده «۳» غزل آن در وزن سالم آن است.

۴. استفاده بسیار اندک از بحور نامطبوع:

معمول است که وزن های سنگین و پر هیمنه‌ی را که در اشعار غزلسرایان معروف معمولاً استعمال نشده باشد «بحور نامطبوع» خوانند. بحور نامطبوع بیشتر در اشعار شعرای قدیم سبک خراسانی دیده می‌شود، این اشعار مملو است از مختصات زبانی سبک خراسانی از قبیل تشدید مخفف و تخفیف مشدد، ساکن کردن متحرک و یا بالعکس، تغییر در لغات و سکنه‌های عروضی. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۴) اما سه وزن که نامطبوع خوانده شده به گفته استاد سیروس از اوزان خوش آهنگ و کثیرالاستعمال زبان فارسی اند. در اشعار مغموم اوزان نامطبوع فقط یک دو مورد و کم است از جمله این بیت در وزن بحر (مضارع مثنی اخب مکفوف محذوف).

با کبر و فخر بسیار رفتارها چه لازم از بهر شهوت و نام در بارها چه لازم

نتیجه‌گیری

از مباحث فوق میتوان به این نتیجه رسید، که وزن از عناصر مهم شعراست نه تنها بر خیال انگیزی شعر می‌افزاید، بلکه ادراک شعر را برای خواننده آسان می‌کند و وزن و تناسب خاصی به آن می‌بخشد. اشعار میراویلی‌احسین مغموم سراسر دارای موسیقی بیرونی (وزن عروضی) است. و در وزن های غیر عروضی تبع آزمایی ننموده است. تنوع وزنی در اشعار مغموم فراوان نیست، چنانکه از «۴۸» وزن در هفت بحر عروضی استفاده نموده است. اوزان مورد کاربرد شاعر بیشتر اوزان کثیرالاستعمال اند؛ بدین ملحوظ اشعارش روان و خوش آهنگ است. از مقایسه اوزان مورد کاربرد مغموم می‌توان به این نتیجه رسید که از جمله بحور بکار رفته بحر رمل در مقام نخست قرار دارد، هزج در مقام دوم، مضارع در مقام سوم، رجز در مقام چهارم، مجتث در مقام پنجم، سریع و منسریح هر دو در مقام ششم می‌ایستند. همچنان وزن های دلخواه شاعر که بیشتر از همه در اشعارش بکار رفته اند؛ وزن رمل مثنی محذوف است که از بیست و سه غزل که در بحر رمل دارد «۱۵» غزل آن در همین وزن است. و وزن هزج مثنی محذوف که از جمله «۱۹» غزل که در این وزن دارد «۱۸» غزل آن در این وزن است. مغموم بیشتر از اوزان کثیرالاستعمال در اشعارش استفاده نموده و تنوع اوزان در اشعار کم بوده همچنان اشعار نامطبوع در اشعارش کم و اندک است. از اختیارات شاعری استفاده نموده و سکنه عروضی در اشعارش نادر است.

پیشنهادات

۱. باید در زمینه اشعار شعرای دیار بدخشان کار همه جانبه صورت بگیرد.
۲. کار در راستای شعر شعرای محلی و باز تاب اندیشه و دیدگاه این شعرا موجب شناخت فرهنگ محل و شیوه‌ی بیان آن می‌گردد، بنا برین باید به پژوهش در این امر پرداخته شود.
۳. دیوان شعری برخی از شعرای محلی مان با تصحیح درست همراه نیست. پژوهشگران هنگام پژوهش باید در این زمینه نیز نکاتی را تصحیح و یا حداقل به مصحح که ناقص تصحیح نموده بازگو کنند.
۴. باید اوزان اشعار شعرای مان که به شیوه کلاسیک سروده اند را در بیابیم و در جمع این شعرا به شاعر نو آور توجه بیشتر مبذول گردد.

منابع

- احمد نژاد، کامل - کمالی اصل، شیوا. (۱۳۸۵). عروض و قافیه. چاپ اول. تهران: نشر آيژ.
- بنوال، محمد افضل. (۱۳۲۶). وزن شعر دری. چاپ دوم. کابل: انتشارات سعید.
- تقی، وحیدیان کامیار. (۱۳۷۳). بررسی منشأ وزن شعر فارسی. چاپ دوم. مشهد: انتشارات استان قدس رضوی.
- شریف زاده، خدایی. (۱۳۹۶). ادبیات درواز. برگردان: احمد نجیب بیضایی. کابل: مطبعه‌ی بهیر.
- شفیعی کدگنی، محمد رضا. (۱۳۹۱). موسیقی شعر. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). آشنایی با عروض و قافیه. چاپ هژدهم. تهران: انتشارات فردوس.
- گراوند، علی. (۱۳۹۲). بررسی موسیقی بیرونی (وزن عروضی) غزل‌های وحشی بافقی. تهران: دانشگاه هزمگان.
- مغموم دروازی، میر اولیا حسین. (۱۳۸۶). گلچین اشعار. به کوشش، احمد نجیب بیضایی. کابل: مطبعه بهیر.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۷). وزن شعر فارسی. چاپ دوم. تهران: انتشارات توس.



د جنایي تحقیقاتو په کیفیت باندې د مصنوعي ادراک اغېزه

خالد صافی

تنګرهار پوهنتون د حقوقو او سیاسي علومو پوهنځي

Khalidsafi201605@gmail.com

<http://orcid.org/0009-0009-0348-3523>

لیکوال

برېښنالیک

ارکاید

لنډیز

مصنوعي ادراک ننني عصر کې د بشري ژوندانه ټولې برخې په بر کې نیولي دي او د زیاتره کارونو (مشاغلو) ځایناستی ګرځېدلی دی. د مصنوعي ادراک څخه د ګټې اخیستنې بله برخه جنایي تحقیقاتو کې ده چې د جرم په کشف، متهم پېژندنه، مجني علیه پېژندنه، د متهم څخه تحقیقاتو برخه کې د پولیسو او د کشف ارګانونو په کړنو او اجراتو کې مرسته کوي، په دې اساس جنایي تحقیقات په دقیق او درست ډول سره ترسره کېږي او همدارنګه په ټولنه کې د جرم د مخنیوي او خطرناکو کړنو په مخنیوي کې مؤثر نقش لوبوي. نوموړی مقاله کې د مصنوعي ادراک وړتیاوې او ظرفیتونه او همدارنګه په نړۍ کې د جنایي تحقیقاتو په برخه کې د مصنوعي ادراک نقش اړوند مثالونه واضح شوي.

کلیدي نقاط: جنایي تحقیقات، پولیس، مصنوعي ادراک، وړاندوینه، مخنیوی.

The Effect of Artificial Intelligence On the Quality of Criminal Investigation

Author

Khalid Safi

Nangarhar University, Law & Political Science Faculty.

Email

Khalidsafi201605@gmail.com

Orcid

<http://orcid.org/0009-0009-0348-3523>

Abstract

In the modern era, artificial intelligence (AI) has permeated nearly every aspect of human life, often replacing many traditional jobs and tasks. One significant application of AI is in the field of criminal investigations, where it aids in detecting crimes, identifying suspects and victims, and supporting police and investigative agencies in their efforts. AI enhances the accuracy and precision of criminal investigations, playing an effective role in crime prevention and reducing dangerous activities in society. This article explores the capabilities and potential of AI in criminal investigations, providing examples of its application worldwide.

Keywords: Criminal Investigation, Police, Artificial Intelligence, Prediction, Prevention.

سريزه

مصنوعي ادراک هغه سيستمونو او سافټو پرونو ته ويل کېږي چې کولای شي انسان ته ورته غبرگونونه وښايي له هغې جملې، د مغلقو او سختو شرايطو درک کول، د انساني فکر درک کول او هغوی ته بريالي ځواب ورکول، زده کړه او د علم کسبولو وړتيا او مسايلو (موضوعاتو) ته د حل لاره موندل په بر کې نيسي. او يا هم په بل عبارت، مصنوعي ادراک هغه ادراک دی چې يو ماشين (سيستم) کولای شي په مختلفو شرايطو او حالاتو کې له ځانه وښايي. جنایي تحقيقات له کشف، د مدارکو آماده کولو، تشخيص، او ارائيه کولو پروسه ده ترڅو معلومه کړي چې څه پېښ شوی او څوک مجرم دی او د جرايمو د مخنيوي ستراتيژيو چمتوکولو او تعقيبولو څخه عبارت دی. د نوموړي کړنو اجراء کول به د ماشين (سيستم) په واسطه په ښه ډول او بغير د کوم انساني عاطفې او ذهني او فکري مشکلاتو څخه ترسره شي. له همدې امله مصنوعي ادراک په مختلفو برخو کې د علماو جلب او توجه ځانته کړې او په دې برخه کې بريالي گامونه اخيستل شوي، نو په دې اساس په جنایي تحقيقاتو کې يې هم هرکلی شوی دی، په ځانگړي ډول د جرمي احصايو، د مجرم پخوانی شاليد ((Background Criminal) او نورو برخو کې اغېزمن تمام شوی. په جنایي تحقيقاتو کې له مصنوعي ادراک څخه د کار اخيستني يوه برخه د تحقيق له مرحلې څخه نيولی تر د مجرم نيونې او د صلاحيت تر ارزونې پورې په بر کې نيسي. دلته پوښتنه دا مطرح کېږي چې آیا مصنوعي ادراک د جنایي تحقيقاتو په مؤثریت کې اغېزمن دی او که نه؟ چې دې پوښتنې ته به په دې مقاله کې ځواب ورکړل شي. نوموړې مقاله کې به په لاندې موضوعاتو بحث وشي، د مصنوعي ادراک نقش د جرم د صحنې او دلایلو برخه کې او د مصنوعي ادراک نقش د مظنونينو د نيولو او تحقيق پر مهال.

څېړنيزه ستونزه

ننني عصر کې ټکنالوژي ډېر پرمختگ کړی دی، چې په جنایي برخه کې هم خپل لمن خپره کړې ده، له جنایي ارگانونو او قضايي ارگانونو سره خورا مرسته کوي. د مصنوعي ادراک په واسطه ډېرې جنایي ستونزې هوارې شوي دي، خو په دې برخه کې چې آیا عدالت به د مصنوعي ادراک ټکنالوژي په اساس به په پوره توگه تامين شي او که نه دا يو ستره ننگونه ده، ځکه چې بعضې اوقات د مصنوعي ادراک په واسطه جنایي تحقيقات په درسته توگه نه ترسره کېږي او خپل اصلي کيفيت دلاسه ورکوي چې دا د عدالت پلي کېدو سره تناقض لري.

څېړنيزې پوښتنې

اصلي پوښتنه:

آيا د مصنوعي ادراک نقش د جنایي تحقیقاتو په کیفیت کې مؤثر دی؟

فرعي پوښتنې:

مصنوعي ادراک څه شی دی؟

آيا د ټولنې په امنیت کې مصنوعي ادراک نقش لوبولی شي؟

آيا د مصنوعي ادراک په واسطه له جرایمو څخه مخنیوی کېدای شي؟

د څېړنې اهداف

د دې څېړنې د غوره کولو څخه مې هدف دا دی چې:

د مصنوعي ادراک نقش د جرایمو په مخنیوی او د جنایي تحقیقاتو په کیفیت کې یې رول او اغېزه واضح شي.

نوموړې موضوع نوې ده، نو ومې غوښتل چې په دې برخه کې د حقوقو او شرعياتو پوهنځيو محصلین اگاهي او معلومات ترلاسه کړي، ترڅو وکولای شي په راتلونکي کې د جنایي تحقیقاتو په برخه کې ورڅخه ګټه پورته کړي.

د څېړنې اهمیت

دا چې د انسان ژوند له هر څه مهم دی او اسلامي شریعت او وضعي قوانین هم د دې حق په ساتنې او رعایت باندې تاکید کړی ده، چې انسان دې بغير د کوم دليل او مدرک څخه مجازات او محاکمه نه شي، همدارنگه له مضمون شخص سره دې تبعیضي چلند ونه شي او د جنایي تحقیقاتو په پړاو کې هېڅ ډول غفلت ترسره نه شي او جنایي تحقیقات دې په درسته توګه او دقیق ډول ترسره شي. نو په دې اساس ویلای شو چې د مصنوعي ادراک څخه ګټه اخیستنه به دغه ستونزه هواره کړي، چې په پای کې به جنایي عدالت په درسته توګه پلي شي چې دا خپله د موضوع په اهمیت دلالت کوي

د څېړنې شالید

مخکې له دې چې موضوع باندې څېړنه ترسره کړم، نو مختلفو کتابونو، مجلو او انټرنیټي سایټونو کې مې پلټنه وکړه غوښتل مې تر څو معلومه کړم چې آيا د نوموړې موضوع په اړه کومه نوې لیکنه شوې ده او که نه؟ بلاخره دې پایلې ته ورسېدم چې د نوموړې موضوع په هکله په پښتو ژبه کې کوم اثر نه ترسترګو کېږي، اگر چې د جنایي تحقیقاتو اړوند مختلفې لیکنې ترسره شوي چې په دې برخه کې د (تحقیقات جنایي روشی برای باز سازی گذشته) د جیمز اوسټربرګ او ریچارد وارډ چې یو مؤثر کتاب دی چې د جنایي تحقیقاتو په هکله ډېر موارد پکې ذکر شوي خو نوموړي کتاب کې د مصنوعي ادراک نقش د جنایي تحقیقاتو کیفیت برخه معلومات نه ترسترګو کېده، بل د محترم استاد پوهندوی محفوظ الله عارفي صاحب د کریمنالستیک کتاب دی چې نوموړي کتاب کې هم په دې اړه خاص معلومات شتون نه درلود. په همدې اساس ویلای شو

چې نوموړې برخه کې په پښتو ژبه کې کومه خاصه لیکنه نه ده ترسره شوې، یوه نوې موضوع ده.

د څېړنې تگلاره

په دې مقاله کې د تشریحي او توضیحي مېتود څخه کار اخیستل شوې ده او کتابتوني بڼه لري په مقاله کې له بېلا بېلو کتابونو، مقالو او انټرنېټ څخه د منابعو په توګه استفاده شوې او همدارنګه ماخذونه یې د متن لیک په سیستم ترتیب شوي دي، مقاله په پایله، نتیجه ګیري او وړاندیزونو رانغاړل شوی او په پای کې یې ماخذونه په علمي طریقه کښل شوي دي.

پایله او موندنې

ننني عصر کې د ټولنو په پېچلتیا او پراختیا او د جرایمو په زیاتوالي سره د دې ضرورت احساس کېږي چې د جرایمو څخه مخنیوی وشي، مصنوعي ادراک سیستمونه (سافټویرونه) د جرایمو سره د مبارزې، کشف او د مظنونینو په نیولو او په ګڼل کې د جنایي تحقیقاتو په برخه کې مهم نقش لوبولی، همدارنګه انسانانو سره د ورځني ژوندانه په هره برخه کې مرسته کوي او اکثره پر خطره او سخت کارونه چې د انسان لخوا یې ترسره کول ستونزمن وي ترسره کوي. په جنایي تحقیقاتو کې د مصنوعي ادراک څخه استفاده به چټکتیا، دقت، پرمختګ پرېکړې کولو، د مظنونینو درسته او دقیق تشخیص او کشف او د هغوی پر وړاندې لازم اقدامات، همدارنګه د جرم اجراء کولو او د خطراتو د وړاندوینې برخه کې اغېزمن رول لوبوي او په دې برخه د جرم د کشف ارګانونو او متخصصینو سره مرسته کوي.

د مصنوعي ادراک نقش د جرم د صحنې او دلایلو برخه کې

لکه څرنګه چې معلومېږي د جنایي تحقیقاتو موخه د جرایمو کشف او د مجرم شخص موندل (تشخیص) ده، د دې تشخیص کول چې آیا جرم صورت نیولی، مدارک او دلایل څه ډول ترلاسه شي، د مسؤل شخص تشخیص، مظنون نیونه، د جرم څخه مخنیوی، د مجرمینو د کردار او رفتار وړاندوینه کول او داسې نور چې دې اهدافو ته رسېدل په عمل کې ساده کار نه دی، دا په هغه اندازه سخت او مهم کار دی چې معمولاً انساني قوه د هغه په تشخیص او کنټرول کې د اشتباه او خطا سره مخ کېږي، دغسې مواردو کې دقت او سرعت ډېر مهم ده.

د مصنوعي ادراک په وسیله روباټیک ماشینونه او سیستمونه کولای شي د مجرمینو ټول دوسیې بررسی او تحلیل کړي، همدارنګه کولای شي د امنیتي کمرو په واسطه د ورکړل شویو معلوماتو، عکسونو، ویډیوګانې طبقه بندي او بررسی کړي، همدارنګه د خطر حالات، د مظنونینو رفتار او چلند په ګوته کړي. روباټیک پولیس کولای شي چې په مسلحانه او خطرناکو ترویرستي عملیاتو کې ګډون وکړي، ترڅو عملیات خنثی او مجرمین ونیسي او یا یې له منځه یوسي. نن ورځ د مصنوعي ادراک سیستمونو په مرسته په زیاتره مواردو کې پولیس د جرم د پېښې (وړاندوینې) له برنامو (سافټویرونو) څخه کار اخلي چې د افرادو پخوانی جرمي حالت ته په کتو سره وړاندوینه کوي، چې معمولاً په کوم ځای او څه ډول ممکن دی چې شخص بل جرم اجراء کړي.

مصنوعي ادراک سیستمونه علاوه پر دې چې اطلاعات راټول او تحلیل کړي، په زیاتره حالاتو کې په جنایي تحقیقاتو کې د اهمیت وړ ګرځېدلي دي، له هغې جملې څخه د ګوتو نښو تشخیص، د (DNA) آزمایښتونه،

د مظنونینو د شکلونو تشخیص، د مجرم اړوند اطلاعاتو ذخیره کول او د ارقامو تحلیل کې په کار وړل کېږي. (بنت وهس ۱۳۸۵، ۶۵ ص).

پولیس کولای شي د مصنوعي ادراک سیستمونو په واسطه جرمي ساحې او د حرفوي مجرمینو کړنې ښه نظارت او کنټرول کړي، همدارنګه مجرمین کشف او تعقیب کړي چې معمولاً د سرعت او دقت سره مل وي. د پولیسو له لورې مختلفو ساحو کې ګزمه وهل چې ډېر وخت نیسي او خسته کن تمامیري او زیات مصرف ته اړتیا لري، حتی بعضې وختونه نتیجه نه ورکوي، خاصاً د ښارونو په پراخوالي او د سایبري جرایمو په برخه کې چې د دې ډول جرایمو تعقیب او کشف په عادي توګه د لاسرسی وړ نه دي، فلهاذا د مصنوعي ادراک سیستمونو په واسطه او د جوړشویو نرم افزارونو (سافټویرونو) په واسطه په ډېرې اسانۍ سره ترسره کېدای شي.

د مصنوعي ادراک ټکنالوژي د امنیت په تامین کې خورا ونډه لري، له هغې جملې نظارتي (امنیتي) کمري، جاسوس الوتکې او د پولیسو اړونده وړاندویونکې برنامې چې احتمالي جرایمو وړاندوینه کوي. په اروپا کې انټرپول پولیس د ماشومانو د جنسي ازار او اذیت سره د مبارزې په منظور د اطلاعاتو د ورکړې یو سیستم ایجاد کړی دی چې د دې لارې کولای شي د ماشومانو پر وړاندې د جنسي ازار او اذیت څخه مخنیوی وکړي، دغه سیستم کولای شي د جرم مرتکبین، متضررین بررسی او تشخیص کړي، هغه په دې ډول چې جرمي صحنې اړوند شیانو لکه: میز، چوکۍ، فرش... غیر منظم والی او یا هم د امنیتي کمرو په واسطه د شورماشور او ګډوډۍ، اوازونو له لارې کولای شي دا تشخیص کړي چې په دې حالت کې ماشوم د جنسي ازار او اذیت لاندې قرار نیولی.

چټ بات (Chatbot): خبرې کوونکي روباتونه دي چې د واقعي او حقيقي اشخاصو په څېر عمل کوي، چې دا یوه بله لاسته راوړنه د ویب کام (Webcam) یا انټرنېټ له لارې د جنسي زورونې سره د مبارزې په برخه کې ده، په اروپا کې د هالنډي ماشومانو حقوقو سازمان (Hommes des Terre) لومړنی سازمان و چې ماشومانو د جنسي ازار او اذیت سره د ویب کام (انټرنېټ) له لارې مبارزه وکړ، دغه سازمان د سويتی (Sweetie) په نوم یو روبات جوړ کړل چې دا یو مجازي شخصیت و، خان بې لس کلنه فلیپیني جلی ښودله چې د مجرمینو د کشف په موخه په چټ روم (جمعي وسایلو) مسنجر، وایبر، انستاګرام، وټسپ... کې په کار وړل کېده. نوموړی روبات د یاد سازمان د یو عامل سیستم له لورې اداره کېده، هدف دلته دا وو چې هغه کسان چې د سويتی روبات سره اړیکه نیولې وه او د هغې څخه د جنسي رابطې غوښتنه کړې، معلومات ترلاسته شي. همدارنګه نوموړي سازمان د مصنوعي ادراک په داسې یو سیستم باندې کار پیل کړ چې بغیر د انسان مداخلې څخه کولای شول چې د سويتی روبات کنټرول او اداره کړي، نه یوازې دا چې مجرمین کشف کړي، بلکې هغه اشخاص چې د لومړي ځل لپاره د یو جرم مرتکب کېږي هغوی له دې کار څخه لاس په سر کړي. (Zavrsnik, 2020, p. 573).

همدارنګه په (۲۰۱۳) م کال په بوستون ښار کې د پرله پسې بمې چاودنو وروسته دغه ښار په ازماينېتي، نظارتي او وړاندویونکو دوریونو (کمرې) سمبال شو، دغه مصنوعي ادراک سیستمونه د شیکاګو او واشنگټن په ښارونو کې د نظارتي کمرو تصاویرو په اساس یې د (عادي رفتار) ګرځېدو لکه په لاره باندې عادي قدم وهلو باندې معلومات پکې ځای پر ځای شو او همدارنګه په دې کمرو کې غیر عادي رفتار چې د جرایمو پورې تړاو درلود پکې ذخیره شو لکه: غیر معمولي حرکات، وارخطا حرکت کول، بعد له دې څخه دغه سیستمونه

کولای شو چې د نظارتي کمرو د تصاویرو او ویديوگانو په اساس غیر طبعی او غیر عادي رفتار تشخیص کړي او د هغوی نتیجه مسؤلینو (پولیسو) ته ولیري.

د جرم وړاندوینو کې سیستمونه پولیسو ته دا اسانتیا رامنځته کوي چې د جرم د اجراء څخه د مخه مداخله وکړي او یا هم جرم خنثی کړي، د څېړنې (مخ) پېژندنې یا د تشخیص سیستمونه به وکولای شي چې د پنخوانیو او حرفوي مجرمینو د تېبېدلو مخه ونیول شي، دغه سیستمونه کولای شي نقلي څېړنې تشخیص کړي، نوموړي سیستمونو کې وروستي پرمختګونه دې حد ته رسېدلي چې کولای شي هغه تصویرونه چې مبهم (نامعلوم) یا د تشخیص وړ نه وي، تشخیص او افراد یې په ګوته کړي. همدا راز د متحده ایالاتو ملي امنیت ادارې هم اعلان کړی چې د صوت (اوز) بدلول په متن سره کولای شي چې ټیلفوني غږیزې پیغامونه په متن تبدیل کړي. (Froomkin, 2015, p.7).

د مصنوعي ادراک سیستمونه کولای شي چې جرمي پېښې مخکې له مخکې څخه تشخیص کړي، د پرد پول) امریکایي شرکت په (۲۰۱۵) م کال د اکتوبر میاشت خپره شوې څېړنه کې ښودل شوې چې په لاس انجلس کې هغه اشخاص چې د جرم په وړاندوینې کې تخصص لري په سلو کې (۲.۱٪) فیصده جرایم پېښې کړي حال دا چې د مصنوعي ادراک سیستمونه په سلو کې (۷.۴٪) فیصده جرایم پېښې کړي، همدارنګه څېړنې ښودلي چې د دې وړاندوینو سره به په ځینو سیمو کې د پولیسو استخدام لږ شي او په کال کې به شاوخوا نهه میلیونه ډالر خوندي شي. (al rt Mohler, 2015, p.410).

فلهذا د مصنوعي ادراک سیستمونه د ښاري نظم او پولیسو د نظارت برخه کې جرم څخه مخنیوی او د عمومي نظم څخه ملاتړ برخه کې به اغېزمن وي، اگر که دغه برخه د خصوصي حریم او بشري حقوقو نقض موارد به له ځانه سره ولري، خو په دې برخه کې د لازمو قواعدو او مقرراتو وضع کول به دغه ستونزه هواره کړي. (al el McGregor, 2019, p.160).

دا رنگه د مصنوعي ادراک سیستمونه کولای شي چې د جرم د احتمالي وقوع په خاص زمان او جغرافیایي مکان کې په ډېر دقیق او واضح ډول سره پېښې او تشخیص کړي چې دغه برخو ته په لاندې ډول اشاره کوو:

۱: د جغرافیایي څېړنو سافتویر سیستمونه کولای شي جرمي صحنه ترسیم کړي او په راتلونکي کې کولای شي چې د همدې کړوکي په اساس د مجرم احتمالي استوګنځای اټکل کړي، بل دا چې جغرافیایي سافتویرونه د (سره علامې) همدار سیستمونه لري چې د جرم د اجراء، د متضرر موقعیت او حالت او د خطر حالات تشخیص په منظور په کار وړل کېږي لکه: اکسپرت کراب (Crop Expert) هغه سافتویر دی چې د پولیسو افسرانو لخوا په مختلفو ساحو کې په کار اچول کېږي، نوموړی سیستم کولای شي د خطر احتمال او اندازه تخمین کړي چې په دې اساس پولیس کولای شي د جرم څخه مخنیوی وکړي. (Vasconce- & Furtado, 2007, p.57). جغرافیایي سافتویرونه کولای شي چې د ښځو د ازار او اذیت څخه د مخنیوي په برخه کې هم مهمه ونډه واخلي، په بنگله دېش کې د (پروتوادي ۲) سافتویر په واسطه، ښځې کولای شي چې د نوموړي سافتویر د بټنې په فشار ورکولو سره پولیسو ته پیغام واستوي او پولیسو ته د زورونې څخه اګاهي ورکړي او خپل محل (Location) ورپه ګوته کړي. (Ahmed, 2014, p.2698).

۲: **کچ (Catch):** دا یو اطلاعاتي سافتویر دی چې په سایټونو، اداراتو، د پولیسو څانګو او محاکمو کې د موجوده احصایو په کارولو سره د قتل، جنسي ازار او اذیت په اړه معلومات راټول او طبقه بندي کړي او د

جغرافیایي نقشې او احتمالاتو په اساس یې تحلیل او ارزیايي کړي چې په (۲۰۰۶) م کال کې نوموړی سافټویر جوړ شو او د پولیسو د استفادې وړ وگرځېده.

۳: **کمپیوټري گرافیکي سیستم (Software Progression Age)** دغه سیستم د مفقود او غایبو اشخاصو په پیدا کولو کې په کار وړل کېږي، نوموړی سافټویر دا وړاندوینه کوي چې یو فرد به په راتلونکي ۵ کالو کې څه څېره ولري او ظاهر به یې څه څه ډول وي ترڅو د دې ډول افرادو پېژندنه په راتلونکي کې اسانه شي.

۴: د مصنوعي ادراک بل سافټویر (سیستم) چې د ځان وژنې احتمال (وقوع) په زندانونو کې تشخیص کوي، نوموړی سیستم د هغه (Sensor) یا حس کېدونکې آلې چې د زندان د اطاقونو په چټ کې نصب دي او د بندي د حیاتي علایمو غیر عادي والي ته په کتو سره زندان بان له دې وضعیت څخه خبروي، نوموړی سیستم څخه په امریکا کې حقوق دانان زیات کار اخلي.

۵: **کیس مپ (map-Case)**: هغه سیستم (سافټویر) دی چې اثباتیه مدارک او دلایل ترتیب او تنظیموي، چې د (Soft Case) امریکایي شرکت له لوري جوړ شوی دی.

۶: **کامپ اسټیټ (Compstat)**: هغه وړاندوینکی سیستم دی چې په نیویارک کې د جرایمو د زیاتوالي په اړه انډیبننه وښودله او همدارنگه دغه سافټویر په (FBI) کې د احصایې په برخه کې ورڅخه استفاده وشوه. (al et Weisburd, 2006, p. 290).

۷: **آر - ټي - ام : (RTM) Modeling Tenain-Risk** د پولیسو د وړاندوینکو برنامو څخه بل یې (RTM) دی چې د قاچاق زیات معاملې یې تعقیب او مخنیوی یې کړي، دغه سیستم د آمارو او احصایو په ورکولو سره خطرونه پیشیني کوي او دا وړاندیز کوي چې جرم په هغه مکان کې دې بیاځلې اجراء نه شي.

۸: **ټولنیز تسهیلوونکی سافټویر : (CSA) Accelerator Solution Community** د (۲۰۲۰) م کال په پیل کې د (ادمټون) پولیسو خدماتو له لوري نوموړی سافټویر ایجاد شو، چې د مصنوعي ادراک په واسطه اعیار او زده کړه ورکول کېږي، ترڅو د جرم د اجراء څخه مخنیوی وکړي، عامه نظم او امنیت ښه کړي او د افرادو د جرم اجراء کولو عوامل په گوته کړي، هغه په دې ډول چې د افرادو جرمي حالت، رواني حالت، اقتصادي وضعیت، اعتیادي حالت او صحي حالاتو ته په کتو سره د افرادو د جرم اجراء عوامل وړاندې کوي.

همدارنگه د جرم د وړاندوینې سافټویرونو له جملې څخه بایومتریکي وسایلو استعمال دی چې د تحقیقاتي موخو په منظور ترې استفاده کېږي.

د مصنوعي ادراک نقش د مظنونینو د نیولو او تحقیق پر مهال

د جرم د مرتکبینو او د جرم د اثباتیه مدارکو د پېژندلو په منظور جنایي تحقیقات چې عمدتاً د جرم د صحنې د فزیکي مدارکو په راټولولو سره صورت مومي او جنایي محقق د نوموړو راټول شویو مدارکو په واسطه دغه جرمي پېښې ته رسیده گي کوي، چې معمولاً د سختیو او اشتباهاتو څخه به خالي نه وي، مگر نن ورځ د مصنوعي ادراک لاسته راوړنې په دې برخه کې خورا دقیقې او له ستونزو او اشتباهاتو څخه خالي دي.

په دې برخه کې د زیاتره اقداماتو څخه لکه: د اظهاراتو، مدارکو او دلایلو ثبت او ارزیايي، د احضارېې ابلاغ، د اسنادو حفظ او محرمت، لوړ پوړو چارواکو (لوی څارنوال) ته د هغې گزارش ورکول او داسې نور

د مصنوعي ادراک سیستمونو په واسطه په ښه او دقیق ډول ترسره کېدای شي. د مصنوعي ادراک سیستمونو کې دا د امکان وړ دی چې د مدعي، شهودو او متهم د بیانونو صحت والی معلوم شي، دا په دې ډول چې د غیر عادي حرکاتو، غبرگون ښودلو، زړه ضربان د زیاتوالي، سترگو ریپدل او داسې نور د پولیسو سره مرسته کولای شي بغیر د متهم د شکنجې څخه، حقایقو ته لار ومومي.

اوسمهال داسې سافتویرونه د جوړېدو په حال کې دي چې کولای شي د اظهاراتو او مدارکو، شهودو شهادت صحت والی ارزایي کړي، همدارنگه په حقوقي شرکتونو او دارالوکالو کې داسې سافتویرونه په کار وړل کېږي چې د مصنوعي ادراک په واسطه دا په گوته کوي چې قاضي به نوموړې قضیه کې احتمالاً څه ډول فیصله کوي او د برائت او محکومیت احتمال څومره دی. د مصنوعي ادراک سافتویرونه، د مصاحبه کوونکو، مستطقینو او ساتونکو سره د خبرو په تحلیل او د فریب ورکوونکو رفتارونو په برخه کې خورا مرسته کوي، د څېړې (شکل) د تشخیص سافتویرونه چې د هويت پېژندنې او رایې ورکوونکو د هويت په پېژندلو کې خاصا د انتخاباتو په برخه کې د تقلب کوونکو څخه مخنیوی کوي.

بعضې سافتویرونه دي چې د مجازي فضا (انټرنېټ) له لارې کولای شي چې د جرایمو په کشف او د مجرمینو په تعقیب کې مهمه ونډه واخلي، دغه سافتویرونه کولای شي چې تروریستي شبکې فعالیتونه کشف او بررسي کړي او همدارنگه د مجرمینو او مظنونینو احتمالي اهدافو وړاندوینه وکړي.

د مجرمینو د تشخیص برخه کې د بایومتریکي سافتویرونو استعمال، چې په دې اساس د افرادو هويت تشخیص کېږي او د پولیسو سره په دې برخه کې مرسته کوي چې د مجرمینو فهرست مشخص کېږي او پولیس او کشف ارگانونه کولای شي په اسانۍ سره ورته لاسرسی ومومي. د مجرمینو د پېژندنې په برخه کې کولای شو د (واټریکس) سافتویر څخه نوم یوسو، نوموړی سافتویر په چین کې په کار یوړل کېږي، چې د دې سافتویر د دقیق والي (Accuracy) کچه (۹۶%) سلنې ته رسېږي او حتی کولای شي چې افراد په پټ مخ کې هم شناسايي کړي، هغه په دې ډول چې د هغه شخص په لاره تللو حرکات یې وپېژني. له نوموړي سافتویر څخه د مظنونینو په ردیایي کې کار وړل کېږي. (Nagwanshi, 2022, p5).

اف-ام-آر-آی (fMRI) Imaging Resonance Magnetic Functional: د مظنونینو د نیولو او تحقیقاتو برخه کې د مصنوعي ادراک بله لاسته راوړنه ده، نوموړی سافتویر د افرادو د مغزو څخه تصویر برداري کوي چې په اساس یې د افرادو له لوري د ورکړل شویو معلوماتو تحلیل او ارزایي صورت نیسي، دغه سافتویر حتی تر دې حده پرمختگ کړی دی چې کولای شي د عصبي فعالیتونو په استنباط سره ووايي چې شخص څه شی غلا کړی او همدا راز دغه سافتویر د مجرمیت او تقصیر د کچې معلومولو کې په کار وړل کېږي. (fMRI) کولای شي چې د وینې په جریان کې تغیرات تشخیص کړي چې له دې لارې کولای شي دا مشخصه کړي چې د انسان د مغز کومه برخه فعاله ده او کومه برخه یې فعاله نه ده، له دې لارې دا معلومولای شي چې متهم، متضرر او شهودو کوم خبره صحت لري او کوم خبره یې صحت نه لري، کوم ازمايښتونه په دې برخه کې چې د (fMRI) سیستم له لارې صورت نیولی، کله چې فرد دروغ ووايي نو د هغه فرد د مغزو د یوې برخې فعالیت تغیر کوي.

د نوموړي سیستم دقیق والي (Accuracy) (کچه د (۷۰-۹۰%) سلنه پورې ده، بل دا چې هر کله یو شخص د ظن لاندې راغلی وي نو د نوموړي سیستم په ذریعه ورته د جرم صحنه ښودل کېږي او اسکن کېږي، که چېرې تصویرونه ورته آشنا ښکاریده نو د هغه مغز په یو خاص ډول روښانه کېږي او دا نتیجه لاسته

راځي چې نوموړی شخص د جرمي صحنې سره څه رابطه لري چې دا کار به د هغه د اظهاراتو تحلیل برخه کې د مستنطق سره مرسته وکړي چې د نورو مصنوعي ادراک سیستمونو په پرتله د (fMRI) سیستم په دې برخه کې ډېر دقیق او درست ده. (Lewis, 2013).

د مصنوعي ادراک بله پرمختګ د متهمینو د نیولو او گرفتاري او د هغوی د تحقیقاتو وخت کې د دروغو معلومول دي، د دروغو معلومول په جنایې تحقیقاتو کې خورا مهم وي، دروغ کولای شو په درې روشونو سره معلومه کړو، لومړی د فزیولوژیکي ځوابونو په تحلیل سره، دویم د فرد د ویناوو تحلیل او تجزیې په اساس، دریم د فرد د رفتار او کردار (حرکاتو) په ذریعه. جنایې محققین د دروغو د تشخیص په برخه کې زده کړه ترلاسه کوي، خو بیا هم د دروغو او رښتیا تمیز کول ورته ستونزمن وي، معمولا د دروغو معلومولو لپاره جنایې محققین د لاندې دستګاوو څخه استفاده کوي، پلي ګراف، د خولو او تنفس د تعداد د اندازه کولو آلې، د زړه ضربان او د وینې د فشار معلومولو ماشین، چې د نوموړي ماشینونو څخه استفاده لږ سخت تمامیري او حرفوي او باهوشه اشخاص کولای شي چې سیستم ته فریب ورکړي. مګر اوسمهال د مصنوعي ادراک سیستمونو په واسطه کېدای شي چې دروغ په ښه شکل سره تثبیت شي.

څېړنې ښودلې چې د مصنوعي ادراک سیستمونه (سافتویرونه) کولای شي د سترګو رڼې او ویناوې د دروغو سره نسبت ورکړي، همدارنګه د ژبې فصاحت خبرو وخت کې، د ځواب ورکولو وخت کې د سترګو رپارې تعداد، د مخ د پوستکي یا شکل تغیر او دې ته ورته نورو لارو څخه مصنوعي ادراک سیستمونه کولای شي چې په آسانی سره دروغ معلوم کړي. (Bilandon-Gonzalez, 2019, pp. 10-13).

پایله

مصنوعي ادراک سیستمونه کولای شي هغه کارونه چې د انسان له لوري یې ترسره کول ناشونې وي ترسره کړي او کولای شي په لږ وخت او دقیق ډول نتایج له ځانه سره ولري چې دا د ژوندانه په هره برخه کې مؤثر تمامېدای شي. مصنوعي ادراک د جنایې تحقیقاتو په کیفیت باندې مهم اغېزه لري لکه د مجرم نیونې، د جرم د اثباته مدارکو او د جرم څخه د مخنیوي په برخه کې. مصنوعي ادراک د شواهدو په منطقي فرمول بندۍ سره، د جرایمو د صحنو په (3D) کولو، د شواهدو په مدیریت کولو او همدارنګه د هغوی په تحلیل او تجزیې سره کولای شي د جنایې محققینو سره د منطقي نتایجو په لاسته راوړلو کې ډېره مرسته وکړي. دولتونه کولای شي چې د مصنوعي ادراک روباتونو او کامرو پواسطه د جرایمو د ارتکاب څخه مخنیوی وکړي، چې په یو هېواد کې د سوکالی او امن باعث ګرځي او له بلې خوا به عدالت په درسته توګه پلي شي.

وراندیزونه

- دولت باید کوشنې وکړي چې د جرايمو څخه د مخنيوي په منظور د نوي او عصري تکنالوژۍ (مصنوعي ادراک) سیستمونو څخه کار واخلي.
- دولت د ټولنې افراد وهڅوي او هغوی ته دا زمینه مساعده کړي چې د مصنوعي ادراک تکنالوژۍ برخه کې نوي وسایل او سافتویرونه ایجاد کړي، ترڅو په روزمره ژوند کې خلکو ته اسانتیاوې برابرې شي.
- دولت د جرايمو د مخنيوي او کشف په موخه لویو لارو او کوڅو کې امنیتي کمري نصب کړي او داسې یو سیستم ایجاد کړي چې له مخې پولیس او امنیتي ارګانونه وکولای شي په وخت د جرم ارتکاب څخه مخنیوی وکړي او مجرمین ونیسي.
- د ښځو او ماشومانو د ازار او اذیت مخنیوي برخه کې د (CATCH) اطلاعاتي او پروتو بادي ۲، سافتویرونو څخه کار واخیستل شي.
- جنایي محققین د مظنونینو د دقیق پېژندنې په موخه دې د (fMRI) سیستم سافتویر څخه کار واخلي، ترڅو جنایي عدالت په درسته توګه پلي شي.
- جنایي محققین د مظنون د دروغو معلومولو په موخه د شکنجې پرځای د مصنوعي ادراک سیستمونو او تکنالوژۍ څخه کار واخلي، چې له یوې خوا به د انساني کرامت حق حفظ او رعایت شي او له بلې خوا به د مظنون شخص دروغ په ښه توګه تشخیص شي.

منابع

- شیري ورنامخواستي، عباس (۱۳۹۷). نقش و جایگاه بزه دیده در حقوق تحقیقات جنایي، پژوهش حقوق کیفری، تهران.
- وین دبلو او هس، کارن ام. (۱۳۸۵). جنایي تحقیقات، ۱ جلد، لومړی چاپ، ناشر: دانشگاه علوم انتظامي، تهران.
- Ahmed ,S .I ,.Jackson ,S .J ,.Ahmed ,N ,.Ferdous ,H .S ,.Rifat ,M .R.,
Rizvi ,A .S .M & .Mansur ,R .S ,(2014) .April.(
- Baraniuk ,C .(2015) .Pre-crime software recruited to track gang of
thieves .New Scientist .3012 ,Available at:<https://www.newscientist.com/article/mg22530123-600-pre-crimesoftware-recruited-to-track-gang-of-thieves /lastvisited.2020/03/18>:
- Froomkin ,D .(2015) .The Computers Are Listening the Intercept ,May
5th .2015 Available at :<http://theintercept.com/2015/05/05/nsa-speech-recognition-snowden-searchable-text>.
- Furtado, V., & Vasconcelos, E. (2007). Geosimulation in education: A
system for teaching police resource allocation. *International Journal
of Artificial Intelligence in Education*.
- Gonzalez-Billandon, J., Aroyo, A. M., Tonelli, A., Pasquali, D., Sciutti,
A., Gori, M., ... & Rea, F. (2019). Can a robot catch you lying? a
machine learning system to detect lies during interactions. *Frontiers
in Robotics and AI*.
- Lewis, T. (2013, 04 June). Brain Says Guilty, Neural Imaging May Nab
Criminals.<https://www.nbcnews.com/id/wbna52093428>
- McGregor, L., Murray, D., & Ng, V. (2019). International human rights
law as a framework for algorithmic accountability. *International &
Comparative Law Quarterly*.
- Mohler, G. O., Short, M. B., Malinowski, S., Johnson, M., Tita, G. E.,
Bertozzi, A. L., & Brantingham, P. J. (2015). Randomized controlled
field trials of predictive policing. *Journal of the American statistical
association*.
- Protibadi: A platform for fighting sexual harassment in urban Bangla-
desh. In *Proceedings of the SIGCHI Conference on Human Factors
in Computing Systems*.

Weisburd ,D ,.Mastrofski ,S .D ,.Willis ,J .J & ,.Greenspan ,R.(2006) .

Changing everything so that everything can remain the same :Compstat and American policing .Police innovation :Contrasting perspectives.284-301 ,

Zavrnsnik ,A ,2020) .March .(Criminal justice ,artificial intelligence systems ,and human rights .In ERA Forum) Vol ,20 .No.(4 .



د اوبو د تامین د سرچینو ډولونه

نورحسن حسن خېل

دپارتمنت قضاء وڅارنوالي پوهنځی حقوق وعلوم سیاسی پوهنتون - ننگرهار

noorhassankhan46@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0000-8136-7872>

لیکوال

برېښنالیک

ارکاید

لنډیز

اوبه په کیمیاوي لحاظ یوه بې رنگه ماده ده چې څلور فیصده مایع ده، عمومي اوبه لکه څنګه چې د نوم څخه ښکاره ده، هغه شی دی چې په ټولیز ډول عام خلک ترې ګټه پورته کوي، لکه د سیندونو، چینو، عامو ویالو، کاریزونو، ټوویلونو، سمندرونو اوبه چې په ټولیز ډول ترې انسانان، حیوانات او مرغان دڅښلو، کرنیزو توکو لکه سبزیجاتو، حبوباتو، میوو، باغونو... اوبه کولو په موخه ترې ګټه پورته کېږي، چې دغه موضوع (د اوبو د تامین د سرچینو ډولونو) په تړاؤ ده، چې د اوبو ماهیت او مشروعیت، د اسلامي فقهې له نظره د اوبو څرنګوالی او نور دي.

د څېړنې اهمیت دادی چې ددغه موضوع د محتویاتو په عملي کولو سره به ډېرې هغه د اوبو د تامین د سرچینو ډولونه وپېژنو.

دیادې موضوع د لیکلوهدف د اوبو د تامین سرچینو د ډولونو په اړه معلومات وړاندې کړم.

په دغه مقاله کې له تحلیلي کړنلارې څخه ګټه پورته شویده.

ددې موضوع متوقع پایله داده، چې په اوبو کې ژوند دی، چې د اوبو څخه سالمه ګټه پورته کړو یو سالم او هوسا چاپیریال را منځته کړو، ددې څېړنې په ترسره کولو کې ممکن د عمومي اوبو په تنظیم کې د ژور مثبت بدلون ترڅنګ مثبت اصلاحات را منځته شی او د اوبو د تامین سرچینې چې سطحې اوبه، نهرونه، رودخانې او نورې سرچینې دي باید تامین شي.

کلیدي کلیمې: اوبه، نهر، رودخانه، دریاب، بندونه، څاه ګانې.

Types of Water Supply Sources

Author
Email
Orcid

Noor Hassan Hassan Kheel

Department of Judiciary and Prosecution, Faculty of Law and Political
Science, Nangarhar University
noorhassankhan46@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0000-8136-7872>

Abstract

Water, from a chemical perspective, is a colorless substance, 94% of which exists in liquid form. Public water, as the name implies, refers to water resources that are utilized by the general public, including rivers, springs, public streams, underground canals (karez), wells, and seas. These water sources serve various purposes for humans, animals, and birds, such as drinking, irrigation of agricultural products like vegetables, grains, fruits, and orchards. The focus of this study is on the “Types of Water Supply Sources,” exploring the nature and legitimacy of water and its regulation according to Islamic jurisprudence. The importance of this research lies in the fact that by implementing its contents, many types of water supply sources will be identified and better understood. The objective of this paper is to provide information about the different types of water supply sources. This article employs an analytical approach. The expected outcome of this research is that since water is essential to life, the proper utilization of water will lead to the creation of a healthy and prosperous environment. The findings may also bring about significant positive changes in the management and regulation of public water, leading to reforms that enhance the maintenance of water supply sources, such as surface waters, canals, rivers, and other sources.

Keywords: Water, Canal, River, Sea, Dams, Wells

سریزه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله محمد واله واصحابه اجمعين .

اما بعد:

(وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا) (۱)

ژباړه: او پيدا کړی دی مونږ له اوبو څخه هر شی ژوندی. (۲)

الله تعالی په ټولو مخلوقاتو او په ځانگړې توگه په انسانانو باندې زیات نعمتونه نازل کړي دي، چې انسان او ټول ژوندي موجودات ورڅخه گټه واخلي، چې له هغې نعمتونو څخه یو هم (اوبه) دي.

دغه خبره خو په څارویو او انسانانو کې څرگنده ده. نبات ژوندى جسم دی، چې د هغې مبداء هم اوبه ده، داسې ویل شوي دي، چې د اوبو د نعمت په کچه اړین او ضروري نعمت بل نشته، ځکه د اوبو په نشتوالي کې ژوند نه کیږي. په هر اړخیزه توگه ددې موضوع سرچینې او منابع وپېژنو او د عمومي اوبو د ملکیت حق په اړه پوهه او معلومات مو زیات شي، چې په وړاندې ځینې ستونزې او خنډونه هم ول، معلومات یې په منظم ډول نه و ذکر شوي، د خلکو او لوستونکو تلوسه زیاته او یوه تشه احساسیده، اهمیت یې دادی چې دغه معلومات په لنډ ډول په همدې موضوع کې راټول او بیا د لوستونکو او محصلینو مخې ته کېښودل شي، او پوهه یې زیاته شي.

ستونزه

غواړم چې ددې موضوع له لارې لاندې ستونزې حل و فصل کړم.

۱- دا چې نن مهال په ملي سطحه د اوبو د تامین د سرچینو د ډولونو په تړاو حقوقي، اقتصادي موضوعاتو کې بې شمېره شخړې، ستونزې او خنډونه لیدل کېږي، د حل لارې ښودل او څیړل یې یوه مهمه اړتیا ده، غواړم چې ددې ستونزې حل لارې په نښه کړي.

د څېړنې پوښتنې

۱- اوبه څه ته وایي او ماهیت یې په ورځنې ژوند کې څه دی؟

۲- د اوبو د تامین د سرچینو ډولونه کوم دي؟

د څېړنې اهداف

ددې څېړنې اهداف په لاندې ډول دي:

۱- القرآن کریم [الانبیاء، آیه ۳۰]

۲- کابلی تفسیر، ج ۱ ص ۹۸۹

۱- د اوبو پېژندنه او په ورځني ژوند کې د اوبو د ماهیت پېژندل.

۲- د اوبو د تامین د سرچینو ډولونه پېژندل او واضح کول.

د څېړنې اهمیت

نوموړې څېړنه د لاندې څو دلایلو په بنا د اهمیت وړ ده.

۱- په دې اړه په پښتو ژبه کې چا مستقله او معتمد له لیکنه نه ده کړې، چې دا موضوع د ټولو محتویاتو او په تفصیلي معلوماتو په عملي کولو او نظر کې نیولو سره به په ټولنیز ژوند کې ډېرې ستونزې او مشکلات حل کړي.

۲- اوبه یوه حیاتي ماده ده چې ټول ژوندي موجودات ورته اړتیا لري او د چاپیریال په پاک ساتلو کې ډېر مهم رول لري، یعنې چېرته چې اوبه وي هلته شنبې ساحې، ونې او پاکه فضا جوړه وي او چاپیریالي ستونزې کمې او انساني او حیواني ناروغي په هېڅ حساب وي. اوبه چې څومره زموږ په ژوند کې ارزښت لري، په همدې اندازه د اوبو ککړتیا د لاملونو پېژندل هم ډېر اړین دي ترڅو اوبه له ککړېدو څخه وساتو. همدا اوس زموږ د هېواد د سطحې او د ځمکې د لاندې برخې اوبه له ککړتیا سره مخ دي او زموږ هیوادوال ورته په پریمانه توګه له همدې ناپاکه اوبو نه ګټه اخلي.

تېرو لیکنو ته کتنه

۱- برکت الله اریوبي. (۱۳۹۶ل). دافغانستان د اوبو حقوق (نړیوال قواعد او د ګاونډیو اندېښنې)، کابل، سوله خپرندویه ټولنه.

په دې کتاب کې د افغانستان د اوبو حقوق د نړیوالو قواعدو په رڼا کې څېړل شوي دي، د ګاونډیو اندېښنې هم ذکر کړيدي، چې دغه اثر په کتابي بڼه د سولې خپرندويې ټولنې لخوا چاپ او خپور شوي دي.

۳- همدا رنگه نور تالیفات او مقالې، لیکنې او شننې لکه اوبه د قرآن کریم او نوي احادیثو په رڼا کې دي، ولې زما د موضوع تفاوت او توپیر ورسره شته او هغه دا چې د اوبو د تامین د سرچینو په ډولونو باندې په دغه کتابونو کې بحث نه دی شوی.

د څېړنې تگلاره

نوموړې موضوع د تحلیلي مېتود څخه په ګټه اخیستو څېړل شوې، په کتابتوني کړنلاره کې لومړی د مؤثقو او معتبرو سرچینو څخه ګټه اخیستل شوی.

په ځینو داسې موضوعاتو کې چې په اړه یې په کتابونو کې پر موضوعاتو پلټلو ونه توانېدو بیا یې د تر لاسه کولو په موخه مجلو، ورځپاڼو او انټرنېټي رسنیزه شبکوته مراجعه شوی.

پایلی او موندني

د اوبو پیژندنه، ماهیت او مشروعیت

اوبه د الله تعالی ستر نعمت دی چې د انسان ژوند وروپورې تړلی دی، د اوبو څخه پرته ژوند ناممکن دی، عمومي اوبه هغه دې چې په ټولیز ډول هرانسان ترې گټه پورته کولای شي، نو ددې لپاره چې د اوبو په اړه نور معلومات ترلاسه کړو نو په دې عنوان کې د اوبو پیژندنه او د اوبو په اړه نور مختلف موضوعات په لاندې ډول وړاندې کوم.

داوبو پیژندنه

د اوبو په اړه د قرانکریم په مبارکو ایتونو او هم په نبوي احادیثو کې یادونه شوې چې په دې عنوان کې د اوبو د پیژندنې په اړه څلور عنوانونه وړاندې کوم چې د قرانکریم په مبارکو ایتونو کې د اوبو ماهیت او څرنګوالی، دویم په احادیثو کې د اوبو څرنګوالی، دریم د اسلامي فقهې له نظره د اوبو څرنګوالی او څلورم د اوبو ماهیت او گټې دي چې په لاندې ډول دي:

د اوبو ماهیت، اهمیت او څرنګوالی

دلته باید په دې پوه شو چې اوبه د لغت او اصطلاح له مخې ذکر کړو او بیا د قرانکریم د ایتونو له مخې د اوبو په اړه بحث وکړو.

اوبو ته په عربي کې (مياه) وايي چې د (ماء) جمع ده (الافریقی). (۱۴۱۴هـ). ج ۴ ص ۲۵۶)

او (ماء) په اصل کې (موه) وو نو ځکه ئې په جمع کې (مياه) تلفظ کيږي او (ماء) اسم جنس دی، په لږو او ډيرو ئې يو ډول اطلاق کيږي. (الصنعاني، ۱۴۰۹هـ). ج ۱ ص ۱۸) لکه قران شریف کې راغلي دي: (وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا) (القرآن الکریم [سورة الفرقان، آیت ۴۸])

ژباړه: او نازل کړې مور د آسمان څخه اوبه پاکونکې. (عثماني، ۱۴۱۴هـ). ج ۲ ص ۴۱۲)

د پورته ذکر شوي آیت په استدلال سره ویلای شو، چې اوبه پاکونکي دي، او هر شی چې په کوم وخت پلیت شي، نو د پاکوالي لپاره ئې اوبه پکار دی او که اوبه نه وي، بیا د اوبو ځای خاوره هم نیولای شي.

په قران کریم کې ډېر ځایونه د (الماء ماء) الفاظ کارول شوي دي چې د اوبو معنا افاده کوي. اوبه دي چې ژوندي موجودات ورڅخه جوړ شوي دي او الله تعالی اوبه د ژوند سبب او تاداو گرځولی دی او په اوبو یا له اوبو یې ژوند پیل کړی. که اوبه نه وي انسان، حیوان او نبات به ژوندي پاتې نشي، ځکه د انسان بدن ۷۰٪-۶۵٪ برخه اوبه جوړوی، چې د وجود تودوخه او حرارت تنظیموي، د نبات د ودې او ستروالي له پاره اوبه هم ډېرې اغیزمنې دي. د اوبو ښه خاصیت دادی چې خپله پاکې دي او هم پاکونکې دي لکه د انسان د وجود د پاکۍ له پاره ډېرې مهمې دي مثلاً اودس، غسل، او نورو کې د ظاهري او باطني نجاست د لرې کولو له پاره.

په احادیثو کې د اوبو څرنگوالی

هر څوک د اوبو څخه گټه اخیستلی شي، ښکاره خبره ده که دا اوبه په عامه ځمکه کې وي او که په دولتي ځمکه کې وي، ځکه اوبه په بنسټيزه توگه د ټولو خلکو ترمنځ شريکي دي. رسول الله صلی الله عليه وسلم پدې هکله فرمایلي دي:

«عن ابن عباس رضي الله عنه المسلمون شركاء في ثلاث: في الكَلَا، وَالْمَاءِ، وَالنَّارِ»
(السجستاني (۱۴۱۵هـ). ج ۳ ص ۲۷۸)

ژباړه: مسلمانان په درې شيانو کې شريک دي: په اوبو کې، په خپل سر شنه شوو شيانو (واښه) او په اور کې. پدې اساس په دې ډول اوبو کې د څښلو په بنياد ټول خلک شريکان دي په دې معنی چې هر څوک کولای شي د خپل ځان او حیواناتو لپاره اوبه يوسي خو د زراعت او کرنې حق د ټولو لپاره نه دی ثابت او دغه حق د هغه چا دی چې په ملکیت کې وي. (نيازی، (۱۳۹۲). (۱۶۸)

رسول الله صلی الله عليه وسلم د اوبو له ککړولو څخه منع فرمایلي ده د الله پاک د رسول صلی الله عليه وسلم حکم دی:

«عن أبي هريرة رضي الله عنه لا يَبُولَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الْمَاءِ الدَّائِمِ الَّذِي لَا يَجْرِي ثُمَّ يَغْتَسِلُ فِيهِ.» (البخاري. (۱۴۲۲هـ). (۴۲۴)

ژباړه: په ولاړو اوبو کې هيڅکله بولي مه کوئ هغه چې بهېږي نه، ځکه چې وروسته په دې کې غسل کوئ. عمده الاحکام کتاب ددې حديث لاندې د تفصيل په يوه برخه کې وايي چې د روانو اوبو کې د بولو کولو ته په دې حديث کې څه نه دي ويل شوي که څه هم جواز هم ورته نه دی ورکړل شوی خو په روانو اوبو کې د بولو کولو نه بايد ځان وساتل شي چې دا غوره دی. (المقدسی. (۱۴۰۸). (۲۸۹)

د اسلامي فقهي له نظره د اوبو څرنگوالی

لومړی: د اوبو له حق څخه موخه او مقصد نوبت يا نصيب دی الله پاک د صالح عليه السلام حکايت کوي وايي:

(هَذِهِ نَافَةٌ لَهَا شَرْبٌ وَ لَكُمْ شَرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ) (القرآن الكريم [الشعراء، ۱۵۵ ايت])

ژباړه: وويل (صالح عليه السلام) دا اوبه ده (معجزه د نبوت زما په غوښتنه د ستاسې) دې ته برخه د اوبو ده او تاسې ته برخه د اوبو د ورځې معلومه ده. (عثماني، (۱۴۱۴هـ). ج ۲ ص ۴۱۲)

نو د اوبو له حق څخه موخه هغه اوبه دي چې خلک يې د کرنې لپاره کاروي چې په گڼ شمېر حالاتو کې دغه اوبه په نوبت سره استعمالېږي.

د يادونې وړ ده چې د اوبو ډېر ډولونه دي لکه د باران اوبه، د چينې اوبه، دکارېزونو اوبه، د نهرونو اوبه او

داسې نور خو دا ټول په څلورو ډولونو ویشل کېږي.

هغه اوبه چې په خاصو لوبنو یا خاصو ځایونو کې ساتل کېږي: لکه بوکې، منگې، حوضونه او داسې نور یا داسې وي چې تر ځانگړو شرکتونو پورې خاص وي چې هغوی په کورونو کې ترې استفاده کوي. دا ډول اوبه د همدوی خاص حق دی، پرته د دوی له اجازې څخه نور خلک ورڅخه استفاده نه شي کولای او څښتن یې هر ډول تصرف په کې کولای شي، ځکه له رسول الله صلی الله علیه وسلم څخه روایت دی چې وايي:

هغه مبارک د اوبو له پلورلو څخه منع وکړه پرته له هغو څخه چې د خان لپاره یې ذخیره کړي وي.

هغه حدیث چې د اضافه اوبو له منع کولو څخه پکې منع راغله هغه په قیاس سره تقیید کړی شوی ځکه د هغو بوتو پلورل سهې دي چې چا جمع کړي وي، رسول الله صلی الله علیه وسلم یو سړي ته امر وکړ چې د اور بوتی او خځلې غونډه کړي او بیا یې وپلوري ترڅو له سوال څخه پرې خلاص شي. (نیازی، (۱۳۹۲ل). ۱۶۸)

دا ډول اوبه د هغه چا ملکیت دی چې په لوبني کې یې ذخیره کړي وي د دغه اوبو خرڅول جایز دي په دلیل ددغه حدیث:

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ، فَيَحْتَطِبَ عَلَى ظَهْرِهِ حَيْزُ لَه مِنْ أَنْ يَأْتِي رَجُلًا، فَيَسْأَلَهُ أَعْطَاهُ أَوْ مَنَعَهُ» (البخاري، (۱۴۲۲) ج ۸ ص ۱۷۳)

ژباړه: که څوک د تاسې څخه طناب واخلي هیزوم (لرگي) جمع کړي او هغه خرچ کړي او ځانته نفقه ورباندې برابره کړي دا کار د هغه دپاره تردې غوره دی چې خلکو ته د سوال لاس ورباندې کړي او هغه هم معلوم نه وي چې څه ورکړي او که نه.

دغره خپل سره شنه شوي بوتی د چا ملکیت نه دی مگر که څوک هغه جمع کړي او خرچ یې کړي جایز دي همدارنگه د ذخیره شویو اوبو خرڅول هم جایز دي. (شاکري، (۱۳۹۴ل). ۱۷۳)

الف: د امام ابوحنيفه رحمه الله له نظره

امام ابوحنيفه رحمه الله(*) وايي هغه شی چې د اوبو طهوریت وصف سلب کوي، په دوه ډوله دي: جامد او مایع.

جامد په دوه صورتونو کې د اوبو وصفونه له منځه وړي:

لومړی حالت: دا چې د اوبو سره یو جامد شی گډ شي، او اوبه د رقت او سیلان نه وباسي لکه خاوره چې اوبو سره گډه شي، بیا د اوبو څخه خټه جوړه شي، بیا خټه د اوبو کار نه کوي، نو ځکه ورباندې طهارت

^۳ امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله نعمان نوميده د ثابت زوي د زوطي لمسي او د ماه کړوسي او د اهل سنت او جماعت له څلورو امامانو څخه یو ستر امام او د اسلامي مشهور تشريعي «حنفي مذهب» مؤسس و چې دا مذهب تر اوسه د ده په نامه یادېږي او په دُنیا کې تر نیمو زیات مسلمانان په همدې مذهب دي.

صحت نه پيدا كوي، نو همدغه وجه ده، چې كوم وخت د حوضونو په تل كې خټه پاتې شي، اوبه نه وي، استعمال ئې د طهارت لپاره كافي نه دي. (المرغيناني، ۱۳۹۸هـ. ج ۱ ص ۴۲)

نو دغه اوبه چې اوس په خټه يا اخير بدل شوي وي، د اوبو كار نه كوي.

دويم حالت: دا چې كوم شى ورسره گډه شي، چې اوبو كې پوخ شي، نو دغه وخت كه څه هم چې سيلان او رقت لري بيا هم ورباندې اودس او غسل نه صحيح كيږي، لكه عدس او چاى چې كوم وخت اوبو كې گډه شي، او جوش شي، طهارت ورباندې نه كيږي، لكه اودس او غسل مگر نظافت ورباندې راځي، مگر ځينې صورتونه مثنى شته، لكه مې او نور چې مبالغه د طهارت پرې راځي، كه داسې شيان د اوبو سره گډه شي، او بيا جوش شي خير دى كوم فرق نه لري.

تبصره

اوبه د ژونديو موجوداتو لپاره حياتي ارزښت لري؛ په تېره بيا د خوراك او څښاك اوبه، خو زموږ په سياره كې ډېره كمه سلنه جوړوي، يوه برخه يې د ځمكې تر سطحې لاندې ده، چې د ښكته كېدو او كمېدو مخه يې بايد ونيول شي او د تغذيې ساحه يې خوندي وساتل شي. اوبه نه يوازې دا چې د ژونديو موجوداتو د ژوندانه مهم عنصر گڼل كيږي، بلكې په ودانيزو چاور، سرک جوړونې، بريښنا بندونو، د كرنيزو ځمكو په خړوبولو، صنعتي فابريكو او نورو بشري تاسيساتو كې هم ورڅخه كار اخيستل كيږي. د ځمكې تر سطحې لاندې اوبه د انساني ټولنو په روزمره ژوند كې زيات ارزښت لري، په زياتره ځايونو او په تېره بيا هغو سيمو كې چې د كلني اورښت اندازه يې كمه او د ځمكې پر سطحه يې روانې اوبه كمې وي، حياتي ارزښت لري. اوبه يعنې ژوند خو د افغانستان په څېر هېواد كې، چې د څښلو ډبرې پاكې اوبه لري د اوبو پر قدر پوهېدل سخت دي. په هغو سيمو كې چې د اوبو له كمښت سره مخ دي، خلك اوبو ته په ځانگړي اهميت قايل دي. دولتي ادارې خصوصاً د چاپيريال ساتنې ملي اداره او د اوبو د چارو د تنظيم اداره بايد د طبيعي اوبو سرچينو ته جدي پاملرنه وكړي او د كورونو او هوټلونو فاصله مواد بايد زراعتي سكتور ته انتقال كړي او د نباتاتو د ودې او تقويې لپاره ورنه گټه واخلي ترڅو د هيواد زراعتي سكتور مو هم پياوړى شي. ديني عالمان دې د جمعې په ورځو كې په خپلو خطبو او بيانونو كې د چاپيريال ساتنې او د طبيعي سرچينو د ارزښت او اهميت په هكله خپلو مقتديانو ته د مقدس دين له لحاظه پوره وضاحت او تشرېح وركړي ترڅو په ټولنه كې عامه پوهاوى ډېر شي ترڅو په راتلونكي وخت كې ښه او پاك چاپيريال ولرو.

د اوبو د تامين سرچينو ډولونه

د اوبو د تامين سرچينې په دوه ډوله دي چې لومړى سطحي اوبه او دويم د ځمكې لاندې اوبه دي چې دلته يې په دوه مباحثو كې وړاندې كوم.

سطحي اوبه

هغه اوبه چې د ځمکې پر سر بهېږي چې عبارت له نه‌ر، رودخانه، درياب، د اوبو بندونو اوبه دې چې په لاندې ډول دي:

د نه‌ر اوبه

دا هغه ويالې او نه‌رونه دي چې خلکو کيندلې وي او د ځينو خلکو ملکيت وي. يا دا چې نه‌رونه د حکومت له لوري ويستل شوي وي او د عامو خلکو يا د دولت ځمکو ته اوبه ورکوي هر څوک کولای شي د نوموړو ويالو او نه‌رونو له اوبو څخه د خپل ځان او څارويو لپاره استفاده وکړي مگر د کرهڼې، ونو او ځمکو د اوبه کولو حق ترې يوازې څښتن لري، خو که چېرې د هغه اجازه وي نو نور خلک هم ترې دغه ډول استفاده کولای شي، د امام ابوحنيفه رحمه الله په نظر د دغو اوبو څښتن د اوبو خپل حق له ځمکې څخه پرته نه شي پلورلی که چيرې ځمکه وپلوري د اوبو حق تبعاً هغه وخت پلورل کيږي چې د عقد په وخت کې عقد کوونکي ورباندې صراحت کړی وي هم پلورل کيدای شي. (تائب، (۱۳۹۷ل). ۱۹۶)

همدارنگه په دې اوبو کې د ځمکې په اوبو خور او د ځمکو په اعتبار سره په هغې کې شريک دي په داسې حال کې چې په اوبه خور سره عامو انسانانو ته نقصان نه وي په داسې صورت کې چې يوه شاره ځمکه اباده کړي او د هغې د اوبه خور دپاره دا نه‌ر وکني چې د چا په ملک کې هم نه وي ځکه چې هغه په اصل کې مباح دي او که عام انسانانو ته ددې نه نقصان وي نو بيا د هغه دپاره داسې کول جايز نه دي ځکه د خلکو نه د ضرر لرې کول واجب دي لکه د درياب غاړه چې ماته شي او اوبه د هغوی په طرف راشي او دهغې يو طرف غرق شي. (الصاغر جي. (۱۴۲۳هـ). ۷۸۶)

دا هغه اوبه دي چې په عامو نه‌رونو کې روانې وي او د هېچا ملکيت نه وي لکه د آمو په سيند کې روانې اوبه، د عربو په سمندرگي کې روانې اوبه، د هلمند په سيند کې روانې اوبه، او داسې نور.....

د مجله الاحکام ۱۲۴۲ماده کې وايي لکه څنگه چې هر شخص حق لري د هوا، لمر او رڼا څخه گټه واخلي د بحرونو او غير حمله حوضو څخه استفاده کولای شي ددغو اوبو حکم دادی چې د هېچا ملکيت ندی او هر انسان په دغه اوبو کې حق لري او گټه ورڅخه اخيستلی شي. (مجله الاحکام، ۱۲۴۲ماده)

د عام سيندونو او نه‌رونو څخه گټه اخيستل د (لاضرر و لااضرار)(عبدالغفار. (۱۴۴۲هـ). ۸۲) د قاعدې تابع دی يعنې بايد چې د گټې اخيستې په وخت کې نورو خلکو ته ضرر ونه رسېږي مثلاً که چيرې يو کس خپله ځمکه په داسې ډول اوبه کړي چې د گاونډي ځمکې ته ضرر ورسوي، نو په دې صورت کې گټه اخيستونکی د اوبو د استعمال څخه منع کېږي. (فضلي، (۱۳۹۶ل). ۱۷۳)

دا هغه حق دی چې ددې په واسطه د لرې ځمکې څښتن د اوبو له ځای څخه خپلې ځمکې، کرنې يا ونو ته، په هغه لښتې کې چې د بل چا په ځمکه کې تير شوی وي اوبه تېروي. د افغانستان اساسې قانون کې د دې حق په اړه کوم صراحت نشته خو اسلامي فقه کې همدغه پورتنی مضمون داسې تعريف کړی چې اصلي کلي قاعده پدې برخه کې داده د هغه ځمکې خاوند چې اوبه د هغې پر ځمکه عبور کوي نه شي کولای د

همدغې اوبو عبور منع کړي. (تائب، (۱۳۹۷ل). (۱۹۶)

دغه سیندونه د هېچا ملکیت نه دی نه یې اوبه د چا ملکیت دی او نه یې د بهېدو برخې، بلکې دا د ټولني حق دی هر یو په ټولنه کې حق لري چې ترې استفاده وکړي. که دا استفاده د څښلو وي او که د کښت او زراعت خړوبول وي، ددې سربېره روا ده چې واړه واړه نهرونه ورڅخه وباسي او یا ماشینونه ورته ولگوي ترڅو خپلې ځمکې ته اوبه وڅېژوي، چارواکو ته روا نه ده چې څوک ورڅخه منع کړي په دې شرط چې نهر ټولني ته زیان ونه رسوي که چیرې دا کړنه عامو مسلمانانو ته زیان رسول وي نو بیا یې منع کول صحیح دي. (نیازی، (۱۳۹۲ل). (۱۶۸)

رود خانې اوبه

رود "رودخانه" روانو اوبو ته وايي او د "رود" اصطلاح معمولاً د "رودخانې" سره مقایسه کېږي او پرځای یې کارول کېږي. دغه اوبه د غرونو څخه سرچینه اخلي او د خلکو د استفادې وړ ګرځي یعنې هغه اوبه دي چې د غرونو په دره کې د څو چینو د اوبو په یوځای کېدو سره رامینځته کېږي او میدانونو، جهیلونو^(*) یا بحرونو ته بهېږي. رودخانه معمولاً په لومړي پړاو کې د غرونو په لمنو کې ډنډونه جوړوي او د یوې لارې له تېرېدو وروسته د ځمکو په خړوبولو کې مرسته کوي کله ناکله ځینې لویې رودخانې پای ته رسېږي. (دهخدا، (۱۳۸۸ل). (۳۵۶)

د درياب اوبه

دریاب چې سمندر په پښتو، فارسي او عربي ژبو کې سره ورته والی لري او یو ډول ویل کېږي چې سمندور او یا سمندر ویل کېږي د سمندر نوم د یو حیوان د نوم نه مشتق دی چې نوموړی حیوان په وچه او اوبو دواړو کې ژوند کوي. څلور پښې لري او (۲۵) سانتي متره اوږدوالی لري کله چې هوا یخه شي وچې ته راوځي او حشرات خوري، خو سمندر ته په فرانسوي ژبه کې (سالاماندر) ویل کېږي. (عمید، (۱۳۷۲). (۶۶۳)

همدارنگه سمندر هغه دي چې د دوو هېوادونو ترمنځ د پولې بڼه لري یا له ډېرو هېوادونو نه تیرېږي او د بېړۍ چلولو وړتیا هم ولري، لکه: رود ارین، دانیوب او دارنگه نور، دا ډول سمندرونه د یو نړیوال تړون په بنسټ د ځینو هېوادونو د ټولو بېړیو (یالې تر لړه د ګاونډی هېوادونو یا دهغه هېوادونو چې د هغه په ساحه کې هم دا ډول سمندرونه تېرېږي) په مخ خلاص وي.

یا په بل عبارت: هغه سمندرونه چې نړیوال شوي وي هغه نړیوال سمندرونه دي. د نړیوالو حقوقو له نظره د نړیوالو سمندرونو په اړه حاکمیت یا سمه ییز برلاسۍ له دوو اړخونو نه محدودېږي. یو دا چې د دریاب په ساحل پروت هېواد باید د نورو هېوادونو بېړۍ په ازاده توګه پرېږدي او بل دا چې په ساحل کې پروت هېواد باید د خپلې حاکمې سیمې نه دا ډول ګټه پورته نه کړي چې نورو په غاړه پرتو هېوادونو ته د ضرر لامل وګرځي.

^۴ جهیل: ډېرې پراخې ولاړې اوبه دي چې په طبیعي حالت باندې دوچې په واسطه چاپېر شوي وي.

د بندونو اوبه

بند له هغه ساختمان (خند) څخه عبارت دی، چې د یوه سیند یا لویې ویالې (stream) د اوبو د جریان په مقابل کې جوړېږي؛ تر څو اوبه ذخیره شي.

همدارنگه بند هغه خند دی چې اوبه ساتي. بندونه په عمده توګه ځانګړو سیمو ته د اضافي اوبو جریان خوندي کولو، اداره کولو او یا مخنیوي لپاره کارول کېږي. سربیره پردې، ځینې بندونه د اوبو بریښنا تولید لپاره کارول کېږي. یوه بله اصطلاح اکثراً کارول کېږي کله چې د بندونو په اړه بحث کول زېرمه وي. زېرمه د انسان په لاس جوړ شوی جهیل دی چې په ابتدایي ډول د اوبو ذخیره کولو لپاره کارول کېږي. دوی کولی شي د اوبو ځانګړي جوړښتونو په توګه هم وپېژندل شي چې د بند په جوړولو سره رامینځته شوی. سیند باید د کار په پیل کې، معمولاً د تونل له لارې وګرځول شي. د دې ډول زېرمو رامینځته کولو لومړی ګام د بند لپاره د قوي بنسټ ایښودل دي، چې وروسته به پخپله د بند جوړول پیل شي. د دې اندازې او پیچلتیا په پام کې نیولو سره دغه ګامونه بشپړېدو میاشتو څخه کلونه وخت نیولی شي. یوځل چې پای ته ورسید، څیرمه لرې کېږي او سیند د دې وړتیا لري چې په ازاد ډول د بند په لور وګرځي تر څو چې ورو ورو زېرمه ډک کړي. (نبي زاده، ۲۰۲۰م.)

د ځمکې لاندې اوبه

د ځمکې لاندې اوبو په برخه کې د ځاګانو اوبه، چينې، د نل او کاريزونو اوبه شاملې دي چې په لاندې ډول يې تشریح کوم.

د ځاګانو اوبه

د ځاګانو او چينو اوبه له هغو اوبو څخه عبارت دی چې څښتن يې د ځان لپاره راباسې نوموړې اوبه يوازې د څښتن ملکیت ندي بلکې مباح دی خو څښتن ته يې خاص حق دی برابره خبره ده چې دغه چينې يا ځاګانې په عامه ځمکه کې وی او که په خاصه ځمکه کې ځکه اوبه په اصل کې د ټولو خلکو لپاره مباح دی.

د مجله الاحکام ۱۲۶۷ماده کې وايي مملوکه اوبه په مملوکه ويالو کې د هغوی د مالګانو حق دی. (مجله الاحکام ۱۲۶۷ماده)

له دې اوبو څخه د ځمکو يا کرنې د څړوبولو لپاره څښتن څخه پرته نور خلک استفاده نشي کولای خو که د څارويو او ځانونو ممانعت کاوه نو په هغه صورت کې چې په بل ځای کې اوبه نه پيدا کېږي کولای شي چې په زور يې ترې واخلي. (تائب، ۱۳۹۷، ۱۶۸)

دغه ډول اوبه د حنفي علماوو له انده د چا ملکیت نه دی هر څوک ترې ګټه اخيستلی شي، ښکاره خبره ده که دا اوبه په عامه ځمکه کې وي او که په دولتي ځمکه کې وي، ځکه اوبه په بنسټيزه توګه د ټولو خلکو ترمنځ شريکي دي.

پدې اساس په دې ډول اوبو کې د څښلو په بنياد ټول خلک شريکان دي په دې معنی چې هر څوک کولای

شي د خپل ځان او حيواناتو لپاره اوبه يوسي خو د زراعت او کرنې حق د ټولو لپاره نه دی ثابت او دغه حق د هغه چا دی چې په ملکیت کې وي. (نیازی، ۱۳۹۲ل). (۱۶۸.)

د کوهي اوبه او يا د چا په ځمکه کې د باران ذخيره شوې اوبه ملکیت بلل کېږي، مگر د ضرورت څخه علاوه د چا د منع کولو حق نه لري.

د چينو اوبه

د داسې چينې اوبه کوم چې د يو کلي د ابادۍ لپاره خاص وي پس نور خلک ددې په ځکلو کې شريک دي او د ابادۍ دپاره ددې نه اوبه اخيستل او د خپل استعمال دپاره جايز دي. د نورو خلکو دپاره به جايز نه وي. (المرغيناني، ۱۳۹۸هـ). ج. ۱ ص ۴۲

همدارنگه هر څوک د څښلو، حيواناتو ورکولو او د کورونو ضرورت رفع کولو حق لري، که څه هم چې دغه کرڼه د کوچني ضرر لامل وگرځي ځکه فقهي قاعده ده چې وايي:

(لوی ضرر به د کوچني ضرر په قبلولو سره له منځه وړي). البته دا حق نه لري چې زراعت يا ونې پرې خړوبه کړي مگر که څښتن يې اجازه ورکړي بيا کولای شي.

ددغه ډول اوبو په پلورلو کې علماء جلا جلا نظريات لري:

۱- حنفي فقها په خپل منځ کې يو له بله جلا جلا نظريات لري د دوی ظاهر روايت په دې دلالت کوي چې د اوبو پلورل صحيح نه دي، مگر ددې سره سره گڼ شمېر حنفي علماوو جواز ورکړی دی او دوی په عرف او عادت دليل نيولی په (رد المختار) کې راغلي چې فتوی په دې ده چې پلورل يې صحيح نه دي. (نیازی، ۱۳۹۲ل). (۱۶۸.)

هغه علماء چې په نه پلورلو ټينگار کوي هغه په دې آند دي چې په دې ډول پلورلو کې تاوان او نا معلومتيا ده، نه دا معنی چې اوبه مال نه دی امام سرخسي رحمه الله (*) وايي:

(د اوبو پلورل سم نه دي ځکه دا داسې مثال لري لکه وصف چې پلوري، بل دا چې اندازه يې نامعلومه ده ځکه پلورنکي ته مالومه نه ده چې اوبه څومره اندازه کې روانې دي، نوموړی زياتوي: استاد او شيخ به د صحت فتوا ورکوله او ويل به يې پرته له ځمکې څخه د اوبو پلورل صحيح دي او په دې سره زمونږ عرف او عادت روان دی مگر عرف هغه مهال د اعتبار وړ دی چې د قران يا نبوي نص سره ټکر ونه خوري او د تاواني پلورلو څخه منع راغلي ده، نو هغه د عرف سره په ټکر کې دی له همدې کبله يې پلورل صحيح نه دي. که چيرې يو څوک د خپلې ځمکې لپاره اوبه راوړي او د هغې څخه د يو چا څاروي (اوبسان، مېرې او اوزې) اوبه وڅکي دا د دوی لپاره جايز دي ځکه چې په دې اړه رسول الله صلی الله عليه وسلم فرمايلي دي: چې مسلمانان په درې شيانو کې شريک دي: وائنه، اوبه او اور. (المرغيناني، ۱۳۹۸هـ). ج. ۱ ص ۴۲

^۵ شمس الایمه سرخسي محمد بن احمد د پيدايښت کال يې نه دی معلوم خو په ۴۹۰هـ کال وفات شوی، نوموړی عالم د حنفي فقهي د مشهورو علماوو څخه دی او مشهور کتاب يې المبسوط دی چې مشهور استاد يې عبدالعزيز حلواني دی.

اوس که معاصر واقعیت ته وگورو او هم یې په څنگ کې د خلکو بېلابېلې ستونزې په نظر کې ونیسو؛ نو دا خپله ددې غوښتنه کوي چې د اوبو پلورل لکه جمهور علماء چې وایې صحیح دي معاصر عرف او عادت^(۱) په همدې روان دی. (نیازی، ۱۳۹۲ل). (۱۶۸)

د کاریزونو اوبه

کاریزونه د اوبو هغه سیستمونه دي چې د ځمکې لاندې اوبه د افقي تونل په مرسته، پرته له کومې وسیلې راوباسي. دا تونل په هر ۲۰ - ۵۰ مترو اوږدوالي کې عمودي څاه لري چې د جوړولو، څارلو، پاکولو او له ځینو د اوبو راغونډولو برخه کې ترې کار اخیستل کېږي. دا طریقه په گرم، وچ او نیمه وچ اقلیمي سیمو کې د اوبو د ترلاسه کولو لپاره له چین څخه نېولې تر اروپا او امریکا پورې کارول کېږي. کاریز یو ډېر ښه او دوامدار سیستم بلل کېږي. ځکه د ځمکې لاندې اوبو سطح نه زیانمنوي او وچکالي یې زر نشي اغېزمن کولای. همدارنگه د کال په اوږدو کې چې سطحې اوبه وچېږي، کاریز تل په مشخصه کچه ښه کیفیت لرونکې اوبه ورکوي. د کاریزونو جوړول که څه هم ستونزمن کار دی خو له جوړېدو ورسته بیا ډېر اوږد عمر لري. کاریزونه د زلزلې او سېلابونو پر وړاندې زیانمنونکي دي ځکه په تونل کې یې د څارو رالوېدلو امکان شته.

د کاریزونو جوړولو پیل له مېلاد څخه مخکې کلونو ته رسېږي. په افغانستان کې د جوړو شویو کاریزونو د نیتې په اړه دقیق معلومات نشته. خو د اوسنیو کاریزونو عمر تر سلگونو کلونو رسېږي. (مایار، ۱۳۹۸ل).
<https://www.bbc.com/pashto/afghanistan/49470117>

تبصره

اوبه د الله تعالی لخوا هغه لویه، مهمه او بې مثاله تحفه ده چې د ټولو ژوندیو موجوداتو د وجود مهمه برخه جوړوي. او د ژوندیو موجوداتو د ژوند د پایښت مهم عنصر دی. او به هغه بې رنگه، بې خونده او بې بویه کیمیاوي ماده ده چې ځانگړې تودوخه او فشار لري او د څښلو لپاره مناسبې وی، دا چې اوبه دومره د اهمیت او ارزښت لرونکې ماده ده نو ضروري بریښي چې ددې په اهمیت گټو، د اوبو په معنا پوه شو، اوبو د ځمکې د سرمخ ۹، ۷۰٪ پوښلی او د ژوند هر یوې بڼې او اړخ ته یو اړین شی دی. د ځمکې پر سر اکثراً اوبه په سمندرونو او د سمندرونو نه د باندې په نورو زېرمو کې موندل کېږي، د هر هېواد اتباعو ته لازمه ده چې دخپل هېواد د تاریخ او جغرافیه په څېر د خپل هېواد طبعي منابع هم وپېژني او د هغې په باره کې جامع او مستند معلومات ولري، او دا ځکه چې طبعي منابع د انسانانو په ژوند کې کلیدي نقش لري اوبه یو له دغه منابعو څخه مهمه او قیمتي منبع ده، نه یوازې دا چې یو انسان هر ورځ ۸-۷ یا ۹ گلاس اوبو ته ضرورت لري بلکې ټول حیوانات او نباتات بیدون له اوبو څخه ژوند نه شي کولای. ټولې هغه اوبه چې زمونږ په ماحول کې پیدا کېږي Hydrosphere^(۲) ورته ویل کېږي. سطحې اوبه هغه اوبه دي، چې د ځمکې پرمخ قرار

^۶ هغه کرنې او ویناوې چې ټولنه یې خوشبوي عادت یې لري او د ژوند په چارو کې ورباندې چلېږي، عرف یا عادت بلل کېږي په اصطلاح کې عبارت له دې نه دی چې د یوې سیمې ټول یا ډیری خلک د یوه قول یا د یوه عمل تکرار په اثر په هغه باندې عادت اخیستی وي او هغه یې منلی وي. (المعجم الوسيط، ص ۳۷۵)

^۷ دادځمکې داوبو لرونکي برخې څخه عبارت ده چې داوبو ټولې ذخیرې په عمده ډول بحرونه په برکې نيسي، چې دځمکې

ولري، د دې اوبو اکثره منشاء د باران له اوبو څخه وي، دغه اوبه د چټلتيا ډېر زيات چانس لري ځکه چې زياتره په نهرونو کې بهېږي، چې په ځېنو ځايونو کې د دغو نهرونو ترڅنګ کورونه وي او د دې کورونو ټوله ګندګې دې نهرونو ته غورځول کېږي. همدارنګه د ډېرو کورونو د تشابونو پايپونه هم نهرونو او حوضونو ته راوتلي وي چې ددغو ګندګيو او ددغو پايپونو د ګنده اوبو له امله دغه چټلېږي، د ځمکې داخلي اوبه له هغو اوبو څخه عبارت دي چې هغه د ځمکې په داخلي برخه کې قرار ولري. د ځمکې لاندې اوبه د بندونو لکه کوچنۍ اوبيا هم په لوی حجم کې وي د ځمکې لاندې اوبه تقويه کوي د افغانستان په زياتو برخو کې د اوبو سرچينه د ځمکې لاندې اوبه دي چې د کاريزونو د څښاک او اوبه خور دپاره وي. د اوبه خور او څښاک دپاره د برمه يې څاه ګانو ويستل، او د کورونو عادي څاه دڅښاک او د باغچې د اوبه خور دپاره دي.

دسطحې %70.8 دخپل پوښښ لاندې راوړي، اصلاً اوبه په بحرونو، درياونو، نهرونو (رود) جهيلونو، قطبي يخچالونو، ديخو ټوټو او دځمکې لاندې اوبه د ذخيره په ډول وجودلري.

پایله

له شک پرته دا موضوع د رسول الله صلی الله علیه وسلم له وخته تر موره، ټولو مسلمانانو ته روښانه ده چې لوی لوی سمندرونه او سیندونه لکه: دجله، نیل او فرات عامه ملکیت دی او هېڅکله هم فردي ملکیت ته نه دي ځانگړي شوي. له بل پلوه دولت خلکو ته اجازه ورکوي چې د لویو سیندونو له اوبو څخه د څښلو، د کور اړتیاوو، د څارویو اوبه کولو د ځمکو د خړوبولو، په مسافرت کې د کارونې او نورو ځایونو ته د لېږد په موخه ترې گټه پورته کړي. سربېره پر دې باید د سیندونو نظافت او صفایي وساتل شي چې خلک ترې گټه واخلي. د ننګرهار ولایت د افغانستان په ختیځ کی دتاریخی ځانگړتیاوو، اوبو او هوا (اقلیم) میوو او حاصلاتو او طبیعي منظرو په لرلو سره د وطنوالو پام ځان ته ور اړولی دی.

دا چې کارپزونه د یونسکو له لوري کلتوري میراث گڼل کېږي. او د اقلیمي بدلون ستونزې د افغانستان د اوبو سرچینې زیانمنې کړې دي. افغان حکومت کولای شي د کارپزونو لپاره له یونسکو او د اقلیمي بدلون له اړوند نړیوالو ادارو، مالي مرستې وغواړي تر څو د اوبو دا حیاتي سرچینه ژوندی وساتل شي.

وړاندیزونه

د پورته بحث په پای کې لاندې څو وړاندیزونه لرم:

که د لویو سیندونو د اوبو په کارونه کې د دولت لاس وهنې ته اړتیا وه، نو دولت د جزیاتو په درک، د خړوبولو او د اوبو د لېږد په موخه یو لړ اداري جوړښتونه را منځته کوي. اوس چې مادي پرمختګ او ټکنالوژي اوج ته رسېدلې، نو دولت باید کورونو، کرنو، او ویالو کې د اوبو د تنظیم لپاره اړین ګامونه پورته کړي. همدا راز دولت له اوبو څخه د ګټې اخیستنې لپاره ځینې منظم اداري قواعد جوړوي، چې په پایله کې یې د مسلمانانو بیت المال ته ګټه رسېږي.

دولت باید داسې تړونونه لاسلیک کړي که کوم دولت داسې لاسوهنې وکړي چې د افغانستان خاورې ته د لویو سیندونو اوبه پرې نږدې او یا داسې چې د افغانانو په ګټه نه وي، نو هلته به د دولت یوه ځانګړې اقتصادي او یا هم نظامي دیپلوماسي غوره کړي، داسې چې له افغانانو څخه د متجاوز دولت هر ډول خطر، ان که د شخړې لامل هم شي، دفع کړي.

اصل دا دی چې د عامه ملکیت سرپرستي په دولت پورې اړونده ده، نه په نورو دولتونو پورې. نو پر دغه اساس دولت باید له اوبو څخه د برق لپاره ګټه واخلي او یا یې هم په نورو دولتونو وپلوري او نور هر څه پرې کولای شي.

د لویو سیندونو ساتنه، له اوبو څخه یې د ګټې اخیستنې د چارو سرپرستي، د اوبو وېش، انتقال، د سوریو بندېدل او بل هر زیان چې ورته ګواښ دی، د دولت له لوري د جوړ شوو اجراءاتو پر بنسټ تنظیمېږي دولت باید په افغانستان کې د اوبو ویش په عادلانه ډول ترسره کړي او هغه شخړې چې له دې امله رامنځته شوي وي باید حل کړي.

منابع

قرآنکریم

احمدزی، احمد. (۱۳۹۹ل). د افغانستان اوبه او د گاونډیانو سره یې اختلافات. میوندخپرنډویه ټولنه کابل.

افریقى، ابوالفضل جمال الدين ابن منظور. (۱۴۱۴هـ). لسان العرب. دارصادر بیروت.

بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲هـ). صحیح البخاری. دارطوق النجاة بیروت.

تائب، برکت الله (۱۳۹۷ل). په اسلام کې د ملکیت نظریه. سلام خپرنډویه ټولنه - جلال اباد.

حسن عمید. (۱۳۷۲). فرهنگ فارسی، ترتیب کوونکی عزیزالله عزیزاده. انتشارات راه رشد - تهران.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۸ل). لغتنامه دهخدا. چاپ و نشر دانشگاه تهران.

سجستانی، ابوداود او دسلیمان بن الأشعث. (۱۴۱۲هـ). سنن ابوداود. دارالکتاب العربیه. بیروت

شاکری، حمدالله. (۱۳۹۴ل). د معاملاتو فقهې لارښود. مستقبل خپرنډویه ټولنه - کابل

صاغرچي، شیخ اسعد سعید. (۱۴۲۳هـ). حنفي فقه او دهغې دلایل د قران او حدیث په رڼا کې، رشیدیه کتب خانه پېښور.

صنعاني، محمد بن اسمعيل الكحلاني (۱۴۰۹هـ). سبل السلام. دارالقلم بیروت

عثماني، شېبیراحمد (۱۴۱۴هـ). کابلی تفسیر. د فهد بن عبدالعزیز د قرانکریم چاپخانه مدینه منوره.

فضلي، فضل هادي (۱۳۹۶ل). عيني حقوق. دویم چاپ: یار خپرنډویه ټولنه - جلال اباد

فندي، علي حيدر خواجه امين (۱۴۱۱). درر الحکام في شرح مجلة الأحكام. دارالجليل بیروت.

لبناني، سليم رستم باز. (ب،ت) توضیح المرام پښتو شرح د شرح مجلة الاحکام، جدید مکتبه رشیدیه - پېښور

لجنة مكونة من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية. (ب ت). مجلة الأحكام العدلية، المحقق: نجيب هواويني، نور محمد کارخانه تجارت کتب، آرام باغ، کراتشي.

محمدحسن عبدالغفار. (۱۴۴۲هـ). القواعدالفقيهيه بين الاصله والتوجيه. الادارة العامه للاوقاف السعوديه.

مرغیناني، برهان الدين ابوالحسن علي بن ابوبکر عبدالجليل بن الخليل بن ابو بکر. (۱۳۹۸هـ). الهدایه شرح البدایه، مکتبه حقانیه پېښور

مقدسی، عبدالغنی. (۱۴۰۸ل). عمدة الأحكام من كلام خير الأنام صلى الله عليه وسلم، تحقيق: محمود الأرنؤوط، ناشر: دار الثقافة العربية، دمشق، بيروت، مؤسسة قرطبة.

نبی زاده، صبغت الله. (۲۰۲۰م). د بندونو ډولونه او دهغوی مختلفې اجزاوې. کابل انجینیري خدمتونه.

نیازی، مصطفی (۱۳۹۲ل). عیني حقوق، یارخپرنډویه ټولنه-جلال اباد.



واژه‌ دل و جایگاه آن در اشعار مولانا عبدالله مصرع - صغیر

پوهنیار پرویز ایریانی

دپارتمنت ادبیات فارسی دری، پوهنځی ادبیات و علوم بشری پوهنتون بدخشان

parwiziryani519@gmail.com

0000-0001-5398-6550

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

یکی از مسایل که اغلب متصوفین و شاعران متصوف به آن پرداختند، واژه دل است. مولانا مصرع نیز از شاعران تصوف پیشه و اشعارش مملو از مصطلحات تصوفی به ویژه واژه دل است. هدف از این نوشتار دریافت واژه‌ی دل و جایگاه آن در اشعار عبدالله مصرع - صغیر است. دل در کلام مصرع جایگاه والایی دارد؛ چنانکه در اشعار شاعر بیش از پنجمصد بار به کار رفته است. این جستار با روش کتابخانه‌ای - توصیفی همراه است. می‌توان گفت: دل در اندیشه‌ی مصرع جایگاه عرش الهی را دارد؛ آبادی و تباهی انسان منوط به دل است. دل سالک باید شکسته شده، دوباره معمور گردد و به وسیله مراقبه قوی گردد تا بتواند نه دایره فلک را سیر نماید. هرچند مصرع مانند بسیاری عرفا از چگونگی دل اظهار به نفهمی نموده؛ اما آنرا با بالاترین مفاهیم در اشعار خود تشبیه نموده است. دل که مورد وصف مولانا مصرع است دل سیقل خورده و دلی «الایذکرالله تَطْمَئِنُّ الْقُلُوب» است.

کلیدواژه‌ها: مصرع، دل، عرفان، شعر و ترکیب‌ها دل.

The Concept of the “Heart” and Its Place in the Poetry of Mowlana Abdollah Masra‘-Saffir

Author

Parwiz Iryani,

Email

Department of Farsi Literature, Faculty of Literature, Badakhshan University, faizabad, Afghanistan

Orcid

parwiziryani519@gmail.com

0000-0001-5398-6550

Abstract

One of the key concepts frequently explored by Sufis and Sufi poets is the notion of the “heart” (دل). Mowlana Masra‘, a Sufi poet, whose works are infused with Sufi terminology, particularly focuses on the heart. The aim of this article is to investigate the concept of the heart and its significance in the poetry of Abdollah Masra‘-Saffir. In Masra‘’s works, the heart holds an exalted position, being referenced more than ۰۰۰ times throughout his poetry. This study adopts a descriptive and library-based research method. It can be argued that, in Masra‘’s thought, the heart symbolizes the divine throne; the prosperity or ruin of a human being is contingent upon the state of the heart. The heart of a seeker must first be broken and then rebuilt, strengthened through meditation to enable it to transcend the celestial spheres. Although Masra‘, like many other mystics, claims an inability to fully comprehend the nature of the heart, he likens it to the highest spiritual concepts in his poetry. The heart, as described by Masra‘, is a polished and purified heart, one that finds tranquility in the remembrance of God: «Verily, in the remembrance of Allah do hearts find rest» (الا يذكر الله تَطْمِئُنُ الْقُلُوبُ).

Keywords: Masra, Heart, Mysticism, Poetry, Heart-related Concepts.

مقدمه

دل در نظر اهل دل و عارفان جایگاه عرش الهی است؛ زیرا حقیقت کل و آغاز و انجام همه‌ی اشیاء که در هیچ چیزی نمی‌گنجد در دل عارف می‌گنجد. از این رو در میان اهل ذوق آبادی و تباهی بدن‌ها بر آن بستگی دارد؛ زیرا تمام اعضا را راهی به دل است، اگر دل فاسد و تباه شود این امر سبب تباهی همه اعضا میگردد و اگر دل به ذکر الله آرام و قرار گیرد تما اعضا و جوارح از آن پیروی مینمایند. پیغمبر «ص» به حفظ دل امر فرموده اند: (عَلَيْكَ بِحِفْظِ قَلْبِكَ) تعدادی با مجاهده خود «تابع القلوب» و برخی هم با مشاهده «مغلوب القلوب» می‌گردند؛ که گروهی دومی دل عارفان کامل گفته شده است. در نوشتار حاضر به دل و جایگاه و هم چگونگی ترکیب های آن در اشعار مولانا عبدالله مصرع-صفیر پرداخته شده است. مصرع یکی از شاعران عارف و پیروی یکی از طریقهای تصوف است؛ از دل که او سخن به میان می‌آورد پاره‌ی گوشتی واقع در بدن‌ها نیست، بلکه مراد از دل جایگاه معنوی دل است. دل موجودی است که قابلیت بیحد دارد؛ از جمع مجردات است در معنی نفس که عشق و عاطفه، غم و شادی، کینه و نفرت را درک میکند. با صاحب خود سخن می‌گوید؛ سر بی‌اعتنای دارد نه پاداشی شادش می‌سازد و نه آرام می‌گیرد. همیشه خواهان وصال و نالان از فراق است و بدون وصال هیچ دوايي مداوی آن نیست. بر علاوه باید دانست که کدام ترکیب‌ها حاوی واژه دل است.

تبیین مسأله

دل که بسیاریها حقیقت آن را نا معلوم می‌دانند و آن را چنان‌که شایسته‌ی آن است تعریف نکردند؛ عده‌ای آنرا جایگاه که تنها به واسطه کشف و شهود حاصل می‌شود. یا ماده‌ی لطیف مانند: روح و سر در بدن که جایگاه معرفت است می‌دانند. و شماری آن را مادی و برخی هم مجرد. و همچنان پدیده یکه بیشتر از عرفا و متصوفین فصل از کتب و یا قسمت بزرگی از اشعارشان را وقف آن نمودند، و با بهترین تصاویر و تشبیه آن را توصیف نمودند. باری دل در اشعار مولانا مصرع از چه جایگاه برخوردار و در کدام ترکیب‌هایی متبلور شده است؟ این نوشتار بر آن است تا جایگاه دل و چگونگی کاربرد این واژه را در ترکیب‌های مختلف و یا به‌گونه‌ی آزاد در اشعار مولانا عبدالله مصرع بررسی نماید، از بررسی‌های اولیه، به نظر می‌رسد دل در اشعار مولانا مصرع از جایگاه برتر در میان همه‌ی واژگان برخوردار است. هیچ یک از اصطلاحات و واژگان دیگر به اندازه «دل» در اشعار مصرع کار برد نداشته است.

پرسش های تحقیق

پرسش اصلی

۱. دل در اشعار مولانا عبدالله مصرع - صغیر از چه جایگاهی برخوردار، و در کدام ترکیبها بکار رفته است؟

پرسشهای فرعی

۱. منظور مولانا مصرع از دل، جایگاه مادی آن است و یا معنوی آن؟

۲. واژه دل در کدام ترکیبها بیشتر در اشعار مولانا مصرع بازتاب یافته است؟

۳. آیا دل نزد مولانا مصرع ارزش و اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد؟ یا خیر.

اهداف تحقیق

۱. تعیین جایگاه دل در اشعار مولانا مصرع - صغیر.

۲. دریافت واژه‌ی دل و ترکیب های مختلف آن در دیوان مولانا مصرع .

۳. دریافت مرتبه و اهمیت دل در اشعار مولانا مصرع.

اهمیت تحقیق

اهمیت تحقیق در این است که: از اینکه موضوع مورد بررسی موضوع بکر و تازه است و تا اکنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. از این طریق شخصیت و جایگاه مولانا مصرع به عنوان عارف و شاعر نامدار به معرفی و نیز از دریچه مسئولیتی علمی و فرهنگی ما در قبال نخبه گان فرهنگی و ادبی ادامه گردد.

پیشینه‌ی تحقیق

مشخصا در این مورد تا حال تحقیقی به سرانجام نرسیده؛ اما چند تحقیق مشابه در مورد واژه‌ی دل صورت گرفته است. نخستین تحقیق به صورت مقاله‌ای است تحت عنوان (جایگاه دل در عرفان اسلامی با تکیه بر دیدگاه مولانا) که در سال (۱۳۸۸) به نشر رسیده است. نویسنده بعد از تحلیل و واکاوی به این نتیجه رسیده است: با آن که دل می‌تواند منشأ همه‌ی صفات عالی انسانی باشد همچنان می‌تواند منشأ سقوط رزایل انسانی باشد. دل نزد عرفا جایگاه ویژه دارد نزد مولانا نیز همچنان است؛ دل معدن نور الهی و منبع اشراق است. دل است که انسان به ارزش است و اگر دل نباشد انسان مثل جماد است. برای اینکه انسان صاحب دل باشد باید قطع علاقه از اغیار نموده، دل را فقط به جانب حق متوجه باید کرد. وقتی قلب انقطاع از غیر و توجه به سوی حق نماید نور آن تا روز قیامت خاموش نمی‌گردد.

مقاله‌ی دوم از مرتضی شجاری و زهرا گوزلی میباشد تحت عنوان «دل آدمی و مراتب آن در عرفان اسلامی» که در سال (۱۳۹۲) به طبع رسیده است. نویسندگان به این نتیجه رسیدند که دل آدمی تجلیگاه خداوند است

با همه‌ی صفات، اول و آخر و ظاهر و باطن از آنجا که خدا را حدی نیست پس دل را نیز حدی نیست و تعریف حقیقی ندارد. مقاله‌ی دیگر تحت عنوان «جایگاه دل در قلمرو اندیشه اقبال» توسط نقشبند حیدری نوشته شده است. نویسنده در آن نوشتار به این نتیجه دست یافته است، که اقبال دل را محور وجود، و حقیقت هستی انسان می‌شمارد. عقل و دانش را در مقابل دل به منزله چراغ در برابر آفتاب میدانند و نیز تصریح می‌دارد که در نتیجه اقبال با عبور از دانش به بینش رسیده است.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای یا تحلیلی - توصیفی استفاده شده است. ابتدا آثار معتبر مرتبط به موضوع مطالعه گردیده و سپس مطالب مورد نظر استخراج و یاد داشت برداری گردید و به عناوین اصلی و فرعی دسته بندی و مطالب بدست آمده بروی صفحه در آمد.

نتایج یافته‌ها

نگاه کوتاه به دیدگاه برخی از عرفا در مورد دل

واژه‌ی دل در نزد صوفیه مکان منزّه و پاکی است که جایگاه و مکان رسوب فیض‌ها و فیوضات ربانیه است. بیشتر متصوفین از دل نماد عشق الهی را در نظر دارند و همواره تأکید به سیر و سفر در انفس و آفاق را مطرح می‌کنند. بسیاری هم حقیقت دل را دست نیافتنی و اقرار به ندانستن و نشناختن آن دارند اما با آن هم دل را کلید شناخت حقیقت و خدا می‌دانند. در بسیاری منازعات که در باب شناخت حقیقت در میان صوفیان سخن به میان می‌رود دل رقیب اصلی عقل در شناخت حقیقت است. و در بسیاری از آثار عرفا هنگام جدال که میان عقل و عشق در می‌افتد، نماینده عشق «دل» است. مثلاً سنایی غزنوی در این باب می‌آورد:

«هست اعضا چو شهر پیشه وران
عقل دستور و دل در او سلطان»

(شمیسا، ۵۷: ۱۳۸۱)

سنایی از صوفیان دوره اول و سده ششم است که در آن هنگام هنوز هم به عقل جای در نظر گرفته می‌شود و بعد از عشق در مکان دوم و رهنما قرار می‌گیرد. عرفای بعد چون مولانا عقل را دگر قبول ندارند و پای استدلالیان را چوبین می‌دانند.

دل از دید عرفا دارای چهار پرده است: پرده‌ی اول صدر است که مستقر اهل اسلام است، پرده‌ی دوم قلب است که محل نور ایمان است، پرده‌ی سوم فؤاد است که سرپرده مشاهدت حق است، پرده‌ی چهارم شغاف است که محل رحل عشق است. دل را دو صفت است: صفوت و قسوت؛ صفوت از خوردن حلال بود و قسوت از خوردن حرام خیزد و مردی که حرام خورد دلش سخت باشد. (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۶۵)

(شیخ نجم الدین رازی دل را جایگاه خداوند و نقطه اشراق نور الهی میدانند، و در تعبیر او دل عرش الهی است که سالکان بدان راه می‌ابند. از نظر غزالی نفس حقیقت انسان و ذات اوست. وی این معنی را برای روح و قلب و عقل نیز به کار می‌برد. از نظر مولانا جامی دل جایگاه و منظر نورانی است و فقط عارفان صاحب این گونه دل اند و دل غیر از این را دل نمی‌شمارد:

(دل یکی منظر یست ربانی

خانه ای دیو را چه «دل» خوانی

آن که «دل» نام کرده ای به مجاز

رو به پیش سگان کوی انداز (حسین زاده، ۶۶: ۱۳۸۸)

شیخ محمود شبستری نیز دل را به نفس ناطقه و معدن اسرار تعبیر نموده است. ابن عربی دل را رحمت حق و وسیع تر از رحمت خدا، خوانده است: از آنرو که دل انسان گنجایش حق را دارد در حالی که حق در هیچ چیزی نمیگنجد). (حیدری، ۳: ۱۳۹۲)

یک تعداد از مشایخ دل را ماده لطیف در قالب بدن می دانند؛ کسانی چون هجویری و امام قشیری. گروهی دیگر چون ابوحامد غزالی و تعداد دیگری از صوفیان دل را امری مجرد از ماده می دانند.

جایگاه دل در اشعار مولانا مصرع - صغیر:

همان گونه که از اشعار مولانا مصرع بر می آید، حضرت مولانا از پیروان طریقت نقشبندیه می باشند و در اشعار شان عشق بیشتر سر آسمانی دارد تا زمینی. و در سبک هندی به بیدل ارادت دارد و در سبک عراقی به مولانا و حافظ بیشتر از دیگران. بنا بر این همان گونه که واژه دل در نزد صوفیان قرب و منزلت فراوان دارد. از دید مولانا مصرع نیز، دل پاره گوشت بیحاصل نیست بل که صاحب کمال و صاحب مقام صد بیابان تمکین و صاحب جوشش هر دو عالم است. (تمکین از مقامات سالکین و اقامت محققان است در محل کمال و درجت اعلی و اهل مقام از مبتدیان و اهل تمکین از منتهیان اند). (دهخدا، ۶۹۸۲: ۱۳۷۷).

ز تمکین صد بیابان دور، نصرت داده ایامش

ز بی تابی دو عالم! لخت خون گردیده دل نامش. (مصرع، ۲۴۵: ۱۳۸۵)

گاهی تمکین در معنی بردباری و تحمل و صبر میاید که باعث میشود خامی پخته شود، یا سالک طریقت به وسیله تمکین صاحب کمال شود. مولانا مصرع رنج بیهوده از دل مضطرب را نمی خورد، چون شکیبایی و تمکین باعث پخته شدن دل و علوی مقامش می گردد:

مکش بی هوده رنج اینقدرها اضطراب دل

شکیبایی تواند پخته کردن، وعده خامش. (مصرع، ۱۳۸۵: ۲۴۵)

هرچند دل داغ دیده دارد که به دم ناسور می ماند، علاج این درد را نیست و سرانجام آن فناست. اما این دل به علت عشق حقیقی که در آن وجود دارد، دل نه که گلستان در بر شاعر است:

دمیدنهای ناسورم، شگفتنهای داغ دل

گلستان در بغل دارم ز شوق لعل گلفامش. (مصرع، ۲۴۵: ۱۳۸۵)

جای دیگر دل عاشق گرفتار عشق ابدی است که مجروح است اما هیچ چیزی به جز وصال دوی آن نمی شود:

خمیازه^۱ سنج خنجر ناز کیست دل

این زخم سر گرفته به هیچش دوانشد. (مصرع، ۲۴۵: ۱۳۸۵)

دل جایگاه بینای حق - بصیرت باطنی است.

البته در جای از دیوان مولانا مصرع به دل از دست رفته که دوی ندارد، دوا میاید و آن هم با داغ کردن حسرت. در قدیم مدوای بسیاری از زخم ها داغ کردن بود. **حسرت** از دید عرفا رنج بردن و افسوس خوردن سالک طریق است بر عقب افتادگی خود، و خذلان^۲ که او را رسیده است در طی طریق که: «یا

۱- خمیازه چیزی را کشیدن: مشتاق آرزومند چیزی بودن (انوری، ۱۳۸۰: ۵۱۹)

۲- خوار فرو گذاشتن، مجازاً، خواری و بد بختی. بی یاری و بی یاری واگذاشگی ترک عون و نصرت.

حسرتا علی فطرتا» گوید: الهی این چه تیره روزی است؟ ترسم که مرا از تو جز حسرت نه روزی است. الهی میلرزم از آنکه نه ارزم. و از آنکه نه ارزم چه سازم، جز آنکه می‌سوزم تا از این افتادگی برخیزم» (سجادی، ۱۳۸۳: ۳۱۸). پس مولانا مصرع با داغ حسرت دل خون شده و از دست رفته اش را مدوا نموده است. و یا شاید ادعای بیش نباشد؛ چون بعد از این بیت باز در ناله و فغان، از دست دل و دلدار است:

برنگ لاله دل خون شد زغم یکبارگی خستم

بداغ حسرت این ناسور را آخر دوا کردم. (مصرع، ۱۳۸۵: ۳۱۶)

مولانای مصرع در غزلیکه عنوان ساز شیمانی دارد، بر عقیده کسانی که بحث جالینوس، افلاطون، ديمقراطیس و بطليموس را پیش می‌کشند خرده می‌گیرد. و چشم را فقط بیننده‌ی عالم محسوس می‌داند، چون چشم عالم محسوس را تنها می‌تواند ببیند بنا بر این می‌تواند پای دل را نیز به گمراهی بکشاند. بدین ملحوظ نظر مولانا این است که: وقتی دل جوشی و در مقام حیرت است که می‌توان پر توجه‌ال را مشاهده کرد. منظور از حیرت مولانا مصرع نه حیرت اول نه دوم و سوم؛ بلکه غفلت از دانائیه‌ها حیرت است. چون حیرت اول زندقه و غفلت از خداست؛ حیرت دوم که در علم است غفلت از خلق است و حیرت سوم وسوسه است که متحیر را به ضلالت و غفلت می‌کشد. به همین منظور مولانا مصرع هنگام جوشش دل است به مشاهده پرتو جمال دست می‌یابد:

در گلستان سراپا داغ حیرت^۱ جوش دل

می‌توانی دید مصرع جلوۀ طاووس را. (مصرع، ۱۳۸۵: ۱۵)

دل یا قلب در نزد عرفا جایگاه عظیم دارد. اما به این دلیل که از طرفی و جهی به سوی حق دارد و فیض دریافت می‌کند و از طرف دیگر و جهی به نفس حیوانی دارد و بدان فیض می‌رساند و دایم میان این دو وجه در تقلب و دگرگونی است. بنا بر این زرق و برق دنیای فانی می‌تواند باعث تباهی و سیاهی دل شود؛ باید مراقب آن بود:

فریب اطلس دنیا مخور چون لاله زین صحرا

مبا دا دل سیاهی آورد، گلگون قبایی ها. (مصرع، ۱۳۸۵: ۱۸)

پاکی دل می‌تواند با آشنایی وهم نشینی با اهل باطن و عارفان کامل یا به قول خود مولانا مصرع، «روشن ضمیران» تقویت گردد:

مگر از صحبت بیضا ضمیران دل که می‌بخشد

صفا آینه را روشن گر از ظلمت زدائیه‌ها. (مصرع، ۱۳۸۵: ۱۸)

در جایی دیگر میفرماید:

پیر روشن دل چو صبح آید به کار جوش دل

کار هرکس نیست طفل غنچه گویا ساختن. (مصرع، ۱۳۸۵: ۳۵۹)

لازمه‌ی دل که به معرفت آشنا شود، یا به کمال برسد، غم و محنت است. مولانای بلخی سینۀ، شرحه شرحه می‌خواهد. مولانا مصرع نیز به این نظر است تا دل را در فراق و هجران مشبک نکنی، نه ناله از آن سر می‌زند و نه هم صاحب زاد و توشه می‌شود:

سوراخ تا ز ناله نشد در غم کسی مانند نی نیافت، دل بینوا نوا. (مصرع، ۱۳۸۵: ۲۳)

۱- حیرت: حیرت یعنی سرگردانی و در نزد اهل الله امری است که بر قلوب عارفین در موقع تأمل و حضور و تفکر آنها وارد می‌شود و آنها را تأمل و تفکر حاجب می‌گردد. (سجادی، ۱۳۸۳: ۲۳۲)

در جای دیگر می آورد:

بی قد خم پرده دل را نمی باشد نوا

بس که باشد ناله ی دف را به چنبر^۱ اختصاص. (مصرع، ۲۶۷: ۱۳۸۵)

در جای دیگر:

در عدم آن دل که اندر آتش شوقش گداخت

قطره سان در بحر میابد و وصال خویشتن. (مصرع، ۳۵۷: ۱۳۸۵)

و یا در بیتی دیگر:

بی تضرع هیچ کس را وا نشد قفلی دلی

دایما از ناله ی باشد فتح باب عندلیب. (مصرع، ۵۴: ۱۳۸۵)

در بیتی دیگری ریاضتهای دل را مفید دانسته حاصل آن زبان سخنگوی است که به شاعر اعطا گردیده است: به حمدالله چونی، سوراخهای دل به کار آمد

به فریادم رسید آخر لب لعل سخنگویی. (مصرع، ۳۸۹: ۱۳۸۵)

دلیکه سیقل شده و آینه اش مصفا شده باشد، به هیچ روی از این سرای سپنج انتظار وفا و چشم داشت ندارد:

هر دل که یافت آیینش از صفا صفا

هرگز نداشت چشم از این بیوفا وفا. (مصرع، ۲۴: ۱۳۸۵)

صوفیان وارسته همیشه کوشش بر آن دارند که دلی نیازمند، بلکه تا بتوانند دل بدست آورند. مولانا مصرع غایبی هر دو دنیا را نشکستن دل میداند، بنا باید انسان خود محتسب اعمال خود باشد. شکست دل اگر برای آبادی آن و دوباره تعمیر آن و هم پاک نمودن آن از لوث و بدی ها باشد می تواند نیک باشد و گرنه نباید دلی را شکست. صائب تبریزی در این مورد می گوید: تار و بود عالم امکان به هم پیوسته است / عالمی را شاد کرد آنکس که یک دل شاد کرد. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۳۶۵).

مولانا مصرع می فرماید:

خویشتن را محتسب شو کاندین میخانه نیست

از دو عالم جز شکست شیشه دل مدعا. (مصرع، ۴۱: ۱۳۸۵)

و جای دیگر میسراید:

کلید گنج صد عیش ابد در کار دلداری

مجو جز پنجه مشکل گشای تیغ ابرویی. (مصرع، ۳۸۹: ۱۳۸۵)

عارفان کامل و یا مرشدان صاحب دل، دست گیر غافلان اند، بنا بر این مدوای دل غافلان و حیلہ درست شدن آن در دست اهل دل است:

گزندی گر ز عمالت رسد روکن به اهل دل

بود اندر اندفاع آن حله دست زراری را. (مصرع، ۴۷: ۱۳۸۵)

۲- چنبر: محیط دایره را گویند مطلقاً اعم از چنبر دف و چنبرگردون و افلاک و غیره. (فرهنگ برهان. به نقل از دهخدا).

۱- زراری: معرب شده زراریج؛ صورت های دیگر این کلمه عبارت است از: دُزوح، دُزوح، دُزوح، دُزوح، دُزوح، دُزوح، دُزوح، ج، زراریج. کرمی است پرنده سرخ با خالهای سیاه به غایت زهر ناک. زهر آن با آنکه کشنده است با ترکیبات مختلف دوی امراض گوناگون است. (به نقل از دهخدا ذیل کلمه دزوح).

چون مو در آتش، از تب عصیان گداختم

یارب رسان به خدمت مرد دل آگهی. (مصرع، ۳۹۶:۱۳۸۵). طلب نزد برخی برخی از صوفیان یکی از وادی های طریقت است، چنانکه عطار طلب را آغاز و ادیهای طریقت می داند: هست وادی طلب آغاز کار / وادی عشق است از این پس بیکنار. (عطار، ۳۹۹:۱۳۸۳)

«از دقت در آیات قرآنکریم و روایات معصومین، این حقیقت نیز روشن می گردد که وقتی دل از راه ضلالت برگشت و توبه نمود و به سوی مقصد اصلی خویش روی آورد و در وادی طلب قدم گذاشت و روی از اغیار برگردانید و مظهر انوار الهی گردید، انوار الهی از آنجا بر قوای ادراکی و مشاعر و حواس انسان - که تحت حاکمیت قلب هستند - می تابد و هرچه انوار الهی در دل سالک تجلی بیشتر و کامل تر بکند، سالک الی الله از ادراک و مشاعر و حواس برتری برخوردار می گردد». (حسین زاده، ۷:۱۳۸۸)

مصرع، اذعان میدارد که گاهی پای همت نا رساست در رسیدن به حقیقت، وقتی در راه طلب گام میبرداری باید دست در دامن دل زد:

پای همت نارسائی کرد، اگر از کوی دوست

باری از دامان دل کوتاه مکن دست طلب. (مصرع، ۵۵:۱۳۸۵)

دل ظرف است برای مظلوف که همانا عشق است. دل مصفا و عاری از زنگ است که نشئه فیض و فیوضات الهی را دارد. «فیض از نظر عرفا: القای امری است در دل به طریق الهام بدون تحمل زحمت و اکتساب». (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۲۵۹). و هم چنان وصال عارفان در فنا ست، تا عارف به وادی آخرین که فناست نرسد به وصال نمی رسد. دل تا خراب نشود فیضی در آن نمی باشد، چون همیشه گنج در ویرانه هاست، مصرع میگوید:

نشئه فیض! دل و دیده بینا دارد

هرکجا شیشه و جامی است میی نابی است. (مصرع، ۶۷:۱۳۸۵)

هرکه او را دل مصفا جبین نورانی است

همچو مه بیند کمال اندر زوال خویش. (مصرع، ۳۵۷:۱۳۸۵)

دل معمور را نبود، شمیم نشئه فیضی

بلی هر گنج را جا گوشه ویرانه با یستی. (مصرع، ۳۸۷:۱۳۸۵)

برخی عرفاهم حقیقت دل را ناشناخته میدانند با آنکه در باب دل این همه سخن از جانب عرفا رفته است. مصرع مانند برخی از متصوفین که شناخت دل را انکار میکنند و حقیقت دل را ندانسته می انگارند نیز حقیقت دل را ناشناخته میداند:

کس به در مقصد دل پی نبرد عاقبت این دخمه زلیخا شکست. (مصرع، ۷۷:۱۳۸۵)

مصرع دل خود را خراب از باده اندیشه الفت میداند.

«الفت در نزد ارباب سلوک یکی از درجات محبت است. و آن عبارت است از میل دل به جانب مألوف. و در کتاب صحایف گوید: الفت را پنج درجه است. اول: نظر در افعال صانع. دوم: کتمان میلان است و تحمل مشقات. سوم: تمنا است در این مقام نه از جان اندیشد و نه از هلاکت. چهارم: اخبار و استخبار است، و در این مقام الیف از مألوف اخبار کند. و از سر دیوانگی گاه راز با صبا گوید و جواب از نسیم جوید. پنجم: تضرع است، در این مقام الیف به تضرع و زاری پیش آید». (دهخدا، ۳۲۲۲:۱۳۷۷) مصرع میگوید:

خراب باده اندیشه الفت دلی دارم

که می گردد به تائید خیالی در تکاپویت. (مصرع، ۹۰: ۱۳۸۵)

مصرع ضیاء دل عاشق را نظر معشوق به آن میداند، هرگاه نظر معشوق نباشد آینه دل عاشق زنگار میگردد. خداوند ج در سوره قصص، میفرماید:

«وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُم مَوْسَى فَارِعًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». (قرآن کریم، قصص / ۱۰)

ترجمه: «و مادر موسی را دل تهی شد، که اگر دلش را قوی نکرده بودیم تا از مومنان باشد چیزی نمانده بود که راز را فاش سازد».

همان گونه که نیز گفته اند: تا که از جانب معشوق نباشد کشتی / کوششی عاشق بیچاره به جایی نرسد. مصرع با نوعی شکایت می سراید:

ضیا پرداز مرآت دل عاشق، چه ساز است این

که شد آینه ام در زنگ، هرگز نیست پروایت. (مصرع، ۹۸: ۱۳۸۵)

مولانا مصرع حالت با نوا شدن دل را مخصوص حالت شوق میداند. مولانا جلال الدین محمد در مثنوی خود را به نی مفلوک و خشک تشبیه نموده که از خود و خودی تهی است، و در تصرف عشق و معشوق است، بنا بر این نوا و شعر که از او بر می آید از اونیست بلکه عشق و معشوق است که به زبان او سخن می گوید. مصرع نیز دلش را عاری از نوا میداند تا آن هنگام که حالت شوق بر دلش وارد نشود، یا حالت که حق با پنج انگشت به دلش چنگ می زند. «شوق در اصطلاح صوفیان، آرزومندی دل به لقای محبوب است. اهل سلوک در تعریف آن آورده اند: شوق عبارت است از هیجان و اضطراب قلب هنگام نام محبوب را به زبان آرند. و بسیاری از اهل ریاضت آورده اند: شوق در دل عشاق روغن را ماند که در آتش فشانند. از ابوعلی دقاق پرسیدند: فرق بین شوق و اشتیاق چیست؟ گفت: آتش شوق با دیدار فرونشیند اما هیچ آبی نار اشتیاق را فرو نشانند بلکه هرچند آب افشانند آتش اشتیاق بیشتر شعله ور و افزونتر شود. (دهخدا، ۱۴۵۷۳: ۱۳۷۷)

زجوش شوق دلم، در نوا شود چون نی

در آن زمان که زند دست او به پنج انگشت. (مصرع، ۱۰۶: ۱۳۸۵)

گرانیهایی دل در شکسته شدن آن است، به عقیده مولانا مصرع تا دل نشکند به کمال دست نمی یابد. مراد از شکسته شدن دل آب دیده شدن دل است، دل به وسیله غم و غصه، درد و الم و فراق می تواند شکسته شود و آن را نرم کند:

غیر از ملائمت چه علاج شکست دل

تاسنگ خاره نرم نشد مومیا نشد. (مصرع، ۱۳۹: ۱۳۸۵)

بنا بر این اگر شکست در دل نباشد نه دل نوایی دارد و نه هم لطف مومیا گونه :

رسایی نیست در پرواز مرغ ناله ام یارب

شکست دل مگر گل گرد لطف مومیا کم شد. (مصرع، ۱۳۹: ۱۳۸۵)

مولانا مصرع سالمی و سلامتی دل را در ترس از پروردگار و هم امیدوار بودن به او می داند، یعنی دلی که در میانه خوف و رجا باید باشد .

زین مرز و بوم صغیر سلامت نبرد رخت

آن دل که درمیانه خوف و رجا نشد. (مصراع، ۱۳۸۵: ۱۴۲)

بنا بر این دل خود مولانا مصرع از همان گونه دل‌ها است و درمیانه خوف رجا قرار دارد.

دل مدام از غضب و لطف تو در خوف و رجا است

چشم دارم که اگر این نشود آن نشود. (مصراع، ۱۳۸۵: ۱۵۴)

مصراع شناخت نه کرسی فلک را در مراقبت از دل و قوی ساختن آن میدانند. مجموعه نه دایره فلک که در حجاب اند و شناخت آن با حواس ظاهری ممکن نیست میتواند با صیقل دل و دست یافتن به بصیرت باطنی میسر میدانند.

پردۀ نه دایره در بزم امکان بیصداست

اندکی بر ساز دل گر ناله را چنبر کنید. (مصراع، ۱۳۸۵: ۱۷۱)

مولانا مصرع سالک طریقت دل است و ثناگوی آن، و هم غنچه باغ مراد و عاشق قلدح دل خواننده است، مولانا در وادی طلب قدم گزارده این راه سخت مشقت بار است و همنشینی ندارد تا تیمار دارش باشد.

عندلیب چمنم، صعوة صحرای دلم

غنچه باغ مرادم، می مینای دلم

زار و بیمار و فرو مانده به راه طلبم

کوحریفی که کند خارغم از پای دلم. (مصراع، ۱۳۸۵: ۳۳۴)

عارفان راستین برای پاداش عاشق نشده اند، میبیدی در تفسیر کشف الاسرار میاورد: «مزدور گوید نماز من، روزه ی من و زکات من و صبر من در بلاها و وفای من در عهدها؛ و عارف گوید به زبان تذلل:

من که باشم که به تن رخت و فای تو کشم دیده حمال کنم بار جفای تو کشم

بوی جان آیدم از لب که حدیث تو کنم شاخ عز رویدم از دل که بلای تو کشم

پیر طریقت گفت: من چه دانستم که مزدور اوست، که بهشت باقی او را حظ است؛ و عارف اوست، که در آرزوی یک لحظه است. من چه دانستم که مزدور در آرزوی حور و قصور است؛ و عارف در بحر عیان غرقۀ نور». (میبیدی، ۷۴: ۱۳۸۳). مولانا مصرع نیز از جمع همین عارفان است، چون معمای دلش نیز گشودن می‌خواهد، چون هم نفسی به مانند شاهد قدسی را هم نمی‌خواهد؛ مانند دل عشاق راستین فقط وصال معشوق را می‌خواهند:

نفسی شاهد قدسی نپسندد صغیر

که گشاید به فسون عقد معمای دلم. (مصراع، ۱۳۸۵: ۳۳۴)

قوت عشق بی حد و پرده دل نازک و کم طاقت:

جمالش آنقد جوش صفا زد درحریم دل

کی از کم ظرفی طاقت، کتان^۱ دارم به مهتابش. (مصراع، ۱۳۸۵: ۲۶۲)

دوای ناله دل شکسته، نظر معشوق است:

به جز چین کمند کاکل خوبان که پردازد

_____ به حال ناله آن دل که صد طوفان شکستستش (مصراع، ۱۳۸۵: ۲۶۴)

۱- کتان: جامه‌ی است معروف که شاعران پاره شدن آن را به سبب نور ماه می دانند. در بعضی بلاد پوست ساقه درخت را کشیده و مثل پنبه و پشم ریسند و از آن جامه می‌بافند که آن جامه در مهتاب قوت ندارد. (آندراج، به نقل از دهخدا).

واژه دل و به کار رفت آن در ترکیبها و عبارات دیوان مصرع: واژه دل به صورت واژک آزاد

واژه‌ی دل به صورت واژک آزاد در دیوان مصرع شصت و هفت بار به کار رفته است، کار برد واژه‌ی دل به صورت آزاد یکی از صورتهای پر کاربرد در این دیوان است و شماری ابیات زیبا هم از مصرع در این گونه در دست است:

غم هجران او را بر دل آسان نیست ره دادن

شدم خون تا نمودم، در حریم سینه پنهانش. (مصرع، ۲۵۶: ۱۳۸۵)

دل مسافر شد به امیدی که از باغ وصال

سیب و نار و پسته و عناب و بادام آورد. (مصرع، ۲۱۲: ۱۳۸۵)

واژه‌ی دل به صورت واژک ساخته:

در مجموع واژکهای ساخته حاوی واژه دل «یک صد و سی و نه» بار در دیوان مصرع به کار رفته که عبارت اند از: واژک ساخته «دل» چهارده بار، واژک ساخته «دل را» شش بار، واژک ساخته «دل ها» یازده بار، واژک ساخته «ای دل» شانزده بار، واژک ساخته «ازدل» پانزده بار که چهار بار به صورت اختصار **زدل** آمده است. واژک ساخته «دلت» دو بار، واژگ ساخته «به دل» هشت بار بر علاوه واژک ها ساخته چون: بادل و بردل. واژک ساخته «دلی» هفت بار. واژک ساخته «دلا» چهار بار، واژک ساخته «در دل» نزده بار بر علاوه ساختار قدیمی آن **اندر دل** که سه بار بکار رفته است. واژک ساخته «بیدل» که نزده بار به کار رفته است. واژکهای ساخته دیگری که هر کدام یک بار به کار رفته اند که عبارت اند از: هر دل، دل ما، آن دل، همی دل و دلش. ابیاتی چند از کار برد واژکهای ساخته:

حضر کن از کمند انداز صیاد نگاه او

که صد آهوی وحشی را **زدل** در دام می آرد. (مصرع، ۱۳۸۵: ۲۱۱)

صنوبر قامتی، ز بیارخی، سیمین بنا گوشی

دل را برد، کز جوش طپیدن: نیست آرامش. (مصرع، ۲۵۴: ۱۳۸۵)

بسی دل ها نالان است در زلف دلاویزش

که در جولان سزد گویی نگار ترکناز آمد. (مصرع، ۱۳۸۵: ۲۲۴)

واژک دل به صورت واژکهای آمخته:

واژه ی دل به صورت کلمه‌ی مرکب «هشتاد و نه» بار در اشعار مصرع تکرار شده یکی از آن ها واژک آمیخته «دلبر» است؛ که در دیوان مصرع بیست بار تکرار شده است. مرکب بعدی «دلشده» است؛ که شش بار به کار رفته است. کمه بعدی مرکب «دلگشا» است، که دو بار بکار رفته است. مرکب «دلشده» هفت بار؛ مرکب «دل افکار» سه بار. مرکب «دلگیر» دو بار. مرکب «روشن دل» دو بار. مرکب «سخت دل» دو بار؛ مرکب «دل خون» چهار بار؛ مرکب «دلسوز» دو بار. مرکب «دل نشین» پنج بار؛ مرکب «دل آرام» دو بار. ترکیب «دلگرم» دو بار؛ همچنان واژه‌های آمیخته که یک بار بکار رفته اند: دل سیاهی، خسته دل، دل بند، دل آسا، دل آرا، یک دل، دل محو، سنگین دل، دل کنند، دلخواه، خردل، زنده دل، در یادل، خرم دل، دل دوز، خوش دل، دلشاد، دلتنگ، دل کوب، دل خراب، دل دوز، دل جوی، الفت دل، وحشی دل، دل داری، دل آگاه،

دل خورده، دل کباب، آهن‌دلان و دلنواز. برخی از ترکیب‌های عطف نیز با واژه دل نیز در اشعار مصرع نیز به کار رفته است؛ ترکیب‌های: دل و جان که پنج بار بکار رفته است، جان و دل، دل و دیده، ما و دل، دل و دینم که دو بار ذکر شده و چشم و دل.

مصرع ابیاتی زیبایی را در این نوع ترکیب سروده است:

یک نفس لطف، نسیم دلگشای باغ دل

یک مژه زهر عتابت، برق ریز خرمنم (مصرع، ۳۲۰:۱۳۸۵)

زین خسته چه جویی، اثر ناله بلبل

دل تیره، چو از صحبت زاغ و زغن استم. (مصرع، ۳۲۴:۱۳۸۵)

چه ممکن است، زمیخانه، پانهم بیرون

که یار و همدم و **دلسوز**، غیر باده ندارم. (مصرع، ۳۲۵:۱۳۸۵)

به آسانی نمی آزند خوبان، **دل به کف** زان رو

که هر کس این قدح بشکست، خواهد داد تاوانش. (مصرع، ۲۵۷:۱۳۸۵)

واژه‌ی دل در عبارات به کار رفته در اشعار مصرع:

بیشترین کار برد «دل» را مولانا مصرع در عبارات دارد، واژه دل «دوصد و چهل و شش» بار در عبارات‌های مختلف در اشعار مصرع به کار رفته است. در این میان سهم عبارت «متاع دل» دوبار است. عبارت «غنچه‌ی دل» پنج بار؛ عبارت «ناله‌ی دل» سه بار؛ عبارت «لوح دل» چهار بار. عبارت «درد دل» یازده بار؛ عبارت داغ دل شش بار. مرغ دل، سه بار. عبارت «فسردن دل» دو بار. عبارتهای که هر کدام دوبار در اشعار مصرع آمده عبارت اند از: دل نالان، دل خارا، کام دل، ناله‌ی دل، دل تیره، اهل دل، دامن‌دل، دلفگار، دل دیوانه، شرار دل، دل لاله، اضطراب، دل خونین، دل اسیر، سوزدل، کشور دل، پای دل، گوهر دل، دل خسته، آه دل، راه دل، مقصد دل، حریم دل و باغ دل. **عبارت‌های که تنها یک بار بکار رفته اند:** ریش دل، سرخانه‌دل، صید دل، دل نالان، شیشه‌ی دل، دل ویرانه، دل بیکینه، دل مکدر، غم دل، کار دل، دل ستم زده، دل سنگین، دل شیفته، دل عاشق، دل سودازده، چمنستان دل، چمن دل، جراحت دل، سوز دل، اوراق دل، شکست دل، کیست دل، سروراح دل، عقده دل، قافله‌ی دل، دل سودازده، تهی دل، دل سخت، دل افسرده، پیمانۀ دل، مشام دل، دل ما، دل پرسوز، دل بلبل، دل پاره، دل صدچاک، آرزوی دل، پازدل، صحرای دل، مینای دل، جای دل، اجزای دل، تماشای دل، معمای دل، نیرنگ دل، دل صبر آزما، مضراب دل، دل قمری خروش، چشم خاطر خورده دل، دل من، آسایش دل، دل داغ آشیان، دل معنی نگاه، زمین دل، دل قدح، گوش دل، ملک دل، سنگ دل، چشم دل، ساز دل، نشاط دل، دل سنگین، طپیدن گاه دل، کام دل، دل رندان، دل عشاق، صفای دل، مرآت دل، یغمای دل، صفحه‌ی دل، دل رنجور، دل زاهد، دل آشام، شرار دل، دل به کف، حال دل، تعمیر دل، دل معنی سراغ، دل اهل وصال، دماغ دل، مرد دل، عرض دل، اصطفا‌ی دل، پرنده‌ی دل، علاج دل، دل سیر، دل گویا، دل نارسته، اختیار دل، دل آینه، دل غمزده، بسوی دل، محیط دل، دل زار، باب دل، گداخت دل و فراغ دل. (مصرع، ۴-۱۳۸۵:۵۲۹)

مولانا مصرع در این نوع عبارات نیز ابیات ناب سروده است:

به چشم خون فشانم بین، مپرس از **حال دل** یعنی

هر آن چیزی که در دیک است، می آید به کفلیزش (مصرع، ۲۵۸:۱۳۸۵)

فدای چشم مستش چون نساژم گوهر دل را
که کرده بنده عالم را، نگاه الفت آمیزش. (مصرع، ۲۵۹:۱۳۸۵)
ظاهر خراب ساز و به تعمیر دل بکوش
یعنی خذف نمایی و جواهر فروش باش. (مصرع، ۲۶۶:۱۳۸۵)

نتیجه گیری

در نتیجه می توان گفت: دل در نظر مولانا مصرع صاحب جوشش هر دو عالم، عالم نفس و عالم آفاق است. دل هرچند باعث رنج و محنت است؛ اما منبع الهام و خوشی شاعر نیز است. با حواس ظاهری و عقل قاصر نمی توان به کنه اصلی عالم ظاهر و باطن رسید؛ با دل می توان به حقیقت رسید. دل تا به بلا و مصایب گرفتار نشود نمیتواند به کمال برسد؛ پس دل اول باید شکسته شود تا دوباره معمور و آباد گردد. اهل دلان و روشن دلان طبیعتاً دل خراب شده هستند، دل ظرفی است برای مظلوف که همانا معشوق است. با آنهم دل در نزد مصرع مانند برخی عرفا ناشناخته است و حقیقت دل را دانستن ممکن نیست. دل حقیقت طلب مولانا همدمی شاهدان قدسی را نمی خواهد به جز وصال محبوب، دل بانوای شاعر، ما حاصل نگاه حق به آن است و گرنه، نوای در دلش نیست.

به عقیده شاعر سلامتی دل در بودن میان خوف و رجا است، این گونه دل که به وسیله مراقبه قوی شده باشد میتواند به راز نه سپهر دسترسی یابد. بدین لحاظ باید به ظاهر بی اعتنا بود و به آبادی دل کوشید. واژه دل به صورت آزاد و در ترکیبهای مختلف در اشعار مولانا مصرع در مجموع «۵۴۱» بار بکار رفته است؛ در این میان سهم واژه ی دل به صورت آزاد «۶۷» بار، در ترکیب ها ساخته «۱۳۹» بار، در ترکیبهای آمیخته «۹۰» بار، در ترکیب عبارتها «۲۴۵» بار بکار رفته است.

پیشنهادها

دیوان اشعار بسیاری از شعرای خوب مان، که از منابع اول در تحقیق - به ویژه تحقیق در زمینه زبان و ادبیات - اند باید دوباره تصحیح گردند. چون تصحیح کنندگان قبلی آنقدر توجه جدی مبذول ننموده اند.

منابع

قرآن کریم

- انوری، حسن. (۱۳۸۰). فرهنگ کنایات سخن. جلد دوم. تهران: انتشارات سخن.
- حسین زاده، عبدالرضا. (۱۳۸۸). جایگاه دل در عرفان اسلامی با تکیه بر دیدگاه مولانا. فصلنامه پژوهشی، پژوهش نامه اخلاق. سال دوم. شماره ۶.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. چاپ: دوم. جلد، دهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. چاپ: دوم. جلد، پنجم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. چاپ: دوم. جلد، یازدهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. چاپ: دوم. جلد، سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سجادی، جعفر. (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. چاپ هفتم. تهران: انتشارات طهوری.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). سبک شناسی شعر. چاپ، هفتم. تهران: انتشارات مترا.
- عطار، فریدالدین. (۱۳۸۳). منطق الطیر. تصحیح شفیعی کدکنی. تهران: انتشارات سخن.
- مصرع-صفیر، عبدالله. (۱۳۸۵). دیوان مصرع - صفیر. به کوشش: کمال الدین غبرا.
- میبدی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). کشف الاسرار. (برگزیده). به کوشش انزابی نژاد. تهران: انتشارات سمت.



نقش و جایگاه معاهدات از دیدگاه اسلام و حقوق بین الملل معاصر

سید عبدالله کریمی

محصل ماستری حقوق بین الملل، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون علامه طباطبائی تهران-ایران
sayedabdullahkarimi786@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0001-1078-5863>

نویسنده
نشانی برقی

چکیده

اسلام به عنوان یک دین جهانی آغوشش برای ورود همه ملت‌ها و نژادها باز است و همیشه دست خود را برای روابط با دیگران بر اساس دوستی و عدالت و احترام متقابل دراز می‌کند. مفهوم معاهدات از دیدگاه اسلام و حقوق بین المللی به عنوان ابزاری برای تنظیم و زندگی مسالمت‌آمیز میان انسان‌ها و برقراری صلح و امنیت بین المللی می‌باشد. ارزیابی انعقاد و اجرای معاهدات با توجه به اصول اسلامی و ارائه راهکارهایی برای هم‌سویی این دو نظام حقوقی می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اسلام نیز از ابتدای ظهور خود بر اهمیت معاهدات تأکید کرده و تخطی از اصول اسلامی را مستلزم عواقب اخروی می‌داند. معاهدات از ابزارهای کلیدی روابط بین الملل در دوره‌های مختلف بوده و در نظام حقوقی اسلام نیز از اعتبار خاصی برخوردارند و پایه‌گذار روابط مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و غیرمسلمانان هستند. در حقوق بین الملل معاصر، معاهدات نقش مهمی در حفظ صلح و امنیت دارند، اما متأسفانه برخی از اصول آن به درستی رعایت نمی‌شود و گاهی به ابزاری برای قدرت‌های جهانی تبدیل می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: معاهدات، روابط مسالمت‌آمیز، حقوق اسلام، حقوق بین الملل، صلح و جنگ.

The Role and Position of Treaties from the Perspective of Islam and Contemporary International Law

Author

Ainuddin Amani

Email

Department of agronomy, agriculture faculty, Takhar University
ainuddinamany@gmail.com

Abstract

Islam, as a global religion, opens its arms to all nations and races, always extending its hand for relationships based on friendship, justice, and mutual respect. The concept of treaties from the perspective of Islam and international law serves as a tool for regulating and fostering peaceful co-existence among people and establishing international peace and security. This study evaluates the conclusion and implementation of treaties in light of Islamic principles and offers solutions for aligning these two legal systems. The results indicate that Islam has emphasized the importance of treaties since its inception and considers violations of Islamic principles to have consequential repercussions in the afterlife. Treaties have been key instruments of international relations throughout history and hold special significance in Islamic law, serving as the foundation for peaceful relations between Muslims and non-Muslims. In contemporary international law, treaties play a vital role in maintaining peace and security; however, unfortunately, some of their principles are not properly upheld and may sometimes become tools for world powers

Keywords: Treaties, peaceful relations, Islamic law, international law, peace and war

مقدمه

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله و اصحابه و من و لى . حقوق بين الملل اسلامى شامل قواعد فقهى مستقلی در زمينه معاهدات بين المللی است که به عنوان ابزارهای کلیدی روابط بين الملل، زیرساخت‌های روابط مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و غیر مسلمانان را فراهم کرده است. تاریخچه و تفسیر متغیر این حقوق توجه فقها و تاریخ‌نگاران را جلب کرده و فقهای مسلمان، از جمله محمد بن حسن شیبانی، به تدوین سیستم‌هایی برای نگارش معاهدات پرداخته است. با این حال، در حقوق بين الملل نوین حقوق دانان به اندازه کافی به ادغام این نظام توجه نکرده‌اند و این امر منجر به سوء تفاهات و اختلافات میان کشورهای اسلامی و غیر اسلامی گردیده است. بنابراین، بررسی عمیق این نظام ضروری است تا تفاهم بیشتری میان این کشورها برقرار شود. این پژوهش به طور مختصر به نقش و جایگاه معاهدات از دیدگاه اسلام و حقوق بين الملل معاصر می‌پردازد. در بخش اول مفهوم معاهدات در حقوق بين الملل اسلام و حقوق بين الملل معاصر. در بخش دوم: انعقاد معاهدات در اسلام و حقوق بين الملل معاصر و در بخش سوم؛ انواع، آثار و پایان معاهدات در اسلام و حقوق بين الملل معاصر مورد بحث و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

تبیین مسأله

معاهدات به عنوان توافقات رسمی میان دولت‌ها از گذشته‌های دور، نقش کلیدی در روابط بين الملل ایفا کرده‌اند. این معاهدات نه تنها به تنظیم تعاملات بين المللی کمک می‌کنند، بلکه به ایجاد ثبات و امنیت میان کشورها نیز منجر می‌شوند. بنابراین، بررسی نقش و جایگاه معاهدات از دیدگاه اسلام و حقوق بين الملل معاصر اهمیت ویژه‌ای دارد، به ویژه با تأکید بر اصولی مانند صداقت و وفای به عهد در اسلام. در حقوق بين الملل معاصر نیز معاهدات به عنوان ابزارهای قانونی برای حل و فصل مسائل بين المللی و بر اساس اصول حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی کشورها اهمیت دارند.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی

- 1- نقش معاهدات در تنظیم روابط میان دولت‌ها در حقوق بين الملل اسلامی و حقوق بين الملل معاصر چیست؟
پرسش فرعی
- 2- چگونه معاهدات در حقوق بين الملل اسلامی و حقوق بين الملل معاصر می‌توانند در کنار هم عمل کنند؟

اهداف تحقیق

هدف این تحقیق، بررسی و تحلیل نقش و جایگاه معاهدات از منظر اسلام و حقوق بين الملل معاصر است. این تحقیق به دنبال شناسایی اصول اسلامی مرتبط با وفای به عهد و عدالت در معاهدات، و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر حقوق بين الملل است. هم‌چنین، ارزیابی انعقاد و اجرای معاهدات با توجه به اصول اسلامی و ارائه راهکارهایی برای هم‌سویی این دو نظام حقوقی می‌باشد.

اهمیت تحقیق

تحقیق در مورد نقش و جایگاه معاهدات از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر بسیار مهم است، زیرا معاهدات به عنوان ابزارهای کلیدی برای تنظیم روابط و حل اختلافات بین دولت‌ها نقش اساسی دارند. بررسی اصول اسلامی مانند وفای به عهد و عدالت می‌تواند به غنای مبانی حقوقی و اخلاقی معاهدات کمک کند و راهکارهایی برای تقویت همکاری‌های بین‌المللی ارائه دهد.

پیشینه‌ی تحقیق

تحقیقات در زمینه نقش و جایگاه معاهدات از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر به تدریج در دهه‌های اخیر رشد کرده است. در این راستا، پژوهشگران و حقوقدانان به بررسی تطبیقی اصول اسلامی و قواعد حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند. در این جا به صورت مختصر به چند موردی از این تألیفات اشاره خواهد شد: (1) المعاهدات الدولیه فی فقه الامام محمد بن الحسن الشیبانی، نوشته‌ی عثمان بن جمعه بن ضمیریه، (2) معاهدات بین‌المللی در اسلام (نظریه و عمل از دیدگاه حقوق بین‌الملل اسلامی در مکاتب اهل تسنن)، نوشته‌ی دکتر لیب احمد بسول، ترجمه مهدی شفیعیان، (3) معاهدات بین‌المللی در اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، نوشته‌ی محمود ابراهیم الدیک، ترجمه ابراهیم موسی‌زاده، (4) فقه سیاسی (حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام)، نوشته‌ی عباسعلی عمید زنجانی. با توجه به منابعی فوق در این مقاله به بررسی نقش و جایگاه معاهدات از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر پرداخته خواهد شد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیلی و توصیفی استفاده شده و منابع آن کتاب‌ها، مقالات و اسناد می‌باشند.

نتایج و یافته‌ها

مفهوم معاهدات در حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر

معاهداتی در اسلام از ارزش و اعتبار حقوقی برخوردار هستند که با موازین و ارزش‌های اسلامی منطبق باشند و یا حد اقل بر خلاف موازین و ارزش‌های اسلامی نباشند (بیگدلی، 1401، ص 37). مبانی صلح در فقه حنفی و اسناد بین‌المللی در برخی موارد مشابه هستند. از نظر فقه حنفی، اگر صلح به نفع مسلمانان باشد، بهترین عمل محسوب می‌شود. در اسناد بین‌المللی، از جمله منشور سازمان ملل، صلح به عنوان هدف و حق بشری شناخته شده و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از وظایف اساسی این نهاد است. شیوه‌های دستیابی به صلح شامل مذاکره، میانجیگری، داوری و خلع سلاح بوده و صلح آثار حقوقی، جهانی، منطقه‌ای، محیط‌زیستی، توسعه‌ای و اقتصادی دارد. (سهیم، 1399، ص 11). از آنجا که اسلام به اصل وفای به معاهدات تأکید داشته خوشبختانه این اصل در حقوق بین‌الملل معاصر نیز در نظر گرفته شده است. در این محث به مفهوم معاهده در حقوق اسلام مفهوم معاهده در حقوق بین‌الملل معاصر و مشروعیت معاهده پرداخته خواهد شد.

مفهوم معاهدات در حقوق اسلام

معاهده در زبان عربی به معنای نگاه داشتن به چیزی و بستن قرارداد یا تعهد در مورد آن است. عهد، به معنای حفظ و رعایت چیزی و انجام تعهدات در آینده است. هم‌چنین به معنای قرارداد، توثیق و سوگند است و جمع آن عهود است (صُمیریه، 1417، ص 25). برای مثال، در قرآن آمده است: {وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ}؛ یعنی: «و به عهد خدا چون پیمان بستید، وفا کنید» (النحل: 91). معاهده عبارت است از تعهد میان دو گروه مبنی بر شروطی که هرکدام بر آن ملزم باشند. و در اصطلاح، عبارت است از آنچه که میان دو شخص و یا دو گروه منعقد می‌گردد، به شرطی که طرفین معاهده نظر به مصلحت مشترکی که از معاهده دارند، ملزم به رعایت آن باشند (الزحیلی، 1419، صص 345-346).

در حقوق بین‌الملل اسلام، «معاهده‌ی بین‌المللی» به توافقات میان دولت‌های اسلامی یا سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در موضوعات خاص اطلاق می‌شود که دین اسلام آثار حقوقی بر آن‌ها مترتب کرده است. این معاهدات بر اساس احکام و اصول شریعت اسلام شکل گرفته و دارای اعتبار و آثار حقوقی مشخص هستند. (حسینی، 1394، ص 52).

مفهوم معاهدات در حقوق بین‌الملل معاصر

معاهده‌ی بین‌المللی به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق بین‌الملل، فعالیت کشورها و تابعان حقوق بین‌الملل را در عرصه جهانی نشان می‌دهد. به طور کلی، معاهده به هر توافق کتبی یا شفاهی میان دو یا چند تابع حقوق بین‌الملل اطلاق می‌شود که مطابق با حقوق بین‌الملل تنظیم شده و آثار حقوقی مشخصی به بار می‌آورد. (بیگدلی، 1400، صص 8-9). کنوانسیون (1969) وین، معاهدات بین‌المللی را چنین تعریف نموده است: «معاهده به معنی توافق بین‌المللی است که میان کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، اعم از اینکه در سندی واحد یا دو یا چند سند مرتبط به هم آمده باشد، قطع نظر از عنوان خاص آن.» (کنوانسیون وین 1969، قسمت (الف)، بند (1)، ماده 2).

مشروعیت معاهدات در حقوق بین‌الملل اسلامی

معاهدات بین‌المللی ابزاری برای تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میان کشورها هستند و نشان‌دهنده منافع مشترک طرفین بوده و ایجاد روابط مسالمت‌آمیز را از طریق احترام به این توافقات و حسن نیت امکان‌پذیر می‌سازند. (الدیک، 1398، ص 42). بنابراین، معاهدات باید از دیدگاه حقوق بین‌الملل اسلامی مشروعیت و مبنای قانونی داشته باشند و مطابق با قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) باشند. این موضوع باعث تقویت اعتبار و پایداری این معاهدات در اسلام می‌شود، زیرا هر معاهده‌ای که با اصول اسلامی مخالف باشد، حرام و غیرمعتبر است. (حسینی، 1394، ص 80).

مشروعیت معاهدات در قرآن کریم: قرآن کریم در بسیاری از آیات بر مشروعیت معاهده و لزوم

وفاء به آن تأکید کرده است که در این جا چند آیتی از قرآن کریم را در رابطه ذکر می‌نماییم:

1- {وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ}؛ یعنی: «و به عهد الهی چون پیمان بستید وفا کنید» (النحل: 91).

2- { وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا } یعنی: « و به پیمان [خود] وفا کنید زیرا که از پیمان پرش خواهد شد» (الاسراء: 34).

3- { إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ } یعنی: « مگر کسانی از مشرکان که با آنان پیمان بسته‌اید و با شما هیچ‌گونه نابکاری نکرده‌اند و هیچ کس را در برابر شما یاری نداده‌اند، پس پیمان ایشان را تا پایان مدتش به سر برید، که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد» (التوبه: 4).

مشروعیت معاهدات در سنت پیامبر اسلام (ص): پیامبر اسلام (ص) بر مشروعیت معاهدات در اسلام تأکید کرده و خود به امضای پیمان‌هایی پرداخته و مسلمانان را به وفاداری به عهد تشویق می‌کردند. اولین معاهده بین‌المللی ایشان پس از هجرت به مدینه، با مشرکان و یهودیان بود که به عنوان نخستین قانون اساسی مکتوب جهان شناخته می‌شود و بر همزیستی مسالمت‌آمیز و آزادی دین، عقیده، یاری یکدیگر علیه متجاوزین و حمایت از وطن تأکید دارد. (حسینی، 1394، ص 44). علاوه بر عهدنامه مذکور پیامبر (ص) در گفتار و کردار خود به پایبندی به معاهدات تأکید نموده است: *عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: مَا حَظَبْنَا نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا قَالَ: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ»* یعنی: انس بن مالک گفت: «ما هیچ‌گاه با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) سخن نگفتیم مگر اینکه او گفت: کسی که امانتدار نیست ایمان ندارد، و کسی که به عهد خود وفا نمی‌کند دین ندارد» (الزحیلی، 1393، ص 178). پیامبر اکرم (ص) همواره به احترام و پایبندی به معاهدات تأکید داشته و وفا به عهد را واجب دانسته است.

مشروعیت معاهدات در حقوق بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل، هدف و جهت معاهده باید مشروع و جایز باشد، به طوری که کنوانسیون وین (1969) تصریح می‌کند که اگر معاهده‌ای با قوانین آمره حقوق بین‌الملل مغایرت داشته باشد یا موضوع آن برخلاف اخلاق باشد، باطل خواهد بود (کنوانسیون وین 1969، ماده 53). هم‌چنین، پیش از امضای هر معاهده، ضروری است که روابط ایجاد و مذاکره انجام شود تا به توافق نهایی دست یابند. این فرایند در چارچوب حقوق بین‌الملل مشروع و قانونی است.

حقوق بین‌الملل عمومی برای انعقاد صحیح معاهدات، شروطی را تعیین کرده که رعایت آنها الزامی است: (1) صلاحیت منعقدکنندگان معاهده: هر کشوری که قصد امضای معاهده با کشور دیگری را دارد، باید به طور کامل مستقل و دارای حاکمیت باشد. (2) رضایت دو طرف: معاهده باید با رضایت کامل هر یک از دولت‌های شرکت‌کننده منعقد شود. (3) مشروعیت موضوع معاهده: موضوع معاهده باید در چارچوب حقوق بین‌الملل عمومی قانونی و جایز باشد، به عبارت دیگر با قوانین بین‌المللی، مبانی اخلاقی و معاهدات گذشته مغایرت نداشته باشد (الدیک، 1398، صص 50-51). این سه شرط اساسی برای انعقاد

صحيح معاهدات میان کشورها در نظام حقوق بین‌الملل عمومی تعیین شده است. در حالی که نظام حقوقی اسلام توجه ویژه داشته و چندین قرن قبل به این شروط اساسی اهمیت داده و باید مورد توجه قرار گیرند.

انقصاد معاهدات در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر

معاهدات به عنوان چارچوبی در روابط داخلی و بین‌المللی میان مسلمانان و غیرمسلمانان، برای حفظ آرامش و استقرار صلح اهمیت زیادی دارند. حقوقدانان اسلامی به این معاهدات توجه ویژه‌ای کردند و سیستمی برای تنظیم آن‌ها ایجاد کردند که شامل تمام جنبه‌های تأسیس، اختتام، تأثیر و پایان معاهدات بین‌المللی است (Bashir, 2018, pp. 225-226). در این زمینه، شرایط صحت انعقاد معاهدات در اسلام و حقوق بین‌الملل و فرآیند تهیه پیش‌نویس معاهدات بررسی خواهد شد.

شرایط صحت انعقاد معاهدات در اسلام

در اسلام معاهدات زمانی صحت پیدا می‌کند که بر شروط خاصی متوقف باشد، در صورت عدم وجود شروط صحیح معاهده در معرض فساد و نابودی قرار می‌گیرد. در صورتی که معاهدات دارای صحت صحیح نباشد باعث بروز اختلاف میان طرفین می‌شود. به همین سبب است که اسلام شروطی را برای صحت معاهده متناسب با عدالت برقرار نموده است تا معاهده نتیجه‌بخش و پایداری آن‌ها تضمین شده باشد.

طرفین معاهده: یکی از شروط صحت معاهدات در اسلام این است که یک طرف معاهده باید رییس دولت اسلامی یا نایب او باشد. این سخن همانند قواعد حقوق بین‌الملل امروزی است مبنی بر اینکه معاهدات از طرف دولت‌ها بسته می‌شود و رییس دولت یا جانشین او شخصی است که آنرا اجرا می‌نماید (الدیک، 1398، صص 73-74).

موضوع معاهده: شرط منفعت مسلمانان در هنگام انعقاد معاهدات به این معناست که هر معاهده باید به منافع جمعی مسلمانان توجه کرده و از آن‌ها در برابر ضرر و تهدید محافظت کند. هدف این شرط، حفظ قدرت و جایگاه جامعه اسلامی و ایجاد امنیت و عدالت است. بنابراین، اسلام انعقاد معاهدات را مشروط به رعایت دو اصل اساسی می‌داند: 1. مصلحت عمومی مسلمانان و 2. انطباق با احکام شریعت اسلامی، به گونه‌ای که معاهده نه تنها با مصلحت مسلمانان همخوانی داشته باشد، بلکه با اصول دین نیز مغایرت نداشته باشد. (همان، ص 74).

لفظ معاهده: از نظر امام محمد بن حسن شیبانی، اصلی‌ترین عنصر معاهدات در فقه اسلامی، صیغه است که رضایت طرفین را به صورت صریح یا ضمنی بیان می‌کند. برای صحت معاهدات و تبعات آن، رعایت شرایط ضروری مرتبط با طرفین، محتوای معاهده و عوامل عقد الزامی است؛ در غیر این صورت، معاهده باطل خواهد بود. (ضمیمه، 1417، صص 41 و 47).

مقام صلاحیت‌دار یا امضاءکنندگان معاهده: صلاحیت انعقاد معاهدات در اسلام در دست رئیس دولت به عنوان شخصی که وظایف جهاد را به عهده دارد، می‌باشد و بالاترین مرجع با صلاحیت بوده

که می‌تواند تصمیم بگیرد چه موقعی دست از جهاد بکشد و معاهده صلح امضاء کند (خدوری، ولیسنی ج، 1336، ص 290).

رضایت: شرطی دیگری از معاهدات در اسلام، رضایت طرفین عقد می‌باشد. رضایت در تجارت و سایر قراردادهای دیگر ضروری است، بهتر است که این مسئله نیز برای معاهدات بین‌المللی که دولت اسلامی به آن‌ها وابسته است، ضروری باشد. استدلال‌شان به این آیه قرآن کریم می‌باشد که خداوند متعال می‌فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا }؛ ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آنکه تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد. و خودکشی نکنید؛ زیرا خدا همواره به شما مهربان است (النساء: 29). این آیه مبنای اصل رضایت متقابل هر دو طرف بوده و در تمام معاهدات یا توافق‌ها از جمله معاهدات مرتبط با داد و ستد یا تفاهم‌های دو جانبه صدق می‌کند (پسول، 1389، ص 233). جمهور فقها نیز به این نتیجه رسیده‌اند که عدم رضایت باعث بطلان یا فساد معاهده می‌شود - به یک مفهوم در نظر آنان - به این معنا که معاهده بلافاصله لغو می‌شود و اثری ندارد، و فقهای مالکی می‌گویند عدم رضایت طرفین عقد را غیر الزامی می‌کند (صُمیریه، 1417، ص 54).

قانونی و مشروع بودن معاهده: هر معاهده که مخالف نص قرآن و سنت نباشد و برای طرفین مفید باشد عقد آن جایز است (الدیک، 1398، ص 33). برای آنکه معاهده معتبر باشد باید با احکام حقوقی متون دینی، یعنی قرآن و سنت مطابقت داشته باشد و نباید در تضاد قرار گیرد و باید در قلمرو حقوق اسلامی جای گیرد، از تبهکاری جلوگیری و کردار نیکو را ترویج نماید (Hourani, 1991, p.196).

اجماع فقها درباره جنبه‌های حقوقی معاهده این است؛ هر معاهده‌ای که شروط آن با قوانین اسلام در تعارض باشد، به طور خودکار باطل است. بنابراین، امام مسلمانان باید قبل از انعقاد هرگونه معاهده‌ی، آنرا با متون مقدس دین اسلام، یعنی قرآن و سنت مورد بررسی قرار داده و اطمینان حاصل کنند که آن معاهده در تضاد با اصول اسلامی نباشد (Muir, 1891, p.474).

محدودیت زمانی: یکی از شرایطی دیگر معاهده زمان معین آن است (Muir, 1891, p.474). بلند مدت باشند و این امکان را فراهم می‌کند تا درباره مسائل معاهده و الزامات آن تفکر شود. این شرط بر اساس این درک که هر دو طرف از مدت زمان دقیق آگاهی دارند، تعیین می‌شود. معاهده می‌تواند موقتی و محدود به مدت زمان مشخص و همیشگی باشد، اما در اسلام، معاهدات بین‌المللی به هیچ مدت زمانی محدود نمی‌شوند (پسول، 1389، صص 237-238).

شرایط صحت انعقاد معاهدات در حقوق بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل در خصوص شرایط انعقاد معاهدات ماده 2 کنوانسیون وین سال 1969 بیان می‌کند که معاهده باید مکتوب باشد. پس شروط صحت معاهدات در حقوق بین‌الملل به صورت مختصر مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

۱- صلاحیت طرفین معاهده: در حقوق بین‌الملل، استحکام معاهدات نشانه‌ای از اقتدار حکومت است و اگر دولتی که حاکمیت کامل ندارد، معاهده‌ای را منعقد کند، ممکن است به درخواست دولت دیگر باطل شود. قوه مجریه هر کشور مسئول مذاکره و انعقاد معاهدات است، اما در صورت تخطی نماینده، مقام مسئول می‌تواند آن را تأیید کند. برای انعقاد معاهدات، دولت‌ها باید حاکمیت کامل داشته و نماینده‌ای مورد اعتماد با سند نمایندگی مشخص باشد، که معمولاً شامل سران دولت و وزرای امور خارجه است. (الدیک، 1398، صص 77-78).

۲- رضایت طرفین: در حقوق بین‌الملل نیز رضایت طرفین جهت انعقاد معاهده یکی از شرایط اساسی معاهده پنداشته می‌شود. هرگاه معاهده بر اساس اکراه، اشتباه و تدلیس با دولتی منعقد شود این معاهده برخلاف حقوق بین‌الملل پنداشته شده و باطل شمرده می‌شود. کنوانسیون وین سال (1969) در مورد اکراه دولت بر انعقاد معاهده چنین بیان می‌دارد: «معاهده‌ای که انعقاد آن بر اثر تهدید یا کاربرد زور ناقص اصول حقوق بین‌الملل مندرج در منشور سازمان ملل صورت گرفته باشد، باطل است» (کنوانسیون وین 1969، ماده 52). هم‌چنین کنوانسیون در مورد چنین صراحت دارد: «اگر دولتی به انعقاد معاهده ای راضی باشد، اما نماینده آن دولت به صورت مستقیم یا غیرمستقیم توسط دولت مقابل در مذاکرات فاسد شده باشد، آن دولت می‌تواند به این فساد استناد کرده و خواستار ابطال آن معاهده شود. یعنی وجود فساد در روند مذاکره و انعقاد معاهده، به عنوان دلیلی برای ابطال آن معاهده شناخته می‌شود» (کنوانسیون وین 1969، ماده 50). رضایت طرفین برای انعقاد معاهده بیانگر اصل حقوقی است که طرفی که در مذاکرات تحت تأثیر رفتار فریبنده طرف مقابل قرار گرفته و به انعقاد معاهده وادار شده است، می‌تواند این تقلب را به عنوان دلیل ابطال رضایت خود برای التزام به آن معاهده مطرح کند.

۳- مشروعیت معاهده: برای اینکه یک معاهده بین‌المللی معتبر باشد، لازم است شرایط زیر را دارا باشد:

1. هدف و موضوع آن مطابق با اصول و قواعد حقوق بین‌الملل و اخلاقی باشد.
2. محتوای معاهده نباید با تعهدات و تمهیدات قبلی طرفین در تعارض باشد.
3. در صورتی که هدف یا موضوع معاهده با این اصول مغایر باشد، آن معاهده قابل اعتبار نخواهد بود (الدیک، 1398، ص 80).

فرایند تهیه پیش‌نویس معاهدات و انعقاد آن‌ها

در حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل، فرایند تهیه و انعقاد معاهدات از اهمیت و ضوابط خاصی برخوردار است و شامل مراحل مختلفی است که باید با رعایت اصول مرتبط انجام شود. این فرایند شامل مذاکرات، نگارش معاهده، تصویب و تبادل نسخه‌های معاهدات بوده و موضوع انعقاد معاهدات بین دولت‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

مذاکره: مسلمانان هر معاهده‌ی را که منعقد کرده اند مگر اینکه قبل از آن مذاکره انجام دادند و نمونه این چنین مذاکرات معاهده صلح حدیبیه است که میان پیامبر (ص) و قریش انعقاد یافت (همان، ص 52). پس از اتفاقات حدیبیه، مذاکرات در جنگ خندق به دقت مدیریت شد و رویکردی اتخاذ شد که تأخیر در تصمیم‌گیری و انصاف در معاهده را تضمین می‌کرد و از جانبداری جلوگیری می‌کرد. پیامبر (ص) در بستن معاهدات با دیگران به امتیازها و توجه به مکی‌ها برای صلح مدارا کرد، که در طولانی مدت به نفع آنان بود. با بستن معاهده صلح حدیبیه، پیامبر (ص) به عنوان رهبر جامعه اسلامی توسط مخالفانش شناخته شد و این امر به پیروان اسلام اجازه داد که به راحتی پیام اسلام را بدون مزاحمت ترویج دهند. (Inalcik, 1973, p.35). در زمان مذاکره معاهده، مسلمانان باید به توافقات اولیه توجه کنند تا به هدف تکمیل معاهده برسند، که این فرایند گفت‌وگو از زمان پیامبر (ص) و معاهده صلح حدیبیه آغاز شد. (Imber, 1997, p.4).

در حقوق بین‌الملل معاصر، مذاکره اهمیت زیادی دارد؛ زمانی که کمیسیون حقوق بین‌الملل تصمیم به تنظیم یک معاهده می‌گیرد، یکی از اعضای خود را به عنوان گزارشگر ویژه تعیین می‌کند. گزارشگر ویژه با همکاری دبیرخانه سازمان ملل موضوع را بررسی کرده و پس از مذاکرات گسترده، طرح اولیه مواد معاهده تهیه می‌شود که به مجمع عمومی و کشورهای عضو ارسال می‌شود تا نظرات خود را ارائه دهند (بیگدلی، 1400، ص 31).

نگارش معاهده: نگارش معاهده یک بخش حیاتی در فرایند شکل‌گیری آن است، زیرا با تصدیق و اعتبار آن همراه است. (بسول، 1389، صص 246-247). شیبانی تأکید می‌کند که نگارش معاهده همراه با شرایط آن اهمیت دارد. اگر مسلمانان و غیرمسلمانان برای مدتی معاهده‌ی مشترک بسته باشند، باید آن را بنویسند، زیرا احتمالاً برخی از شرایط معاهده به صورت مستمر یا قابل تجدید باشند (Inalcik, 1973, p.35). در واقع، ثبت شرایط، مدت زمان، اهمیت و دقت در نوشتن معاهدات برگرفته شده از این آیه قرآن کریم است که می‌فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينِكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ؛ ای اهل ایمان! چنانچه وامی به یکدیگر تا سر آمد معینی، دادید، لازم است آن را بنویسید (البقره: 282). نویسنده باید معاهده را به گونه‌ای تدوین کند که هیچگونه بی‌عدالتی در قبال هیچ فردی ایجاد نشود (Lyber, 1913, pp.35&56).

معاهده باید تمام شرایط و جزئیات مورد توافق طرفین را شامل کند و هم‌چنین جزئیات مربوط به مدت زمان و اعتبار، از جمله تاریخ شروع و پایان معاهده، در آن درج شود. بر اساس نظر شیبانی، طرف‌های که معاهده را منعقد می‌کنند باید تاریخ‌ها را به ترتیب سال و ماه، تاریخ شروع را با ماه و سال، مشخص کنند. (Imber, 1997, pp. 12&122). در حقوق اسلام، معاهده شامل بخش‌ها و قسمت‌های مختلفی است. همچنان موضوع نگارش زبان در زمان انعقاد معاهدات یکی از موضوعات مهمی در حقوق بین‌الملل نوین

می‌باشد. عهدنامه (1969) وین به این موضوع پرداخته که طرفین معاهده باید آنرا در نظر داشته باشند (کنوانسیون وین 1969، ماده 33).

تصویب و تبادل نسخه‌های معاهده: تأیید یا تصدیق آخرین مرحله معاهده است که در آن طرفین به اجرای مفاد معاهده متعهد می‌شوند و هیچ یک از آنها در این مرحله حق کناره‌گیری ندارند. مسؤولیت این فرایند به عهده امام یا نماینده اوست و در زمان انعقاد معاهده صلح حدیبیه، پیامبر (ص) دستور دادند که دو نسخه از معاهده تهیه شود، یکی برای خود و دیگری برای مکه، تا هر طرف از بروز سوء تفاهم جلوگیری کند (پسول، 1389، ص 251). اولین عهدنامه در زمان پیامبر (ص) عهد نامه‌ای بود که به وسیله‌ای آن پیامبر (ص) پس از هجرت برای آشتی دادن قبایل مدینه تنظیم نمود (خدوری، 1335، صص 307-308). در حقوق بین‌الملل برای تصویب یک معاهده تشریفاتی خاصی در نظر گرفته شده است (براون‌لی، بی‌تا، ص 191). موضوع تصدیق معاهده در ماده (9) و (10) عهدنامه (1969) وین اختصاص داده شده است.

انواع، آثار و پایان معاهدات در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر

در این جا در نخست به انواع معاهدات پرداخته، بعداً آثار معاهدات را بررسی نموده که در صورت معاهده منعقد می‌شود، چی آثاری را برای طرفین مترتب می‌سازد. در آخر به پایان معاهدات پرداخته خواهد شد.

انواع معاهدات بین‌المللی در حقوق اسلام

معاهدات بین‌المللی بر اساس نوع روابط گذشته میان مسلمانان و غیرمسلمانان، بطور دائم یا موقت، قابل تعریف هستند. در حقوق بین‌الملل اسلامی، نوع معاهده (دائمی یا موقت) متأثر از ماهیت روابط پیشین میان مسلمانان و غیرمسلمانان است و نه موضوع آن، این امر مشخص کننده ماهیت حقوقی معاهدات در اسلام است. هریک به صورت مختصر مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

معاهدات دائم: معاهده دائم به دو بخش عقد ذمه و عقد صلح تقسیم می‌شوند که هریک مختصراً مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

1) عقد ذمه: عبارت از معاهده‌ی ذمه است که بین مسلمان و اهل کتاب منعقد می‌شود (و یا، در نظر برخی، عموماً برای غیرمسلمانان) به ازای پرداخت مال شخصی، به منظور بهره‌برداری از حمایت و معافیت از برخی وظایف در قلمرو اسلام منعقد می‌شود (الزحیلی، 1419، ص 356). اهل سنت عقد ذمه را در مورد غیر اهل کتاب نیز جایز شمرده‌اند (شهبازی، 1397، ص 69). ولی فقهای عقد ذمه از نظر فقهای اهل تشیع به تنها با اهل کتاب منعقد می‌شود.

2) عقد صلح: عقد صلح یکی از روش‌های پایان دادن به جنگ است، اما در حقوق بین‌الملل اسلامی به جای آن از اصطلاحاتی مانند امان، مهاده و ذمه استفاده می‌شود. اگرچه عقد صلح به عنوان یک معاهده مستقل باید پایدار باشد، دولت‌های درگیر به سختی شرایط آن را می‌پذیرند و ترجیح می‌دهند با معاهده آتش‌بس و ترک مخاصمه، جنگ را به تعویق بیندازند. (همان، ص 71).

معاهدات موقت: معاهده موقت، برای یک زمان معلوم و معین می‌باشد. اگر برای افراد معین و محدود باشد، آن را به عنوان امان می‌دانند، ولی اگر برای افراد غیرمحدود تا یک زمان مشخص باشد، به عنوان هدنه شناخته می‌شود که به عنوان مصالحه، معاهده، مسالمت و مهاده نیز نامیده می‌شود (الزحیلی، 1419، ص 357). هریک به صورت مختصر مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

1) عقد امان: عقد امان عبارت از معاهده‌ی ترک قتل و جنگیدن یا ترک مخاصمه و جنگ با حربی‌هاست (الزحیلی، 1405، ص 429). معاهده‌ی امان یا «استیمان» به عنوان تعهد حمایتی در روابط خارجی با بیگانگان به کار می‌رود و طرف‌ها در آن متعهد می‌شوند که امنیت جانی و جانوری یکدیگر و شهروندان کشورهای دیگر را تضمین کنند. هدف این معاهده، ایجاد زندگی مشترک و صلح‌آمیز بین مسلمانان و غیرمسلمانان و حفاظت از بیگانگان بدون تعرض به حقوق آن‌هاست. اگرچه معاهده امان به عنوان قرارداد موقت شناخته می‌شود، تأثیرات مشابهی با معاهده ذمه دارد و در صورت اعلام پایان مدت معاهده، شخص مستأمن می‌تواند از شرایط معاهده ذمه بهره‌مند شود. در دارالاسلام اقامت داشته باشد (عمیدزنجانی، 1388، ص 46).

2) عقد هدنه: معاهدات در حقوق بین‌المللی اسلامی به متارکه جنگ «هدنه» یا «مهاده» گفته می‌شود، در واقع نوعی معاهده‌ی صلح است که در پایان جنگ بین مسلمانان و دشمنان بسته می‌شود. به همین دلیل، عقد «هدنه» با «معاهده صلح» مترادف استفاده می‌شود. شیخ طوسی عقد ذمه و عقد هدنه را از مصادیق «امان» شمرده و امان را به دو صورت موقت و دائمی تقسیم کرده است (الشیخ الطوسی، 1378، ج 2، صص 37 و 50). فرماندهان مسلمان نمی‌توانند معاهده مهاده را منعقد کنند و بستن چنین معاهداتی با دشمنان تخلف محسوب می‌شود، در حالی که نزدیک شدن افراد مرتبط به اردوگاه مسلمانان تنها از امان موقت برخوردار خواهد بود که به دلیل اعتبار معاهده هدنه نیست و بر اساس شبهه استیمان اعطا می‌شود. فقهای اهل سنت، از جمله فقهای حنفی، با این حکم موافقت (عمیدزنجانی، 1388، ص 67).

3) عقد استیمان: در برخی از کتب فقهی اهل سنت، تعریف استیمان به گونه‌ای آمده است که به معنای مهاده تلقی می‌شود. عقد «امان» به معنای معاهده‌ی ترک مخاصمه و جنگ است (الزحیلی، 1405، ص 429). برخی از فقهای شیعه، با استناد به شیخ طوسی، عقد مهاده را به عنوان «امان» تعریف کرده‌اند که به معنای توقف جنگ و پاسخ مثبت به درخواست دشمن است. از آنجا که معاهدات «امان»، «ذمه» و «هدنه» تأثیر مشابهی دارند، این سه معاهده به شکلی مشابه مورد بحث قرار می‌گیرند و شامل امنیت مالی، جانی و عرضی طرفین و همزیستی با مسلمانان است (پیشین، صص 53-54).

برخی از فقهای اهل سنت استیمان را به دو نوع عام و خاص تقسیم کرده‌اند: یک؛ استیمان عام، تعهدی است که امام یا نماینده‌اش به همه دشمنان یا یک گروه از آنان می‌دهد و هیچ تخرافی از سوی مسلمانان مجاز نیست. دو؛ استیمان خاص، امان ویژه‌ای برای یک یا چند نفر از دشمنان است که در صلاحیت

عمومی مسلمانان قرار دارد و حدیث نبوی «المسلمون تتكافأ دماءهم» به مشروعیت آن اشاره دارد و مذاهب اربعه اهل سنت بر آن اجماع کرده‌اند. (همان، صص 59-60).

در حقوق بین‌الملل طبقه‌بندی معاهدات بر اساس عرف بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد، که معاهدات را بر اساس روش‌ها و شاخص‌های مختلفی طبقه‌بندی نموده‌اند.¹

آثار معاهدات در حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل

معاهدات در حقوق اسلام نقش مهمی در تنظیم روابط بین‌المللی و حفظ صلح و عدالت دارند و می‌توانند به تعیین قوانین و تعهدات بین‌المللی کمک کنند. بناءً این معاهدات آثاری را برای طرفین به وجود می‌آورد که هر یک مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

احترام و التزام طرفین به معاهدات: مفهوم اجرا و احترام به الزامات معاهدات در حقوق اسلامی برگرفته از قرآن می‌باشد، قرآن کریم به وضوح تأکید می‌کند که مسلمانان باید به تعهدات و پیمان‌های خود احترام بگذارند (سول، 1389، ص 254). خداوند متعال می‌فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ}; ای اهل ایمان! به همه قراردادهای [فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نذر، عهد و سوگند] وفا کنید (المائده: 1). این مفهوم از اجرا و احترام به الزامات معاهده نشان می‌دهد که در حقوق اسلام، انعقاد معاهده یک امر مهم و حیاتی است و مسلمانان موظف‌اند به تعهداتی که در قراردادهای بر عهده می‌گیرند، پایبند باشند.

علاوه بر این، قرآن کریم تأکید می‌کند طرفین قرارداد به آنچه که معاهده بسته‌اند احترام بگذارند و از هرگونه تخطی از این اصل پیامدهایی را به دنبال دارد.² در قرآن کریم راجع به احترام و اجرای معاهدات آیاتی زیادی وجود دارد.³ اجماع فقها بر این است که تمام شرایط وضع شده در معاهدات تا زمان اعتبار باید اجرا شود و طرفین ملزم به احترام و رعایت آن هستند (پیشین، ص 257). پیامبر اکرم (ص) همواره به احترام و پایبندی به معاهدات تأکید داشته و وفا به عهد را واجب دانسته است. در این حدیث پیامبر (ص) یکی از صفات منافقین را عدم وفا داشتن به عهد و پیمان‌شان می‌باشد دانسته است (ضمیریه، 1417، ص 125).

محافظت از حقوق طرفین معاهدات: به امضاءکننده یک معاهده، به طور خودکار امان داده می‌شود و این محافظت، یک ضمانت برای حفاظت از مال خانواده و سلامتی شخص مستأمن را فراهم

¹ ر.ک: محمد رضاضبائی بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، پیشین، صص 17-18. هم‌چنان جهت معلومات و مطالعه بیشتر به صص 19-22.

² ن.گ: قرآن کریم، سوره التوبه، آیه 4.

³ سوره النحل، آیات 91-92، سوره اسراء، آیه 34، سوره الانفال، آیات 55-58، سوره بقره، آیه 100 و سوره توبه، آیات 12-12.

می‌کند. علاوه بر این، این محافظت شامل حمایت از آیین‌ها و اماکن مقدس وی نیز می‌شود. در صورتی که یک مسلمان، فردی را که به او امان داده شده بود، به قتل برساند، ملزم به پرداخت خون‌بها یا دیه است (پسول، 1398، ص 258). خداوند بزرگ به چنین مسئله‌ای در قرآن کریم اشاره نموده که قاتل باید خون‌بهایش را به خانواده او پرداخت و یک بنده مؤمن را آزاد نماید.¹

از وظایف امام، فراهم آوردن امنیت برای آنان و هم‌چنین محافظت و جلوگیری از هرگونه بی‌عدالتی بر آنان است. امام باید از ستم جلوگیری کرده و تا زمان اقامت آنان در دارالاسلام، همان‌گونه که از اهل ذمه محافظت می‌شود، از آنان نیز حمایت شود (پیشین، ص 258). حتی اگر مستأمن از قلمرو اسلام خارج شود و در دارالاسلام مالی به جای گذاشته باشد هم‌چنان در امان مسلمانان خواهد بود و در صورت مرگ مستأمن به ورثه وی منتقل خواهد شد. (عمیدزنجانی، 1388، ص 56). حقوق ناشی از جنگ همانند کشتن، اسارت، غارت و مسائل دیگر خاتمه یابد (حمیدالله، 1384، ص 306).

در حقوق بین‌الملل معاصر، هر معاهده پس از ورود به سیستم حقوقی و لازم‌الاجرا شدن، اعتبار قانونی دارد و باید توسط طرفین اجرا شود. الزام‌آور بودن معاهدات یکی از ویژگی‌های اصلی آنهاست، به این معنی که طرف‌ها موظف به اجرای صحیح و کامل آن هستند. به‌طور کلی، هر معاهده فقط برای طرف‌های خود قابل اجراست، اما در برخی موارد ممکن است آثار حقوقی در قبال اشخاص ثالث نیز داشته باشد. (بیگدلی، 1400، ص 115).

پایان معاهدات در حقوق بین‌الملل اسلامی

در حقوق بین‌الملل اسلامی، مدت زمان یک معاهده براساس تمایل یکی از طرفین معاهده و با تحلیل احکام مندرج در آن به پایان می‌رسد. این وضعیت در فقه اسلامی به عنوان نقض معاهده شناخته می‌شود که معادل فسخ در حقوق بین‌الملل است (الزحیلی، 1393، صص 247-249). هر یک از حالت‌های نقض یا ختم معاهدات را مورد بحث ارزیابی قرار خواهد گرفت.

نقض معاهده از جانب مسلمانان: اصل در معاهدات دوام و انفاذ آن است و تا زمان پایان یافتن مدت معاهده ملزم به رعایت آن باشیم، تا مدت تعیین شده منقضی شود و یا اینکه معاهده از جانب مقابل نقض شود. به همین دلیل خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾؛ ای اهل ایمان! به همه قراردادهای [فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نذر، عهد و سوگند] وفا کنید (المائده: 1). و هم‌چنان پیامبر (ص) می‌فرماید: «المؤمنون عند شروطهم» یعنی؛ مؤمنان به عهد و پیمان خود وفا دارند. فقهای حنفی بر این باور اند که امام در صورتی که متوجه خیانت یا نقض معاهده از سوی طرف دیگر شود و بترسد که معاهده به عنوان یک تدبیر و مقدمه برای تجاوز یا تهدید قوی استفاده شود، مجاز است معاهده مؤقت را نقض کند (الزحیلی، 1419، صص 359-360). آنان به این فرموده خداوند

1 ن. گ: قرآن کریم، سوره النساء، آیه 92.

بزرگ استدلال می‌کنند: {وَأَمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَبْذِ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ}؛ و اگر از خیانت و پیمان شکنی گروهی [که با آنان هم پیمانی] بیم داری، پس به آنان خبر ده که [پیمان] به صورتی مساوی [و طرفینی] گسسته است؛ زیرا خدا خائنان را دوست ندارد (الانفال: 58).

نقض پیمان از جانب مقابل (غیر مسلمانان): وقتی دشمن معاهده را نقض می‌کند، معاهده به صورت خودکار به پایان می‌رسد. نقض معاهده از جانب غیر مسلمانان حالت‌های مختلفی دارد که ذیلاً مورد بحث و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

1) نقض عهد ذمه: مذهب حنفی معتقد است که عهد اهل ذمه (غیرمسلمانانی که تحت حمایت مسلمانان زندگی می‌کنند) تا زمانی که آنها عمداً واجبات اسلامی را ترک نکنند، پابرجاست. اما اگر این افراد توان جنگی داشته باشند و به مسلمانان حمله کنند یا به دارالحرب ملحق شوند، می‌توان عهد را خاتمه داد. نقض عهد شامل اعمالی مانند زنا با زن مسلمان، جاسوسی، فتنه‌انگیزی در دین مسلمانان و توهین به مقدسات است، به‌ویژه اگر این اعمال به صورت علنی انجام شوند. (الزحیلی، 1419، صص 368-371).

2) نقض عهد امان: عهد امان با همان اموری که عهد ذمه نقض می‌گردد و خاتمه می‌یابد، نیر نقض می‌گردد. هم‌چنان با نقض نمودن یک از جانب معاهده نیز خاتمه می‌یابد (الزحیلی، 1393، ص 253). هم‌چنین عهد «امان» به یکی از طرق زیر پایان می‌یابد: 1) خروج مستأمن از دارالاسلام؛ 2) جاسوسی و خیانت مستأمنین به مسلمانان؛ 3) انکار امان دهند؛ 4) پذیرفتن اسلام از سوی مستأمن؛ 5) فوت مستأمن؛ 6) به وجود آمدن فساد در صورت که امان ادامه پیدا کند؛ 7) نقض امان به دلیل مقابله به مثل (عمیدزنجانی، 1388، ص 61).

3) نقض عهد هدنه (آتش‌بس): مکاتب مالکی، شافعی، حنبلی، شیعه امامیه و زیدیه بر این باورند که «هدنه» در صورتی که طرف مقابل با اقداماتی همچون شروع جنگ، اظهار دشمنی، قتل یک مسلمان یا سرقت مال نقض شود، لغو می‌شود. هم‌چنین، توهین به خداوند، قرآن یا پیامبر اسلام (ص) نیز می‌تواند باعث لغو هدنه گردد. مذهب شافعی تأکید می‌کند که هر عملی که موجب نقض عهد ذمه شود، «هدنه» را نیز لغو می‌کند، زیرا «هدنه» به خودی خود ضعیف و غیرقطعی است و تنها با پرداخت جزییات معتبر باقی می‌ماند (الزحیلی، 1419، ص 380).

پایان یافتن معاهده به سبب عملی نبودن شرط: یک پیمان یا معاهده نمی‌تواند شامل شروطی باشد که احکام حقوقی اسلام را نقض کند و در صورت چنین وضعیتی، مسلمانان موظف به پایان دادن آن هستند. شیانی مثالی ارائه می‌دهد: اگر نماینده‌های غیرمسلمان شرطی را برای تحویل اسرای مسلمان مطرح کنند که در صورت عدم تحقق امتیاز، اسرا باید بازگردانده شوند، مسلمانان نمی‌توانند این پیمان را منعقد کنند، زیرا غیرمسلمانان در این مورد به عنوان ستمگر شناخته می‌شوند. این موضوع بر اساس حدیث نبوی است که می‌فرماید: «هر شرطی که اساسی در کتاب خدا ندارد، باطل است.» (پیشین، صص 268-269).

پایان معاهدات در حقوق بین‌الملل معاصر

در حقوق بین‌الملل معاصر معاهدات در صورت تحقق مواردی زیر خاتمه می‌یابند: 1) اجراء مفاد معاهده (با تحقق یافتن هدف معاهده)، 2) توافق طرفین بر لغو معاهده یا اینکه طرفین در همان موضوع معاهده‌ی جدیدی را منعقد نمایند (شکری، 1973، ص 414)، 3) پایان یافتن مدت معاهده، 4) پایان معاهده با نقض شرایط آن، 5) عدم امکان اجرای معاهده، 6) تغییر اساسی در شرایط معاهده، 7) ظهور قواعد آمره جدید، 8) نابودی یکی از طرفین معاهده (الدیک، 1398، صص 97-99).

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که معاهدات نه تنها در روابط مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها نقش مهمی دارند، بلکه ریشه در آموزه‌های اسلامی دارند که از ابتدا بر پیروان اسلام تأکید شده است. اسلام به عنوان یک دین جهانی، به تقویت روابط مسالمت‌آمیز و استفاده از معاهدات به عنوان ابزاری مناسب اهمیت می‌دهد. اصولی چون عدالت، صداقت و احترام متقابل در تنظیم معاهدات، اعتماد و همکاری بین کشورها را تقویت کرده و به کاهش تنش‌ها و پیشگیری از جنگ کمک می‌کند. معاهدات به عنوان پایه‌های قانونی و اخلاقی روابط بین‌المللی به ترویج صلح و ثبات در جهان می‌انجامد.

معاهدات در اسلام و حقوق بین‌الملل جایگاه و نقش مهمی دارند و در نظام حقوقی اسلام به عنوان ابزارهای کلیدی روابط بین‌المللی شناخته می‌شوند که مبنای روابط مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و غیرمسلمانان را تشکیل می‌دهند. در عصر حاضر، معاهدات در حقوق بین‌الملل معاصر نیز به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و گسترش روابط دوستانه میان کشورها کمک می‌کنند. با ایجاد چارچوب‌های قانونی که به اصول اسلامی احترام بگذارد، می‌توان به توافقات متقابل دست یافت و نهادهای بین‌المللی نیز می‌توانند در ترویج گفتگو و تبادل نظر در این زمینه نقش مؤثری ایفا کنند.

منابع

قرآن کریم.

- براون‌لی، یان. (بی‌تا) «نظر اجمالی بر حقوق معاهدات». ترجمه‌ی احمد قطنیه، مجله‌ی حقوقی، شماره 5. بسول، لیب احمد. (1389) معاهدات بین‌المللی در اسلام (نظریه و عمل از دیدگاه حقوق بین‌الملل اسلامی در مکاتب اهل تسنن)، ترجمه‌ی مهدی شفیعیان. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بیگدلی، محمد رضا ضیائی (1400) حقوق معاهدات بین‌المللی. تهران: چاپ نهم. انتشارات گنج دانش.
- بیگدلی، محمد رضا ضیائی. (1401) اسلام و حقوق بین‌الملل. تهران: چاپ سیزدهم. انتشارات گنج دانش.
- حسینی، سید محمد. (1394) رساله‌ای در حقوق بین‌الملل اسلامی. تهران: چاپ اول. انتشارات مجد.
- حمیدالله، محمد. (1384) سلوک بین‌المللی دولت اسلامی. ترجمه‌ی سید مصطفی محقق داماد، تهران: چاپ سوم. انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- خدوری، مجید و لیسنی ج، هربرت. (1336) حقوق در اسلام. تهران: نشر سپهر.
- خدوری، مجید. (1335) جنگ و صلح در اسلام. ترجمه‌ی سید غلامرضا سعیدی، تهران: انتشارات شرکت نسبی اقبال و شرکا.
- الدیک، محمود ابراهیم. (1398) معاهدات بین‌المللی در اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی. ترجمه‌ی ابراهیم موسی‌زاده، تهران: چاپ اول. انتشارات مجد.
- الزحیلی، وهبة. (1393) روابط بین‌الملل در اسلام و مقارنه‌ی آن با قوانین بین‌الدول معاصر. ترجمه‌ی محمد میرویس غیاثی، کابل: چاپ اول. انتشارات مستقبل.
- الزحیلی، وهبة. (1405ق) الفقه اسلامی و الدلته. دمشق: الطبعة الثانية، الجزء السادس. دارالفکر.
- الزحیلی، وهبة. (1419ق) آثارالحرب فی الفقه الاسلامی. دمشق: دارالفکر.
- سهیم، سیدنور. (1399) «وضعیت حقوقی صلح در فقه حنفی و اسناد بین‌الملل». فصل‌نامه علمی - ترویجی دانش‌آموختگان ماستری دانشگاه خاتم‌النبین، سال دوم، شماره دوم.
- شکری، محمد عزیز. (1973م) المدخل الی القانون الدولي العالم وقت السلم. دمشق: دارالفکر.
- شهبازی، آرامش. (1397) اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی. ویرایش مهدیه محمودزاده، تهران: چاپ اول. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- الشیخ الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی. (1378ق) المبسوط فی الفقه الامامیه. تهران: چاپ دوم، ج2، المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.
- صُمیریّه، عثمان بن جمعه. (1417ق) المعاهدات الدولية فی فقه الامام محمد بن الحسن الشیبانی. مکه: دعوة الحق.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی. (1386) حقوق بین‌الملل اسلام. تهران: چاپ اول. انتشارات دادگستر.

عمیدزنجانی، عباسعلی. (1388) فقه سیاسی (حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام). ترجمه زین‌العابدین رهنما، تهران: چاپ ششم. انتشارات سمت.
کنوانسیون وین سال (1969) روابط کنسولی.

Bashir, Khaled Ramadan. (2018). Islamic International Law(Historical Foundations and Al-Shaybani's Siyar), Edward Elgar Publishing Limited.
Hourani, Albert. (1991). A History of the Arab Peoples, Publishing Harvad University press.

Imber, Colin.(1997). Ebu,s-Su,Ud: The Islamic Legal Tradition, Stanford University.

Inalcik, Halil. (1973). The Ottoman Empire: The Classical Age 1300-1600, Translated by Norman Itzkowitz and Colin Imber, London: Phoenix Paperback.

Lyber, Albert Howe. (1913). The Gpvernment of the Ottoman Empire in the Time of Suleiman the Mangnificent. London: CAMBRIDGE HARVARD UNIVERSITY.

Muir, Sir William. (1891). The Caliphate: Its Rise, Decline and Fall, Vol. 2Th. Oxford.



بخش دوم: مقاله‌های علوم طبیعی



سال نهم، شماره‌ی 29
تابستان 1403 خورشیدی



اثر تاریخ کشت بر عمل کرد گندم

”پوهنوال عین الدین“ امانی

دیپارتمنت آگراوومی پوهنځی زراعت تخار

ainuddinamany@gmail.com

نویسنده

نشانی برقی

”پوهنمل عبدالشهیر“ قدیری

استاد دیپارتمنت آگراوومی پوهنځی زراعت بدخشان

shahir.qadiri2011@gmail.com

<http://orchid.org/0000-0003-2759-6302>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

گندم یکی از قدرتی ترین نباتات به شمار رفته و وسیعاً انتشار یافته است. گندم در بسیاری از ممالک جهان یکی از اساسی ترین نبات غذایی می باشد. تحقیق هذا تحت عنوان اثر تاریخ کشت بر عمل کرد گندم در قالب طرح بلاک‌های کاملاً تصادفی (RCBD) در چهار تاریخ کشت: اول عقرب، ۱۲ عقرب، ۲۴ عقرب و ۶ قوس در سه تکرار انجام شده است. ارقام احصائیوی مربوط به شاخص ها نمو، حاصل و اجزای حاصل گندم در کردها به طور تصادفی انتخاب شده در هر کرت ثبت گردیده است. خصوصیات مورد اندازه گیری: قد نبات، تعداد شاخه فی متر مربع، تعداد خوشه فی متر مربع، تعداد خوشه‌چه فی خوشه، تعداد دانه فی خوشه، وزن ۱۰۰۰ دانه، حاصل دانه، حاصل سواره و شاخص حاصل بود. دیتا و ارقام جمع‌آوری شده مورد تحلیل احصائیوی قرار گرفته است. بیشترین حاصل نمویی از قد نبات (۱.۴۰۰ سانتی متر) و تعداد شاخه (۳۸۹.۳۳ شاخه فی متر مربع) در اول عقرب، تعداد خوشه (۳۲۰.۰۰ خوشه فی متر مربع)، تعداد خوشه‌چه (۱۷.۰۰ خوشه‌چه فی خوشه)، تعداد دانه (۳۱ دانه فی خوشه)، وزن ۱۰۰۰ دانه (۲۹.۰۰ گرام) و بلاخره حاصل دانه (۴۰.۴۰ تن فی هکتار) در ۱۲ عقرب، حاصل سواره (۵.۴۵ تن فی هکتار) در اول عقرب و شاخص حاصل (۴۷.۱۲ فیصد) در ۱۲ عقرب به ثبت رسیده است. نتایج نشان داد که بهترین زمان کشت گندم در این منطقه حدود میانه‌ی اول ماه عقرب است تا حداکثر عمل کرد نمو و حاصل را به دست آورد.

کلیدواژه‌ها: اجزای حاصل، تاریخ کشت، تریتمنت، عمل کرد، گندم

Effect of Sowing Date on Yield of Wheat

Author

Ainuiddin Amani

Email

Department of agronomy, agriculture faculty, Takhar University
ainuiddinamany@gmail.com

Author

Abdul Shahir Qadiri

Email

Department of agronomy, Agriculture faculty, Badakhshan University.

Orcid

shahir.qadiri2011@gmail.com

<http://orcid.org/0000-0003-2759-6302>

Abstract

Wheat is one of the oldest and most widely cultivated crops in the world and serves as a fundamental food source in many countries. This study, titled The Effect of Sowing Date on Wheat Yield, was conducted using a randomized complete block design (RCBD) with four sowing dates: 1st Aqrab (October 23), 12th Aqrab (November 3), 24th Aqrab (November 15), and 6th Qaws (November 26), each with three replications. Statistical data on growth indices, yield, and yield components of wheat were randomly recorded from plots. The measured traits included plant height, number of tillers per square meter, number of spikes per square meter, number of spikelets per spike, number of grains per spike, 1000-grain weight, grain yield, straw yield, and harvest index. The collected data were analyzed statistically. The highest growth yield in terms of plant height (140 cm) and tiller count (389.33 tillers per square meter) was recorded on the 1st Aqrab. The highest number of spikes (320 spikes per square meter), spikelets per spike (17.00), grains per spike (31 grains), 1000-grain weight (29.00 grams), and grain yield (4.40 tons per hectare) were recorded on the 12th Aqrab. The highest straw yield (5.45 tons per hectare) was observed on the 1st Aqrab, while the highest harvest index (47.12%) was recorded on the 12th Aqrab. The results indicated that the optimal time for wheat sowing in this region is around mid-Aqrab (early November) to achieve maximum growth and yield performance.

Keywords: Yield components, Sowing date, Treatment, Performance, Wheat

مقدمه

گندم (*Triticum aestivum* L.) یکی از مهم‌ترین نباتات غله‌ای بوده که از خانواده‌ای Poaceae است و غذای دو-سوم جوامع بشری می‌باشد. و زراعت آن مهم‌ترین فعالیت زراعتی در اکثر مناطق جهان به‌شمار می‌رود (Arzadun و همکاران، ۲۰۰۶، ص. ۱۲۷۴ - ۷۹). گندم در جهان ۷۸۴.۹۱ میلیون متریک تن از ۲۲۲.۶۹ میلیون هکتار زمین برداشت می‌شود که ۳.۵۳ تن حد اوسط حاصل فی هکتار جهانی می‌باشد و در افغانستان ۵.۱۷ میلیون متریک تن از ۲.۳۵ میلیون هکتار زمین برداشت می‌شود و ۲.۲۰ تن حد اوسط حاصل فی هکتار می‌باشد (USAID، ۲۰۲۴، ص. ۲۷). تغییرات اقلیمی در بسیاری کشورهای جهان یکی از مهم‌ترین چالش سر راه محققان زراعت می‌باشد که باعث عمل کرد کم در نباتات خصوصاً گندم شده است (Assing و همکاران، ص. ۲۰۱۵). در بسیاری از مناطق خشک و نیمه خشک وقوع تنش‌های گرما و خشکی در اخیر فصل علت اصلی کاهش حاصل در گندم است (Faroq و همکاران، ص. ۲۰۱۱).

بیان مسئله

گندم دارای بازار محلی، ملی و جهانی است که روز به روز ساحه کشت آن افزایش می‌یابد و اکثریت دهاقین، این نبات را نسبت به سایر نباتات غله‌ای در ولسوالیهای ولایت تخار کشت میکنند. بیان مسئله در این تحقیق طور مختصر قرار ذیل بیان میگردد:

۱. عدم آگاهی دهاقین راجع به تاریخ مناسب کشت بر افزایش حاصلدهی گندم در ولایت تخار.
۲. کمبود فعالیتهای تحقیقاتی در ارتباط به اثر تاریخ کشت بالای حاصل گندم در ولایت تخار.

سوالات تحقیق

سوال اصلی

۱. آیا تاریخ کشت بالای حاصلدهی گندم تأثیر دارد؟

سوالات فرعی

۱. آیا تاریخ کشت بالای خصوصیات نمویی گندم تأثیر دارد؟
۲. چطور میتوان تاریخ کشت که سبب افزایش حاصل گندم میگردد دریافت نمود؟
۳. آیا نتایج این تحقیق میتواند تا حدی مشکل دهاقین را در رابطه به تاریخ مناسب کشت گندم مرفوع سازد؟

اهداف تحقیق

۱. بررسی و دریافت بهترین زمان کشت جهت افزایش حاصل گندم در شرایط اقلیمی ولایت تخار.
۲. بررسی و گردآوری حقایق علمی در مورد نیازهای رشدی، و تولید گندم
- ۱- بررسی حقایق علمی و عملیاتی در مورد بهترین زمان کشت گندم

۲- ترسیم تجزیه و تحلیل آینده نگر برای دستیابی به اهداف بلند رسیدن به توسعه کشت پایدار گندم در تخار

اهمیت تحقیق

تحقیق هذا در کشور عزیزمان دارای اهمیت فراوان بوده این مطالعه برای زارعین کشور بسیار مهم و با اهمیت تلقی گردیده و باعث ایجاد آگاهی عمومی محصلان، محققان و دهاقین میشود، بعد از انجام این تجربه مناسبترین زمان کشت که سبب افزایش حاصل گندم میشود دریافت گردیده است، نتایج تحقیق می تواند مشکل دهاقین را در رابطه به زمان مناسب کشت گندم مرفوع سازد، با در نظر گرفتن زمان مناسب کشت میتوان سطح تولید حاصل گندم را بلند برد.

پیشینه‌ی تحقیق

تعیین تاریخ مناسب کشت با هدف استفاده از شرایط مناسب محیطی، باعث کاهش عوارض منفی تنش گرما و خشکی انتهای فصل می شود (Jagadish و هم کاران، ص. ۲۰۱۵). کشت غله در زمان مناسب سبب رشد و نموی نبات شده و برای افزایش حاصل گندم زمستانی بسیار مهم است (Kha- and Dadashi, jepour, ۲۰۰۲، ص. ۱۴-۲۷). زمان کشت مناسب برای گندم تیر ماهی باعث به وجود آمدن نبات قوی و سالم میشود. (Flowers و همکاران، ۲۰۰۶) در مطالعه‌ای اثر تاریخ کشت بر عمل کرد و اجزای عملکرد دو رقم گندم را گذارش نمودند که تاریخ کشت اثر زیادی بر عملکرد گندم داشته و تاخیر در تاریخ کشت عمل کرد گندم را به ۲۴ فیصد کاهش داده است و هم چنین اظهار کرد که تاریخ کشت اثر زیادی بر عمل کرد دانه در شرایط بارندگی کم داشته است. تأخیر در تاریخ کشت بیشترین اثر را در میان اجزای عمل کرد، بر وزن هزار دانه گندم دارد (Subhan, ۲۰۰۴، ص. ۵۱-۵۴). کشت زود هنگام منجر به تولید دانه بیشتر، افزایش تعداد خوشه در واحد سطح در مقایسه با تاریخ کاشت ناوقت می شود (Mahmood Arian and Kumar, ۲۰۰۳، ص. ۱۵۴-۱۶۲). کشت در ۲۴ عقرب تا ۱۰ قوس بیشترین حاصل را تولید نموده است (Kumar, ۲۰۰۰، ص. ۹۹-۱۰۳، Akhter, ۲۰۰۶، ص. ۲۵۵-۲۶۱).

روش تحقیق

این آزمایش در سال ۲۰۰۲-۲۰۰۳ در فارم تحقیقاتی باغ ذخیره ریاست زراعت، آبیاری و مالداري ولایت تخار، در قالب طرح بلاک‌های کاملاً تصادفی (RCBD) Randomized Complete Block Design در چهار تریتمنت با سه تکرار روی اثر تاریخ کشت بر عمل کرد نمویی و حاصل گندم انجام شد. در این آزمایش کردها به اندازه ۴ متر طول و ۱.۵ متر عرض تنظیم شده و تریتمنت‌ها شامل: تریتمنت اول (اول عقرب)، تریتمنت دوم (۱۲ عقرب)، تریتمنت سوم (۲۴ عقرب) و تریتمنت چهارم (۶ قوس) بوده است. تخم محلی از ریاست زراعت تخار به دست آمده و مقدار ثابت یوریا ۲۰۰ کیلو گرام UREA و ۱۵۰ کیلو گرام DAP فی هکتار استعمال گردیده است. و تمام عملیات زراعتی مانند آبیاری، کنترل گیاهان هرزه و برداشت حاصل سواره و دانه در کردها به شکل نورمال آن انجام شده است. پارامترهای که در جریان تحقیق روی آن کار شده شامل ارتفاع نبات، تعداد شاخه فی متر مربع، تعداد خوشه فی متر مربع، تعداد خوشه چه فی خوشه، تعداد دانه فی خوشه، وزن ۱۰۰۰ دانه، حاصل دانه، حاصل سواره و شاخص حاصل می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل ارقام یا داتاها از تخنیک تحلیل واریانس استفاده شده و تفاوت میان تریتمنت‌ها با استفاده از حد اقل تفاوت معنی دار LSD در سطح احتمال ۰.۵٪ صورت گرفته است.

نتایج و یافته‌ها

دیتا و ارقام احصایوی مربوط به شاخص‌های نمو، حاصل و اجزای حاصل در گندم در زمان برداشت تحت تاثیر تاریخ‌های کشت قرار گرفته که در جدول ۱ ارائه شده است.

ارتفاع نبات: تاریخ کشت تاثیر بسیار قابل ملاحظه‌ای بالای قد نبات داشته است (جدول ۱). کشت در تاریخ اول عقرب افزایش در قد نبات را به وجود آورده و کشت در تاریخ‌های بعدی الی کشت در ۶ قوس سیر نزولی نموده است. بیش‌ترین ارتفاع نبات در اول عقرب (۱۰۴.۰۰ سانتی متر) در زمان رسیدگی که به تعقیب آن به ترتیب با کشت در ۱۲ عقرب، ۲۴ عقرب و ۶ قوس (۹۴.۰۰، ۹۳.۶۷ و ۸۸.۳۳ سانتی متر) در درجات پایین ارتفاع نبات قرار گرفته اند. این دریافتها در مشابهت با دریافتهای است که توسط (Shahzad) و همکاران، ۲۰۰۷، ص. ۵۸۱-۸۳، Tomar، و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۱-۶) تجربه شده است. طویی احمد امینی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۱-۱۵۰، تجربه نمود که در تاریخ کشت‌های اول افزایش ارتفاع ساقه در هر بار نمونه‌گیری به‌خوبی مشهود بود، نتایج نشان داد که با حرکت به سمت تاریخ کشت‌های آخر با توجه به افزایش طول روز و افزایش درجه حرارت، ارتفاع ساقه کاهش نشان داد. از طرفی افزایش ارتفاع ساقه در تاریخ اول به سرعت انجام شد و در مراحل مختلف نمونه‌برداری کاهش یافت.

تعداد شاخه فی متر مربع: تعداد شاخه تحت تاثیر معنی‌دار تاریخ‌های کاشت قرار گرفت. محصول کاشته شده در اولین تاریخ کشت تعداد بیش‌ترین شاخه (۳۸۹.۳۳ شاخه فی متر مربع) در مقایسه با محصول کشت شده در تاریخ‌های کشت بعدی قرار (جدول ۱) تولید کرده‌اند. کشت در ۱۲ عقرب (۳۶۳.۶۷ شاخه فی متر مربع) تولید نموده که با کشت در ۲۴ عقرب (۳۵۳.۶۷ شاخه فی متر مربع) هم‌خوانی احصایوی بین دو وجود داشته و در درجه دوم تعداد شاخه فی متر مربع قرار دارند. پایین‌ترین تعداد شاخه (۳۲۴.۰۰ شاخه فی متر مربع) در آخرین تاریخ کشت تولید نموده است.

تعداد خوشه فی متر مربع: خوشه‌ها از نظر تعداد با کشت در تاریخ‌های متذکره کدام تفاوت

معنی داری نشان نداده‌اند (جدول ۱). بیش‌ترین ارقام در تعداد خوشه (۳۱۲.۶۷ خوشه فی متر مربع) در تاریخ کشت ۱۲ عقرب مشاهده شد و کم‌ترین تعداد در اولین تاریخ کشت یعنی اول عقرب (۳۱۲.۶۷ خوشه فی متر مربع) مشاهده شده. چنین راپور توسط (Wajid و همکاران، ۲۰۰۴، ص. ۱۰۰۳-۱۰۰۵) تجربه شده است. Shah و همکاران، ۲۰۰۶، ص. ۱۰۶-۱۱۰ ریکارد نمودند که تفاوت در بین تعداد ساقه‌های بارور و غیر بارور ممکن به خاطر دوره نمویی نبات بین جوانی و پیری بخاطر درجه حرارت پایین باشد.

جدول ۱: اثر تاریخ کشت بر نمو و اجزای حاصل گندم

وزن ۱۰۰۰ دانه (گرام)	تعداد دانه فی خوشه	تعداد خوشه‌چه فی خوشه	تعداد خوشه (متر مربع)	تعداد ساقه (متر مربع)	قد نبات (سانتی متر)	تریتمنت ها
۲۳.۳۳ ب	۲۳.۳۳ ب	۱۵.۰۰ الف ب	۳۱۲.۶۷	۳۸۹.۳۳ الف	۱۰۴.۰ الف	اول عقرب
۲۹.۳۳ الف	۳۱.۰۰ الف	۱۷.۰۰ الف	۳۲۰.۰۰	۳۶۳.۶۷ ب	۹۴.۰۰ ب	۱۲ عقرب
۲۸.۰۰ الف	۲۹.۰۰ الف	۱۵.۶۷ الف	۳۱۶.۰۰	۳۵۳.۶۷ ب	۹۳.۶۷ ب	۲۴ عقرب
۲۲.۶۷ ب	۲۲.۳۳ ب	۱۲.۳۳ ب	۳۱۳.۳۳	۳۲۴.۰۰ ج	۸۸.۳۳ ب	۶ قوس
۴.۲۳	۵.۳۷	۲.۹۸	ns	۲۴.۹۰	۶.۹۲	LSD به احتمال ۵٪
۸.۱۹	۱۰.۱۵	۹.۹۴	۳.۳۳	۳.۴۸	۳.۶۴	(%) CV

تعداد خوشه‌چه فی خوشه، تعداد دانه فی خوشه و وزن ۱۰۰۰ دانه: خوشه‌چه‌ها، تعداد دانه و وزن ۱۰۰۰ دانه از نظر تعداد با یک‌دیگر تفاوت معنی‌داری داشته‌اند. کشت در ۱۲ و ۲۴ عقرب زیادترین تعداد خوشه‌چه (۱۷.۰۰ و ۱۵.۶۷ خوشه‌چه فی خوشه)، تعداد دانه (۳۱.۰۰ و ۲۹.۰۰ دانه فی خوشه) و بیش‌ترین وزن هزار دانه (۲۹.۳۳ و ۲۹.۰۰ گرام) را تولید نموده که از نظر احصایه کدام تفاوتی بین شان نیست و مشاهده کشت در تاریخ اول عقرب و ۶ قوس بیش‌ترین تعداد دانه و وزن هزار دانه را تولید نموده و در نازل‌ترین تعداد قرار دارند. Tilley و همکاران، ۲۰۱۵، نشان دادند که عملیات مدیریتی استعمال اوقات مختلف نایتروجن در انکشاف تعداد خوشه و تعداد دانه کمک کرده است.

جدول ۲. اثر تاریخ کشت بر حاصل گندم

شاخص حاصل (فیصد)	حاصل سواره (تن فی هکتار)	حاصل دانه (تن فی هکتار)	تریتمنت ها
۳۸.۸۳	الف ۵.۴۵	ب ۳.۴۶	اول عقرب
۴۷.۱۲	الف ب ۴.۹۴	الف ۴.۴۰	۱۲ عقرب
۴۵.۰۲	ب ج ۴.۵۹	الف ۳.۷۸	۲۴ عقرب
۴۴.۷۲	ج ۴.۰۰	ب ۳.۲۲	۶ قوس
ns	۰.۷۳	۰.۷۴	LSD به احتمال ٪ ۵
۹.۷۰	۷.۷۰	۹.۹۷	(%) CV

حاصل دانه (کیلو گرام فی هکتار): عمل کرد دانه گندم به طور قابل توجهی تحت تأثیر تاریخ کاشت قرار گرفت (جدول ۲). نتایج نشان داد که کشت در ۱۲ عقرب و ۲۴ عقرب بالاترین عمل کرد دانه (۴.۴۰ و ۳.۷۸ تن فی هکتار) را تولید کرد، که ناشی از بالاترین تعداد خوشه فی نبات و دانه در هر خوشه بود. اما کشت در اول عقرب (۳.۴۴ تن فی هکتار) در درجه دوم بلندی حاصل قرار داشت که علت آن ممکن حالات اقلیمی آن زمان، و کشت در ۶ قوس کمترین حاصل دانه (۳.۲۲ تن فی هکتار) را تولید کرد. در کشت اخیری چون در جه حرارت پایین است جوانه زدن تخم پایین آمده که در نتیجه نهالی کم تر تولید و بلاخره سبب تولید کمترین تیلر بارور شده که به همین ترتیب حاصل دانه هم پایین می آید (K, Liu و همکاران، ۲۰۲۱، A, Sattar، و همکاران، ۲۰۱۰ و Y, Zhu و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۴۹-۶۲).

حاصل سواره (کیلو گرام فی هکتار): تاریخ‌های مختلف کشت تأثیر قابل توجهی بر حاصل سواره داشته‌است. طوری که ارتفاع نبات و تعداد ساقه‌ها از تاریخ کشت‌های آخری به اولی بلند بود حاصل سواره هم به تدریج بلند شد، کشت در اول عقرب بیشترین حاصل سواره (۵.۴۵ تن فی هکتار) را تولید نموده و کمترین را در اول قوس (۴.۰۰ تن فی هکتار) تولید نموده است. Vanshi و همکاران، ۲۰۱۸ عین تجربه را خلاصه نمود که کشت در تاریخ‌های اولی حاصل بیولوژیکی صعود نموده و بعدا در تاریخ‌های بعدی کشت به تدریج پایین آمده است.

شاخص حاصل (فیصدی): نتایج مشابه حاصل دانه در شاخص حاصل نشان داده شده، زیرا فیصدی شاخص حاصل مساوی به فیصدی حاصل دانه از حاصل بیولوژیکی نبات می‌باشد. بلندترین شاخص حاصل از اول عقرب (۵۱.۳۶ فیصد) و به تعقیب آن شاخص حاصل یکی پی دیگری در ۲۴ عقرب و ۶ قوس کاهش یافته‌است. که این ممکن نتیجه دوره نمویی کم نبات، تولید مثل و دوره پر شدن دانه‌ها را متأثر ساخته است.

نتیجه گیری

بعد از مطالعه حاضر می توان به این نتیجه رسید که تاریخ های کشت از اول عقرب الی ۱۲ و ۲۴ عقرب تاثیرات فوق العاده را بالای نمو، اجزای نمو و حاصل دانه و شاخص حاصل داشته است. بهترین نمو و اجزای حاصل در اواسط هفته های کشت و بهترین حاصل دانه و شاخص حاصل در هفته های اول بوده و به تدریج کم شده است. بناء پیشنهاد می گردد که بهترین حاصل گندم در کشت هفته های اول عقرب که یک اندازه رطوبت و گرما در خاک موجود است به دست می آید صورت گیرد.

پیشنهادات

۱. کمبود فعالیتهای تحقیقاتی در ارتباط به تاریخهای مختلف کشت گندم در ولایت تخار موجود بوده باید فعالیتهای تحقیقاتی گسترش یابد.
۲. آگاه ساختن دهاقین راجع به تاریخ مناسبت کشت بوسیله مامورین ترویج با تدویر سمینارها و ورکشاپها.
۳. در این تحقیق بیشترین حاصل دانه (۴۶/۴تن/هکتار) از ترتمنت دوم یعنی در ۱۲ عقرب در نظر گرفته شده بود بدست آمده است بناء، تاریخ متذکره را برای زارعین گندم کار در شرایط اقلیمی ولایت تخار سفارش میکنم.

منابع

- امینی. احمد طویی.، ۱۳۹۰، اثر تاریخ کشت بر ضرایب تخصیص ماده خشک در ارقام مختلف گندم، مجله الکترونیک تولید گیاهان زراعی. ۴ (۱): ۱۳۱-۱۵۰.
- of time of Effect. 2006. L, Ali, M, Jamil, S.M, Cheema, M, Akhtar
aestivum Triticum, wheat of characters important some on sowing
 261-255, 44 Research Agricultural of Journal. genotypes
 .2006. E. R, Brevedan and. E. H, Laborde, I. J, Arroquy, J. M, Arzadún
 ,date planting of Effect
 winter of yield grain and forage on cultivar and, height clipping
 .Pampas Argentinean in wheat
 .1279-1274 :98. J. Agron
 Cammara-, B. D, Lobell, P. R, Rötter, P, Martre, F, Ewert, S, Asseng
 .2015. W. J, White and. G, Wall, J. M, Ottman, B, Kimball, D, no
Climate Nature. rodution wheat global reduce temperatures Rising
 .143-147.pp, 5, Change
 Dadashi, N, and M.R. Khajehpour. 2004. Effect of sowing date and
 cultivar on growth, yield and yield of components safflower in Isfa-
 han. *Journal of Science and Technology of Agriculture and Natural
 Resources*. 8 (3): 14-27. (in Persian)
 Farooq, M., Bramley, H., Palta, J. A. and Siddique, K. H. 2011. Heat
 stress in wheat during reproductive and grain filling phases. *Critical
 Reviews in Plant Sciences*, 30, pp.491-507
 Flower, M., C. J. Peterson, S. Petrie, S. Machado, and K. Rhinhart. 2007.
 and winter of yield the Planting date and seeding rate effects on
 .html/catalog/eud. Oregonstate. Extension. varieties wheat spring
 ,Wirén von, N. R, Bahuguna, B, Polavarapu, K, Kishor, S. K, Jagadish
 during die to going or alive Staying. 2015. N, Sreenivasulu and. N
Fron-. stability yield surrounding enigma an—senescence terminal
 .1-14.pp, 6, *Science Plant in tiers*
 Kumar, S, Bangarwa, A.S, Kadian, V.S. 2000, .Response of wheat va-
 rieties to sowing dates and nitrogen levels. *Annales Agriculture and
 Biological Research*. 103-99, 5
 Liu, K ; Zhang, C ; Guan, B ; Yang, R ; Liu, K ; Wang, Z ; Li, X ; Xue,
 K ; Yin, L ; Wang, X. The Effect of Different Sowing Dates on Dry

- Matter and Nitrogen Dynamics for Winter Wheat :An Experimental Simulation Study .*PeerJ9* ,2021 , e11700.
- Mahmoud, F., and M.A. Arain. 2003. Effect of sowing dates on growth and yield of wheat at different elevations in Jebel Marra high lands under rain-fed conditions. *Agri. Res.* 4(13): 154-162
- Sattar, A.; Cheema, M.; Farooq, M.; Wahid, M.A. Evaluating the Performance of Wheat Cultivars under Late Sown Conditions. *Artic. Int. J. Agric. Biol.* 2010, 79, 648.
- ,Ahmad ,.Shahzad, M.A., Din, W.U., Sahi, S.T., Khan Ehsanullah, M.M yield grain on treatment seed and dates sowing of Effect .2007 ,.M (4)44 Science Agricultural of Journal Pakistan .wheat of quality and .583–581
- planting different of Effect .2004 .H .G ,Jamro and .M ,Khan ,.F ,Subhan yield and yield grain on method control weed and rate seeding ,date : (1)20 .Agri of .J Sharhad .wheat in components .51-55
- winter Improving .2015 ,.R.C ,Crozier ,.W.R ,Heiniger ,.S.M ,Tilley and thedevelopment examining by Southeast the in yield wheat pop- seed different using tillers wpring and ,winter ,fall of mortality master Unpublished) .strategies management nitrogen and ulations .lib .www://:http .Raleigh ,Library .Univ State Carolina North (.thesis .1840.16/10563/resolver/edu.ncsu
- Tomar ,S.P.S ,.Tomar ,S ,.Srivastava ,S.C .2014 ,.Yield and yield component response of wheat) *Triticum aestivum* L (.genotypes to different sowing dates in Gird region of Madhya Pradesh.International Journal of Farm Sciences.6–1 ,(2)4
- WFP service agricultural foreign ,productivity agricultural world ,USDA .27 page ,2024 February .2-24
- Vanshi Dhar Yadav ,NS Rana ,Harveer Singh and nTomar .Effect of sowing time on growth ,yield and phenology of wheat) *triticum aestivum* L (.genotypes in North – western plain zone.
- Zhu ,Y ;.Chu ,J ;.Dai ,X ;.He ,M .Delayed Sowing Increases Grain Number by Enhancing Spike Competition Capacity for Assimilates in Winter Wheat .*Eur .J .Agron*62–49 ,104 ,2019 ..



بررسی نقش منابع معدنی در توسعه پایدار مطالعه موردی: ولایت بدخشان

پوهنمل محمد عارف نیرو

دپارتمنت انجینیری جیولوجی و اکتشاف معادن، پوهنځی انجینیری، پوهنتون بدخشان

arifnero537@gmail.com-arif.nero@kpu.edu.af

0009-0009-2590-7411

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

معدن کاری و صنایع وابسته به آن، اگرچه نقش ارزشمند و مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی با ایجاد اشتغال و تولید ثروت دارد. اما از جهت نقش آن در مولفه‌ی سوم توسعه پایدار، یعنی محیط‌زیست با انتقادهایی روبه‌رو است. هم‌چنان با توجه به نیاز روز افزون جهان به مواد معدنی، صنعت معدن کاری برای ادامه فعالیت‌های خود با چالش‌هایی روبه‌رو است که از جمله آن‌ها می‌توان به بازیابی معادن، حفظ محیط‌زیست و مسئولیت اجتماعی آن اشاره کرد. در کشورهای در حال توسعه به‌خصوص افغانستان که دارای منابع غنی معدنی است، در صورتی که به مؤلفه‌های توسعه پایدار در فعالیت‌های معدن کاری توجه نشود، نه تنها سبب پیشرفت نمی‌شود بلکه باعث عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی می‌شود. هدف این تحقیق بررسی نقش معادن در توسعه پایدار ولایت بدخشان می‌باشد. این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری این تحقیق را محصلان پوهنتون بدخشان تشکیل می‌دهند که با استفاده از فورمول کوکران ۱۲۰ نفر به عنوان حجم نمونه جهت تکمیل پرسش‌نامه‌های در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای انتخاب شدند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار اکسیل بهره گرفته شد. یافته‌ها نشان می‌دهد، که میزان رضایت محصلان از روند قراردادهای معادن، چگونگی مصرف عواید معادن، نیروی متخصص، نحوه استخراج، نقش فعالیت‌های معدن کاری در انکشاف اقتصادی و اجتماعی مردم محل و احساس مالکیت معادن در بین اشتراک کنندگان به‌صورت باور نکردنی پایین است. و هم‌چنان نگرانی دیگری که در بین اشتراک کنندگان وجود دارد افزایش میزان استخراج‌های غیرقانونی و غیرمعیاری است که علاوه بر ضربه‌ی اقتصادی، ضایع شدن مواد در طبقات، پایین آمدن کیفیت مواد معدنی و کاهش عمر صنعتی معدن می‌شود؛ می‌تواند مشکلات محیط‌زیستی فراوانی را ایجاد کند. منابع معدنی و صنعت معدن کاری در افغانستان برای تداوم نقش خود نیازمند مدیریت صحیح، تدوین قوانین و پالیسی‌های جامع مطابق معیارهای جهانی، حفظ محیط‌زیست و آموزش نیروی متخصص است.

کلیدواژه‌ها

توسعه پایدار، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه محیط‌زیستی، منابع معدنی و ولایت بدخشان.

The Role of Mineral Resources in sustainable development; A Case Study of Badakhshan Province

Author

Mohammad Arif Nero

Badakhshan University, Faculty of Engineering, Department of Geological

Engineering and Exploration of Mines, Badakhshan, Afghanistan

Email

arifnero@kpu.edu.af

Orcid

0009-0009-2590-7411

Abstract

The mining and related disciplines play an important role in economic and social components of sustainable development by generating employment and wealth. However, in regard to the environmental component there are a few criticisms. Also, by taking the growth in demand for mineral resources into account the mining industry is facing some challenges, e.g., minerals and metals recycling, conservation of environment and the social related issues. In developing countries, especially Afghanistan, which has rich mineral resources, if the components of sustainable development are not paid attention to in mining activities, it will not only not lead to progress but also cause social and economic backwardness. In this research, sustainable development has been examined from a theoretical perspective and secondly, it has been analyzed using a questionnaire. On the other hand, due to the fact that Badakhshan University is made up of students from 34 provinces of Afghanistan and also due to the abundance of minerals in the statistical community, Badakhshan University was chosen for this reason and the questionnaire was distributed to 120 students of Badakhshan University and then After entering the questionnaire data in the Excel program, the results have been analyzed. Based on the findings of the research ,the level of students 'awareness of the process of mining contracts ,the amount and how to use the proceeds ,people's access to mining contracts ,how to extract mines ,the environmental effects of mines ,the role of mining activities in the sustainable development of villages and districts ,and the sense of ownership of mines are other main concerns of the community .The number of participants in this research is incredibly low. To continue its role ,mineral resources and mining industry in Afghanistan need proper management ,formulation of laws and policies according to global standards ,environmental protection and labor training.

Keywords : Sustainable Development ,Economic Development ,Social Development ,Environmental Development ,Mineral resources and Badakhshan Province.

مقدمه

توسعه‌ی پایدار به سیستم توسعه‌ای گفته می‌شود که با در نظر گرفتن امکان تأمین نیازهای نسل‌های آتی، نیازهای فعلی افراد جامعه تأمین شده باشد. توجه به مسأله توسعه پایدار در معدن‌کاری از اوایل ۱۹۹۰ آغاز شده است (نژی و عطایی پور، ۱۳۹۸: ۲۴). بهره‌برداری مواد معدنی دارای فرصت‌ها، چالش‌ها و خطراتی برای توسعه پایدار جوامع است. فلزات و مواد معدنی برای زندگی بهتر بشر ضروری است و مبنای توسعه بخش‌های مختلف اقتصاد محسوب می‌شود. در کنار منافع فلزات و مواد معدنی، فعالیت‌های بخش معدن و صنایع معدنی چالش‌های جدی و بعضاً بحرانی برای توسعه پایدار ایجاد کرده است (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵-۵). منابع معدنی حداقل در مقیاس زمانی زندگی انسان‌ها منابع محدود و تجدیدناپذیر هستند. مشکلات متعدد زیست‌محیطی و اجتماعی حاصل از فعالیت‌های معدنی، موجب ایجاد چالش‌های جدی میان شرکت‌های معدنی و جوامع محلی می‌شوند. در اکثر نقاط دنیا که دارای منابع معدنی هستند، با کاهش عیار مواد معدنی در اثر استخراج و بهره‌برداری از معادن، میزان باطله تولید شده بر هر تن محصول معدنی تولیدی افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت که موجب افزایش هزینه‌های حفاظت از محیط زیست می‌شود. فعالیت‌های معدنی، اثر گذاری جدی در بحث توسعه پایدار به‌ویژه از دیدگاه اقتصادی دارند که ایجاد درآمدهای مالی برای کشورها، افزایش رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و ایجاد نیروی محرکه‌ای برای توسعه زیربنای از این جمله است (پور میرزایی، ۱۳۹۶: ۸۵). بنابراین؛ فعالیت‌های معدنی تأثیرات مثبت و منفی در رسیدن به اهداف توسعه پایدار جوامع دارند به طوری که از ۱۷ هدف اصلی توسعه پایدار بر روی ۱۱ هدف تأثیر جدی می‌گذارند. پایه‌های اصلی توسعه پایدار شامل موارد زیر است:

پایه اقتصادی که مستلزم افزایش رفاه افراد، استفاده بهینه از داری‌ها و سرمایه، در نظر گرفتن هزینه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی و افزایش کارآمدی و ظرفیت‌های کسب و کار.

پایه اجتماعی که شامل توزیع برابر منافع حاصل از فعالیت‌های معدنی، احترام به حقوق افراد (استقلال محلی و سیاسی، آزادی‌های فرهنگی، استقلال مالی، امنیت و حریم خصوصی و اصلاح طبیعت به‌منظور بهره‌مندی نسل‌های آینده از منابع.

پایه زیست‌محیطی که مستلزم مسئولیت‌پذیری در قبال محیط‌زیست در توسعه و بهره‌برداری از منابع، کنترل پسماندها و خرابی‌های ناشی از فعالیت معدنی، احتیاط در خصوص آثار ناشناخته فعالیت‌های معدنی، فعالیت در مرزهای زیست‌محیطی و نگهداری از طبیعت است.

چرخه عمر فعالیت‌های معدنی که در هر کدام از مراحل آن توجه به شاخص‌های توسعه پایدار ضروری است، زیرا هر مرحله چند نسل از جوامع بشری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. اکتشاف معادن (تفحص، اکتشاف مقدماتی و تفصیلی) عموماً اترول زمانی ۱ تا ۱۰ ساله را به خود اختصاص می‌دهد. ۱ تا ۵ سال صرف طراحی و اجرای واحدهای تولیدی و صنایع معدنی شده و بسته به نوع فعالیت معدنی و ذخیره معادن از ۲ تا ۱۰ سال فعالیت معدنی صورت می‌گیرد. بستن معدن و واحدهای مربوطه و اتمام قراردادهای اترول ۱ تا ۵ ساله را در بر می‌گیرد. پس از بستن معدن نیز آثار فعالیت معدنی بر اقتصاد، محیط‌زیست و جوامع محلی تا یک دهه یا صورت دائمی وجود خواهد داشت (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۷). در هر کدام از بازه‌های طول عمر فعالیت‌های معدنی و صنایع مرتبط به آن آثار مختلفی از منظر اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ایجاد می‌شود. هر صنعت با توجه به شرایط حاکم بر آن ناچار به ارائه راهکارهایی برای پاسخگویی

به چالش‌های پیش‌رو در زمینه توسعه پایدار است. صنعت معدن‌کاری با توجه به وسعت فعالیت‌های خود دارای ارتباط تنگاتنگی با مسایل محیط‌زیستی و اجتماعی است. در بسیاری از موارد بی‌توجهی به معیارهای لازم این صنعت، سبب شده که همواره مورد انتقاد فعالان محیط‌زیستی باشد و در مواردی نیز این موضوع موجب تعطیلی معدن و یا فعالیت معدنی شده است. برای رسیدن به توسعه پایدار باید تلاش شود که به یک پایداری و ثبات بین اقتصاد، اجتماع و محیط زیست دست یافت و هیچ یک از مؤلفه توسعه پایدار را فدای دیگری نکرد. صنعت معدن‌کاری برای پایداری خود و نقش آفرینی در توسعه کشور باشد فعالیت‌های بخش‌های مختلف خود را هماهنگ با مؤلفه‌های توسعه پایدار برنامه‌ریزی کند و در جهت رسیدن به نقطه تعادل سوق دهد. هدف از این تحقیق آشنایی هرچه بهتر محصلان و جامعه با مفاهیم و متغیرهای توسعه پایدار و اهمیت آن است تا با آگاهی از نقش منابع معدنی در توسعه پایدار، بهره‌گیرند. در این مطالعه منظور از توسعه پایدار و ارتباط آن با معادن و صنعت معدن‌کاری تمام‌های مرتبط با اکتشاف، استخراج، عواید و مزایایی است که در جریان فعالیت معدن‌کاری خلق و جامعه از آن منفعت دارد؛ با جرات می‌توان گفت این نخستین تحقیق در مورد نقش معادن در توسعه پایدار است که انجام می‌شود و دارای کاستی‌ها و کمبودهای خواهد بود.

تبیین مسأله

کشورهای توسعه یافته در ابتدای مسیر توسعه بنابر تکیه بر منابع طبیعی و معدنی خود و استخراج آن‌ها توانسته‌اند. گام‌های ابتدایی توسعه را بردارند؛ توسعه پایدار در کشورهای دارای منابع معدنی، با در نظر گرفتن همزمان سه پارامتر مهم (اقتصادی، محیط‌زیستی و اجتماعی) امکان پذیر بوده و بی‌توجهی به هر یک آن‌ها، علاوه بر آن که موجب رشد و توسعه پایدار نمی‌شود، آثار زیانباری را نیز به دنبال خواهد داشت (برینکمن و آصف، ۱۳۹۶: ۱۰۴). منابع معدنی که در اختیار دولت‌های توسعه نیافته قرار دارد، به دلیل وابسته‌گی شدید به منابع مالی حاصل از استخراج و فروش آن، به‌عنوان منابع ایجاد ثروت برای کشور محسوب می‌شود. معدن‌کاری در این کشورها باعث کاهش فقر، توسعه زیربنایها و به‌صورت کل، محرک اقتصادی محسوب شده و به دولت‌ها اجازه می‌هد تا سیستم‌های آموزشی و صحتی خود را بهبود بخشند (حکیمی، ۱۳۹۶). هم‌چنان راه برای تأمین درآمد دولت است که در صورت وجود یک چارچوب منظم و قوی و با نیروی کارآمد، ممکن است موجب توسعه کشور نیز شود، ولی متأسفانه در بسیاری از کشورهای توسعه یافته که از منابع معدنی قابل توجهی نیز برخوردار هستند، بخش معدن نتوانسته موجب توسعه شود. به‌طور مثال؛ با آن که معدن‌کاری الماس حدود یک سوم تولید ناخالص داخلی بوتسوانا را تشکیل می‌دهد، موجب توسعه نیافته‌گی این کشور شده است. تعداد از کشورهای توسعه یافته مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا، سوئد و فنلند در ابتدای راه، با تکیه بر مواد معدنی، موفقیت‌های قابل توجهی در عملیه توسعه اقتصادی خود به‌دست آورده‌اند. در این کشورها منابع معدنی نه به‌عنوان منابع مالی، بلکه به‌عنوان منابعی که می‌توان با ارزش‌ترین مواد معدنی را به بالاترین ارزش افزوده از آن‌ها استحصال کرد، تلقی می‌شود. به‌طور مثال ایالات متحده آمریکا در دوره تاریخی درخشان که رهبری تولید را در جهان به‌دست گرفت (بین سال‌های ۱۸۹۰-۱۹۱۰م)، اقتصاد معدنی پیشرو جهانی محسوب می‌شد. قدرت منابع طبیعی یکی از خصوصیات محسوس توسعه فنی و صنعتی ایالات متحده آمریکا بود، هر چند با اندکی تأمل در می‌یابیم که

این کشور منابع طبیعی فوق‌العاده‌ای ندارد، ولی با سرمایه‌گذاری گذشته کلان در بخش علوم زمینی‌شناسی و اکتشافات؛ حمل و نقل، تکنالوژی استخراج و پروسس، ظرفیت‌های معدنی خود را در مقایسه با سایر کشور، همچون کشورهای امریکایی لاتین، گسترش داده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که بخش معدن، اقتصاد مبتنی بر دانایی و علم را در تاریخ ایالات متحده امریکا بنیان نهاد بین سال‌های (۱۸۹۷-۱۹۱۴م) دوره‌ی پیشرفت تولیدی ایالات متحده امریکا بود که طی آن ضریب میزان تولید مواد معدنی در صادرات این کشور به شدت افزایش یافت (حکیمی، ۱۳۹۶).

به‌طور کلی دیوید و رایت پیشرفت اقتصاد معدنی ایالات متحده امریکا را معلول عوامل ذیل می‌دانند:

- زمینۀ قانونی سازگار؛
- سرمایه‌گذاری در زیربنای مرتبط با آگاهی عمومی؛
- آموزش در بخش‌های زمین‌شناسی، معدن و میتالوژی و پرورش نیروهای کار آزموده در این زمینه‌ها؛
- در حقیقت افزایش تولیدات معدنی ایالات متحده امریکا مصرف سریع منابع تجدیدناپذیر بوده، اما استخراج آن اساساً با عملیات جاری آموزش، سرمایه‌گذاری، پیشرفت فنی و کاهش مصارف همراه بود.

تا اواخر قرن ۱۹م ایالات متحده امریکا به قدرت نخست در زمینۀ تربیت زمین‌شناسان خبره، مهندسان معدنی و میتالوژی تبدیل شد. نخستین رشته مهندسی که در این زمینه به فعالیت آغاز کرد، مکتب معدن کلمبیا بود که در سال ۱۸۶۴م افتتاح گردید تا سال ۱۸۹۰م حدود ۱۰ مکتب معدنی به تربیت نیروی زبده در زمینه‌ی معادن پرداخت (عدالی نیک و رجبی، ۱۴۰۲).

هربرت هرور، نامدارترین مهندسی آمریکایی، رمز پیشگام ایالات متحده امریکا را در بخش معدن، استفاده از مهندسان مجرب در منصب‌های مالی و مدیریتی و نیز مسؤولیت‌های فنی می‌دانست. براساس تحقیقی که در سال ۱۹۱۷م و به‌منظور مقاصد نظامی انجام شد ۷۵۰۰ مهندس معدن با تجارب حرفه‌ای داخلی و خارجی در ایالات متحده امریکا فعالیت می‌کردند (حکیمی، ۱۳۹۶).

بنابراین می‌توان گفت که در کل منابع معدنی در عده‌ای از کشورهای موجب توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده، در حالیکه در برخی دیگری، تبدیل به یک منبع درآمدی گردیده که دولت‌ها از آن به عنوان پوشش کم کاری خود استفاده نموده و دلیل این امر نیز به عوامل مختلف محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی مربوط می‌شود. یک واقعیت غیر قابل انکار بخش معدن در اغلب کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، وجود جهت‌گیری‌های غیرتولیدی و عمدتاً سوداگری است. در این کشورها، صرفنظر از یک بخش کوچک اغلب شرکت‌های بهره‌برداری در معادن (به‌خصوص بهره‌برداران دولتی)، متأسفانه تمایلی به سرمایه‌گذاری بلندمدت صنعتی بر مبنای صنایع معدنی نشان نداده و حاضر یا قادر نیستند تا سرمایه را جهت تولید محصول معدنی به کار گیرند. از این رو، تلقی معدن به‌عنوان "ثروت باد آورده" یک برداشت و تلقی رایج در کشورهای موسوم به جهان سوم است که بسیاری از نظریه پردازان اقتصادی را به این نتیجه‌گیری سوق داده که و فور منابع، بازدارنده‌ی تحقق توسعه‌ی است، ولی باید توجه داشت که نگاه درست به ابعاد مختلف این فعالیت می‌تواند منجر به توسعه‌ی پایدار شود.

به همه حال، شرط توسعه پایدار به واسطه‌ی فعالیت‌های معدنی در کشورهای در حال توسعه‌ی که از ذخایر معدنی قابل توجهی برخوردار اند، توجه به جنبه‌های مختلف معدن‌کاری (محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی) است. مواردی که هرگاه به هر یک از آن‌ها توجه جدی نشود، علاوه بر اینکه منجر به توسعه پایدار نمی‌گردد، موجب عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی کشور نیز می‌شود (ثاقب و مدبر الهی، ۱۳۹۸: ۱۹۵). در افغانستان در حوزه اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی عملاً میکانیسم برای بررسی شاخص‌های توسعه پایدار وجود ندارد و همین مسئله ارتباط متقابل جوامع محلی با معادن را با چالش‌های اساسی روبه‌رو ساخته است. در این تحقیق ضمن بررسی موضوع "توسعه پایدار در معادن" راهکارها و پیشنهادهای کاربردی به‌منظور توجه جدید به الزامات توسعه پایدار بر اساس روش‌های علمی و به‌روز دنیا ارائه شده‌اند.

پرسش‌های تحقیق

در این تحقیق چند سوال مطرح شده است که هر کدام از این سوالات از ابعاد مختلف به توسعه پایدار پرداخته است. سوالات که در مورد مطرح می‌گردد قرار ذیل است:

- در معادن بدخشان تا چه حد اهداف توسعه پایدار رعایت گردیده است؟
- میزان رضایت مردم از وضعیت موجود در سرکنتر معادن تا چه اندازه است؟
- در مورد مصرف عواید معادن شفافیت وجود دارد یا خیر؟
- مفاد معادن برای مردم محل تا چه اندازه است؟
- نقش نیروی متخصص در بخش معادن تا چه اندازه است؟
- معادن در بدخشان به صورت رسمی استخراج و بهره‌برداری می‌شود یا خیر؟

اهداف تحقیق

این تحقیق حول اهداف عمده‌ی ذیل شکل یافته است: شناخت مفهوم توسعه پایدار و ارتباط آن با معادن. بررسی میزان رضایت مردم از فعالیت‌های معدن‌کاری. بررسی نقش معادن در انکشاف اقتصادی و اجتماعی مردم محل. بررسی سطح آگاهی مردم از میزان مصرف شفاف عواید معادن.

اهمیت تحقیق

افغانستان بیش‌تر از چهار دهه جنگ را سپری نموده است. در این مدت از یک طرف نهادهای آکادمیک شدیداً صدمه دیده که سبب پایین شدن ظرفیت‌های علمی گردیده است و از جهت دیگر وضعیت اقتصادی را شدیداً صدمه زده است. بنابراین؛ موضوعات کلیدی و ضروری مورد بررسی و تحقیق قرار نگرته و یا تحقیقات دارای اهمیت کم‌تر انجام شده است. نقش معادن در توسعه پایدار نیز یکی از موضوعات اساسی و مهم است که کم‌تر از طرف مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است. اگر کارهای هم در این زمینه صورت گرفته، یا با پیشداوری همراه بوده و یا هم توصیف حوادث، عرصه را بر تحلیل تنگ نموده؛ و در نهایت یکسویه نگری مانع عمده‌ی در تشخیص و شناخت متغیرهای متعدد و مؤثر

بوده است. بنابراین: ضرورت این است که مسئله نقش منابع معدنی در توسعه پایدار، با دید علمی و بی‌طرفانه مورد تحقیق قرار گیرد، همواره احساس شده است؛ به همین منظور تحقیق حاضر روی دست گرفته شد تا با در نظر گرفتن یافته‌های این تحقیق یک گام کوچک در راستای بهتر شدن وضعیت معادن و پیشرفت اقتصادی نهاد شود.

پیشینه‌ی تحقیق

برخوردراری از منابع طبیعی مانند معدن می‌تواند به یک شتاب دهنده رشد و توسعه اقتصادی مناطق میزبان بدل شود، چنانچه در ادبیات اقتصاد منابع از معادن به‌عنوان موهبت یاد می‌شود. اکتشاف معادن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند در توسعه اقتصادی منطقه سهم داشته باشد (عادلی نیک و رجبی، ۱۴۰۲). تحقیقی تحت عنوان توسعه معادن در زامبیا که توسط لیپر (۲۰۱۴) انجام شده نشان دهنده‌ای افزایش معیارهای زندگی مردم ساکن مناطق اطراف معدن است. وی نشان می‌دهد افزایش ۱۰ فیصدی در تولید مس در سطح منطقه مخارج خانوار مردم را تا دو فیصد افزایش داده است. هم‌چنان معیارهای زندگی (مانند دسترسی به آب، برق، گاز، سرک و شفاخانه) در مناطق اطراف معدن با افزایش تولیدات معدنی بهبود یافته است. نریعی و عطایی‌پور (۲۰۲۱) اثرات اجتماعی استخراج از معادن را با ارزیابی ترجیحات شخصی یا روش آزمایش انتخاب بررسی کردند. آن‌ها استدلال می‌کنند بهره‌برداری از معادن از یک سو می‌تواند به افزایش رفاه و بهبود معیشت مردم منطقه معدنی منجر شود و از سوی دیگر می‌تواند به ناهنجاری‌های و عدم تعادل اجتماعی منجر شود. نتایج محققان نشان می‌دهد رضایت از وضعیت شغلی و معیشتی در مناطق معدنی مشروط به آن است که ناهنجاری‌های اجتماعی معادن در محل سکونت فرد نباشد. پاکتاو و همکاران (۲۰۲۱) به ارزیابی اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی مناطق معدن زغال سنگ در کشور لهستان پرداخته‌اند. در این مطالعه با استفاده از روش فراتحلیل، ابتدا مقالات علمی و کتاب‌هایی این بخش مرور شده است. هدف محققان، استخراج دستورالعمل‌ها و سیاست‌هایی است که در بهره‌برداری از معادن مبتنی بر توسعه پایدار باشد.

گیفورد و همکاران (۲۰۱۰) در سطح بین‌المللی کشورهای دارای معادن طلا را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد ۷۰ فیصد استخراج طلا در کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود و نه تنها پیامدهای زیست‌محیطی بالای را تحمل می‌کنند و از لحاظ پایداری تحت خطر هستند. بلکه مناطق اطراف معدن فقیر و آسیب‌پذیر بوده و از دسترسی به معیارهای زندگی محروم هستند. الراوآشد و همکاران در سال (۲۰۱۶) در مقاله تحت عنوان "بررسی نقش معادن در کشور اردن" پرداخته‌اند نتایج مقاله نشان می‌دهد عملیات معدن‌کاری علاوه بر پیامدهای منفی جدی صحتی و زیست‌محیطی در مناطق معدنی اردن، منجر به بهبود رفاه و معیارهای زندگی افراد محل نشده است. آتینیزا و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله "ارتباط معدن در شبکه تأمین مس چیلی و توسعه اقتصادی منطقه‌ای" به بررسی اثر فعالیت‌های استخراجی معدنی در توسعه اقتصادی منطقه‌ای، با استفاده از اطلاعات جدول (O-I) در دو سال ۱۹۹۵ و ۲۰۱۱ و اطلاعات محدود ۴۰۰۰ شرکت معدنی چیلی پرداخته‌اند. محققان با ارزیابی ارتباط معدنی در مناطق چیلی نشان می‌دهند پیوندهای فعالیت‌های معدنی در درون مناطق معدنی این کشور ضعیف است و علاوه بر این که دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی را محدود می‌کند. توزیع منافع توسعه فعالیت‌های معدنی در سطح مناطق نابرابر است. هورسلی و

همکاران در یک مقاله مروری به ارزیابی بین معیشت پایدار و شاخص‌های توسعه منطقه‌ای در اقتصادهای معدنی پرداخته‌اند. این محققان استدلال می‌کنند. اگرچه زمانی وابستگی اقتصادها به نفت و گاز و مواد معدنی اثرات منفی بر ثبات بلند مدت اقتصادی، رفاه اجتماعی و محیط‌زیستی داشته، در عین حال تغییر رویکرد توسعه و هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی در زمینه‌های عملیاتی، مانند اقداماتی نظیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سایر استراتژی‌های توسعه جامعه، فعالیت‌های معدنی به رشد اقتصادی ملی، افزایش رفاه اجتماعی منطقه‌ای و توسعه پایدار و متوازن منجر شده است. مرور مطالعات تجربی صورت گرفته در زمینه اثر فعالیت‌های معدنی بر معیارهای زندگی مردم محل و توسعه منطقه‌ای نیز نشان داد که این ارتباط یک موضوع تجربی است و وابسته به ساختار نهادی و اقتصادی هر کشور نتیجه متفاوتی حاصل شده است.

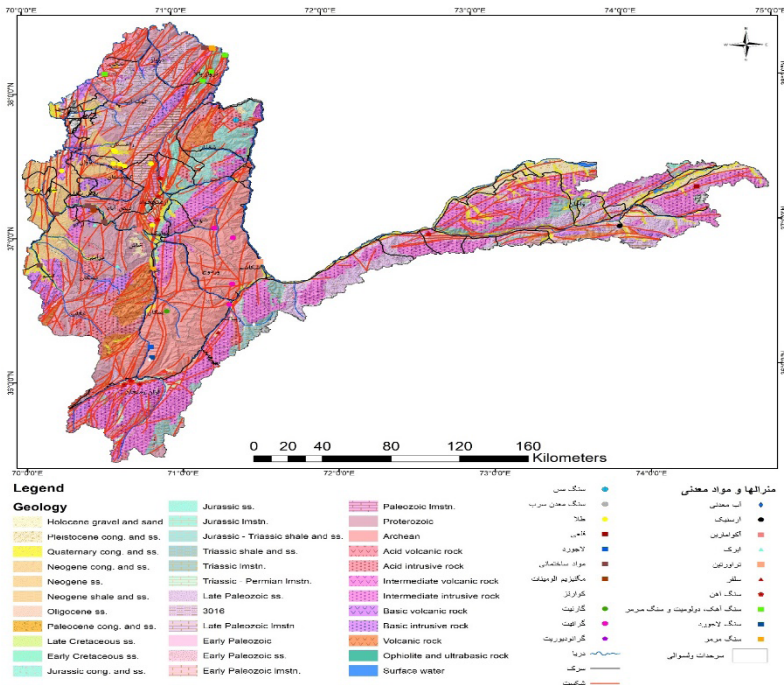
روش تحقیق

تحقیق به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ ماهیت و گردآوری اطلاعات از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه محقق ساخته) استفاده گردید. جامعه آماری شامل محصلان در پوهنتون بدخشان با تعداد ۳۳۹۱ محصل که بر اساس فورمول کوکران تعداد ۱۱۸ نفر که برای احتیاط بیش‌تر ۱۲۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب و پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) استفاده شده است و به وسیله‌ی نرم افزار اکسیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج ویافته‌ها

ولایت بدخشان در شمال شرق افغانستان موقعیت دارد. مرکز این ولایت شهر فیض آباد است. بدخشان از شمال با دریای آمو و کشور تاجیکستان، از شرق با کشور چین و پاکستان، از جنوب با ولایت نورستان، از جنوب غرب با ولایت پنجشیر و از غرب با ولایت تخار هم سرحد است (عظیمی، ۱۳۹۰). نفوس مجموعی این ولایت نظر به سالنامه برآورد نفوس اداره ملی احصائیه و معلومات، در حدود (۱۰۵۴۰۸۷) تن می‌رسد (احصایه مرکزی، ۱۳۹۹).

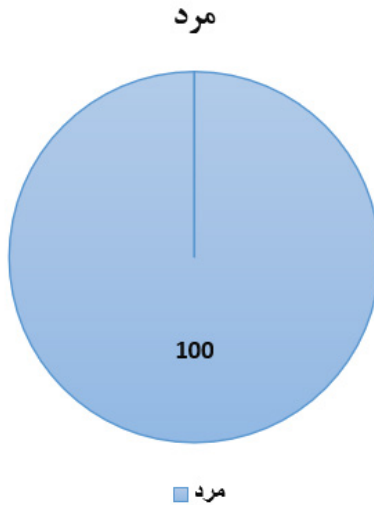
نظر به سروی‌های انجام شده توسط سروی جیولوجی افغانستان و ریاست معادن مربوطه، این ولایت دارای معادن و ظواهر معدنی متعدد بوده که از آن آهن در ساحه ساجر و فارماره، مس در گلپک، سرب و جست در بایقره، لاجورد و قلعی ده گال، تورمالین در رباط، طلا در ویکادور، کوارتز در مندوقول، تراورتن در سرچنگل، زغال در اندمین و بیروج در کفترخانه موقعیت دارد (فیروز، ۱۳۵۷). که معادن و ظواهر معدنی آن در شکل (۱) نشان داده شده است.



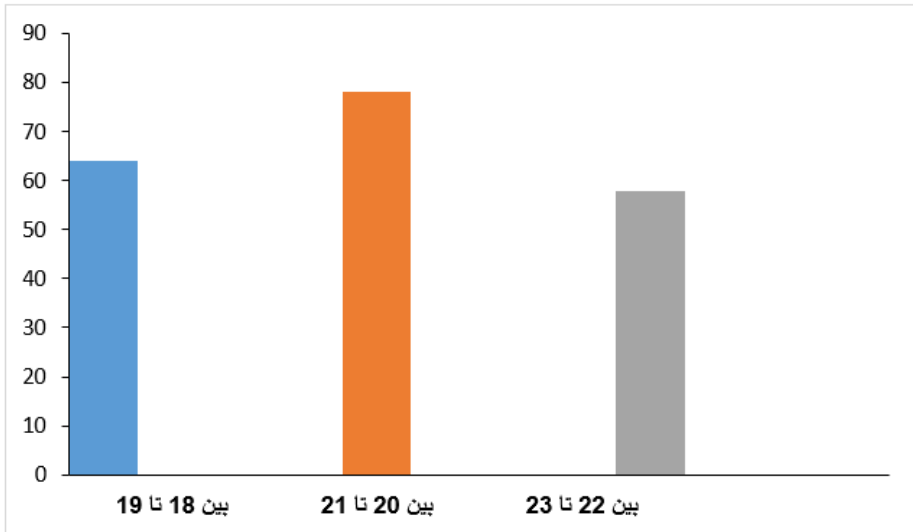
شکل ۱. نقشه ساده شده‌ی جیولوجیکی با معادن و ظواهر معدنی منطقه مورد مطالعه و نواحی اطراف آن اقتباس از نقشه جیولوجیکی ۱:۵۰۰،۰۰۰ افغانستان ترتیب داده شده توسط ریاست سروی جیولوجی افغانستان (Abdullah et al., 1977).

نتایج این تحقیق از ۱۲۰ پرسش‌نامه توزیع شده بین صنوف مختلف در چهار صنف پوهنجی انجنیری پوهنتون بدخشان حاصل شده است. در این تحقیق محصلان با مشخصات سنی متفاوت اشتراک داشتند و نظرات شان را پیرامون موضوع یاد شده مطرح نمودند. در پرسش‌نامه‌های توزیع شده به تعداد ۱۳ سوال موجود بود که از هر پاسخ دهنده سوالات مشخص از قبل طرح شده در پرسش‌نامه صورت گرفته و نظرات شان در فورم مشخص درج گردیده است. توزیع پرسش‌نامه در هر صنف تقریباً مساوی بود، طوری که در هر صنف در حدود ۳۰ پرسش‌نامه توسط محصلان خانه‌پری گردید. انتخاب نمونه برای پاسخ‌دهی و خانه‌پری ارقام به شکل هدفمند بود و افرادی در این نمونه شامل شدند که پیرامون موضوع معلومات داشته و یا هم به نحوی در مسایل معادن زیدخل بودند. در این تحقیق بنابر شرایط تنها از به محصلان ذکور پرسش‌نامه توزیع گردیده که از لحاظ جنسیتی تماماً مرداند.

در شکل (۱) نشان داده شده است. فیصدی اشتراک کنندگان بین ۱۸ تا ۱۹ سال، ۲۰ تا ۲۱ سال و ۲۱ تا ۲۳ سال سن داشتند.



شکل ۲. توزیع جنسیتی اشتراک کنندگان تحقیق. آن گونه که در شکل بالا مشاهده می‌شود، ۱۰۰ فیصد اشتراک کنندگان در این تحقیق را مردها تشکیل می‌دهند.

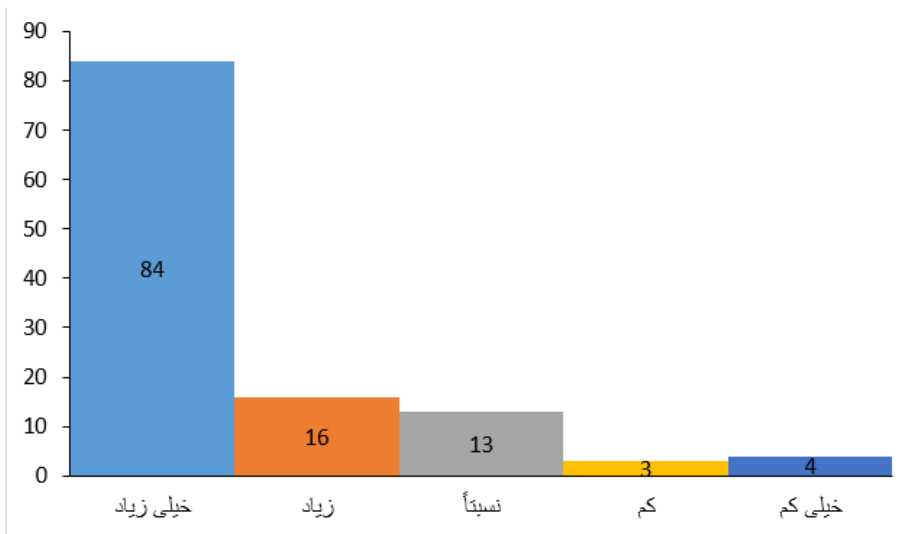


شکل ۳. چارت فوق مشخصات سنی اشتراک کنندگان را نشان می‌دهد. ترکیب سنی اشتراک کنندگان در این تحقیق در شکل بالا به نمایش گذاشته شده است. بیشترین

اشتراک کنندگان را محصلان بین سنین ۲۰ تا ۲۱ سال تشکیل می‌دهد. این ترکیب سنی نیز نشان می‌دهد که اشتراک بیش‌تر جوانان در این تحقیق زمینه را برای دست یافتن به نتیجه‌گیری درست فراهم ساخته است. ارقام پیرامون سطح تحصیلی اشتراک کنندگان این تحقیق اکثریت مطلق ۱۰۰ فیصد دارای سطح تحصیلی لیسانس می‌باشند.

نقش معادن در انکشاف اقتصادی

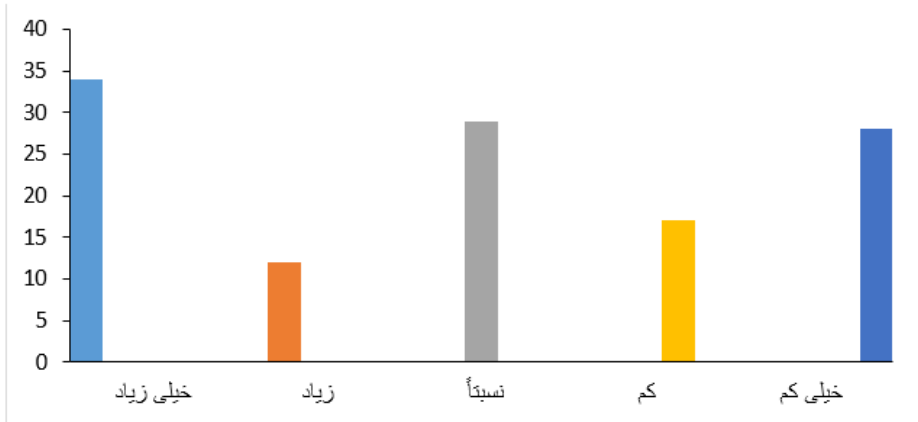
در مورد رابطه بین معادن و انکشاف اقتصادی در ولایت بدخشان، اکثریت اشتراک کنندگان (۳/۸۳ فیصد) باورمنداند که این رابطه مثبت است و معادن می‌تواند نقش اساسی را در انکشاف و توسعه اقتصادی ولایت بدخشان بازی نماید. در حالیکه صرف بخشی اندک (۱۰/۸۳ فیصد) محصلان نقش معادن را در این رابطه متوسط دانسته و تعداد دیگر (۴/۵ فیصد) نیز آن را کم اهمیت جلوه داده‌اند. با توجه به ارقام متذکره، میزان آگاهی محصلان در مورد اهمیت معادن در توسعه اقتصادی ولایت بدخشان در حال افزایش بوده و آن‌را مهم تلقی می‌نمایند.



شکل ۴. چارت فوق اهمیت معادن در انکشاف اقتصادی ولایت بدخشان را نشان می‌دهد.

میزان رضایت محصلان از شرایط موجود فعالیت‌های معدن کاری

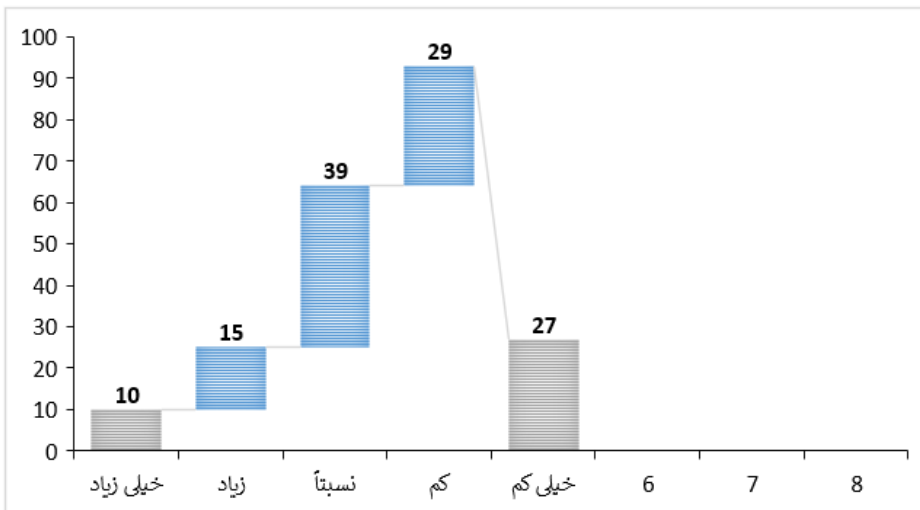
نتایج حاصل در این تحقیق نشان می‌دهد که ۴/۳۸ فیصد از وضعیت موجود در سکتور معادن رضایت دارند. در حالیکه ۴/۳۷ فیصد میزان پایین رضایت خود را از این وضعیت آشکار ساختند و در حدود ۱۶/۲۴ فیصد به طور متوسط از شرایط موجود فعالیت‌های معدن کاری راضی هستند. روی این ملحوظ، محصلان از وضع قرارداد، استخراج و جمع‌آوری معادن نسبتاً ناراض بوده و اعتماد شان نسبت به روند استفاده از معادن پایین است.



شکل ۵. چارت فوق رضایت و عدم رضایت اشتراک کنندگان را نشان می دهد.

عوااید سکتور معادن

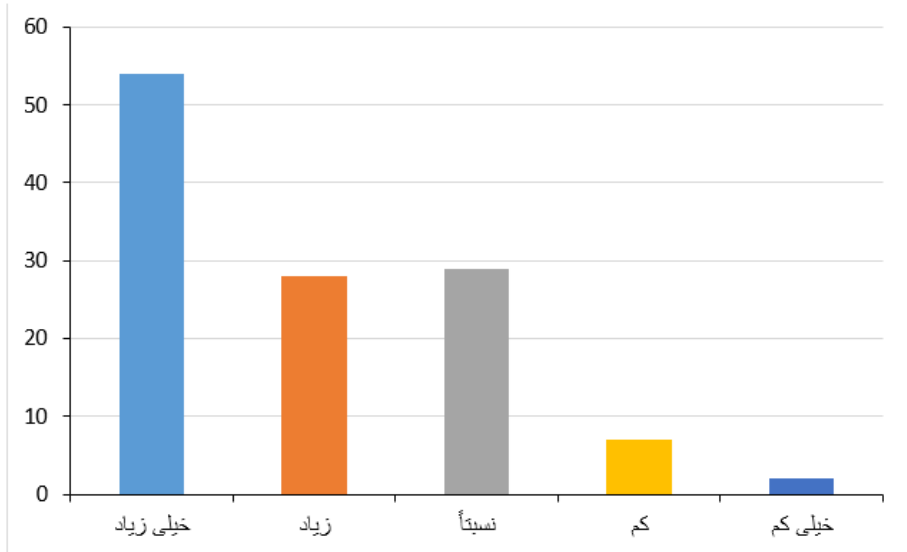
نتایج این بخش نشان می دهد که میزان آگاهی محصلان در مورد مقدار عوااید از سکتور معادن پایین است. طوریکه ۴۶/۶۶ فیصد محصلان هیچ گونه آگاهی در این مورد ندارند و ۳۲/۵ فیصد نسبتاً و ۲۰/۸ آگاهی دارند. این نتایج واضح می سازد که محصلان در اثر عدم دسترسی به معلومات در رابطه با عوااید معادن بی خبر اند و نهادهای دولتی نتوانسته اند با افزایش آگاهی زمینه را برای شفافیت فراهم سازند.



شکل ۶. میزان آگاهی محصلان از عوااید خلق شده از معادن.

با توجه به ارقام بالا که نشان دهنده نا آگاهی محصلان از عوااید معادن می باشد. دور از انتظار نخواهد بود که مردم در مورد مصرف ناشی از سکتور معادن نیز بی اعتبار باشند. با جودی که یک تعداد معادن اخیراً قرارداد شده و استخراج می گردند و یک تعداد دیگر نیز از قبل فعالیت داشته و درآمد دارند. اما پرسش های زیادی

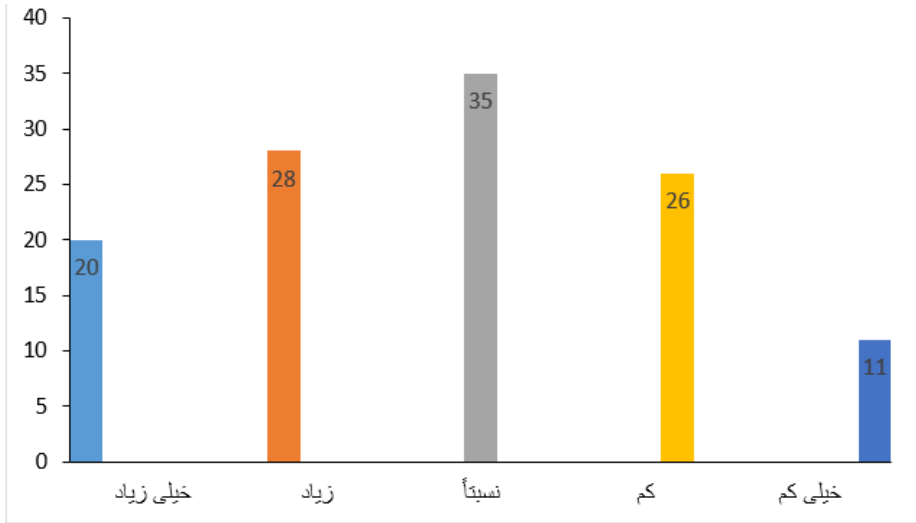
در مورد عواید این معادن و چگونگی مصرف آن وجود دارد. چون تا هنوز به صورت منظم در رابطه با میزان عواید معادن و نحوه مصرف آن از طرف ادارات ذیربط معلومات فراهم نشده است. بیش از $68/3$ فیصد اشتراک کنندگان این تحقیق باورمنداند که عواید حاصله از معادن به صورت شفاف به مصرف نمی‌رسد. این درصدی بسیار بالا بوده و نشان دهنده بی‌اعتمادی عمیق نسبت به ادارات ذیربط در بخش معادن می‌باشد. از مجموع اشتراک کنندگان در این تحقیق تنها $7/49$ درصد آن‌ها باورمندی به این دارند که این عواید ممکن به شکل شفاف به مصرف برسد.



شکل ۷. چارت فوق رضایت و عدم رضایت اشتراک کنندگان در مورد مصرف شفاف عواید معادن را نشان می‌دهد.

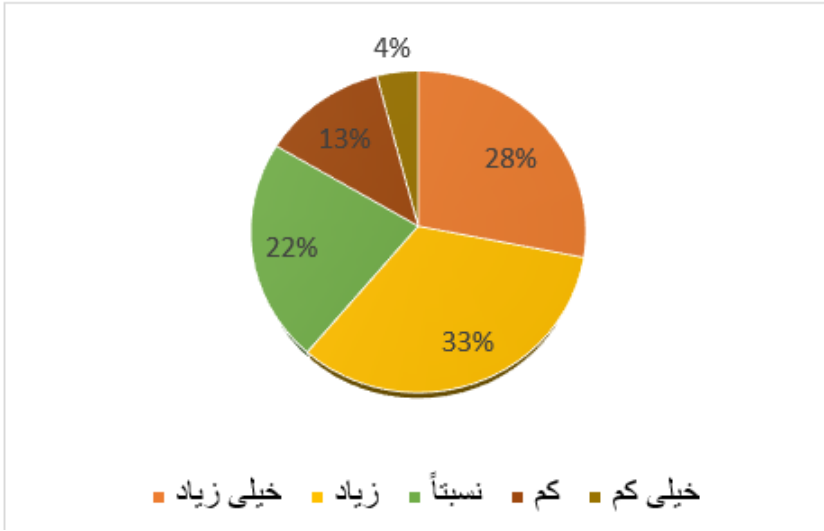
تأثیرات اجتماعی معادن

اشتراک کنندگان این تحقیق باورمنداند ($69/12$ فیصد) که اکثر قراردادی‌ها در این گونه فعالیت‌ها سهم بسیار کم و متوسط دارند و سهم شان در برنامه‌های اجتماعی چشم‌گیر نیست. اما صرف 30 فیصد دیگر پاسخ دهنده‌ها فعالیت‌های شرکت‌های قراردادی را در این زمینه چشم‌گیر تلقی می‌دانند.



شکل ۸. سهم شرکت‌های قراردادی در فعالیت‌های اجتماعی در جامعه. تأثیرات محیط زیستی معادن

فعالیت‌های انسانی همواره با اضرار محیطی همراه بوده و استخراج معادن یک معضل جدی در این رابطه پنداشته می‌شود. از این‌که اکثر معادن در ولایت بدخشان غیرقانونی و غیرمعیاری بهره‌برداری می‌گردد و مطالعات محیطی اندک در این رابطه صورت گرفته است، لذا؛ دور از انتظار نخواهد بود که فعالیت‌های معدن‌کاری اثرات ناگوار محیط‌زیستی داشته باشد. انکشاف پایدار اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین هدف فعالیت‌های اقتصادی در دنیای امروز، وابسته به استفاده پایدار از منابع طبیعی، خصوصاً معادن دارد. در نظر گرفتن بحث‌های محیط‌زیستی در استخراج معادن یکی از جدی‌ترین موضوعات در رابطه با طرح پالیسی‌های درست در این زمینه می‌باشد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، ۶۱ درصد اشتراک‌کننده‌ها باور دارند که فعالیت‌های معدن‌کاری اثرات ناگوار بالای محیط‌زیست داشته، در حالیکه سایرین ۲۲/۵ درصد اثرات آن را متوسط و ۱۶/۶ درصد آن را کم اهمیت تلقی نموده‌اند.

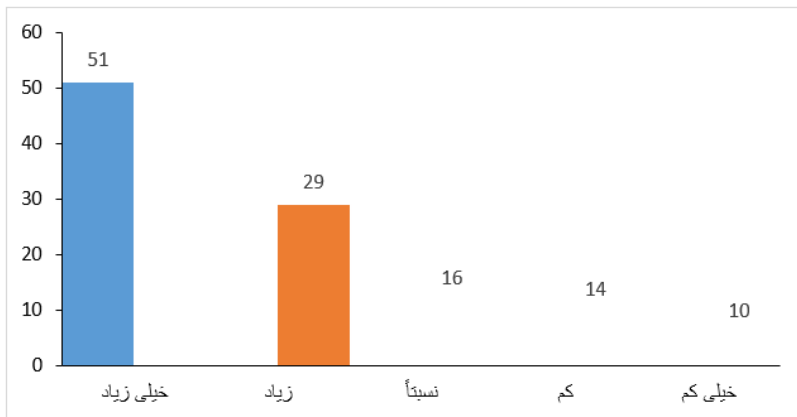


شکل ۹. چارت فوق اثرات محیط‌زیستی معادن را از نظر اشتراک کننده‌ها نشان می‌دهد.

چگونگی استخراج معادن

مسئله مهم دیگر پیرامون معادن کشور، نحوه استخراج آن‌ها است. به دلیل استخراج غیرقانونی معادن، تطبیق معیارهای علمی و قبول شده، دشوار به نظر می‌رسد. استخراج غیرقانونی از یک طرف، باعث هدر رفتن منابع عظیم عایداتی برای کشور می‌شود و از طرف دیگر، نگرانی‌ها و تهدیدهای جدی را در عرصه محیط‌زیست و حقوق کارگران خلق می‌کند.

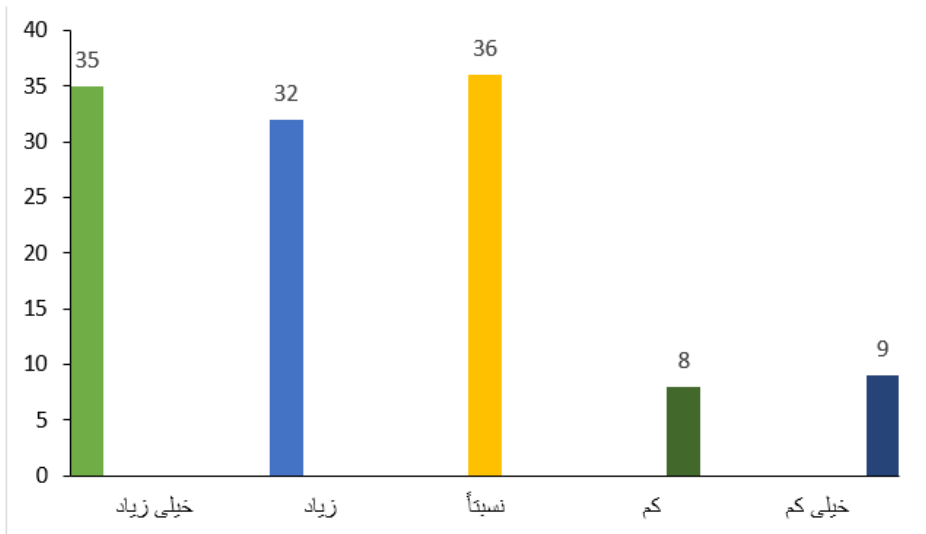
در این تحقیق بیش‌تر از ۶۶/۶۶ درصد محصلان باور دارند که معادن به شکل معیاری استخراج نمی‌شوند. همین‌گونه ۱۳/۳۳ درصد فکر می‌کنند که استخراج معادن تا حدی معیاری است، اما صرف ۸/۳۳ درصد شان عقیده داشتند که این کار به شکل درست انجام می‌شود.



شکل ۱۰. چگونگی بهره‌برداری معادن.

میزان نیروی متخصص در بخش معادن

یکی از موارد مهمی دیگر که در پرسش نامه آورده شده است. محدودیت دانش تخصصی در حوزه معادن می باشد. برای مدیریت معادن تنها بحث های تخنیکی و انجیری کافی نیست، بلکه مدیریت درست این منابع نیازمند فهم گسترده تر در حوزه اقتصاد و مدیریت این منابع می باشد. یا اینکه نیروی متخصص از روند قراردادها، شکل استخراج، مطالعه اثرات محیط زیستی و اجتماعی، نحوه توزیع عواید حاصل از این منابع و چگونگی مصرف آن نظارت نماید. بیش تر از نصف (۵۵/۷۶ درصد) اشتراک کننده های این تحقیق این مشکل را جدی تلقی نموده و باور دارند که نیرو کافی متخصص در این سکتور موجود نیست. در حالیکه سایرین (۴۴/۱ درصد) این مشکل را متوسط و کم تلقی نموده اند.



شکل ۱۱. میزان نیروی متخصص در بخش معادن.

نیروی انسانی متخصص اولین فکتور جهت مدیریت درست معادن به شمار می رود و به باور اشتراک کنندگان لازم است تا توجه جدی در عرصه ایجاد دانش تخصص در این حوزه صورت گیرد.

نتیجه گیری

توسعه پایدار یک چارچوب مطمئن برای دستیابی به جامعه سالم، محیط زیست پاک و اقتصاد قوی است. با توجه به اهمیت این مفهوم کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، بخش قابل توجهی از بودجه آموزشی خود را در پوهنتون ها صرف آموزش و نهادینه کردن مفاهیم توسعه پایدار می کنند. در افغانستان منابع معدنی به عنوان یک فرصت برای پیشرفت و توسعه کشوراند اما وضعیت معدن کاری افغانستان خصوصاً در این تحقیق که ولایت بدخشان است در مؤلفه های مختلف توسعه پایدار، در مقایسه با سایر کشورهای دارای معادن وضعیت مناسبی ندارد.

با وجود که معادن در افغانستان چشم انداز روشن و امیدوار کننده ای برای دست یافتن به رشد اقتصادی پایدار، کاهش وابستگی مالی و ثبات پایدار خلق کرده است، درگیر چالش ها و مشکلات جدی و نگران

کننده‌ای است که اگر به‌صورت فوری و جدی به آن رسیدگی نشود، احتمال آن وجود دارد که افغانستان نیز درگیر نفرین منابع شود. در این تحقیق نگرانی اشتراک کنندگان در مورد شفافیت روند قراردادهای معادن، نبود میکانیزم مشخص جهت جمع‌آوری عواید و مصرف آن، افزایش استخراج‌های خودسرانه، اثرات محیط زیستی، نبود معیارهای صحی و حمایتی از کارگران و سهم اندک معادن در انکشاف اقتصادی و اجتماعی محلات شان و یکی دیگر از مواردی که به عنوان نگرانی از طرف اشتراک کنندگان در این تحقیق مطرح شده بود، محدودیت نیروی انسانی متخصص در این سکتور است. در اکثریت کشورهای که معادن تجربه‌های موفق داشته‌اند، یکی از اصلی‌ترین دلایل ایجاد دانش کافی در عرصه مدیریت این سکتور بوده است. نتایج به دست آمده در این مطالعه با نتایج بسیاری از مطالعات از قبیل گیفورد و همکاران (۲۰۱۰)، راواشد و همکاران (۲۰۱۶)، آتینزا و همکاران (۲۰۲۱) و اوبا (۲۰۲۲) که در مورد بخش معدنی کشورهای در حال توسعه نظیر اردن، چیلی انجام شده مطابقت داشته و با نتایج مطالعاتی از قبیل لیپر (۲۰۱۴) و پاکتاو و همکاران (۲۰۲۱) که در مورد معادن کشورهای توسعه یافته نظیر استرالیا و سویدن تطابق نداشته است. در کشورهای توسعه یافته معدنی که منافع حاصل از موهبت معادن به‌طور کارآمد بین مردم ساکن مناطق میزبان توزیع شده است. میکانیزم‌های به اشتراک گذاری سود مانند واگذاری سهام، تخصیص منابع درآمدی بودجه‌ای کسب شده به توسعه و سرمایه‌گذاری زیربنایی در محلات، ارائه مزایای غیر پولی شامل تسهیلات آموزشی، تسهیلات طبی، اهداف اشتغال، آموزش کارکنان و بهبود دسترسی به خدمات کارگرفته شده است.

پیشنهادها

- تشکیل کمیته‌ای از متخصصین در همه‌ای عرصه‌های مربوط به مدیریت معادن، اقتصاد معادن، حقوق معادن، محیط زیست و جامعه‌شناسی تا بتوانند یک چارچوب مؤثر و عملی در عرصه معادن ایجاد نمایند.
- نشر تمامی گزارش‌ها در مورد مقدار عواید به دست آمده از معادن و چگونگی مصرف آن
- طرح میکانیزم مشخص و مؤثر توزیعی عواید معادن بین مردم محل، حکومت‌های محلی و دولت مرکزی.
- در اولویت قرار دادن اشتغال‌زایی مردم محل در معدنکاری محل شان، فراهم نمودن وسایل لازم جهت تضمین صحت و مصونیت کارکنان معدن.
- در نظر گرفتن معیارهای محیط‌زیستی در قراردادهای معادن هم قبل از مرحله اکتشاف و بهره‌برداری و هم بعد از مرحله ختم معدن کاری.
- ترتیه نیروی متخصص مورد ضرورت در عرصه مدیریت سالم معادن کشور.
- الزام معادن و صنایع معدنی به‌منظور ارائه طرح جامع توسعه پایدار قبل از صدور مجوز.
- اصلاح، شفاف سازی، به روزرسانی و تدوین قوانین و مقررات بخش معادن (قانون معادن، قوانین و مقررات زیست‌محیطی و منابع طبیعی).
- تشکیل کمیسیون ویژه توسعه پایدار و نظارت از معادن.
- ارائه گزارش سالانه ادارات ذیربط و شرکت‌های معدنی از عملکرد خود نسبت مؤلفه‌های توسعه پایدار و چالش‌های که در پیش روی آنها بوده است.
- ارائه ابزارها و چارچوب‌های مورد نیاز برای تحقق الزامات توسعه پایدار در بخش معادن و طراحی صنایع

معدنی.

- جذب متخصصین جوان به دلیل وجود ظرفیت در پذیرش اهداف و الزامات توسعه پایدار.
- گنجاندن مباحث توسعه پایدار در پروسه های آموزشی و توسعه نظارت بر معیاری های توسعه پایدار در عملیات معدنی.
- در بسیاری از کشورهای توسعه یافته از ظرفیت مسئولیت اجتماعی شرکت ها به منظور توسعه زیربنایی مانند احداث سرک، مکتب، مدرسه، شفاخانه، برق به صورت اجباری بهره گرفته می شود. در این زمینه پیشنهاد می شود مشارکت در مسئولیت اجتماعی به صورت اجباری شده و شرکت های معدنی فیصدی از سود خالص خود را به ایجاد زیربناها در مناطق میزبان معادن اختصاص دهند. علاوه بر آن شوراهای محلی نظارت بر انجام طرح های مسئولیت اجتماعی شرکت ها را بر عهده داشته باشند.

منابع

آصف، فرح و برینکمن، ماریوس. (۱۳۹۶). مدیریت منابع طبیعی (معادن)، ترجمه احسان الله نظری، کابل: انتشارات تمدن.

پورمیرزائی، راشد. (۱۳۹۶). بررسی نقش صنعت معدن کاری و منابع معدنی در توسعه پایدار کشور. نشریه مهندسی منابع معدنی ۸۱-۹۲، ۲(۳). 2017.1271.jmre/10.30479.

ثاقب، نقیب الله و مدبر الهی، علی اصغر. (۱۳۹۸). حقوق معادن. کابل: انتشارات بنیاد آسیا. حکمی، بریالی. (۱۳۹۶). حقوق بین‌المللی معادن. کابل: انتشارات تمدن.

دبروکر، لین. نورانی، جاوید (۱۳۹۵). عملکرد متوازن در اداره‌ی بخش معادن، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، کابل: سلسله نشرات تحلیلی.

فیروز، نور محمد. (۱۳۵۷). جیولوجی منطقوی افغانستان. کابل: انتشارات پوهنتون پولی تخنیک کابل.

عظیمی، م.ع. (۱۳۹۰). درآمد بر جغرافیای طبیعی افغانستان. کابل: انتشارات امیری.

عادلی نیک، حامد و رجبی، فاطمه. (۱۴۰۲). تاثیر بهره‌برداری از معادن بر سطح استندرد زندگی مردم ساکن مناطق میزبان معدن، مطالعه موردی ایران. پژوهشنامه بازرگانی، 10.22034/2023.1982683.3760.ijts

مقصودی، ابراهیم، صادق احمدی، مهدی، و خانی، سعید. (۱۳۹۷). توسعه پایدار در بخش معادن و صنایع معدنی ۱. بررسی الزامات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی. تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://fa/791272/paper/ir.sid/>

نرئی، سمیه و عطایی پور، مجید. (۱۳۹۸). ارزیابی روش آزمون انتخاب در ارزش‌گذاری تاثیرات اجتماعی معدن کاری پایدار، نشریه مهندسی معدن. ۱۴(۴۳)، ۳۳-۲۳. doi: 2019.35769.ijme/10.22034. <https://www.nsia.gov.wp/8080:af>

Abdullah, S., & Chmyriov, V. M. (1977). Map of mineral resources of Afghanistan: Kabul, Afghanistan, Democratic Republic of Afghanistan, Ministry of Mines and Industries, Department of Geological and Mineral Survey. *V/O Technoexport USSR*, scale, 1(500,000).]

Abdullah, S., and Chmyriov, V.M., editors, 2008, Geology and mineral resources of Afghanistan, Book 1, Geology: Ministry of Mines and Industries of the Democratic Republic of Afghanistan, Afghanistan Geological Survey, 15, p. 488. British Geological Survey Occasional Publication.

Al Rawashdeh, R., Campbell, G., & Titi, A. (2016). The socio-economic impacts of mining on local communities: The case of Jordan. The

- Extractive Industries and Society, 3(2), 494-507.]
- Atienza, M., Lufin, M., & Soto, J. (2021). Mining linkages in the Chilean copper supply network and regional economic development. *Resources Policy*, 70, 101154.]
- Gifford, B., Kestler, A., & Anand, S. (2010). Building local legitimacy into corporate social responsibility: Gold mining firms in developing nations. *Journal of World business*, 45(3), 304-311.]
- Horsley, J., Prout, S., Tonts, M., & Ali, S. H. (2015). Sustainable livelihoods and indicators for regional development in mining economies. *The Extractive Industries and Society*, 2(2), 368-380.]
- Lippert, Alexander, (2014). "Spill-Overs of a Resource Boom: evidence from Zambian copper mines," OxCarre Working papers 131, Oxford centre for the analysis of resource rich economies, University of Oxford.
- Narrei, S., & Ataee-pour, M. (2021). Assessment of personal preferences concerning the social impacts of mining with choice experiment method. *Mineral Economics*, 34(1), 39-49.]
- Dubinski, J. (2013). "Sustainable development of mining mineral resources". *Journal of Sustainable Mining*, 12(1): 1-6.



بررسی اثرات باران های اسیدی بالای محیط زیست و روش های پیشگری از آن

پوهندوی عبدالخلیل خلیل

abdulkhalil.khalil@ba.edu.af

<https://orcid.org/0009-0006-7176-6638>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

بارنده گی برای اکوسیستم های طبیعی از جمله زمین های زراعتی مایه ی حیات می باشد. با این حال بارنده گی در بسیاری از مناطق جهان باعث مسموم کردن اجسام حیه و غیرحیه زیادی می شود. باران و یا برفی که در این مناطق می بارد به اندازه اسیدی است که باعث آسیب رسانیدن به نباتات، جنگل ها، ماهی ها و دیگر موجودات آبری و افزایش تیزابیت خاک می شود. عمدتاً آب باران، به علت انحلال جزئی (کاربن دای اکساید) هوا در آن اندکی اسیدی است اما مفهوم باران اسیدی به نوع خاصی از باران اطلاق می شود که به علت انحلال آلوده گی های موجود در اتموسفیر، از جمله اکسایدهای گوگرد، در آن تیزابیت بالاتری دارد و می تواند بر گیاهان، حیوانات و در مجموع بر اکوسیستم، اثرات نامطلوبی داشته باشد. از این رو آن را یکی از حالت های ثانویه آلوده گی جوی به حساب می آورند که عمدتاً بر اثر عکس العمل های کیمیاوی بین آلوده گی های موجود در جو و رطوبت هوا شکل می گیرد.

باران های اسیدی از آنجا که یکی از انواع مظاهر آلوده گی جوی به شکل مایع هستند، به دلیل قدرت حلالیت نسبتاً بالای آب، عمدتاً می توانند اثرات بسیار مخربی بر محیط داشته باشند. باران اسیدی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بسیاری از فرایندهای حیاتی نباتات را تحت تاثیر قرار می دهد و در بسیاری از نقاط جهان خسارات جبران ناپذیری بر محیط زیست وارد کرده است. تا کنون قوانین زیادی برای کنترل آلوده گی های جوی به تصویب رسیده اما همچنان باران اسیدی به عنوان یک معضل محیط زیستی در برخی از نقاط جهان وجود دارد.

کلید واژه ها: آلوده گی، اسید، باران، باران های اسیدی، محیط زیست

Investigating the effects of acid rain on the environment and its prevention methods

Author

Email

Orcid

Abdulkhalil Khalil

Department of Mining Engineering, Faculty of Mining and Environmental Engineering Balkh University, Balkh, Afghanistan

abdulkhalil.khalil@ba.edu.af

<https://orcid.org/0009-0006-7176-6638>

Abstract

Rainfall is vital for natural ecosystems including agricultural lands. However, rainfall in many parts of the world causes poisoning of many healthy and non-healthy objects. The rain or snow that falls in these areas is so acidic that it damages plants and forests, fish and other aquatic organisms and increases the acidity of the soil. Mostly, rain water is slightly acidic due to the partial dissolution (carbon dioxide) of the air in it, but the concept of acid rain refers to a special type of rain that is acidic due to the dissolution of pollutants in the atmosphere, including sulfur oxides. It is higher and can have adverse effects on plants, animals and the ecosystem as a whole. Therefore, it is considered one of the secondary states of atmospheric pollution, which is mainly formed by chemical reactions between pollutants in the atmosphere and air humidity. Since acid rains are one of the types of atmospheric pollution in liquid form, due to the relatively high solubility of water, they can have very destructive effects on the environment. Since acid rains are one of the types of atmospheric pollution in liquid form, due to the relatively high solubility of water, they can have very destructive effects on the environment. Acid rain directly or indirectly affects many vital processes of plants and has caused irreparable damage to the environment in many parts of the world. So far, many laws have been passed to control air pollution, but acid rain still exists as an environmental problem in some parts of the world.

Keywords: acid, acid rain, environment, rain, pollution

مقدمه

هر روز در اخبار، مقالات، کتب یا گفتگوهای روزانه در مورد «باران اسیدی» (rain acid) می‌خوانیم یا می‌شنویم. اما باران اسیدی چیست؟ چگونه تشکیل می‌شود و چه اثراتی دارد؟ در این مقاله سعی خواهیم کرد به درک بهتری از این موارد پردازیم. پایین آمدن مواد اسیدی همراه با باران، برف، غبار، شبنم یا حتی ذرات جامد، باران اسیدی گفته می‌شود. گرچه بهتر است در مطالب علمی از بارش اسید (استفاده کرد. البته معادل فارسی این عبارت خیلی رایج نیست (میرزایی، نظام؛ مرضیه اکبری، ۱۳۹۸).

جالب است بدانیم که باران پاک در حد کمی به دلیل موجودیت کاربن دای اکساید در هوا، اسیدی است؛ چراکه آب بعد از عکس‌العمل با این گاز، کاربونیک اسید تولید می‌کند که البته اسید ضعیفی به شمار می‌رود. اما در هوای آلوده به دلیل وجود اکسایدهای نایتروجن و گوگرد یا سلفور، اسیدهای قوی تری به وجود می‌آید. این اسیدها به ترتیب نایتريت اسید و سلفوریک اسید هستند. مهمترین منبع تولید این آلوده گی‌ها را موتورها، تاسیسات صنعتی و نیروگاه‌ها می‌دانند. باران اسیدی اثرات مخربی روی جنگل‌ها، آب‌های شیرین و خاک دارد. این پدیده منجر به کشته شدن حشرات و تغییر حالت حیات موجودات آبی می‌گردد. باران اسیدی سطح ساختمان‌ها و مجسمه‌ها را تخریب میکند و برای سلامت انسان‌ها نیز مضر است. البته در جهان امروز سعی شده با کنترل میزان خروج اکسایدهای نایتروجن و سلفور تا حد امکان از این اثرات تخریبی جلوگیری شود (میرزایی، نظام؛ مرضیه اکبری، ۱۳۹۸).

تبیین مسأله

باران‌های اسیدی نه تنها اثرات مخرب زیست محیطی داشته بلکه باعث از بین رفتن حاصلات زراعتی و صدمه زدن به انسان‌ها، حیوانات و نباتات میگردد. بناءً این تحقیق نخست به بررسی اثرات سوء زیست محیطی باران‌های اسیدی پرداخته و در قدم ثانی برای جلوگیری از آن اقدامات و روش‌هایی را مورد ارزیابی و مطالعه قرار داده است.

پرسش‌های تحقیق

۱. چه عواملی باعث ایجاد باران‌های اسیدی می‌شوند؟
۲. چگونه باران‌های اسیدی به محیط زیست آسیب می‌رسانند؟
۳. چه تأثیراتی بر روی گیاهان، جانوران و منابع آب دارند؟
۴. راهکارهای کاهش باران‌های اسیدی چیست؟
۵. چگونه می‌توان از پدیده باران‌های اسیدی جلوگیری کرد؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق عبارت از دریافت اثرات سوء باران های اسیدی بالای محیط زیست و روش های پیشگیری از آن است.

اهمیت تحقیق

این تحقیق از آن جهت حائز اهمیت است که یک تحقیق بنیادی بوده و جنبه های کاربردی زیادی بخاطر حافظت از محیط زیست، انسان ها، حیوانات و نباتات در برابر باران های اسیدی دارد. همچنین راه های جلوگیری از اثرات سوء چنین باران ها درین تحقیق مطالعه شده است که از اهمیت حیاتی برخوردار است.

پیشینه ی تحقیق

روبرت آنگوس اسمیت (Smith Angus Robert) باران اسیدی را اولین بار در شهر منچستر انگلیس مشاهده کرد. او در سال ۱۸۵۲ رابطه ی بین آلوده گی های هوا و این پدیده را توضیح داد. البته تا سال ۱۹۶۰ مطالعات جدید و موثری در این زمینه انجام نشد. هارولد هاروی (Harvey Harold) از کانادا اولین محققی بود که یک دریاچه ی مرده (lake dead) را مورد بررسی قرار داد. در این دریاچه، تعداد بی شماری از ماهی ها به دلیل نامعلومی می مردند.

در ایالات متحده آمریکا، چاپ مقاله ای در نیویورک تایمز در رابطه با اثرات مخرب باران اسیدی روی جنگل های نیوهمشایر توجهات عمومی را به خود جلب کرد. از انقلاب صنعتی تاکنون، انتشار اکسیدهای نایتروجن و سلفرافزایش یافته است. صنایع کیمیایی، فلزی و نیروگاه هایی که از سوخت فسیلی مخصوصاً زغال سنگ استفاده می کنند، از دلایل اصلی انتشار اکساید سلفر هستند (میرزایی، نظام؛ مرضیه اکبری، ۱۳۹۸). اما در تحقیق ذیل را به اثرات آن در محیط و ماحول و چگونگی جلوگیری از آن مورد بحث قرار گرفته تا باشد از آن استفاده مبرم در بخش های محیط زیستی صورت گیرد.

روش تحقیق

این مقاله یک تحقیق بنیادی بوده و در آن از منابع کتابخانه ی که در منابع و مآخذ ذکر شده استفاده شده است. درین تحقیق ابتدا به روش تحلیلی، باران های اسیدی و فرق آن با باران های عادی تشریح گردیده، سپس اثرات زیان بار چنین باران ها بالای محیط زیست، انسان ها، حیوانات و نباتات مورد بحث قرار گرفته و در اخیر روش های پیشگیری آن ذکر گردیده است.

نتایج و یافته‌ها



شکل ۱: تاثیرات باران های اسیدی بالای ماهیان (<https://www.jahaneshimi.com/>)

فعالیت‌های انسانی

بسیاری از ترکیبات سلفور و نایتروجن به دلیل فعالیت‌های انسانی تولید می‌شوند. این اقدامات شامل تولید برق، بهره‌برداری از کارخانه‌ها و صنایع حمل‌ونقل می‌گردد. انرژی‌های ذغال‌سنگ در بین آلوده‌ترین صنایع جهان جای دارند. البته این نکته حائز اهمیت است که آلوده‌گی‌ها ممکن است صدها کیلومتر قبل از تبدیل به اسید جابه‌جا شوند.

در گذشته کارخانه‌ها دودکش‌های کوتاهی برای انتشار گازهای خروجی داشتند. اما امروزه متاسفانه تنها به دلیل حفظ محیط اطراف از آلوده‌گی، از دودکش‌های بلند استفاده می‌کنند. این آلوده‌گی‌ها با باد یکجا می‌شوند و مناطق کوهستانی و جنگلی به دلیل بارش بیشتر، آسیب مخرب‌تری را می‌بینند. (میرزایی، نظام؛ مرضیه اکبری، ۱۳۹۸).

مبانی کیمیاوی

هنگامی که در آسمان ابر وجود دارد، عکس‌العمل سلفردای اکساید با آب سریع‌تر به وقوع می‌پیوندد. این امر به دلیل آن است که این عکس‌العمل در قطرات آب موجود در ابر بهتر صورت می‌گیرد (غیائی، مهران، ۱۳۷۶).



شکل ۲: تعامل گازات را با باران نشان میدهد (<https://www.jahaneshimi.com>)

پوتانسیل هایدروجنی (PH)

(pH) مخفف potential of hydrogen - یک کمیت لگاریتمی است که میزان اسیدی یا قلعوی بودن مواد را مشخص می کند. بیشتر آبیان فقط در pH بین ۵ تا ۹ زنده می مانند. هرچه pH کمتر باشد، ماده یا محلول اسیدی تر و هر چه بیشتر باشد، محلول قلعوی تر است.

در علم کیمیا به لگاریتم معکوس غلظت ایون های هایدروجن در یک محلول pH آن گفته می شود. این مقیاس از ۰ تا ۱۴ متغیر است و مقدار کمتر از ۷ را اسیدی و بیشتر از ۷ را (قلعوی basic or alkaline) و محدوده ۷ را خنثی در نظر می گیرند

هایدرولیز

سلفردای اکساید در آب ابتدا حل می گردد و سپس مانند کاربن دای اکساید در سلسله ای از عکس العمل های تعادلی «هایدرولیز» (hydrolyzes) می شود. این عکس العمل ها به شرح زیر است.



اکسیدیشن

بسیاری از عکس العمل‌های آبی سلفر را از سلفر چهار ظرفیتی به سلفر شش ظرفیتی اکساید می‌کنند که منجر به تولید سلفوریک اسید می‌گردد. مهم‌ترین عکس العمل‌های اکساید کننده عبارتند از عکس العمل با ازون، هایدروجن پروساید و اکسیجن. البته این نکته را باید در نظر گرفت که با حضور ذرات آهن و منگنز در قطرات ابر، این عکس العمل‌ها تسریع می‌شوند (S Oden, 1976).

بارش اسید

بارش‌تر: بارش‌تر هنگامی به وقوع می‌پیوندد که نزولات اتمسفری مانند باران و برف با خود اسید را به سطح زمین برسانند.

بارش خشک: بارش خشک اسیدی نیز ممکن است در غیاب باران و برف اتفاق بیفتد. این پدیده که مسئول ۲۰-۶۰ درصد بارش‌های اسیدی است هنگامی اتفاق می‌افتد که ذرات و گازها روی زمین، گیاهان و سطوح دیگر بچسبند یا با آنها تماس پیدا کنند (Gorham E 1961).

اثرات مخرب

در ادامه، به اثرات مخربی می‌پردازیم که باران‌های اسیدی به دنبال دارند.

آب‌های سطحی و حیوانات آبی:

کاهش pH و حضور المونیم در آب‌های سطحی که هر دو نتیجه باران اسیدی است، به زندگی حیوانات آبی مانند ماهیان صدمات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. در pH کمتر از ۵، ماهی‌ها نمی‌توانند از تخم بیرون بیایند و در آب‌های اسیدی‌تر حتی ماهیان بزرگ می‌میرند. هم‌زمان با اسیدی شدن دریاچه‌ها، تنوع زیستی کاهش می‌یابد (Smith, RA, 1852).

خاک

زیست‌خاکی با باران اسیدی آسیب بسیاری می‌بیند. برخی از میکروب‌های مناطق گرمسیری قادر به مصرف سریع اسیدها هستند؛ با این حال میکروب‌های دیگر توانایی تحمل pH پایین را ندارند و کشته می‌شوند. باران اسیدی همچنین منجر به حل شدن بیش از اندازه مواد معدنی و با ارزش غذایی در آب و ترک خاک محل می‌گردد که پوشش گیاهی را تضعیف می‌کند.



شکل ۳: درختان تخریب شده توسط باران اسیدی تر
(National Aeronautics and Space Administration, 2023)

البته در زمین های کشاورزی برای جبران از دست رفتن مواد ارزشمند غذایی از انواع کودهای شیمیایی و حیوانی استفاده می کنند. در برخی زمین ها حتی از سنگ آهک که در صورت حل شدن در آب خاصیت قلعوی دارد، برای پایدار کردن زمین در مقابل اسیدی شدن بهره می برند. این روش ها البته در پوشش های گیاهی طبیعی قابل انجام نیست. (Bormann & Likens, 2017)

تأثیرات باران های اسیدی بالای سلامتی انسان و اجسام

برخی دانشمندان اثرات مخرب این پدیده بر سلامت انسان را بررسی کرده و اشاراتی نیز داشته اند. با این حال هنوز هیچ کدام از این اثرات اثبات نشده است. البته ذرات کوچک معلق در هوا که از گازهای سلفر دای اکسید و اکساید نایتروجن تشکیل می شوند، اثرات مخرب و ثابت شده ای روی سلامت تنفس انسان دارند.



شکل (۴) تخریب مجسمه توسط باران اسیدی (عباسی، حسین، ۱۴۰۲)

باران اسیدی همچنین برخی سطوح ساختمان‌های قدیمی و مجسمه‌های تاریخی را از بین می‌برد. این امر به دلیل عکس العمل ترکیبات کلسمی با سلفوریک اسید است. بطور مثال: کلسم جزء اصلی تشکیل دهنده‌ی آهک، گرانیت و .. است. سنگ قبور نیز می‌تواند مثال جالب دیگری از عکس العمل و تخریب آنها به دلیل ریزش باران اسیدی باشد. اسید همچنین منجر به از بین رفتن سطوح محافظ تجهیزات فلزی و زنگ زدن آن‌ها می‌گردد (Sivaraman S, 2015).

روش‌های جلوگیری از باران اسیدی

کاهش انتشار دی‌اکسید گوگرد و اکسیدهای نیتروژن

یکی از موثرترین راه‌ها برای جلوگیری از باران اسیدی، کاهش انتشار دی‌اکسید گوگرد (SO₂) و اکسیدهای نیتروژن (NO_x) است. این کاهش می‌تواند از طریق بهبود فرآیندهای صنعتی و استفاده از فناوری‌های جدید برای کاهش آلودگی هوا انجام شود. برای مثال، استفاده از فناوری‌های تصفیه گازهای خروجی از نیروگاه‌ها و صنایع می‌تواند به کاهش قابل توجهی در انتشار این گازها منجر شود. به عنوان نمونه، نصب اسکراب‌های مرطوب در دودکش‌های کارخانه‌ها به جذب دی‌اکسید گوگرد و تبدیل آن به سولفات کلسم کمک می‌کند. همچنین، استفاده از کاتالیست‌های کاهش انتخابی (SCR) در خودروها و صنایع می‌تواند به کاهش انتشار NO_x کمک کند (عباسی، حسین، ۱۴۰۲).

استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر

تغییر به سمت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی، بادی، و هیدروالکتریک می‌تواند به

کاهش انتشار گازهای آلاینده کمک کند. این انرژی‌ها نه تنها پاک و پایدار هستند، بلکه تولید آن‌ها منجر به انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلاینده‌های هوا نمی‌شود. کشورهای مختلف می‌توانند با سرمایه‌گذاری در این زمینه و ترویج استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، به کاهش باران اسیدی کمک کنند. به عنوان مثال، نصب پنل‌های خورشیدی بر روی ساختمان‌ها و استفاده از توربین‌های بادی در مناطق بادخیز می‌تواند به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و در نتیجه کاهش انتشار گازهای اسیدی کمک کند (قاسم زاده 'فرشته' ۱۳۷۲).

بهبود کیفیت سوخت‌ها

استفاده از سوخت‌های با کیفیت بالاتر و با میزان گوگرد کمتر می‌تواند به کاهش انتشار دی‌اکسید گوگرد کمک کند. پالایشگاه‌ها می‌توانند با استفاده از فرآیندهای تصفیه پیشرفته، میزان گوگرد موجود در سوخت‌های فسیلی را کاهش دهند. همچنین، استفاده از سوخت‌های جایگزین مانند گاز طبیعی که سوخت تمیزتری نسبت به زغال‌سنگ و نفت است، می‌تواند موثر باشد. به علاوه، استفاده از بیوگاز و بیودیزل که از منابع زیستی تهیه می‌شوند، می‌تواند به کاهش انتشار آلاینده‌ها کمک کند. این سوخت‌ها نه تنها میزان گوگرد کمتری دارند، بلکه فرآیند تولید آن‌ها نیز باعث کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود (غیائی 'مهران'، ۱۳۷۶).

استفاده از فناوری‌های تصفیه هوا

فناوری‌های تصفیه هوا مانند اسکرابرها و فیلترها می‌توانند به کاهش آلاینده‌های هوا کمک کنند. اسکرابرها گازهای آلاینده را از دودکش‌ها جذب کرده و آن‌ها را به مواد بی‌ضرر تبدیل می‌کنند. فیلترهای هوا نیز می‌توانند ذرات میکروسکوپی آلاینده را از هوا جدا کنند و به بهبود کیفیت هوا کمک کنند. به عنوان مثال، استفاده از اسکرابرها خشک که با استفاده از مواد شیمیایی خاص گازهای آلاینده را جذب می‌کنند، می‌تواند به کاهش انتشار SO₂ و NO_x کمک کند. همچنین، استفاده از فیلترهای الکترواستاتیکی در صنایع مختلف به کاهش ذرات معلق در هوا کمک می‌کند (هنری، کینز، ۱۳۹۹).

سیاست‌ها و مقررات دولتی

دولت‌ها نقش مهمی در جلوگیری از باران اسیدی دارند. با وضع قوانین و مقررات سخت‌گیرانه برای کنترل انتشار گازهای آلاینده، دولت‌ها می‌توانند صنایع و کارخانه‌ها را ملزم به کاهش آلودگی هوا کنند. همچنین، برنامه‌های تشویقی مانند اعطای یارانه به صنایع پاک و ترویج استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند به کاهش انتشار گازهای آلاینده کمک کند. به عنوان مثال، وضع مقررات سخت‌گیرانه برای کنترل انتشار گازهای آلاینده از خودروها و صنایع و همچنین تشویق به استفاده از خودروهای برقی و هیبریدی می‌تواند به کاهش انتشار گازهای اسیدی کمک کند. همچنین، دولت‌ها می‌توانند با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه فناوری‌های نوین تصفیه هوا و انرژی‌های تجدیدپذیر، به کاهش آلودگی هوا کمک کنند.

نتیجه گیری

طبق این تحقیق میزان فعالیت انزایم های اکسایدی در pH اسید زنده بسیار کاهش یافته و اسید های ظاهری بروز پیدا میکند. باران اسیدی یکی از مشکلات جدی زیست محیطی است که تاثیرات گسترده و مخربی بر گیاهان، آب ها، ساختمان ها، و سلامت انسان ها دارد. این پدیده عمدتاً ناشی از انتشار دی اکسید گوگرد (SO) و اکسیدهای نیتروژن (NOx) از صنایع و فعالیت های انسانی است. برای جلوگیری از این مشکل، نیاز به اقدامات متعددی در سطوح مختلف وجود دارد. (Firor, J., 1992).

کاهش انتشار گازهای آلاینده از طریق بهبود فرآیندهای صنعتی و استفاده از فناوری های تصفیه گازهای خروجی، یکی از مهم ترین راه حل ها برای کاهش باران اسیدی است. همچنین، تغییر به سمت استفاده از انرژی های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی می تواند به کاهش انتشار این گازها کمک کند. بهبود کیفیت سوخت ها و استفاده از سوخت های جایگزین مانند گاز طبیعی و بیودیزل نیز می تواند موثر باشد.

فناوری های تصفیه هوا مانند اسکرابرها و فیلترها نیز نقش مهمی در کاهش آلودگی هوا و جلوگیری از باران اسیدی دارند. دولت ها نیز با وضع قوانین و مقررات سخت گیرانه و تشویق به استفاده از انرژی های تجدیدپذیر و فناوری های نوین می توانند نقش موثری در کاهش آلودگی هوا ایفا کنند.

در نهایت، نقش جوامع و افراد نیز در جلوگیری از باران اسیدی اهمیت دارد. آموزش و آگاهی بخشی به مردم درباره تاثیرات مخرب باران اسیدی و راه های کاهش آن می تواند به تغییر رفتارهای فردی و جمعی منجر شود که در نهایت به کاهش انتشار گازهای آلاینده کمک خواهد کرد. با همکاری و هماهنگی میان دولت ها، صنایع، و افراد، می توان از تاثیرات مخرب باران اسیدی کاست و محیط زیستی سالم تر و پایدارتر برای نسل های آینده فراهم کرد.

پیشنهادها

اثرات باران های اسیدی شامل خسارت به جنگل ها، آب های زیرزمینی، ساختمان ها و سلامت انسان است. برای پیشگیری می توان از کنترل آلودگی هوا، استفاده از سوخت های تمیز، حذف گازهای آلاینده و تشویق به استفاده از حمل و نقل عمومی به جای خودرو استفاده کرد.

منابع

- تولایی 'سیمین' ۱۳۷۳، شهر و پیامد های زیست محیطی آن 'تحقیقات جغرافیایی .
- غیاثی 'مهران' ۱۳۷۶، اثرات باران های اسیدی 'رشد آموزش کیمیاوی .
- قاسم زاده 'فرشته' ۱۳۷۲، بارش اسیدی و اثرات اکولوژیکی آن .
- میرزایی، نظام و اکبری، مرضیه، ۱۳۹۸، مروری بر باران اسیدی و تاثیر آن بر محیط زیست، پنجمین کنفرانس بین المللی مهندسی محیط زیست و منابع طبیعی، تهران
- <https://civilica.com/doc/934045>
- نژاد عباسی 'حسین' مطالعات اقلیم دشت تربت حیدریه 'پایان نامه کارشناسی .
- هنری 'کنیز' الوده گی هوا 'ترجمه دوکتور هیات الدین .



{h,g}-مشتق های جردن روی C*-جبری های مرتبه صفر حقیقی

احمد رامین رهنورد

پوهنځی ریاضیات، پوهنتون کابل، شهرکابل، افغانستان

ramin.rahnaward44@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0006-9599-4440>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

در این مقاله به بررسی مفهوم -مشتق جردن روی- جبرها با تاکید ویژه بر آنهایی که مرتبه صفر حقیقی دارند پرداخته می شود، در واقع نشان می دهیم که هر -مشتق جردن روی یک- جبر مرتبه صفر حقیقی با عنصر واحد 1 و مرکز یک -مشتق است اگر و تنها اگر یا . مشتق های جردن مفهوم کلاسیک مشتق ها را تعمیم می دهد و بینش های ارزشمندی را در مورد ویژگی های ساختاری و تابعی -جبرها ارائه می دهد. این تحقیق به طور دقیق ویژگی ها و مفاهیم این مشتق ها را بررسی می کند و ارتباط آن ها با ساختار جبری -جبرهای مرتبه صفر حقیقی را برجسته می سازد. با استفاده از مثال های دقیق و بکارگیری تکنیک های پیشرفته ریاضی، نویسندگان نشان می دهند که چگونه -مشتق جردن می تواند درک ما را در مورد ساختار اساسی این جبرها افزایش دهند. یافته ها و نتایج نه تنها درک ما را از هندسه غیر جابجایی و نظریه عملگر عمیق تر می کنند، بلکه کاربردهای بالقوه ای را در فزیک، ریاضی و آنالیز تابعی پیشنهاد می کنند. این مقاله چشم انداز نظری -جبرها را غنی می کند و راه را برای تحقیقات آینده در مورد رابطه پیچیده عملیات جبری و خواص توپولوژیکی در فضاهای غیر جابجایی هموار می کند.

کلیدواژه ها: -جبر، مشتق، -مشتق جردن، رینگ اولیه، رینگ نیم اولیه.

Jordan{g,h}-Derivations C^* - Algebras of real rank zero

Author
Email
Orcid

Ahmad Ramin Rahnaward
Kabul University, Faculty of Mathematics
ramin.rahnaward44@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0006-9599-444>

Abstract

This paper examines the concept of Jordan -derivation on a C^* -algebras with a particular emphasis on those of real rank zero. we show that every Jordan -derivation on a C^* -algebras of real rank zero with unit element I and general- derivatives Jordan . the center is a C^* -derivation if and only if \mathcal{Z} or into insights valuable provide and derivatives of notion classical the ize metic- research This .algebras- of properties functional and structural the ,derivatives these of concepts and characteristics the investigates ulously zero real of structure algebraic the with relationship their highlighting mathematical advanced and examples precise Through .algebras- order our enhance can derivation- Jordan how illustrate authors the ,techniques findings The .algebras these of structure fundamental the of understanding geom- noncommutative of comprehension our deepen only not results and ,physics in applications potential suggest also but theory operator and etry theoretical the enriches paper This .analysis functional and ,mathematics intri- the on research future for way the paves and algebras- of landscape properties topological and operations algebraic between relationship cate .spaces noncommutative in

Keywords: algebra ,Jordan- derivation ,prime ring ,semiprime ring, self-adjoint element.

مقدمه

در سرتاسر این مقاله \mathcal{A} همواره C^* -جبر مرتبه صفر حقیقی با عنصر واحد 1 و مرکز $C(\mathcal{A})$ بیان می‌کند، در غیر این صورت باید تذکر داده شود، نگاشت خطی \mathcal{D} از \mathcal{A} به \mathcal{A} - دو مدول \mathcal{M} یک مشتق گفته می‌شود اگر برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ ، $\mathcal{D}(x, y) = \mathcal{D}(x)y + x\mathcal{D}(y)$. و آن را مشتق جردن می‌نامند، اگر برای هر $x \in \mathcal{A}$ داشته باشیم $\mathcal{D}(x^2) = \mathcal{D}(x)x + x\mathcal{D}(x)$. همچنین آنرا می‌توان به صورت $\mathcal{D}(x * y) = \mathcal{D}(x) * y + x * \mathcal{D}(y)$ برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ تعریف کرد، که در آن $x * y = xy + yx$. مفهوم مشتق جردن توسط هرشتاین (Herstein) در (Herstein, 1957) معرفی شده است. بدیهی است که هر مشتق یک مشتق جردن است، اما درکل عکس آن لزوماً درست نیست (D. Benkovic, 2005). نتیجه کلاسیک که توسط هرشتاین مطرح شد، بیان میدارد که هر مشتق جردن روی رینگ اول با دو مشخصه متفاوت عبارت از یک مشتق است. (Herstein, 1957)

برسار (Bresar) ثابت کرد که نتیجه هرشتاین برای رینگ‌های نیمه اول آزاد دویپجشی درست است (T. K. Lee, 2014). بعد ها ژانگ (Zhang) ثابت کرد که هر مشتق جردن روی جبرهای سه تایی و هر مشتق جردن روی جبرهای لانه‌ای (متداخل) به ترتیب عبارت از مشتق و مشتق درونی می‌باشد (J. Zhang W. Y., 2006). مشتق‌های جردن روی تعدادی از رینگ‌ها یا جبرها نیز توسط نویسندگان دیگر در (Sinclair, 1970) مورد مطالعه قرار گرفته است.

برسار مفهوم مشتق تعمیم یافته را معرفی کرد، یعنی نگاشت جمعی $f: \mathcal{A} \rightarrow \mathcal{M}$ وابسته با مشتق $\mathcal{D}: \mathcal{A} \rightarrow \mathcal{M}$ را معرفی کرد که برای همه $x, y \in \mathcal{A}$ رابطه $f(z, y) = f(x)y + x\mathcal{D}(y)$ را برآورده می‌کند (M. Bresar, 1991). همچنین آن را مشتق جردن تعمیم یافته می‌نامند اگر برای تمام $x \in \mathcal{A}$ داشته باشیم $f(x^2) = f(x)x + x\mathcal{D}(x)$ واضح است که، هر مشتق تعمیم یافته یک مشتق تعمیم جردن یافته است اما عکس آن درست نیست. جینگ (Jing) و لو (Lu) در (W. Jing, 2003) عکس آن را برای رینگ‌های اول ثابت کردند. برای حالت نیمه اول (J. Vukman, 2007) را بنید. لی (Li) و بنکوویک (Benkoivic) در (Y. Li, 2011) نماد‌های از مشتقات تعمیم یافته جردن را معرفی کردند. فرض کنید $\mathcal{D}: \mathcal{A} \rightarrow \mathcal{A}$ ؛ نگاشت‌های خطی باشند. آنگاه، f را مشتق تعمیم یافته جردن می‌گویند اگر برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داشته باشیم $f(x * y) = f(x) * y + x * \mathcal{D}(y)$. اگر $f = \mathcal{D}$ آنگاه، مشتق تعمیم یافته (مشتق تعمیم یافته جردن) عبارت از مشتق معمولی (مشتق جردن) می‌باشد. آن‌ها ثابت کردند که هر مشتق تعمیم یافته جردن یک مشتق تعمیم یافته در جبرهای سه تایی است. برخی از تعمیم‌های دیگری از مشتقات جردن را می‌توان در (D. Han, 2011) یافت و مطالعه کرد.

اخیراً برسار (Y. Li, 2011) مفهوم کلی تری از مشتقات را به صورت $\{g, h\}$ -مشتقات و $\{g, h\}$ -مشتقات جردن معرفی کرد.

فرض کنید $f, g, h: \mathcal{A} \rightarrow \mathcal{A}$ نگاه f را یک $\{g, h\}$ -مشتق گویند اگر برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داشته باشیم $f(xy) = g(x)y + xh(y) = h(x)y + xg(y)$. آنرا مشتق جردن می گویند اگر برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داشته باشیم $f(x * y) = g(x) * y + x * h(y)$. اگر $f = g = h$ ، پس $\{g, h\}$ -مشتق ($\{g, h\}$ -مشتق جردن) به ترتیب مشتق معمولی (مشتق جردن) می باشد. واضح است که، هر $\{g, h\}$ -مشتق یک $\{g, h\}$ -مشتق جردن است. بر سار (1991, M. Bresar) ثابت کرد که هر $\{g, h\}$ -مشتق از یک جبر نیم اول \mathcal{A} یک $\{g, h\}$ -مشتق است. برای یک C^* -الجبر \mathcal{A} ، یاد داشته باشید که مرتبه حقیقی \mathcal{A} کوچکترین عدد صحیح است که با $\mathcal{R}\mathcal{R}(\mathcal{A})$ نشان داده می شود، به طوری که برای هر n تایی (x_1, \dots, x_n) عناصر خود الحاق در \mathcal{A} با $n \leq \mathcal{R}\mathcal{R}(\mathcal{A}) + 1$ و هر $\varepsilon < 0$ ، یک عنصر n تایی (y_1, \dots, y_n) در \mathcal{A}_S وجود دارد. به طور که $\sum y_k^2$ معکوس پذیر باشد و $\|\sum (x_k - y_k)^2\| < \varepsilon$. طبق تعریف $\mathcal{R}\mathcal{R}(\mathcal{A}) = 0$ ، اگر و تنها اگر هر عنصر خود الحاقی در \mathcal{A} را بتوان با یک عنصر معکوس پذیر خود الحاقی \mathcal{A} تقریب زد. بخوبی فهمیده می شود که، اگر \mathcal{A} دارای مرتبه حقیقی صفر باشد، آنگاه مجموعه تمام عناصری که می توانند به صورت ترکیب خطی حقیقی از تصاویر متعامد متقابل نوشته شوند، در \mathcal{A}_S متراکم است (L. G. Brown, 1991) را ببینید. درین یادداشت، با انگیزه نتایج ذکر شده در فوق، نشان می دهیم که هر $\{g, h\}$ -مشتق جردن روی \mathcal{A} یک $\{g, h\}$ -مشتق است، اگر و تنها اگر $g(1) \in C(\mathcal{A})$ یا $h(1) \in C(\mathcal{A})$.

تبیین مسأله

در مطالعه C^* -جبرها، به ویژه جبرهای که مرتبه صفر حقیقی دارند، مفهوم مشتقات نقش مهمی در درک ساختار جبری و ویژگی های تابعی آنها ایفا می کند. $\{g, h\}$ -مشتق جردن نوع خاصی از نگاهت خطی است که ویژگی های مشتق های تعمیم یافته خاصی را برآورده می سازد. هدف اصلی این تحقیق بررسی وجود خصوصیات و مفاهیم $\{g, h\}$ -مشتق جردن روی C^* -جبرهای مرتبه صفر حقیقی است.

پرسش های تحقیق

1- شرایط لازم و کافی برای این که یک نگاهت خطی به عنوان یک $\{g, h\}$ -مشتق جردن روی C^* -جبرهای مرتبه صفر

حقیقی چیست؟

2- چگونه این مشتق ها بر ساختار ایده آل ها در چنین جبرها تأثیر می گذارند؟

3- $\{g, h\}$ -مشتق جردن چه نقشی در نظریه ی نمایش C^* -جبرهای مرتبه صفر حقیقی دارند؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق این مقاله بررسی ویژگی‌ها و ساختار $\{g, h\}$ -مشتق‌های جردن روی C^* -جبرهای است که دارای مرتبه‌ی صفر حقیقی هستند. هدف این تحقیق ایجاد یک چارچوب جامع برای درک چگونگی تعامل این مشتق‌ها با ویژگی‌های جبری و توپولوژیکی جبرهای مورد بحث است. علاوه بر این، این تحقیق به دنبال کشف کاربردهای بالقوه پیامدهای این یافته‌ها در زمینه‌های ریاضی گسترده‌تر به‌ویژه در نظریه‌ی عملگر و مکانیک کوانتمی است.

اهمیت تحقیق

مطالعه‌ی $\{g, h\}$ -مشتق‌های جردن روی C^* -جبری‌های مرتبه صفر حقیقی برای پیشبرد نظریه‌ی عملگر و ساختارهای جبری بسیار مهم است. این به چالش‌های مانند درک تعامل بین مشتق‌ها و ویژگی‌های جبری می‌پردازد که منجر به بهبود چارچوب‌های ریاضی می‌شود. هدف این مقاله پُرکردن شکاف‌ها در این مبحث، ارائه شواهد دقیق و مثال‌های بدیع است که درک مطلب را افزایش می‌دهد. با پرداختن به پیچیدگی‌های نظری، بینش‌های علمی را برای ریاضیدانان ارائه می‌دهد. اثربخشی آن در رویکرد ساختاری آن نهفته است، تسهیل تحقیقات و کاربردهای بیشتر در زمینه‌های مرتبط، و در نهایت به پیشرفت ریاضیات به عنوان یک رشته کمک می‌کند.

پیشینه‌ی تحقیق

مشتق‌های جردن اولین بار توسط جردن در زمینه‌ی جبرهای شرکت پذیر معرفی شد، در طول سالها محققان این مقوم را گسترش داده اند تا انواع مختلفی از مشتق‌ها را شامل شود، از جمله $\{g, h\}$ -مشتق‌ها که با استفاده از دو تابع g و h که رفتار مشتق را دیکته میکنند، تعریف می‌شوند. مطالعه‌ی مشتق‌های جردن در زمینه‌ی C^* -جبرها، به ویژه آنهایی که مرتبه‌ی صفر حقیقی دارند، به‌طور قابل توجهی تکامل یافته است. آوتار (R. Awtar, 1984) و هرشتاین (Herstein, 1957) مفاهیم بنیادی را در مشتق‌های جردن رینگ‌های اولیه مطرح کردند که بر تحقیقات بعدی تأثیر گذاشته است. بنکوویچ (Benkovic, 2012) این ایده‌ها را به متریکس‌های مثلثی و جبرهای یک‌گسترش داد و بینش‌های انتقادی را در مورد ساختار مشتق‌ها ارائه کرد. مشارکت برسار (M. Breasar, 2016) در حلقه‌های نیمه اول و حاصل ضرب تانسور، درک مشتقات تعمیم یافته را غنی‌تر کرد. در حالی که غصیری (Ghosseiri, 2007) حلقه‌های متریکسی را بررسی کرد و بر تطبیق‌پذیری این مشتق‌ها در ساختارهای مختلف جبری تأکید کرد.

پیامدهای مطالعه‌ی $\{g, h\}$ -مشتق‌های جردن فراتر از ریاضیات نظری است. این مشتق‌ها در فزیک کوانتومی و نظریه‌ی عملگرها کاربرد دارند. با وجود پیشرفت‌های انجام شده در این زمینه، شکاف‌های وجود دارد. مقاله‌ی هذا بر این پایه استوار است و رویکردهای جدیدی را برای طبقه بندی و توصیف چنین مشتق‌هایی معرفی می‌کند و در نتیجه شکاف‌ها را پر می‌کند. تحقیقات آینده ممکن است برگسترش نتایج به کلاس‌های عمومی‌تر جبرها یا کاوش در مفاهیم این یافته‌ها در هندسه غیرجایجایی متمرکز شود. مطالعه‌ی $\{g, h\}$ -مشتق‌های جردن روی C^* -جبری های مرتبه صفر حقیقی در تقاطع نظریه‌ی جبری و آنالیز تابعی قرار دارد، هدف ما این است که با استناد به مفاهیم بنیادی و ادبیات موجود ارثه‌ی درک عمیق‌تری از این مشتق‌ها است که در نهایت به حوزه‌ی گسترده‌تر جبرهای باناخ کمک می‌کند.

روش تحقیق

در این مقاله از روش تحقیق کتابخانه‌ای استفاده شده است، که بر تحلیل نظری و بررسی مباحث موجود در مورد $\{g, h\}$ -مشتق‌های جردن روی C^* -جبری های مرتبه صفر حقیقی متمرکز دارد. اطلاعات از مقالات ژورنال‌ها و کتاب‌ها جمع‌آوری می‌شود، و یافته‌ها را برای ایجاد یک چارچوب جامع ترکیب می‌کند. در این تحقیق از ابزارهای ریاضی مانند نظریه‌ی عملگر و ساختارهای جبری برای تجزیه و تحلیل مشتق‌ها به‌طور سیستماتیک استفاده می‌شود. فرایند نگارش شامل فرمول بندی فرضیه‌ها بر اساس شناخت‌های ادبیات است، ساختار این مقاله به گونه‌ای است که خواننده را از طریق نظریه‌های بنیادی راهنمایی می‌کند و به کمک‌های اصلی دست پیدا می‌کند که درک مشتق‌های جردن را در زمینه‌ی جبر افزایش می‌دهد.

نتایج و یافته‌ها

با لم‌های کلیدی زیر شروع می‌کنیم که برای اثبات قضیه اصلی، ضروری پنداشته می‌شوند.

لم 1. فرض کنید f یک $\{g, h\}$ -مشتق جردن بر \mathcal{A} باشد. آنگاه $f(1) = g(1) = h(1) \in C(\mathcal{A})$.

اثبات. بنابر فرض، برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم

$$f(x * y) = g(x) * y + x * h(y), \dots \dots \dots (1)$$

از آنجایی که مشتق جردن تبدیل پذیر است، پس برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم

$$f(x * y) = h(x) * y + x * g(y), \dots \dots \dots (2)$$

با اعمال $x = y = 1$ در (1) خواهیم داشت، $f(1) = g(1) + h(1)$.

برای هر تصویر $p \in \mathcal{A}$ از (1) داریم

$$\begin{aligned}
 0 &= f(p * (1 - p)) \dots \dots \dots (3) \\
 &= g(p) * (1 - p) + p * \\
 & \hspace{15em} h(1 - p) \\
 &= g(p) - g(p)p + g(p) - pg(p) + ph(1) - ph(p) + h(1)p - . \\
 & \hspace{15em} h(p)p
 \end{aligned}$$

با ضرب کردن سمت چپ رابطه بالا در p خواهیم داشت

$$pg(p) - ph(p) + ph(1) + ph(1)p - pg(p)p - ph(p)p = 0 \dots \dots \dots (4)$$

با ضرب کردن طرف راست (3,2) در p رابطه زیر حاصل می‌شود.

$$\begin{aligned}
 g(p)p - h(p)p + h(1)p + ph(1)P - Pg(p)p - ph(p)p \\
 = 0 \dots \dots \dots (5)
 \end{aligned}$$

از دو معادله آخر نتیجه می‌گیریم که

$$pg(p) - ph(p) + ph(1) = g(p)p - h(p)p + h(1)p \dots \dots \dots (6)$$

به طور مثال به از (2) داریم

$$\begin{aligned}
 0 &= f(p * \\
 & \hspace{15em} (1 - p)) \\
 &= h(p) * (1 - p) + p *
 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
 & \hspace{15em} g(1 - p) \\
 &= h(p) - h(p)p + h(p) - ph(p) + pg(1) - pg(P) + g(1)p - \\
 & \hspace{15em} g(p)p \dots (7)
 \end{aligned}$$

با ضرب طرف چپ معادله (7,2) در p داریم

$$\begin{aligned}
 ph(p) - pg(p) + pg(1) + pg(1)p - ph(p)p - pg(p)p \\
 = 0 \dots \dots \dots (8)
 \end{aligned}$$

با ضرب طرف راست معادله (7,2) داریم

$$h(p)p - g(p)p + g(1)p + pg(1)p - ph(p)p - pg(p)p = 0 \dots (9)$$

با مقایسه (8) و (9) خواهیم داشت

$$ph(p) - pg(p) + pg(1) = h(p)p - g(p)p + g(1)p \dots \dots \dots (10)$$

از رابطه (6) و (9) داریم که

$$p(g(1) + h(1)) = (g(1) + h(1))p \dots \dots \dots (11)$$

از آنجا که \mathcal{A} یک C^* -جبر از مرتبه صفر حقیقی با عنصر واحد I است، لذا هر عنصر خود الحاقی را می‌توان به شکل $\sum_{i=1}^n \lambda_i p_i$ که در آن $\lambda_i \in IR$ و $\{P_i\}$ تصاویر متعامد متقابل هستند، نوشت. بنابراین،

از (11) برای هر عنصر خود الحاقی $S \in \mathcal{A}$ داریم

$$.S(g(1) + h(1)) = (g(1) + h(1))S$$

چون هر $x \in \mathcal{A}$ می‌تواند به طور یکتا به صورت $x = x_1 + ix_2$ نوشته شود، که در آن x_1 و x_2 عناصر

خود الحاقی از C^* هستند، پس

$$x(g(1) + h(1)) = (g(1) + h(1))x.$$

نتیجه می دهد که $g(1) + h(1) \in \mathcal{A}$. از این رو اثبات را کامل می سازد. ■

لم 2. فرض کنید f یک $\{g, h\}$ -مشتق جردن روی \mathcal{A} باشد. آنگا برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم

$$[g(1), [x, y]] = [h(1), [x, y]] = 0$$

اثبات. در تساوی زیر به ترتیب $y = 1$ و $x = 1$ را اختیار می کنیم

$$f(x * y) = g(x) * y + x * h(y) \dots \dots \dots (12)$$

برای هر $x \in \mathcal{A}$ ، $f(x) = g(x) + x * \alpha$ و برای هر $y \in \mathcal{A}$ ، $f(y) = h(y) + y * \beta$

بدست می آوریم، که در آن $\alpha = \frac{1}{2}h(1)$ ، $\beta = \frac{1}{2}y(1)$. همچنین، از (12.2) نتیجه می گیریم که

برای هر $x, y \in \mathcal{A}$

$$f(x * y) = f(x) * y + x * f(y) - (x * \alpha) * y - (y * \beta) * x.$$

چون $f(x * y) - f(x) * y - x * f(y)$ متقارن است، این نتیجه می دهد که برای هر $x, y \in \mathcal{A}$

$$(x * \alpha) * y + (y * \beta) * x = (y * \alpha) * x + (x * \beta) * y.$$

با یک محاسبه ساده، بدست می آوریم $[\alpha - \beta, [x, y]] = 0$ یعنی، برای هر $x, y \in \mathcal{A}$

$$[h(1) - g(1), [x, y]] = 0$$

$$[h(1) + g(1), [x, y]] = 0$$

بنابراین برای همه $x, y \in \mathcal{A}$ داریم، $[g(1), [x, y]] = [h(1), [x, y]] = 0$

لم 3. فرض کنید f یک $\{g, h\}$ -مشتق جردن بر \mathcal{A} باشد، آنگاه وجود دارد مشتق Φ از \mathcal{A} به خودش

و $W, W_1, W_2 \in \mathcal{A}$ به طوری که برای تمام $x \in \mathcal{A}$

$$h(x) = \Phi(x) + W_2 * x \text{ و } g(x) = \Phi(x) + W_1 * x, \quad f(x) = \Phi(x) + W * x$$

x .

اثبات. فرض کنید $W = \frac{1}{2}f(1)$ ، $W_1 = \frac{1}{2}g(1)$ و $W_2 = \frac{1}{2}h(1)$. با توجه به لم 2.1 داریم

$$W \in C(\mathcal{A})$$

با گرفتن $y = 1$ در (2.1) داریم $g(x) = f(x) - xW_2 - W_2x$. همچنین با گذاشتن $x =$

1 در (2.1) بدست می آوریم

$$h(y) = g(y) - W_1(y) - yW_1.$$

بنابراین، طبق لم (2) برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم

$$\begin{aligned}
 & f(x * y) \\
 = & g(x) * y + x \\
 & * h(y) \\
 & = (f(x) - xW_2 - xW_2) * y + x * (f(y) \\
 & \quad - W_1 \\
 & = f(x) * y + x * f(y) - xWy - yWx - W_2xy \\
 & \quad - W_1yx \\
 & \quad - xyW_1 - yxW_2 \\
 = & f(x) * y + x * f(y) - Wxy - Wyx - (W - W_1)xy \\
 & \quad - W_1yx - xyW_1 - yx(W - W_1) \\
 = & f(x) * y + x * f(y) - 2W(x * y) + W_1[x, y] - [x, y]W_1 \\
 & = f(x) * y + x * f(y) - 2W(x * y).
 \end{aligned}$$

پس برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم

$$\begin{aligned}
 f(x * y) - 2W(x * y) &= (f(x) - 2Wx) * y + x * (f(y) - 2Wy). \\
 \text{حال نگاشت } \Phi: \mathcal{A} &\rightarrow \mathcal{A} \text{ را تعریف می‌کنیم طوری که برای هر } x, y \in \mathcal{A} \\
 \Phi(x) &= f(x) - 2Wx \\
 \Phi(x * y) &= \Phi(x) * y + x * \Phi(y) \text{ برای هر } x, y \in \mathcal{A} \text{ (11) بنا بر} \\
 \Phi(y) &\text{ در نتیجه } \Phi \text{ یک مشتق جردن است. بنابراین، طبق [3 نتیجه 4.5] و} \\
 f(x) &= \Phi(y) + 2Wx = \Phi(x) + W * x \text{ برای تمام } x, y \in \mathcal{A} \text{ داریم}
 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
 f(x, y) &= f(x)y + xf(y) = x\Phi(y) = \Phi(x)y + xf(y) \\
 \text{معادله بالا بیان می‌کند که } f &\text{ یک } \{f, \Phi\}\text{-مشتق است. از این رو } f \text{ یک } \{f, \Phi\}\text{-مشتق جردن است} \\
 \text{یعنی، برای هر } x, y \in \mathcal{A} &\text{ داریم}
 \end{aligned}$$

$$f(x * y) = g(x) * y + x * h(y)$$

با مقایسه دو معادله آخر برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم

$$(g(x) - f(x)) * y = x * (\Phi(y) - h(y)) \dots \dots \dots (13)$$

با گذاشتن $y = 1$ در (13.2) برای هر $x \in \mathcal{A}$ خواهیم داشت

$$g(x) = f(x) - W_2 * x = \Phi(x) + W_1 * x$$

هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم، $h(y) = \Phi(y) + W_2 * y$ بنا بر این اثبات کامل است. ■

اکنون آماده‌ایم که نتیجه اصلی این مقاله را ذیلاً اثبات کنیم

قضیه 4. هر $\{g, h\}$ -مشتق جردن روی \mathcal{A} یک $\{g, h\}$ -مشتق بر \mathcal{A} است، اگر و تنها اگر

$$h(1) \in C(\mathcal{A}) \text{ یا } g(1) \in C(\mathcal{A})$$

اثبات. اگر $h(1) \in C(\mathcal{A})$. آنگاه بنا بر لم (1) برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم

$$\begin{aligned}
 f(xy) &= \Phi(xy) + W * (xy) \\
 &= \Phi(x)y + x\Phi(y) + W \\
 &* (xy) \\
 &= (g(x) - W_1 * x)y + x(h(y) - W_2 * y) + W * (xy) \\
 &= g(x)y + xh(y) + [w_2, xy] = g(x)y + xh(y).
 \end{aligned}$$

به طور مشابه برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم

$$f(xy)$$

$$\begin{aligned}
 &= \Phi(xy) + W \\
 &* (xy) \\
 &= \Phi(x)y + x\Phi(y) + W \\
 &* (xy) \\
 &= (h(x) - W_2 * x)y + x(g(y) - W_1 * y) + W * (xy) \\
 &= h(x)y + xg(y) + [xy, w_2] \\
 &= h(x)y
 \end{aligned}$$

+ $xg(y)$.

بنابراین f یک $\{g, h\}$ -مشتق است. اثبات برعکس، از تعریف $\{g, h\}$ -مشتق که $g(1) \in C(\mathcal{A})$ یا $h(1) \in C(\mathcal{A})$ بلافاصله نتیجه می شود. بدین طریق اثبات قضیه تکمیل می شود.

در ادامه، قضیه زیر را ثابت می کنیم که ممکن است از ادعای مستقلی برخوردار باشد.

قضیه 5. فرض کنید \mathcal{A} یک C^* -الجبر و $f, g, h: \mathcal{A} \rightarrow \mathcal{A}$ نگاشت های خطی باشند. به طوری که g عناصر خود الحاقی خود را حفظ می کند و برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ تساوی $f(x * y) = g(x) * h(y) + x * h(y) + y * h(x) + g(x) * h(y)$ را برآورده می سازد، که در آن $x * y + yx^*$ یک $\{g, h\}$ -مشتق روی \mathcal{A} می باشد.

اثبات. بنا بر فرض، برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم

$$f(xy + yx^*) = g(x)y + yg(x)^* + xh(y) + h(y)x^* \dots \dots \dots (14)$$

با اختیار کردن y و x به ترتیب $-ix$ و $-iy$ در معادله بالا، برای $x, y \in \mathcal{A}$ خواهیم داشت

$$\begin{aligned}
 f((-ix)(iy) + (iy)(-ix)^*) &= g(-ix)iy + iyg((-ix)^*) \\
 &+ (ix)h(iy) + h(iy)(-ix)^*.
 \end{aligned}$$

این نتیجه می دهد که برای $x, y \in \mathcal{A}$.

$$f(xy - yx^*) = g(x)y - yg(x)^* + xh(y) - h(y)x^* \dots \dots \dots (15)$$

بنابر (14) و (15) برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ رابطه زیر حاصل می شود.

$$f(xy) = g(x)y + xh(y)$$

همچنین برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم

$$f(xy + xy^*) = g(y)x + xg(y)^* + yh(x) + h(x)y^* \dots \dots \dots (16)$$

با تنظیم y به صورت y^* در (16.2)، برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ ، رابطه زیر را بدست می آوریم

$$f(xy^* + xy) = g(y^*)x + xg(y^*)^* + y^*h(x) + h(x)y \dots \dots \dots (17)$$

با تعویض y^* با y در عبارت اخیر، برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ خواهیم داشت

$$f(y^*x - xy) = g(y^*)x - xg(y^*)^* + y^*h(x) - h(x)y \dots \dots \dots (18)$$

با تفریق (17) از (18)، برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ رابطه زیر حاصل می شود.

$$f(xy) = xg(y^*)^* + h(x)y$$

چون $g(y)$ عنصر خود الحاقی را حفظ می کند، لذا از رابطه قبلی، برای هر $x, y \in \mathcal{A}$ داریم

$$f(xy) = xg(y) + h(x)y$$

و اثبات تمام است. ■

نتیجه گیری

مطالعه $\{g, h\}$ -مشتق جردن روی C^* -جبر های مرتبه صفر حقیقی، بینش قابل توجهی را در مورد ساختار و رفتار این بخش ریاضی به دست آورده است. یافته ها نشان می دهند که چنین مشتق هایی ویژگی های خاصی را نشان می دهند که با زمینه های گسترده تر هندسه غیر جابجایی همسو می شوند، در نتیجه به سوالات تحقیق اولیه در مورد وجود و مشخصه های تابعی پاسخ می دهند. نتایج نه تنها اهداف تحقیق را برآورده می سازد، بلکه به درک مشتق ها در جبر های باناخ کمک می کند. کاربردهای این یافته ها به فزیک نظری و سایر حوزه های C^* -جبرها نقش مهمی دارند، گسترش می یابد و پایه ای برای کاوش بیشتر در مکانیک کوانتمی و زمینه های مرتبط فراهم می کند. با این حال، محدودیت های شامل تمرکز خاص بر جبر های مرتبه صفر حقیقی است که ممکن است کاربرد نتایج را در زمینه های عمومی تر محدود کند. بنابراین، درحالی که یافته های تحقیق بینش های ارزشمندی را ارائه می دهند، تعمیم پذیری آنها ممکن است محدود باشد. تحقیقات آینده می تواند پیامدهای این مشتق ها را در کلاس های گسترده تری از جبرها بررسی کند و به طور بالقوه درک ما از نقش آنها در نظریه های مختلف ریاضی و فزیک را افزایش دهد. به صورت کلی، این مطالعه زمینه ای را برای تحقیقات آینده در مورد تعامل پیچیده بین ساختارهای جبری و ویژگی های اشتقاقی ایجاد می کند.

پیشنهادها

در این جا چند توصیه و پیشنهاد بر اساس یافته های تحقیق هذا را ارائه می دارم:

1- مفید خواهد بود که مثال های ملموس تری از $\{g, h\}$ -مشتق ها روی C^* -جبر های مختلف اضافه شود،

زیرا این امر می تواند به روشن شدن نتایج نظری ارائه شده کمک کند.

2- نویسنندگان ممکن است در نظر داشته باشند که نتایج خود را به کلاس های گسترده تری از C^* -

جبر های

فراتر از مرتبه صفر حقیقی بسط دهند، که می تواند کاربرد یافته های آنها را افزایش دهد.

3- پیاده سازی شبیه سازی های عددی یا روش های محاسباتی می تواند بینش هایی را در مورد رفتار

$\{g, h\}$ -

مشتق ها در موارد خاص ارائه دهد و در نتیجه نتایج نظری را تایید کند.

- 4- تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای بین $\{g, h\}$ - مشتق‌ها و سایر مشتق‌ها می‌تواند ویژگی‌های منحصر به فرد و مزایا یا محدودیت‌های بالقوه را برجسته کند.
- 5- تحقیق می‌تواند از بحث در مورد محدودیت‌های یافته‌های فعلی، به ویژه در مورد شرایطی که نتایج تحت آن است، بهره‌مند شود.
- 6- پیشنهادهایی برای جهت‌گیری‌های تحقیقاتی آینده، مانند بررسی مفاهیم این مشتق‌ها در مکانیک کوانتومی یا نظریه عملگر، می‌تواند الهام بخش تحقیقات بیشتر در زمینه‌های مرتبط باشد.

منابع

- M.Bresar, (1988). Jordan derivations on semiprime rings. Proc. Amer. Math. Soc, 1003-1006.
- J. M.Cusack, (1975). Jordan derivations on rings. Proc. Amer. Math. Soc, 321-324.
- D. Benkovic, N. S. (2012). Jordan derivations of unital algebras with idempotents. Linear Algebra Appl, 2271-2284.
- D. Han, F. W. (2011). Jordan (α, β) -derivations on triangular algebras and related mappings. Linear Algebra Appl, 259-284.
- D.Benkovic. (2005). Jordan derivations and antiderivations on triangular matrices. Linear Algebra Appl, 235-244.
- F. Ma, G. J. (2007). Generalized Jordan derivations on triangular matrix algebras. Linear Multilinear Algebra, 355-363.
- N. M. Ghosseiri, (2007). Jordan derivations of some classes of matrix rings. Taiwanese J. Math, 51-62.
- Herstein, I. N. (1957). Jordan derivations of prime rings. Proc. Amer. Math. Soc, 1104-1110.
- J. Hou, X. Q. (2009). Generalized Jordan derivation on nest algebras. Linear Algebra. Appl, 1479-1485.
- J.Vukman. (2007). A note on generalized derivations of semiprime rings. Taiwanese J. Math, 367-370.
- J.Zhang. (1998). Jordan derivation of nest algebras. Acta. Math. Sinica (Chin.Sir.), 205-212.
- J.Zhang, W. Y. (2006). Jordan derivations of triangular algebras. Linear Algebra Appl, 251-255.
- L. G. Brown, G. K. (1991). C^* -Algebras of rank zero. J. Funct. Anal, 131-149.
- M.Breasar. (2016). Jordan $\{g, h\}$ -derivations on tensor products of algebras. Linear Multilinear Algebra, 2199-2207.
- M.Bresar. (1991). On the distance of the composition of the two derivations to the generalized derivations. Glasgow Math, 89-93.
- R. Awtar, L. (1984). Ideals and Jordan derivations of prime rings. 9-14.
- Sinclair, A. M. (1970). Jordan homomorphisms and derivations on semisimple Banach algebras. Proc. Amer. Math. Soc, 209-214.
- T. K. Lee, J. H. (2014). Jordan derivation of prime rings with characteristic two. Linear Algebra Appl, 1-15.
- Vukman, J. (2008). on (m, n) -Jordan derivations and commutativity of prime rings. demonstratio. Math, 773-778.
- W. Jing, S. L. (2003). Generalized Jordan derivation on prime rings and standard operator algebras. Taiwanese J. Math, 605-613.
- Y. Li, D. B. (2011). Jordan generalized derivations on triangular algebras. Linear Multilinear algebra, 841-849.



محاسبه‌ی کوتاهترین مسیرها بین نقاط سطوح

پوهنیار احمد فرهاد ظاهر

پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

farhad.zahir1400@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0008-1047-4329>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

پوهاند خالداد فیروزکوهی

پوهنتون کابل، کابل، افغانستان،

khaliqdadfiruzkohi@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0002-9141-1261>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

منظور از محاسبه‌ی کوتاهترین فاصله بین نقاط سطوح اکستریم سازی (مینیمم سازی) یک فونگسیونال خطی توسط روش‌های مخصوص انتگرال گیری می باشد در حساب تغییرات به جای تابع یک فونگسیونال خطی به شکل انتگرال در نظر گرفته می شود. توسط این فونگسیونال می توان کوتاهترین مسیر را تحت شرایط مشخص محاسبه نمود در این مقاله فونگسیونال که ذریعه معادله (۱) مشخص شده است مد نظر گرفته ایم و با در نظر داشت شرایط داده شده، توابع کمکی و اساسات موضوع حل معادله (۲) را دریافت نموده ایم و در نتیجه با حل معادله تغییرات مرتبه -اول حل و خواص آن حاصل گردیده است با استفاده از معادله (۲) تغییرات مرتبه دوم بدست آمده است و در نتیجه نقاط اکستریم فونگسیونال طبق شرایط وضع شده و تغییرات مرتبه دوم دریافت گردیده است. این روش در زمینه‌های مختلف از جمله تعیین کوتاهترین مسیری در کشتی رانی و هوانوردی، محاسبه ژئودزیک در نسیت عام و بهینه سازی مسیریها در گرافیک کامپیوتری برای مدل سازی سطح کاربردهای قابل توجهی دارد. تغییرات مرتبه اول و دوم برای سطوح ساده و پیچیده قابل اجرا است.

کلید واژه‌ها: کوتاهترین مسیر، اصغری سازی، تغییرات مرتبه اول، تغییرات مرتبه دوم، فونگسیونال ها.

Calculation of the shortest paths between the points of the surfaces.

Author | **Ahmad Farhad Zahir**
 Email | Teaching Assistant Kabul University
 Orcid | Farhad.zahir1400@gmail.com
 | <https://orcid.org/0009-0008-1047-4329>

Author | **Khaliqdad Firuz Kohi**
 Email | Professor Kabul University
 Orcid | Khaliqdadfiruzkohi@gmail.com
 | <https://orcid.org/0009-0002-9141-1261>

Abstract

The purpose of computing the shortest distance between points on surfaces involves extremizing (minimizing) a linear functional using specialized integration methods. In the calculus of variations, instead of considering a function, a linear functional is expressed as an integral. This functional allows for the computation of the shortest path under specified conditions. Here, the functional is given by which shown in equation (1). Given certain prescribed conditions, a hypothetical solution is later obtained by employing auxiliary functions and adhering to the rules mentioned in the background of the subject. The necessary conditions, known as the first-order variational conditions, are then solved. By using the equation (2) The second-order variational conditions can be derived from the above equation. Consequently, extremal points of the functional ϕ are investigated under the imposed conditions. This method has significant applications in various fields, such as determining the shortest routes in navigation and aviation, calculating geodesics in general relativity, and optimizing paths in computer graphics for surface modeling. The framework is applicable to both simple and complex surfaces.

Keywords: shortest path, minimization, first-order variation, second-order variation, functionals

مقدمه

در بسیاری از زمینه‌های علمی و مهندسی، یافتن کوتاه‌ترین مسیر بین نقاط بر روی سطوح مختلف یکی از مسائل بنیادی و پیچیده است. این مسئله، که به تحلیل و بهتر سازی مسیرها مربوط می‌شود، در کاربردهای متنوعی از جمله طراحی مسیرهای حمل و نقل و ساختن مدل‌های فیزیکی و شبیه سازی آن‌ها اهمیت دارد (Ehsani & T.Gupta, 2024).

در این مقاله، ابتدا به معرفی مفاهیم اساسات نظریه‌های مرتبط با کوتاه‌ترین مسیرها و فنگسیونال‌ها خواهیم پرداخت. سپس، به بررسی روش‌های مختلف برای محاسبه این مسیرها و چالش‌های مرتبط با آن خواهیم پرداخت. در ادامه، خواص فنگسیونال مورد نظر و نتایج حاصل از کاربرد آن ذریعه تغییرات مرتبه اول بررسی خواهد شد. با این روش، تلاش خواهیم کرد تا راه‌حل‌های بهینه و قابل اعتمادی برای این نوع مسائل ارائه دهیم.

در نهایت، این تحقیق به دنبال ارائه بینشی عمیق‌تر دربارهٔ کاربردهای عملی و تئوری‌های مربوط به محاسبه کوتاه‌ترین مسیرها بر روی سطوح مختلف است و نتایج به دست آمده می‌تواند به بهبود تکنیک‌های موجود و توسعه روش‌های جدید در این حوزه کمک کند.

تبيين مسأله

کوتاه‌ترین فاصله بین دو نقطه در یک مستوی با رسم خط مستقیم بین آن دو نقطه بدست می‌آید. دایره شکلی است که حد اکثر مساحت را برای محیط ثابتی بدست می‌دهد. چنین حقایقی برای یونانیان قدیم شناخته شده بود و بهترین راه حل آن نوع مسایل در دسته مسائل هستند که امروز تحت عنوان نظریه بهینه سازی مطرح می‌باشد. (Mitchell, 2009; Mitchell, 2009) هدف در این مقاله فهم نظریه کنترل بهینه است، در واقع ایجاد مسیرهای که چطور میتوانیم کوتاه‌ترین فاصله را طی نماییم این نوع موضوعات در قالب حساب تغییرات با استفاده از یک فونگسیونال خطی به شکل انتگرال معین و محدود طوری در نظر ست طوری که متحولین تحت انتگرال قیمت‌های اکستریم را بخود اختیار نماید. (Hestenes, 2010)

به طور نمونه می‌دانیم سرعت انتشار نور در هر نقطه محیط دارای عین قیمت نبوده بلکه تابع موقعیت است. یعنی وقتی را که نور جهت رسیدن از یک نقطه به نقطه دیگر می‌رسد مسیر حرکت آن

$$P = P(t) \text{ میباید}$$

سوالات تحقیق:

1- وال اصلی حساب تغییرات در این جا است که متحرک بروی کدام مسیر در روی یک سطح حرکت نماید تا زود تر در نقطه مورد نظر برسد. همچنان مساله دیگری که به حساب تغییرات ارتباط می‌گیرد

انتخاب طول راه است که یک نقطه مادی را می توان با انجام دادن کار کم از یک نقطه به نقطه دیگر در ساحه قوه داده شده انتقال داد.

2- کدام نوع فنگسیونال ها مد نظر بگیریم تا در قسمت یافتن کوتاهترین مسیر کمک کند؟

3- نقاط اکستریم این فنگسیونال ها کدام است؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق توسعه و کشف تکنیک‌های ریاضی برای محاسبه دقیق کوتاهترین مسیر یا ژئودزیک بین دو نقطه در انواع مختلف سطوح است. این شامل مطالعه سطوح مسطح و منحنی، و استفاده از مدل‌های ریاضی است که هندسه دیفرانسیل و تکنیک‌های بهینه‌سازی را در بر می‌گیرد. با بررسی این روش‌ها، هدف این تحقیق کمک به درک عمیق‌تر از هندسه سطح، با کاربردهای عملی در زمینه‌هایی مانند روباتیک، کشتی رانی، گرافیک کامپیوتری و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) است. ضرورت این تحقیق در طیف وسیعی از کاربردهای آن در مسائل دنیای واقعی است که در آن محاسبه کوتاهترین مسیر بسیار مهم است. در روباتیک و کشتی رانی، موتورهای اتومات، یافتن کوتاهترین و کارآمدترین مسیر در زمین‌های ناهموار می‌تواند عملکرد و ایمنی را به طور قابل توجهی افزایش دهد (Ehsani & T.Gupta, 2024). در گرافیک کامپیوتری، محاسبات ژئودزیک در مدل‌سازی و انیمیشن سازی برای تعاملات واقعی اشیاء استفاده می‌شود. علاوه بر این، GIS و نقشه‌برداری به اندازه‌گیری‌های دقیق ژئودزیک برای نقشه‌برداری از زمین و طراحی کارآمد زیرساخت‌ها بستگی دارد. بنابراین، این تحقیق نه تنها به یک مسئله اساسی ریاضی می‌پردازد، بلکه پیامدهای عملی گسترده‌ای در رشته‌های مختلف دارد. (Hocking.L.)

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، مسأله محاسبه کوتاهترین مسیرها بر روی سطوح مختلف، به ویژه سطوح منحنی و پیچیده، توجه زیادی را در زمینه‌های ریاضیات کاربردی، فیزیک و مهندسی جلب کرده است. پژوهش‌های مختلفی در این حوزه انجام شده است که به بررسی روش‌ها و فنون متنوعی برای بهینه‌سازی و تحلیل مسیرها پرداخته‌اند. Maekewa در تحقیق خود تحت عنوان "محاسبه مسیرهای کوتاه در سطوح های دارای شکل پارامتریک آزاد" (Maekawa, 1996) میتود عددی مناسب را جهت دریافت مسیرهای سطوح ذکر شده بیان نموده و آنرا جهت حل مسائل سرحدی استفاده نموده است. (Balasubramanian, Polimeni, & Schwartz, 2008) در مقاله خود تحت عنوان "کوتاهترین مسیر و جیودزیک های تام در سطوح چند وجهی" سطوح چند وجهی محدب و غیر محدب را مورد مطالعه قرار داده و الگوریتم دو مرحله‌ای را جهت یافتن کوتاهترین مسیر پیشنهاد نموده است. طوریکه در مرحله اول فاصله مینیمال تام جیودزیک محاسبه می‌شود و در مرحله دوم از ترکیب این فاصله‌های کوتاهترین مسیرها

دریافت میگرد. همچنان (Wnelong Meng, 2021) در مقاله خود تحت عنوان "یک چوکات کاری برای محاسبه مسیر های جیودیزیک در سطوح جارویی" سطوح جارویی را مورد مطالعه قرار داده است و مطابق به آن الگوریتم را در ناحیه تعریف دو بعدی بیان نموده است. در این مقاله محاسبه کوتاه ترین مسیر ها با استفاده از فنگسیونال ها مورد بررسی قرار گرفته است و همچنان نقاط و حالات اکستریم این فنگسیونال ها بحث شده است.

روش تحقیق:

هدف اصلی عبارت از تحلیل نظریه مسئله ریاضیکی، کاربرد روش محاسبه کوتاه ترین مسیر ها بین نقاط سطوح با استفاده از بهینه سازی و عمدتاً اکستریم سازی انتگرال ها می باشد، بنابر این روش لزومی لابراتواری و یا لوازم فزیک نمی باشد، لذا با دست داشتن ماخذ کتب مناسب، داشتن قلم، و کاغذ عقب میز و فرصت مناسب در زمینه می توان کار کرد، و روش تحقیق گویا روش تحلیلی نظر کتابخانه ای می باشد.

اهمیت تحقیق:

تحقیق و ارائه الگوریتم ها در مورد محاسبه کوتاه ترین مسیر بین نقاط روی سطوح برای کاربردهای مختلف جهان امروزی و پیشرفت در ریاضیات و علوم بسیار مهم است. درک نحوه محاسبه این مسیرها بهتر سازی سیستم های کشتی رانی، حمل و نقل و ارتباطات، مانند مسیریابی روی نقشه ها، مسیرهای پرواز، و حتی انتقال اطلاعات در شبکه ها کمک می کند. در هندسه، درک ما از جیودیزیک و ویژگی های سطح را عمیق تر می کند و منجر به کاربردهای گسترده تری در زمینه هایی مانند گرافیک کامپیوتری، رباتیک و مهندسی می شود (Wnelong Meng, 2021). محاسبات دقیق و کارآمد کوتاه ترین مسیرها برای حل مسائل پیچیده بهینه سازی ضروری است که منجر به نوآوری در فناوری و بهبود عملکرد در زمینه های مختلف حتی سیستم های هوایی می شود. در توپوگرافی، محاسبه کوتاه ترین مسیر بین نقاط روی سطوح، نقش مهمی در تحلیل و کشتی رانی بازی می کند (KCPayne:M, 2015). با تعیین کوتاه ترین مسیرها در زمین های ناهموار و پیچیده مانند تپه ها، دره ها و کوه ها، محاسبات مسیر ژئودزیک به ایجاد نقشه های دقیق و بهینه سازی مسیرهای سفر کمک می کند. این به ویژه برای کوهنوردان، مهندسان عمران و برنامه ریزان شهری که نیاز به یافتن مسیرهای کارآمد برای جاده ها، مسیرها یا خطوط لوله دارند و در عین حال مختل شدن محیط زیست و هزینه های ساخت و ساز را به حداقل می رساند، مفید است. علاوه بر این، در سنجش از دور و سیستم های اطلاعات جغرافیایی (GIS)، این محاسبات دقت مدل های سه بعدی سطح زمین را افزایش می دهد و کاربردها را در مدیریت بلایا، نظارت بر محیط زیست و بررسی زمین بهبود می بخشد. (Dror, 2017) (Balasubramanian, Polimeni, & Schwartz, 2008)

نتایج ویافته ها

قبل طرح موضوع قوانین زیر را طور مختصر بیان می نمایم

1- هر تابع متمادی در یک ناحیه بسته دارای یک قیمت اعضمی یا اصغری مطلق در داخل و یا روی سرحد ناحیه می باشد، یعنی اگر $m < f(x) \leq M$ در یک اتروال (a, b) باشد، پس تمام قیمت ها بین m

و M به شمول هر دو قیمت را اخذ می کند.

2- هر گاه C^m یک کلاس که m مرتبه قابل اشتقاق باشد، برای $x_0 \in C^m$ ست $u_\varepsilon(x_0)$

مجاورت x_0 گفته میشود وقتی که $u_\varepsilon(x_0) = \{x: x \in C^m, \|x - x_0\| < \varepsilon\}$

3- یک فونگسونال ϕ اصغری گفته می شود وقتی که یک $u_\varepsilon(x_0)$ موجود باشد طوری که برای هر

$x \in D(\phi) \cap u_\varepsilon(x_0)$ داشته باشیم $\phi(x) \geq \phi(x_0)$ عناصر

$u_\varepsilon(x_0) \cap D(\phi)$ را بنام توابع مقایسوی و یا مجاور می گویند. اگر کلاس C^0 اساس قرار داده شود. اعظمی و اصغری قوی است اگر کلاس C^1 در نظر گرفته شود اعظمی و اصغری ضعیف است.

در تیوری حساب تغییرات به طور عموم در صورتیکه تشویش در باره اعظمی و اصغری موجود نباشد از کلمه اکستریم (اپتیمال) صحبت می گردد. همواره از عناصر یک فضایی بانخ C^m با نرم

$$\|f\| = \left(\sum \int_a^b |D^\alpha f|^2 dx \right)^{1/2}$$

استفاده به عمل می آید.

4- تفاضل $\Delta\phi = \phi(x+h) - \phi(x) = h\nabla\phi + R_2$ در حالیکه ϕ در یک

مجاورت x_0 دارای قیمت اعظمی و اصغری است اگر $\phi(x)$ و $\phi(x+h)$ هم اشاره باشند از

این جا دیده می شود که منجیث شرط لازمی باید $\nabla\phi = 0$ باشد، در صورتی که شرایط لازمه یعنی

$$\nabla\phi = 0$$

تحقیق شود اشاره $\Delta\phi$ مربوط به بقیه R_2 است.

5- هرگاه $f(x, \varepsilon) = \frac{\partial f(x, \varepsilon)}{\partial \varepsilon}$ در ناحیه $(a, b) \times (\alpha, \beta)$ متمادی باشد، در این صورت تابع

$$f(\varepsilon) = \int_a^b f(x, \varepsilon) dx$$

متمادی بوده متحولین تحت انتگرال قابل اشتقاق و متمادی بوده،

بنابراین می توان نوشت که:

$$f'(\varepsilon) = \frac{\partial}{\partial \varepsilon} \int_a^b f(x, \varepsilon) dx = \int_a^b f(x, \varepsilon) dx$$

طرح مسئله

ساده ترین پرابلم روش محاسبه کوتاه ترین مسیر را می توان به صورت زیر نوشت:

$$\phi = \int_a^b f(x, y, y') dx = \min! \quad (1)$$

مطلوب $y = f(x)$ با $f(b) = \beta, f(a) = \alpha, f \in C^2[a, b]$ به حیث شرایط سرحدی داده شده اند. در حالی که f نظر به y', y, x از C^2 می باشد. فرض کنیم یک حل پرابلم $y_0 = f(x)$ باشد یک تابع f_1 را به حیث تابع مجاور یاد می کنیم اگر

$$|f_1(x) - f(x)| < \epsilon, \quad \epsilon > 0$$

در حالی که $f_1(G) = \alpha$ و $f_1 \in C^2[(a, b)]$ و $f(b) = \beta$ و میتوان f_1 را به صورت زیر نوشت:

در حالی که $y = f_1(x) = f(x) + \epsilon g(x)$ و $g(a) = g(b) = 0$ و $g(x) \in C^2([a, b])$ و یک پارامتر است که $\epsilon = \frac{\epsilon}{M}$ و $M = \max g(x)$ در $[a, b]$ است

اکنون در حل پرابلم به صورت زیر می پردازیم:

$$\phi = \int_a^b F(x, y, y') dx = \min! \quad (2)$$

$$\phi = \int_a^b f(x, f + \epsilon g, f' + \epsilon g') dx = \min!$$

برای این که ϕ شرط لازم برای موجودیت اکستریم را اخذ نماید باید

$$\delta\phi = \frac{\partial\phi(\epsilon)}{\partial\epsilon} = \phi(0) = 0$$

مطابق قاعده $\phi(\epsilon) \in C^1$ بوده و از افاده تحت انتگرال مشتق گرفته شده می تواند.

$$\begin{aligned} \delta\phi &= \frac{\partial\phi(\epsilon)}{\partial\epsilon} = \frac{\partial}{\partial\epsilon} \int_a^b F(x, f + \epsilon g, f' + \epsilon g') dx \\ &= \int_a^b \frac{\partial}{\partial\epsilon} F(x, f + \epsilon g, f' + \epsilon g') dx \end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
 &= \int_a^b (F_x x'_\varepsilon + F_y y'_\varepsilon + F_{y'} y'_\varepsilon) dx = \int_a^b F_y g + F_{y'} g' dx \\
 &= \int_a^b F_y g dx - \int_a^b \frac{d}{dx} F_{y'} g dx + [f_{y'} g]_a^b = \int_a^b (F_y - \frac{d}{dx} F_{y'}) g dx = 0
 \end{aligned}$$

در نتیجه $F_y - \frac{d}{dx} F_{y'}$ در حالیکه $\delta\phi$ وارتسیون مرتبه اول F و $F_y - \frac{d}{dx} F_{y'}$ مشتق وارتسیون می باشد به کمک معادله فوق می توان محاسبه کوتاهترین مسیر انتشار نور را در یک محیط که سرعت انتشار نور متناسب به ارتفاع تراید نموده و در هر نقطه از محیط دارای عین قیمت نبوده و تابع محل آن محیط است به صورت زیر ارائه کرد

$$\int_{w_1}^{w_2} \frac{ds}{v} = \min!$$

حل آن را به صورت منحنی

$$(x + c^*)^2 + y^2 = \frac{1}{c}$$

در حالیکه c, c^* ثوابت x, y توابع از زمان می باشد محاسبه نمود حال نظر به قاعده چهارم و فورمول

$F_y - \frac{d}{dx} F_{y'}$ میتوان شرط لازمی و کافی را برای وارتسیون مرتبه دوم به صورت زیر بررسی نمود

$$\begin{aligned}
 \nabla\phi &= \int_a^b F(x, y, \varepsilon g, y' + \varepsilon g') dx - \int_a^b F(x, y, y') \\
 &= \int_a^b \frac{\partial F(x, y, y')}{\partial y} \partial y + \int_a^b \frac{\partial F(x, y, y')}{\partial y'} \partial y' \\
 &\quad + \frac{1}{2} \int_a^b \frac{\partial^2 F}{\partial y^2} \partial^2 y + 2 \frac{\partial^2 F}{\partial y \partial y'} \partial y \partial y'
 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
 &= \int_a^b (F_y \partial y + F_{y'} \partial y') dx + \frac{1}{2} \int_a^b F_{yy} \partial^2 y + 2F_{yy'} \\
 &= \frac{1}{2} \int_a^b \left[\frac{F_{yy} F_{y' y'} \partial^2 y}{F_{y' y'}} + \frac{2F_{yy} F_{y' y'} \partial y \partial y'}{F_{y' y'}} + \frac{F_{y' y'}^2 \partial^2 y'}{F_{y' y'}} + \frac{F_{y' y'}^2 \partial^2 y}{F_{y' y'}} \right. \\
 &\quad \left. - \frac{F_{y' y'} \partial^2 y'}{F_{y' y'}} \right] dx, h \\
 &= \frac{1}{2} \int_a^b \frac{1}{F_{y' y'}} [(\partial y' F_{yy} + F_{yy'})^2 \\
 &\quad + \partial^2 (F_{y' y'} F_{yy'} - F_{yy'}^2)] dx \\
 &\quad + F_{y' y'} + \partial^2 y' dx + \frac{1}{2} \int_a^b F_{yy} \partial^2 y + 2F_{yy'} + F_{y' y'} \partial^2 y' dx
 \end{aligned}$$

وارتسیون دوم را اکثرا به سمبول $\delta^2 \phi$ نشان می دهند

هر گاه واراتسیون مرتبه دوم $\delta^2 \phi$ مثبت باشد در این صورت:

$$\det \begin{bmatrix} F_{yy} & F_{yy'} \\ F_{yy'} & F_{y' y'} \end{bmatrix} = F_{yy} F_{y' y'} - F_{yy'}^2 > 0$$

بوده و اشاره $\Delta \phi$ مربوط به $F_{y' y'}$ می باشد

هرگاه وارتسیون دوم منفی باشد، در این صورت:

$$\det \begin{bmatrix} F_{yy} & F_{yy'} \\ F_{yy'} & F_{y' y'} \end{bmatrix} = F_{yy} F_{y' y'} - F_{yy'}^2 < 0$$

و اشاره $\nabla \phi$ مربوط به $F_{y' y'}$ نمی شود

اگر $F_{y' y'} < 0$ باشد، ϕ اعظمی دارد

اگر $F_{y' y'} > 0$ باشد، ϕ اصغری دارد

نتیجه‌گیری

در حساب تفاضلی همیشه تابع یک متحوله یا چندین متحوله در نظر گرفته میشود، و هدف اصلی محاسبه همان قیمت‌های متحولین است که در آن بیشتر بهینه‌سازی رشد و زوال کمیت‌ها و قیمت‌های اکستریم در قالب مشتقات مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اما در حساب تغییرات به جای تابع یک فونکسیونال خطی به شکل انتگرال معین و محدود طوری در نظر گرفته می‌شود که متحولین تحت انتگرال قیمت‌های اکستریم را بخود اختیار نماید برای بیان قیمت‌های اکستریم، محاسبه مسافه بین نقاط روی یک سطح لازم است که:

باشد تا فونکسیونال ϕ در $y(x)$ یک قیمت اصغری قوی داشته باشد، وقتی که فونکسیونال کمترین قیمت را بخود می‌گیرد کوتاه‌ترین فاصله بین نقاط حاصل می‌گردد.

در شرط $F_{yy'}(x, y, y') > 0$ دیده میشود که فونکسیونال ϕ در $y(x)$ دارای یک قیمت اصغری نسبی ضعیف است بنا از این نوع حل باید کمتر استفاده شود.

از حل معادله دیفرانسیل $F_{y'y}(x, y, y') > 0$ دیده شد که فونکسیونال ϕ در $y(x)$ دارای یک اصغری نسبی ضعیف دارد.

در اینجا منظور از محاسبه اکستریم (به ویژه دریافت اصغری) خطوط متصله بین سطوح مختلط می‌باشد که می‌توان توسط حساب تغییرات این نقاط و خطوط را مشخص و تعیین نمود هم‌چنان بررسی و محاسبه نقاط اکستریم نشان می‌دهد که بروی کدام منحنی و یا کدام مسیر حرکت کرد تا کوچکترین مسافه طی کرد و از آن جمله تعیین مسیر انتشار حرارت و اصغری‌سازی یک فونکسیونال و خطوط جیودیزیک بروی سطوح انحنا یافته را می‌توان به آسانی محاسبه نمود.

پیشنهادها:

1. در صورتی که نتوانیم کوتاهترین مسیر بین سطوح را ذریعه روش‌های تحلیلی بدست بیاوریم نیاز است تا روش‌های تقریبی (عددی) آن جستجو شود بنا در تحقیق‌های آینده به انکشاف روش‌های عددی جهت دریاف کوتاه‌ترین مسیرهای بین نقاط سطوح خواهیم پرداخت.
2. از اینکه تبدیل فازی از جمله روش موثر عدد در حل معادلات دیفرانسیل به شکل عددی میباشد (Shen Y, 2014) انتظار می‌رود تا در این قسمت هم الگوریتم‌های مناسب و سریع حاصل دهد بنا در تحقیق‌های آینده روش‌های عددی جهت ذریعه تبدیل فازی جستجو خواهیم نمود.

منابع

- Anderson, R. (2008). *Introduction to linear algebra*. New York: Holt, Rinehart and Winston,.
- Balasubramanian, M., Polimeni, J. R., & Schwartz, E. L. (2008). Exact Geodesics and Shortest Paths on Polyhedral Surfaces. *IEEE Transactions on Pattern Analysis and Machine Intelligence*, 1006 - 1016.
- Bhatti, Z. (2018). *Functional Analysis*. Lahore: ILMI.
- Dror, M. (2017). The development of a smart map for minimum "exertion" routing. *computer graphics and fuzzy system*.
- Ehsani, K., & T.Gupta. (2024). Imitating Shortest Paths in Simulation Enables Effective Navigation and Manipulation in the Real World. *Computer Vision Foundation, IEEE Xplore*.
- Fletcher. (1987). *Practical Method of Optimization* (2nd ed.). New York: Wiley Interscience.
- Hestenes, M. (2010). *Optimization Theory the Finite Dimensional Case*. New York: Wiley Interscience.
- Hocking, L. (n.d.). *optimal control An Introduction to the optimization theory with application*. New York: Oxford university Press.
- Hocking, L. G. (1966). *Introduction to Optimal Control*. New York: McGraw-Hill.
- KCPayne, M, D. (2015). Construction of a topographical road graph for bicycle tour routes. *scholarspace.manoa hawaii*.
- Maccluer, C. (2013). *Calculus Of Variations: Mechanics ,Control and Other Application*. Courier Corporation.
- Maekawa, T. (1996). Computation Of Shortest Paths On Free-Form Parametric Surfaces . *Journal Of Mechanical Design* , 499-508.
- Mitchell, J. S. (2009). The Discrete Geodesic Problem. *SIAM Journal on Computing*, 647-667.
- Pinch, E. R. (1991). *Optimal Control and The Calculus Of Variations*. New York.
- Robert G., B. S. (2010). *Introduction to Real Analysis*.
- Rudin, W. (1991). *Functional analysis* (2nd ed.). McGraw-Hill.
- Shen Y, C. W. (2014). Approximate Solution for a class of second-order ordinary differential equation by the fuzzy transform . *Intelligent and Fuzzy System* , 73-82.
- Wnelong Meng, S. X. (2021). A Variational Framework for Computing Geodesic Paths On Sweep Surfaces . *Computer -Aided Design* .



بررسی آفت کش‌ها و تأثیرات آن بر سلامت انسان و محیط زیست

پوهنیار زحل صدیقی

پوهنځی تعلیم و تربیه، دپارتمنت کیمیا، پوهنتون بدخشان، فیض آباد، افغانستان
zuhalsediqi533@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0007-4911-6222>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

آفت کش‌ها ترکیبی از مواد کیمیاوی است که به منظور دفع آفات و امراض به طور گسترده در سراسر جهان استفاده می‌شوند. هدف این مطالعه بررسی تأثیرات آفت کش‌ها بر سلامت انسان و محیط زیست می‌باشد. از یک سو آفت کش‌ها می‌توانند به افزایش محصولات زراعتی و کاهش خسارات ناشی آفات کمک کند. از سوی دیگر قرار گرفتن در معرض آفت کش‌ها ممکن باعث بروز مشکلات صحتی گردد. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی بوده و جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استفاده نادرست و بی‌رویه از آفت کش‌ها می‌تواند به بروز امراض و مشکلات صحتی و محیطی منجر گردد و ضرور است مدیریت صحیح و سختگیرانه‌تر برای کاهش خطرات آن در نظر گرفت.

کلید واژه‌ها: انسان، تأثیرات، آفت کش‌ها، محیط زیست.

An Examination of Pesticides and Their Effects on Human Health and the Environment

Author

Zuhal Sediqi

Email

Chemistry department, Faculty of Education, Badakhshan university

Orcid

Zuhalsediqi533@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0007->

Abstract

Pesticides are chemical compounds widely used across the globe to control pests and diseases. The objective of this study is to examine the effects of pesticides on human health and the environment. While pesticides can boost agricultural yields and minimize damage caused by pests, they also pose significant health risks. The research employs a descriptive and analytical approach, with data collected through extensive literature review. Findings suggest that improper and excessive use of pesticides can result in serious health and environmental issues, highlighting the necessity for stricter regulations and effective management to mitigate these risks.

Keywords: Human health, Impacts, Pesticides, Environment.

مقدمه

وقتی سالیان، میلیون‌ها انسان توسط حشرات ناقل مریض شده ویا معلول میشوند و زیان حاصل از حشرات، امراض گیاهی، علفهای هرز و موشها چندین میلیارد تخمین زده میشود، بدیهی است که کنترل آفات برای آینده زارعین، صنعت و صحت حیاتی و مهم است و بنابراین تا پیدا شدن روشی موثر، مصرف آفت کشها برای تامین غذا، پوشاک و حفاظت از مردم جهان ضروری به نظر میرسد (جهرمی، ۱۳۹۰: ۲۷- ۲۸).

آفت کشها موادی اند که برای جلوگیری، از بین بردن، دفع یا کاهش هر آفت طراحی شده اند. آنها همچنین میتوانند به عنوان نرم کننده گیاه یا خشک کننده استفاده شوند. (Suter, 2008: 285- 289) آفت کشها به طور گسترده جهت محافظت گیاهان در برابر امراض مورد استفاده قرار میگیرند. قسمتی (بقایایی) از آفت کشها وارد محیط گردیده و اثرات جانبی زیادی را بر سلامتی موجودات زنده در اکوسیستمهای مختلف و همچنان بعد از ورود به زنجیره غذایی، سلامتی انسان ها را نیز تحت تاثیر قرار میدهد (رمضانی، ۱۳۹۲: ۹۷). به منظور از بین بردن آفات زراعتی از آفت کشها که ترکیبات سنتزی یا طبیعی اند استفاده میگردند (al et Mandal, 2011:).

آفت کشها میتوانند به مصرف کنندگان، باشندگان محل و کارگران خسارات نیز وارد کنند. کارگران که این مواد کیمیاوی را لمس میکنند ممکن است مشکلات حاد سلامت، مانند درد شکمی، گیجی، سردرد، دلبدی و مشکلات پوستی و چشمی را تجربه کنند (Patriciate, 1998: 20). رفتارهای نامناسب زارعین در موقع استفاده از آفت کشها میتواند باعث تخریب محیط زیست و به خصوص آلودگیهای آبهای سطحی و زیر زمینی و از بین بردن موجودات زنده در آب شود (بندری و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۷) آفت کشها علاوه بر فوایدی که دارند میتوانند هم برای انسان و هم برای محیط زیست خطرناک باشند (al et Fenik, 2011: 814).

از آنجایی که برخی از آفت کشها در محیط پایدار اند، میتوانند سالها در آنجا باقی بمانند و محیط را آلوده نمایند. آلودگی محیطی ممکن است مردم را در معرض بقایای آفت کشها قرار دهد (Mostafalou et al, 2013: 157- 177). امروز استفاده از سموم کیمیاوی در جهان به عنوان سریع ترین و ارزان ترین روش کنترل آفات محسوب میگردد (یزدان پناه و همکارش، ۱۳۹۴: ۸۳- ۸۱۷). امراض حاصل از مواجهه با آفت کشها میتواند ناشی از عدم رعایت زارعین و عدم آگاهی آنها در استفاده و وسایل حفاظت فردی باشد (عقیلی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۱- ۸۵).

تبیین مسأله

آفت کشها به عنوان مواد کیمیاوی پر کاربرد در زراعت جهت کنترل آفات و افزایش تولید محصول نقش حیاتی دارد. با این حال استفاده دوامدار آن باعث نگرانیهای جدی درخصوص تاثیرات آن بر سلامت انسان و محیط زیست شده است. استفاده گسترده از آفت کشها میتواند به بروز مشکلات مختلفی برای سلامت انسان و محیط زیست منجر شود. تماس مستقیم با آفت کشها از طریق پوست، تنفس یا مصرف مواد غذایی آلوده میتواند باعث بروز امراض حاد و مزمن، از جمله مشکلات تنفسی، اختلالات عصبی و سرطانها شود. آفت کشها میتواند منجر به آلودگی خاک و منابع آب شوند. اکثر زارعین از سمیت آفت کشها بی اطلاع هستند. آنها هیچ اطلاعاتی در مورد انواع آفت کشها،

سطح مسمومیت آنها، خطرات و اقدامات ایمنی قبل از استفاده از آفت کشها را ندارند. به همین دلیل، از مواد کیمیاوی سمی و پایدار برای از بین بردن آفات استفاده میشود که میتواند منجر به قرار گرفتن در معرض عمدی، اتفاقی یا شغلی شود. این ترکیبات اثرات طولانی مدت بر سلامت انسان دارند. برای کاهش استفاده از آفت کشهای سمی باید برای زارعین آگاهی داده شود (Sharma et al, 2012: 67).

اهداف تحقیق

- بررسی آفت کشها و تاثیرات آن بالای سلامت انسان و محیط زیست.
- اهداف فرعی تحقیق
- بررسی آفت کشها و تاثیرسمی آن بالای محیط زیست.
- مطالعه تاثیرات سمی آفت کشها بالای سلامت انسان.
- بررسی علایم ناشی از مسمومیت با آفت کشها.

سؤالات تحقیق

سوال اصلی

آفت کشها چه تاثیری بالای انسان و محیط زیست دارد؟

سؤالات فرعی

- آیا تماس مستقیم و غیر مستقیم با آفت کشها بر سلامت انسان تاثیر منفی میگذارد؟
- استفاده از آفت کشها چه نوع مشکلات را بر محیط زیست ایجاد مینماید؟
- اعراض و علایم مسمومیت با آفت کشها چگونه است؟

اهمیت تحقیق

این تحقیق که به بررسی تاثیرات آفت کشها بر سلامت انسان و محیط زیست میپردازد، بنابر دلایل ذیل از اهمیت بالایی برخوردار است:

آفت کشها به طور گسترده در زراعت استفاده میشوند و تاثیرات منفی آنها بر سلامت انسان میتواند شامل بروز امراض مزمن، سرطانها و اختلالات عصبی شود. همچنان این آفت کشها میتواند منجر به آلودگی خاک و تغییرات نامطلوب در اکوسیستمها گردد. فهم دقیق و بررسی این تاثیرات به درک بهتر از مشکلات محیط زیست و راهکارهای صحیح کمک میکند. تحلیل و توصیف تاثیرات آفت کشها میتواند به شناسایی مشکلات کلیدی و نقاط ضعف در مدیریت استفاده از این مواد کمک کند. با افزایش مصرف و کاربرد آفت کشها در زراعت مدرن، نگرانیها در مورد اثرات منفی آنها بر سلامت انسان و محیط زیست بیشتر شده است. این مطالعه میتواند به رفع ابهامات کمک کند. انتشار نتایج این تحقیق به جامعه علمی، زارعین و عموم مردم آگاهی و دانش لازم در مورد تاثیرات آفت کشها را افزایش میدهد و به ارتقای شیوهای مدیریت پایدار و بهبود سلامت عمومی کمک میکند.

پیشینه‌ی تحقیق

یکی از مسائل که سبب نگرانی انسانها گردیده، تاثیرات سمی آفت کشتهای کیمیاوی است. زیرا بقایایی این مواد پس از مصرف سبب آلودگی محیط زیست گردیده و سلامتی انسان و موجودات دیگر را به مخاطره مواجه ساخته است.

در سال ۱۶۰۰، مخلوطی از عسل و آرسنیک برای کنترل مورچهها استفاده شد. در اواخر دهه ۱۸۰۰، کشاورزان در ایالات متحده شروع به استفاده از مواد کیمیاوی خاص کردند. با این حال تلاش‌های آنها به دلیل استفاده از آن روش‌ها بی‌ثمر بود. پیشرفت عمده در توسعه آفت کشتها در دوره جنگ جهانی دوم و پس از آن اتفاق افتاد، زمانی که چندین آفت کش موثر و ارزان سنتز و تولید شدند. در این دوره، دای کلورو دای فینایل ترای کلوروایتان (DDT) و هگزاکلورو بتا بنزین (BHC)، مشخص شدند (Deplaplane, al et 2000: 6).

سبزقبایی و همکارش (۱۴۰۰) در تحقیق خود نشان میدهند که آفت کشتهای کلوریندار عضوی، فاسفورسدار عضوی و کاربامیت ترکیبات اصلی آفت کشتهای کیمیاوی اند. ترکیبات کلوریندار آفت کشتها به دلیل پایداری بالا در بسیاری کشورها استفاده نمیشود. زیرا اکثراً این ترکیبات مهارکننده گیرندههای گاما امینوبیوتاریک اسید در مغز هستند و سیستم عصبی مرکزی را تحت تاثیر قرار میدهند. اما، ترکیبات فاسفورسدار و کاربامیتها در زنجیره غذایی تجمع نمیبندند و پایداری کمتری دارند (سبزقبایی و همکارش، ۱۴۰۰: ۶۹-۷۸). نتایج یک تحقیق دیگر نشان داد که قرار گرفتن طولانی مدت در معرض آفت کشتها باعث مشکلاتی مانند، مشکلاتی تنفسی، اختلال حافظه، شرایط امراض پوستی، سرطان، افسردگی، اختلال عصبی و سقط جنین میگردد (Patricia, ۱۹۹۸).

دهقانی و همکارانش (۱۳۹۱) در تحقیق که در مورد تاثیرات آفت کشتها انجام داده است مشخص نمودند که کاربرد آفت کشتها تاثیرات مخربی بالای محیط زیست میگذارد. با استفاده از روشهای کنترل محیطی به جای کاربرد سموم میتوان محیط زیست را پاک و سالم نگهداشت. عیوضی و همکارش (۱۳۸۳) در مطالعه خود نشان میدهند که ۲۵/۵٪ از مطالعه شوندگان دچار مسمومیت گردیدند و ۱۰٪ اعضای خانواده هاشان نیز مسموم شدند. استفاده از آفت کشتها میتواند منبع بزرگی از آلودگی انسانی را تشکیل میدهند. آفت کشتها بالای انسان، محیط زیست و حیات وحش از جمله پرندها اثر میگذارد و میتواند تاثیرات مضر روی اورگانسمهای غیر هدف داشته باشند (al et Schulz 155, 1999: 76).

روش تحقیق

در این تحقیق، برای بررسی از تاثیرات آفت‌کشها بر سلامت انسان و محیط زیست از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی استفاده گردید. اطلاعات مربوط در این زمینه از منابع علمی شامل مقالات و کتابها، جهت توصیف خصوصیات آفت‌کشها جمع‌آوری گردید. در این مطالعه تاثیرات مختلف آفت‌کشها بر سلامت انسانها با توجه به استفاده گسترده آفت‌کشها در زراعت شناسایی و تحلیل گردید.

نتایج و یافته‌ها

طبقه‌بندی آفت‌کش‌ها

امروزه آفت‌کش‌ها و حشره‌کش‌های کیمیاوی به یک عامل غالب برای از بین بردن آفات تبدیل شده‌اند (al et Gentz, 2010: 208-215).

آفت‌کشها در سراسر جهان بسته به هدفشان به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. برخی از این دسته‌ها عبارت‌اند از علف‌کشها، حشره‌کشها، قارچ‌کشها، جونده‌کشها، نرم‌تن‌کشها و تنظیم‌کننده‌های رشد گیاه و غیره... استفاده غیرقانونی از آفت‌کشها محیط زیست را به عواقب فاجعه‌باری سوق داده است. نگرانیهای جدی در مورد سلامت انسان و تنوع زیستی به دلیل استفاده بیش از حد از آفت‌کشها در حال افزایش است (al et Agrawal, 2010: 432-448).

مزیت و خطرات مرتبط با استفاده از آفت‌کش‌ها

در سراسر جهان، ۴۰ فیصد از محصولات زراعتی به دلیل امراض گیاهی، علفهای هرز و آفات مجموعاً از بین می‌رود. اگر آفت‌کش‌ها وجود نداشت، زیان‌های محصول چندین برابر بیشتر می‌شد. علاوه بر این، این مواد صرفه‌جویی در محصولات زراعتی نه تنها از محصولات زراعتی در برابر آسیب ناشی از آفات محافظت میکنند، بلکه عملکرد محصولات را به طور قابل توجهی افزایش میدهند. وبستر و همکاران در مطالعه خود نشان داد که افزایش قابل توجهی در تولید محصولات زراعتی به دلیل استفاده از آفت‌کش‌ها وجود دارد و اظهار داشت که ضررهای اقتصادی بدون استفاده از آفت‌کش‌ها بسیار بیشتر خواهد بود. (al et Webster, 1999: 83-89)

استفاده بی‌مورد از آفت‌کشها منجر به کاهش تعداد زیادی از موجودات خشکی و آبی شده است. آنها همچنان بقای برخی از گونه‌های کیمیا‌مانند عقاب طاس و شاهین را تهدید کرده‌اند علاوه بر این، اجسام هوا، آب و خاک نیز با این مواد کیمیاوی آلوده شده‌اند. (Helfrich et al, 2009: 83)

در بین تمام دسته‌های آفت‌کشها، حشره‌کشها سمی‌ترین در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که قارچ‌کشها و علف‌کشها در فهرست سمیت دوم و سوم هستند. آفت‌کشها بسته به حلالیت آنها از دو طریق مختلف وارد اکوسیستمهای طبیعی میشوند. آفت‌کشهای محلول در آب، در آب حل می‌شوند و وارد آب‌های زیرزمینی، نهرها، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها می‌شوند و از این رو باعث آسیب به گونه‌های غیر هدف می‌شوند. از سوی دیگر، آفت‌کشهای محلول در چربی وارد بدن حیوانات می‌شوند. آنها در حشرات چربی حیوانات جذب میشوند و از این رو باعث ماندگاری آفت‌کشها در زنجیره‌های غذایی برای مدت طولانی میشوند (Warsi, 2015: 16).

آبهای آلوده به آفت‌کشها تهدید بزرگی برای موجودات آبی است. که میتواند گیاهان آبی را تحت تاثیر

قرار داده و اکسیجن محلول در آب را کاهش دهد و باعث تغییرات فیزیولوژیکی و رفتاری در جمعیت ماهی شود (al et Scholz, 2012).

حدود ۸۰ فیصد اکسیجن محلول توسط گیاهان آبی تامین میشود و برای ادامه حیات آبریان ضروری است. کشتن گیاهان آبی توسط علف کش‌ها منجر به کاهش شدید سطح 20 می‌شود و در نهایت منجر به خفگی ماهی و کاهش بهره‌وری ماهی می‌شود (al et Helfrich, 2009: 83).

تأثیر آفت کشها بر سلامت انسان

آفت کشها با کنترل امراض منتقله از طریق ناقلین، سلامت انسان را بهبود بخشیده اند، با این حال، استفاده طولانی مدت و بی مورد آنها اثرات جدی بر سلامتی داشته است. انسانها به ویژه نوزادان و کودکان به شدت در برابر اثرات مضر آفت کشها آسیب پذیر هستند. با افزایش استفاده از آفت کشها در چند دهه گذشته، احتمال قرار گرفتن در معرض این مواد کیمیاوی نیز به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

بر اساس گزارش سازمان صحت جهانی، هر ساله حدود 3000000 مورد مسمومیت با آفت کشها و 220000 مرگ در کشورهای در حال توسعه گزارش میشود (Lah, 2011).

حدود $2/2$ میلیون نفر که عمدتاً متعلق به کشورهای در حال توسعه هستند در معرض افزایش خطر قرار گرفتن در معرض آفتکشها هستند (Hicks, 2013). علاوه بر این، برخی از افراد نسبت به سایرین نسبت به اثرات سمی آفت کشها حساس تر هستند، مانند نوزادان، کودکان خردسال، کارگران مزارع و استفاده کنندگان از آفت کشها. آفت کشها از طریق بلع، استنشاق یا نفوذ از طریق پوست وارد بدن انسان میشوند (Spear, 1991: 245-274).

اما اکثر مردم از طریق مصرف مواد غذایی آلوده به آفت کشها تحت تاثیر قرار میگیرند. پس از عبور از چندین مانع، در نهایت به حجرات انسانی میرسند (Werf and Hayo, 1996: 81-96).

اگرچه بدن انسان مکانیزمهایی برای دفع سموم دارد، اما در برخی موارد، آنها را از طریق جذب در سیستم گردش خون حفظ میکند (Mallick and Jabbar, 1994).

اثرات سمی زمانی ایجاد میشود که غلظت آفت کش در بدن به مراتب بیشتر از غلظت اولیه آن در محیط افزایش یابد (Werf and Hayo, 1996: 81).

آفت کشهای کیمیاوی مانند آفتکشهای کلورین دار عضوی، فسفوردار عضوی و کاربامیتها باعث ایجاد اختلال در غده درون ریز انسان و پرندگان میشود. همچنان باعث ایجاد خطر در سیستم ایمنی نیز میگردد (سبز قبایی، ۱۴۰۰: ۶۹-۷۸). عوارض فوری قرار گرفتن در معرض آفت کشها شامل سردرد، سوزش چشم و پوست، سوزش بینی و گلو، خارش پوست، ظاهر شدن تاول روی پوست، سرگیجه، اسهال، درد شکم، تهوع و استفراغ، تاری دید، کوری و به ندرت مرگ است (Shah, 2020: 22).

نتیجه‌گیری

آفت کش‌ها یکی از مهمترین عوامل موثر بر محیط زیست و سلامتی انسان و حیوان است. اگرچه آفت کشها برای مردم و زارعین نعمت است که استفاده آن منجر به دفع آفات در گیاهان میشود. اما موضوع به مخاطره انداختن سلامت انسان و محیط زیست در اثر استفاده از آفت کشها، نگرانیهایی را در مورد ایمنی آفت کشها ایجاد کرده است. آفت کش‌ها به دلیل اینکه مواد کیمیاوی سمی برای کشتن انواع آفت نباتی اند، اما می‌توانند گونه‌های غیرهدف مانند گیاهان، جانوران و انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. این سموم می‌توانند برای کودکان نیز بسیار خطرناک باشند چراکه سیستمهای بدنی آنها در حال رشد و نمو است و نسبت به این مواد آسیب پذیرترند.

آفت کشها در طبیعت جا به جا میشوند علاوه بر انتشار در داخل یک محیط، از محیطی به محیط دیگری میروند. در صورت که آفت کش‌ها از طریق دهان، بینی، چشمها و پوست وارد بدن شوند، میتوانند مسمومیت را ایجاد نمایند و باعث مشکلات متعددی از جمله اختلالات عصبی، امراض مزمن و انواع سرطان گردند. هر چند آفت کشها تنها برای از بین بردن علفهای هرز استفاده میشوند، اما تأثیرات زیانبار آن تا مدتها روی محیط زیست باقی میماند. یکی از دیگر پیامدهای منفی استفاده از آفت کشها از بین بردن کیفیت خاک، نابودی گونه‌های گیاهی و همچنین نابود کردن حشرات و گونه‌های جانوری است که وجودشان برای محیط زیست بسیار مهم و حیاتی است. مواجهه با آفت کشها میتواند اثرات کوتاه مدت یا بلند مدت داشته باشد. علائم و اثرات کوتاه مدت یا حاد آن شامل موارد است که فوراً یا ساعاتی پس از مواجهه تجربه می‌کنیم از جمله: عوارض پوستی (سرخ شدن پوست)، تحریک یا سوزش بینی، گلو، چشم، سرگیجی، حالت تهوع میشود.

پیشنهادها

آفت کشها به عنوان ابزارهایی برای کنترل آفات در زراعت، بهطور گستردهای استفاده میشوند. اما اثرات منفی آنها بر سلامت انسان و محیط زیست نیازمند بررسی دقیق است. بناً پیشنهاد می‌گردد برای آگاهی عموم مردم و زارعین در مورد خطرات آفتکشها و روشهای جایگزین، باید سمینارها برگزار شود. از تحقیقاتی که تاثیرات سمی آفتکشها را بررسی کرده و نتایج آنرا به اطلاع عموم برسانند، نیز حمایت شود.

منابع

- بندری، ابوالمحمد. باقری، اصغری و سوختانلو، مجتبی. (۱۳۹۹). بررسی رفتار زیست محیطی کشاورزان دشت مغان در بکارگیری سموم کشاورزی، فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۵۳.
- چهرمی، خلیل طالبی. (۱۳۹۰). سم شناسی آفت کشتها، انتشارات: دانشگاه تهران.
- دهقانی، روح الله، زرقي، مجتبی. (۱۳۹۱). بررسی تاثیرات زینبار آفت کشتها با تاکید بر مسله مقاومت در بند پایان حایز اهمیت بهداشتی (مقاله مروری)، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان.
- رمضانی، محمد کاظم. (۱۳۹۲). مروری بر سرنوشت آفت کشتها و ارزیابی مخاطرات آنها در محیط. مجله پژوهشی علفهای هرز، جلد ۵، شماره ۱.
- سبزقبائی، رئیس. (۲۰۲۱). بررسی اثر گروهی از آفت کشتهای شیمیایی مهم (ارگانوکلرین، ارگانوفسفات و کاربامات) بر محیط زیست و انسان. انسان و محیط زیست، ۹(۳).
- سبزقبائی، غلام رضا و رئیس، مرضیه. (۱۴۰۰). اثر گروهی از آفت کشتهای شیمیایی مهم (اورگانوفسفات، ارگانوکلورین و کاربامات) بر روی محیط زیست و انسان، فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۵۸.
- عقیلینژاد، ماشاالله. فرشاد، علی اصغر. نقوی، محسن و حقانی، حمید رضا. (۱۳۸۵). بررسی رابطه میان مصرف سموم آفت کش و اثرات آن بر سلامت کشاورزان در استانهای مختلف کشور، فصلنامه سلامت کار ایرانیان دوره ۳، شماره ۱ و ۲.
- عیوضی، علی اشرف و عبدالحسین پورنجف. (۱۳۸۳). اپیدمیولوژی مسمومیت شغلی با آفت کشتها در کشاورزان استان ایلام، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، سال ۱۲، شماره ۴۵.
- یزدانپناه، مسعود و نژاد، هاشمی. (۱۳۹۴). مقایسه قدرت پیش بینی کنندگی توری رفتار برنامه ریزی شده و مدل اعتقادات سلامت جهت سنجش تمایل دانشجویان نسبت به استفاده از محصولات اورگانیک، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزان ایران، دوره ۲-۴۲، شماره ۴.
- Agrawal A, Pandey RS, Sharma B. (2010). Water pollution with special reference to pesticide contamination in India. J Water Res Prot 2(5).
- Delaplane, K.S. (2000). Pesticide usage in the United States: history, benefits, risks, and trends. Cooperative Extension Service. The University of Georgia, College of Agricultural and Environmental Sciences.
- Fenik, J., Tankiewicz, M., & Biziuk, M. (2011). Properties and determination of pesticides in fruits and vegetables. TrAC Trends in Analytical Chemistry, 30(6).
- Gentz MC, Murdoch G, King GF. (2010). Tandem use of selective insecticides and natural enemies for effective, reduced-risk pest management. Biol Control 52(3).
- Hayo MG, Werf VD. (1996). Assessing the impact of pesticides on the environment. Agric Ecosyst Environ 60.
- Helfrich LA, Weigmann DL, Hipkins P, Stinson ER. (2009). Pesticides and aquatic animals: a guide to reducing impacts on aquatic systems. In: Virginia Polytechnic Institute and State University.

- Hicks B. (2013). Agricultural pesticides and human health. In: National Association of Geoscience Teachers.
- Jabbar A, Mallick S. (1994). Pesticides and environment situation in Pakistan (Working Paper Series No. 19). Available from Sustainable Development Policy Institute (SDPI)
- Lah K. (2011). Effects of pesticides on human health. In: Toxipedia.
- Mandal, F.B, Nandi, N. C. (2009). Biodiversity: Concept, Conservation and Biofuture. Asian Book Pvt. Ltp, New Delhi India.
- Mostafalou, S., and Abdollahi, M. (2013). Pesticides and human chronic diseases: evidences, mechanisms, and perspectives. *Toxicology and applied pharmacology*, 268(2).
- Patricia, S.M, (1998). Oregon State university BI301 human impacts on ecosystem, Department of botany and plant pathology.
- Patricia, S.M., (1998). Oregon State university BI301 human impacts on ecosystem, Department of botany and plant pathology.
- Schulz, R. and M. Leiss. (1999). A field study of the effects of agriculturally derived insecticide input on stream invertebrate dynamics. *Aquat, Toxicol.*, 49.
- Shah, R. (2020). Pesticides and human health. *Emerging contaminants*, 1-22.
- Sharma DR, Thapa RB, Manandhar HK, Shrestha SM, Pradhan SB. (2012). Use of pesticides in Nepal and impacts on human health and environment. *J Agric Environ* 13.
- Spear R., (1991). Recognised and possible exposure to pesticides. In: Hayes WJ, Laws ER (eds) *Handbook of pesticide toxicology*. Academic, San Diego, CA.
- Suter, G. W. (2008). Ecological risk assessment in the United States Environmental Protection Agency: A historical overview. *Integrated environmental assessment and management*, 4(3).
- Warsi, F. (2015). How do pesticides affect ecosystems. *Pesticides*. Available from <http://farhanwarsi.tripod.com/id9.html>. Accessed Jan, 16.
- Webster, J. P. G., Bowles, R. G., & Williams, N. T. (1999). Estimating the economic benefits of alternative pesticide usage scenarios: wheat production in the United Kingdom. *Crop Protection*, 18(2).



بررسی غلظت، اثرات صحتی و محیط زیستی فلزات سنگین در معدن نمک تاقچه‌خانه ولایت تخار

پوهنمل محمد عارف نیرو

دیپارتمنت جیولوجی پوهنځی انجنیری پوهنتون بدخشان
arifnero537@gmail.com-arif.nero@kpu.edu.af
0009-0009-2590-7411

نویسنده
نشانی برقی
نشانی ارکاید

نثار احمد بهیج

دیپارتمنت جیولوجی محیطی، ریاست جیولوجی محیط زیست، وزارت معادن و پترولیم
Nesar.bahije@yahoo.com

نویسنده
نشانی برقی

چکیده

یکی از مهم‌ترین مواردی که همواره سلامت جوامع بشری را با تهدید مواجه ساخته آلودگی مواد غذایی به فلزات سنگین و رسیدن به محدوده خطر است. با توجه به اهمیت و استفاده‌ی رایج و گسترده‌ی نمک در رژیم غذایی و استحصال آن از معدن نمک تاقچه‌خانه، تحقیق حاضر سعی در اندازه‌گیری غلظت فلزات سنگین آرسنیک، کروم، مس، سرب، جست، آهن، نیکل، کوبالت و یورانیم در انواع نمک تاقچه‌خانه به عنوان یکی از مهم‌ترین آلوده‌کننده‌های زیست محیطی دارد. در این تحقیق ۱۵ نمونه از سنگ نمک نمونه‌برداری صورت گرفت و پس از آماده‌سازی و طی مراحل لابراتواری، غلظت این فلزات با استفاده از دستگاه (photometer HT1000) و (XRF (Fluorescence Ray-X تعیین شد. غلظت متوسط آرسنیک، کروم، مس، سرب، جست، آهن، یورانیم، کوبالت و نیکل در نمونه‌ها به ترتیب: ۲/۸۸ PPM، ۱۸۵/۹ PPM، ۲۸/۳۱۸ PPM، ۱۱/۲۹ PPM، ۵۶/۶۸ PPM، ۳۷۸۷/۲/۶۹ PPM، ۳/۰۳ PPM، ۱۶/۸۶/۳۷ PPM و ۷۶/۰۳ PPM بود. این مقادیر با یک‌دیگر و با حد مجاز معیارهای جهانی تعریف شده‌ی این عناصر، برای نمک طعام مقایسه گردید. نتایج بررسی ارقام نشان می‌دهد که حد اوسط فلزات سنگین در نمک تاقچه‌خانه نسبت به معیارهای جهانی از حد مجاز به ده‌ها و صدها مرتبه بیش‌تر بوده و بدون تصفیه، قطعاً قابل استفاده نمی‌باشد.

کلید واژه‌های

آلودگی محیط‌زیست، اثرات صحتی، فلزات سنگین، معدن نمک تاقچه‌خانه، photometer HT1000 و XRF (fluorescence ray-X).

Investigation of the Concentration Heavy Metals and its Health and Environmental Effects from Tagchakhana Salt Mine, Takhar Province

Author

Email

Orcid

Mohammad Arif Nero

Badakhshan University, Faculty of Engineering, Department of Geological Engineering and Exploration of Mines, Badakhshan, Afghanistan
arifnero@kpu.edu.af
0009-00 09-2590-7411

Author

Email

Orcid

Nisar Ahmad Bahej

Department of Environmental Geology, Directorate of Environmental Geology, Ministry of Mines and Petroleum
Email: Nesar.bahije@yahoo.com

Abstract

One of the most important issues that has always threatened the health of human societies is the contamination of food with heavy metals and reaching the danger limit. Considering the importance and common and widespread use of salt in the diet and its extraction from the Takhchakhane salt mine, the present research attempts to measure the concentration of heavy metals arsenic, chromium, copper, lead, zinc, iron, nickel, cobalt and uranium in the types of Tachchakhaneh salt. as one of the most important environmental pollutants. In this research, 15 samples of rock salt were sampled and after preparation and during laboratory procedures, the concentration of these metals was determined using HT1000 photometer and X-Ray Fluorescence XRF. The average concentration of arsenic, chromium, copper, lead, zinc, iron, uranium, cobalt and nickel in the samples, respectively:

2.88 PPM, 185.99 PPM, 28.318 PPM, 11.29 PPM, 56.68 PPM, 3787.2.69 PPM, 3.03 PPM, 16.86.37 PPM, and 76.03 PPM. These values were compared with each other and with the limits of the global standards defined for these elements, for table salt. The results of the data analysis show that the average limit of heavy metals in Taqchakhana salt is tens and hundreds of times higher than the permissible limit compared to international standards, and without purification, it definitely cannot be used.

Keywords: Environmental Pollutions, Health Effects, Heavy Metals, Taqchakhana salt mine, HT1000 photometer and (X-ray fluorescence) XRF.

مقدمه

نمک طعام یکی از مواد غذایی است که اگر به میزان کم ولی به طور مداوم توسط تمام اقشار جامعه، مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو هر گونه آلودگی در نمک، حتی در سطح پایین می‌تواند خطراتی را برای سلامتی مصرف کننده به همراه داشته باشد. بنابراین؛ توجه به سالم بودن این ماده‌ی غذایی پر مصرف در رژیم غذایی روزانه، می‌تواند در سلامت خانواده و ارتقاء سطح صحت و سلامت جامعه، نقش مهمی ایفا نماید (حاتمی‌منش و دیگران، 1392: 91-98). نمک می‌تواند حامل آلودگی‌های مختلفی باشد و ورود این آلودگی‌ها به طور مداوم به رژیم غذایی انسان می‌تواند آسیب‌ها و مشکلات حادی را ایجاد نماید.

هر چند میزان ناخالصی‌ها در نمک ممکن است ناچیز باشد ولی از لحاظ ایجاد عوارض نامطلوب و مسمومیت‌های مزمن در بدن با اهمیت تلقی می‌شوند. وجود ناخالصی‌ها در نمک علاوه بر ایجاد عوارض نامطلوب باعث شوری نمک شده، در نتیجه افزایش مصرف نمک را به دنبال دارد. بر اساس معیار جهانی حداقل خلوص نمک طعام 99.80 فیصد کتله نمک است (الصاق، 1390: 336-340).

فلزات سنگین از مرکبات اصلی ناخالصی در سنگ نمک می‌باشند. خطر اصلی فلزات سنگین به علت خاصیت تجمع‌پذیری آن‌ها در بدن موجودات زنده است که از طریق زنجیره‌ی غذایی در تمام اکوسیستم به دوران در آمده و در اثر فعل و انفعالات کیمیاوی به مواد سمی سرطان‌زا تبدیل می‌شوند. کدیم، کروم، سیما، آهن، مس، سرب، جست، کوبالت، نیکل و یورانیم این عناصر، آلوده‌کننده‌های پایداری هستند که برخلاف مرکبات عضوی از طریق پروسه‌های کیمیاوی یا بیولوژیکی در طبیعت، تجزیه نمی‌شوند (مهدی‌نیا و ناصحی‌نیا، 1401: 538-550). از نتایج مهم پایداری فلزات سنگین، وسعت زیستی زیاد در زنجیره‌ی غذایی می‌باشد به طوری که در نتیجه‌ی این پروسه، مقدار آن‌ها در زنجیره‌ی غذایی می‌تواند تا چندین برابر مقدار آن‌ها در آب یا هوا یافت می‌شوند، افزایش یابد. علاوه بر این، وجود فلزات سنگین در نمک طعام مصرفی، در مواردی باعث ممانعت از جذب ریز مغذی‌ها (ویتامین‌ها و مواد معدنی) توسط بدن می‌شود. مهم‌ترین اثرات سوء ناشی از مصرف مواد غذایی آلوده به فلزات سنگین از جمله آرسنیک، ایجاد بیماری‌های قلبی، کم خونی، مشکلات اعصاب، دستگاه تنفسی، دیابت، سرطان پوست، و ضایعات پوست می‌باشد. آرسنیک، یک ماده تجمعی در بدن است که پس از ورود به بدن انسان، به سختی از بدن دفع می‌گردد. از این رو، با تجمع در بدن، باعث ایجاد مسمومیت می‌شود (زینوند و دیگران، 1392: 33-47). افزایش مس، باعث اختلال در جذب آهن و جست شده، کم خونی و تأثیر بر سلامتی غدد جنسی و باروری انسان را در بر دارد به طوری که میزان مس موجود در سرم خون به عنوان شاخص بیماری سرطان معرفی می‌شود. سرب باعث اختلالات دستگاه عصبی و ایجاد تومورهای کلیوی و سرطان‌های مختلف می‌شود. افزایش آهن در بدن انسان، ابتلا به انواع سرطان قسمت‌های گوارشی و حملات قلبی را باعث می‌گردد. بیماری هموکروماتوسین یکی از شایع‌ترین بیماری‌های ناشی از عدم توانایی بدن در دفع مقادیر اضافی آهن

تجمع یافته می‌باشد (فروعی و ابراهیم پور، 1400: 361-377). 1 کروم 3 برای متابولیسم گلوکوز به میزان کمی ضروری است؛ در حالی که 2 کروم 6 باعث ایجاد درماتیت‌های پوستی و تحریک غشاهای مخاطی می‌گردد (ساقی و دیگران، 1399: 63). سیماپ بر خلاف سایر فلزات، هیچ‌گونه عملکرد مفیدی برای بدن انسان انجام نمی‌دهد. در حالی که ورود آن به بدن، باعث ایجاد اختلالات عصبی و کلیوی می‌شود و مهم‌ترین منبع ورود آن به بدن انسان، از طریق غذا می‌باشد (زینوند و دیگران، 1392: 33-47). در ادامه اثرات منفی فلزات سنگین بر سلامت انسان در جدول (3) ارائه شده است.

تبیین مسأله

فلزات سنگین فلزاتی هستند که دارای کثافت بالاتر از 5g/cm^3 بوده که وجود این عناصر بیش از معیارهای تعریف شده در محیط زیست باعث بروز مشکلات و عوارض متعددی می‌گردد. فلزات سنگین به خاطر سمیت آن‌ها برای انسان و محیط زیست جزو مهم‌ترین آلوده کننده‌های محیط زیستی به شمار می‌روند (مهدی‌نیا و ناصحی‌نیا، 1401: 538-550).

نمک استخراج شده از معادن مختلف، دارای ناخالصی‌های فراوانی از جمله فلزات سنگین شامل سیماپ، کدیم، آرسنیک، سرب، جست، کروم، مس، آهن و غیره است. وجود این عناصر در رژیم غذایی، مضرات فراوانی برای سلامتی انسان به همراه دارد؛ زیرا این عناصر، دارای خاصیت تجمع تدریجی در اندام‌های بدن هستند و مسمومیت‌های مزمن و عوارض بهداشتی مختلفی ایجاد می‌نمایند. با توجه به اهمیت نمک، به ویژه نمک‌های یددار در رژیم غذایی و مصرف روزانه آن توسط تمام اقشار جامعه انسانی، توجه به سالم بودن این مکمل غذایی پر مصرف و تعیین مقادیر ناخالصی موجود در آن به ویژه نمونه‌های استخراجی از معادن به منظور ارزیابی خطر این ناخالصی‌ها برای سلامتی انسان، می‌تواند نقش مهمی در سلامت خانواده و ارتقای سطح بهداشت جامعه ایفا کند. چرا که اگر مقدار آن‌ها بیش تر از حد معیاری باشد، ممکن است پس از مدت طولانی عوارض گوناگونی برای مصرف کنندگان به همراه داشته باشند. زنجیره و رژیم غذایی، از مهم‌ترین مسیرهایی است که انسان از طریق آن‌ها تحت تأثیر فلزات سمی قرار می‌گیرد و به علت تجزیه پذیری کم و پایداری در طبیعت، هنگام ورود به بدن موجودات زنده، در بدن آن‌ها تجمع می‌یابند. هر چند وجود برخی از عناصر مانند مس و جست، به میزان کم و در رژیم غذایی انسان به عنوان عناصر ضروری بافت‌های زنده الزامی است؛ اما وجود برخی از آن‌ها در غلظت‌های کم نیز سمی و موجب بروز صدمه و آسیب‌های جدی به موجودات زنده می‌گردند. مهم‌ترین اثرات سوء ناشی از مصرف غذایی آلوده به فلزات سمی از جمله کدیم، ایجاد بیماری ایتای ایتای و تخریب کلیه و بیضه است. در سال‌های اخیر، استخراج و بهره برداری از معادن نمک در افغانستان به پیمانانه وسیع صورت گرفته است. اما با توجه به اهمیت نمک

1. Cr³

2. Cr⁶

در رژیم غذایی انسان و برداشت آن از معدن نمک تا قچه خانه بدون در نظر داشت اثرات صحتی و محیط زیستی آن مطالعات در این خصوص صورت نگرفته است. بنابراین؛ انجام مطالعه‌ای به منظور ارزیابی خطرات بهداشت عمومی و زیست محیطی ناشی از حضور آلوده کننده‌های سمی در معدن نمک تا قچه خانه ضروری به نظر می‌رسید.

پرسش‌های تحقیق

پرسش‌های اصلی

این تحقیق دو پرسش اساسی را مطرح می‌سازد و آن اینکه فلزات سنگین در ترکیب نمک تا قچه خانه کدام‌ها و در صورت بلند بودن میزان غلظت فلزات سنگین در ترکیب سنگ نمک چه اثرات مخرب و ناگوار بر سلامت انسان و محیط زیست دارد؟

پرسش‌های فرعی

- 1) بر اساس معیارهای جهانی درجه خلوص نمک طعام در هنگام استفاده چند درصد است؟
- 2) حد مجاز فلزات سنگین در نمک طعام چند است؟

اهداف تحقیق

مطالعه حاضر به هدف اندازه‌گیری فلزات سنگین آرسنیک، سرب، جست، آهن، کدیم، یورانیم، سیماب، کوبالت، نیکل، کروم و مس در ترکیب سنگ نمک تا قچه خانه و مقایسه آن با معیارهای جهانی و همچنین در این تحقیق به تأثیرات فلزات سنگین بر سلامت انسان با اقتباس از سازمان‌های معتبر صحتی جهان مانند WHO¹ و USEPA² پرداخته شده است.

اهمیت تحقیق

در اکثر افراد اصلی‌ترین راه دریافت عناصر واسطه‌ای ضروری، برنامه غذایی آن‌ها است. بنابراین به منظور ارزیابی خطر این عناصر برای سلامتی انسان آگاهی از رژیم غذایی دریافتی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. نمک طعام جایگاهی مهم در مصارف خوراکی انسان دارد. طعم غذاهای ما با افزودن نمک تغییر کرده و مطلوب می‌شوند. به طور کلی می‌توان نمک مصرفی را به دو دسته تصفیه شده و تصفیه نشده تقسیم کرد. میزان مصرف نمک بهبود یافته در کشورهای در حال توسعه بسیار بالا می‌باشد. نمک‌های تصفیه نشده بیش‌تر از گنبد‌های نمکی، جهیل‌ها و دریاچه‌های نمک تهیه می‌شوند و مردم بسیاری از این کشورها همچون افغانستان از آن برای مصرف غذایی استفاده می‌کنند.

مهم‌ترین اثرات سوء ناشی از مصرف مواد غذایی آلوده به فلزات سنگین از جمله کروم، ایجاد درماتیت‌های پوستی و تحریک غشاهای مخاطی می‌باشد. آثار سمیت نیکل بر سیستم تنفس، دستگاه گوارش، خون، کبد و کلیه‌ها دیده شده است. آثار تنفسی با علایمی شامل سرفه، گیجی و سر درد ظاهر

1. World Health Organization

2. United States Environmental Protection Agency

می‌شود و اختلالات عصبی به صورت بی‌خوابی، توهم و تشنج نمایان می‌گردد. افزایش میزان منگنز آسیب‌های شدید مغزی همراه با اختلالات فیزیولوژیکی و نورولوژیکی مانند بیماری پارکینسون (سفتی عضلات) را به دنبال دارد. همچنین افزایش میزان کوبالت بر رشد جنین آثار مضر دارد. در سراسر دنیا محققان متعددی به تعیین میزان فلزات سنگین در نمک تصفیه شده و تصفیه نشده پرداخته‌اند. ولی در افغانستان کم‌تر کسی به این مسأله توجه داشته و این نخستین تحقیق در این زمینه می‌باشد. بنابراین، انجام مطالعه‌ای به منظور تعیین غلظت فلزات سنگین و خطرات صحتی و زیست‌محیطی ناشی از موجودیت آلوده کننده‌های سمی ضروری به نظر می‌رسد و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پیشینه تحقیق

نمک طعام یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مکمل‌های غذایی انسان است که از گنبد‌های نمکی، دریاها و دریاچه‌ها تأمین می‌شود (حاتمی‌منش و دیگران، 1392: 91-98). مردم بسیاری از کشورهای جهان، برای بهبود طعم و مطلوبیت غذای مصرفی از نمک طعام استفاده می‌کنند. سابقه‌ی بهره‌برداری نمک از گنبد‌های نمکی، حداقل به 6000 هزار سال قبل از میلاد بر می‌گردد (Cheraghali et al., 2010).

از آن جایی که ممکن است این محیط‌ها و نمک‌های به دست آمده از آن آلوده به فلزات سمی باشند، در سراسر دنیا محققان متعددی به تعیین میزان فلزات سنگین در نمک تصفیه شده و تصفیه نشده پرداخته‌اند. (Brahman et al., 2013; Leendertes et al., 1996; Eksperiandova et al., 1998)

در خصوص ارزیابی خطر عناصر سنگین مطالعات بسیاری در مقیاس جهانی صورت گرفته است. که می‌توان به مواردی از جمله مطالعه Khan et al., (2010) و Khademi et al. (2019) اشاره کرد. (Heshmati et al., 2014) در یک تحقیق آلودگی فلزات سنگین Fe, Pb, Cu, Hg, Cd در نمک طعام تصفیه شده و نشده در ولایت همدان را بررسی کردند. آن‌ها در یافته‌های خویش به طور کلی تمام فلزات سنگین در نمک تصفیه نشده را به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به نمک تصفیه شده تعیین کردند. همچنان نتایج یافته‌های شان نشان می‌دهد که خطر امراض سرطانی در میان افرادی که نمک تصفیه نشده استفاده می‌کنند وجود دارد. (Gad et al., 2020) غلظت فلزات سنگین Co, V, Ni, Cr, Pb, Cu, Hg, Cd, Zn و خطر سلامت، برای نمک‌های تصفیه نشده‌ی دریاچه‌های بسیار شور (منطقه‌ای سیوا و وادی النترون) در کشور مصر را تعیین نمودند. نتایج نشان داد که شاخص‌های خطر غیر سرطانی و سرطانی‌ها برای نمک منطقه‌ای سیوا کم‌تر از سطح قابل قبول بود اما مقادیر شاخص‌های خطر سلامتی انسان برای نمک وادی النترون بالاتر از سطح قابل قبول بود. نمک وادی النترون در مقایسه با نمک سیوا حاوی غلظت بالایی از فلزات سنگین بود.

در بین سال‌های 1978-2012م. مطالعات زیادی به هدف نقشه‌برداری‌های جیولوژیکی-اکتشافی به منظور تثبیت ذخایر و تعیین کیفیت نمک تاقچه‌خانه توسط وزارت معادن و پترولیوم مطالعات انجام شده

است. اما با توجه به اهمیت نمک در رژیم غذایی انسان و برداشت آن از معدن نمک تاچه‌خانه، مطالعات به منظور تعیین میزان غلظت فلزات سنگین در سنگ نمک و اهم‌تر از همه اثرات صحتی و محیط‌زیستی این معدن نمک و 7 معدن بزرگ نمک دیگر در افغانستان صورت نگرفته است.

روش تحقیق

پس از بررسی نقشه ساحه‌ی مورد مطالعه و بازدید از آن به منظور تعیین غلظت فلزات سمی در نمک 15 نمونه از گنبد نمکی برداشت شد. شکل شماره 2 محدوده‌ای مورد مطالعه و ساحات نمونه‌گیری را نشان می‌دهد.

جهت انجام نمونه‌برداری از نمونه‌های نمک، ابتدا نمونه‌هایی از نمک با استفاده از روش‌های شناخته شده‌ای نمونه‌برداری از سنگ نمک به طریقه‌ای شتوفی و مونولیتی برداشته شد. پس از شماره‌گذاری در داخل خریطه‌ها قرار داده شد. پس از انجام نمونه‌برداری، نمونه‌های جمع‌آوری شده به لابراتوار منتقل و در یخچال در درجه حرارت معین تا زمان انجام آزمایش‌ها نگهداری شد. جهت آماده‌سازی نمونه‌های نمک اول درج دیتابیس گردید بعداً در بین خریطه‌های پلاستیکی انداخته روی پلاستیک‌ها شماره‌گذاری گردید. نمونه‌ها حداقل به مدت 4 ساعت و حد اکثر به مدت 24 ساعت در داش خشک کن برقی در حرارت 105 درجه سانتی‌گرید گذاشته تا نمونه‌ها کاملاً خشک گردد، بعد از زمان معینه نمونه‌ها در هوای اتاق تا زمان سرد شدن شان گذاشته شد، دو باره در بین پلاستیک‌ها انداخته شده و برای انجام مراحل بعدی آماده شد. نمونه‌های خشک شده را دو باره وزن نموده و از وزن اولی تفریق گردید تا اطمینان از خشک شدن نمونه حاصل نمایم، بعداً نمونه‌های خشک شده را به اندازه 0 الی 4 میلی متر توسط آسیاب‌های مخصوص خورد نموده و نمونه‌های خورد شده دو باره در بین پلاستیک‌ها انداخته شد. نمونه‌های کرش شده را غربال نموده و بعداً توسط دستگاه بال میل به اندازه 0.063 الی 0.63 میلی متر به شکل پودر تبدیل گردید، و از هر نمونه به اندازه 100 تا 200 گرم گرفته و مدت آزمایش هر نمونه 3 تا 5 دقیقه وقت را در بر می‌گیرد در نهایت غلظت فلزات سنگین به شکل فیصدی و PPM^1 توسط دستگاه XRF^2 و HT1000 photometer اندازه‌گیری شد.

هدف ما از تجزیه‌ی کیمیاوی نمونه‌های مورد مطالعه تعیین عناصر که بسیار کم در نمونه وجود دارند نیست، بلکه هدف عمده تعیین مقدار عناصر سنگین (سمی) از حد مجاز معیارهای جهانی در سنگ‌های نمک است تا از مقایسه‌ی آن بتوان تعیین کرد که سنگ‌های نمک قبل از تصفیه قابل استفاده اند یا خیر؟ یا در صورت که مستقماً مورد استفاده قرار گیرند تبعات منفی بهداشتی و محیط‌زیستی آن چیست؟

1. Parts Per Million

2. X-ray fluorescence

همچنان در مقاله حاضر، پس از جستجوی مقالات مرتبط منتشر شده در بانک‌های اطلاعاتی مانند Science direct, Springer, Wiley John و Scopus جهت به دست آوردن آخرین یافته‌ها در زمینه تأثیرات محیط‌زیستی و بهداشتی فلزات سنگین انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت.



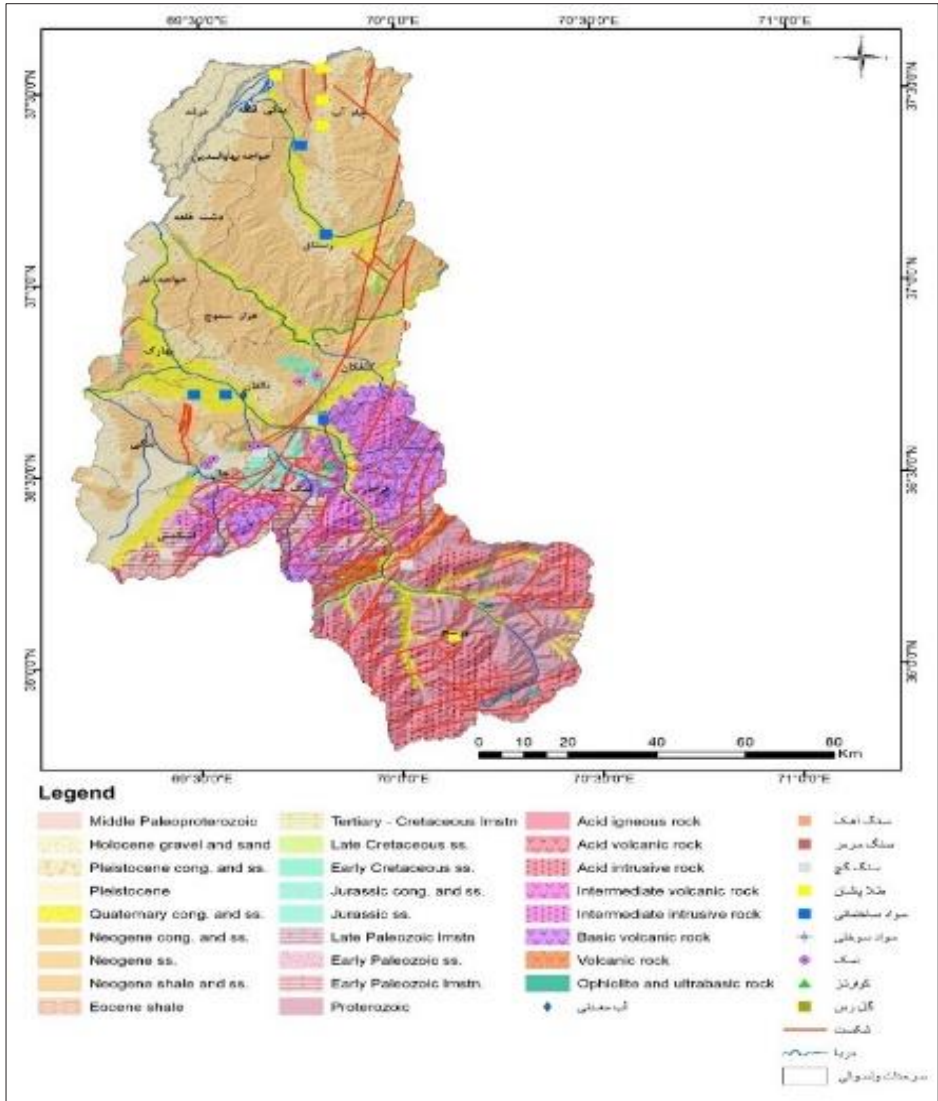
شکل 2. موقعیت نقاط نمونه‌برداری و محدوده‌ای معدن نمک تاقچه‌خانه (اقتباس از Google Earth).

نتایج و یافته‌ها

ویژگی‌های جیولوجیکی و جغرافیایی معدن نمک تاقچه‌خانه

ساحه‌ی مورد مطالعه در 24 کیلومتری جنوب شرقی شهر تالقان و به لحاظ جغرافیایی در طول‌های جغرافیایی "46° 38' 69" تا "46° 46' 69" شرقی و عرض‌های جغرافیایی "24° 35' 36" تا "24° 67' 36" شمالی قرار دارد شکل (1). از لحاظ موقعیت تکتونیکی مربوط به زون تکتونیک پاراپامیز می‌گردد. ساحه‌ی مورد مطالعه ریلیف نیمه کوهستانی داشته و از نظر ارتفاع بسیار بلند نبوده، توسط دره‌ها و سیل برها منشعب گردیده و به امتداد سمت غرب ارتفاع آن کاسته می‌شود.

در ساختمان جیولوجیکی ساحه‌ی نمک آب احجار از جوراسیک وسطی تا دوره چهارمی حصه گرفته که عبارت از ترسبات رسوبی بوده و کامپلکس احجار اتروزینی در ساحه‌ی مورد مطالعه وجود ندارد (فیروز، 1357: 34-37؛ Abdullah et al., 1977).



شکل 1. نقشه ساده شده ی جیولوجیکى با معادن و ظواهر معدنى منطقه مورد مطالعه و نواحى اطراف آن اقتباس از نقشه جیولوجیکى ۱:۵۰۰۰۰۰ افغانستان ترتیب داده شده توسط ریاست سروى جیولوجى افغانستان (Abdullah et al., 1977).

ضخامت ترسبات دوره ای جوراسیک وسطی (J_2) در نمک آب 700 تا 850 متر می رسد که از سنگ های ریگی و کانگومیرات ها تشکیل گردیده است، و دارای مقدار زیاد گل های متکائف و یورلیت ها می باشد (فیروز، 1357). ترسبات قسمت فوقانی جورسیک (J_3) در منطقه چال-نمک آب دقیق مطالعه گردیده اند که عبارت از ترسبات تریجینی، شیموجینی سواحل ابحار و لاگونی بوده و برای منشای

بحری کم‌تر تپیک می‌باشند (فیروز، 1357: 34-37؛ Abdullah et al., 1977). ترسبات یاروس کیلوی (J_{3cl}) در منطقه مورد نظر گسترش وسیع دارند، تمام طبقه‌های ترسبات عمر کیلوی به اساس علایم لیتولوژیکی به چهار دسته تقسیم می‌گردد در منطقه چال و نمک آب ترسبات یاروس کیلوی در ساحه‌ی وسیع به اساس طبقات ضخیم تهداب کانگلو میرات‌ها که بالای طبقات تحتانی جورسیک وسطی و تریاسیک فوقانی با سرحد واضح شستشو شده قرار داشته طور دقیق تثبیت گردیده است. ضخامت ترسبات کیلوی در بعضی قسمت‌ها به 1000 متر می‌رسد (فیروز، 1357: 34-37؛ Abdullah et al., 1977). ترسبات یاروس اکسفورد (J_{3o}) از لحاظ فاسیالی از سنگ‌های چونه، سنگ‌های ریگی، گل‌های الیوریتی و مقدار کم گچ ترکیب یافته است. ترسبات کمیریج - تیتون (J_{3t} - J_{3km}) در این جا عبارت از طبقات گچ بوده با الیوریت‌های سرخ رنگ، سبزرنگ و گل‌ها می‌باشد. ضخامت مجموعی آن بیش‌تر از 400 متر است (فیروز، 1357: 34-37؛ Abdullah et al., 1977). ترسبات چهارمی تحتانی و وسطی (Q_{III}) در حدود ساحه‌ی متذکره مشاهده نگردیده است. ترسبات معاصر الوویالی عبارت از والون - جغل و ریگ‌ها می‌باشد که اکثراً خرسنگ‌ها دیده می‌شوند، اندازه عرضی آن‌ها بیش‌تر از یک متر است. در تعیین نمودن ترسبات به طریقه خط السیرهای مشاهداتی امکان‌پذیر نمی‌باشد و به اساس مدارک زونداژ برقی عمودی 30 متر و بیش‌تر از آن است (فیروز، 1357: 34-37؛ Abdullah et al., 1977).

غلظت فلزات سنگین در سنگ‌های نمک تاقچه‌خانه

نمونه‌های شماره 1-2 به شکل پودر از طرف راست دریای نمک آب بعد از این که آب چشمه از داخل گنبد نمکی بیرون می‌شود توسط مردم محل در حوضچه‌ها ذخیره گردیده بعداً نمک متذکره در آن جا رسوب می‌کند اخذ گردیده است. نمونه‌های شماره 3، 4 و 6 به شکل کتله سنگ از طرف راست و چپ ساحل دریا که دارای رنگ سرخ نما و سفید مایل به سرخ و دارای منفذداریت بیش‌تر بوده و دانه‌های آن به شکل کریستالی دیده می‌شود اخذ گردیده است. نمونه‌های شماره 5، 7، 8، 9، 10، 11، 12، 13، 14 و 15 به شکل کتله سنگ از کریر استخراجی قسمت شمالی، شرقی، جنوب شرقی، غربی و مرکزی گنبد نمکی اخذ گردیده و دارای دولایه‌ای بوده یک لایه آن دارای رنگ سفید مایل به خاکستری و لایه دومی آن دارای رنگ سرخ مایل به قهوه‌ای می‌باشد. بعد از تجزیه توسط XRF نتیجه مقادیر اوسط، حداقل و حداکثر غلظت فلزات سنگین در نمونه‌های سنگ نمک تاقچه‌خانه در جدول (1) ارائه شده است. نتایج اوسط مقادیر فلزات سنگین به لحاظ ترتیب آهن، کروم، نیکل، جست، مس، کوبالت و سرب بیش‌ترین غلظت و آرسنیک و یورانیم کم‌ترین غلظت را داشته‌اند.

جدول 1. مقدار حد اوسط غلظت فلزات سنگین در سنگ‌های نمک معدن تاقچه‌خانه به PPM.

شماره	As	Cr	Cu	Pb	Zn	Fe	U	Co	Ni
1	0	114.9	22.05	13.8 4	64.48	269.0 1	0	28.6 6	0
2	0	143.7	25.03 1	8.44	61.38 8	243.9	5.42	28.9	41.84 4
3	0	243.9 81	31.04	11.9 6	56.87	3552. 6	0	0	104.4 3
4	6.733	222.0 7	30.31	10.8 9	57.8	1089. 5	5.52	32.4	56.8
5	6.3	406.4	20.6	14.1 4	58.32	3071. 5	0	44.2 5	74.4
6	0	376.5 4	21.25	14.1 7	56.12	1027. 6	5.37	0	78.06
7	5.63	147.1	27.07	11.7 5	52.58	2841. 4	0	0	99.84
8	5.63	139.3 5	25.06	14.9 5	49.02	1663. 9	5.37	0	69.23
9	0	208.4 6	19.62	16.4	56.42	9240	5.37	0	96
10	0	111	33.9	13.5	56.4	607.6	6.2	27.8	88.8
11	0	133.3	27.15	13.0 3	53.9	1582. 6	0	0	97.13
12	6.61	165.0 6	28.8	0	57.71	1267. 9	0	0	85.96
13	5.32	144.2	34.3	10.7	59.5	756.9	5.48	29.6 5	66.4

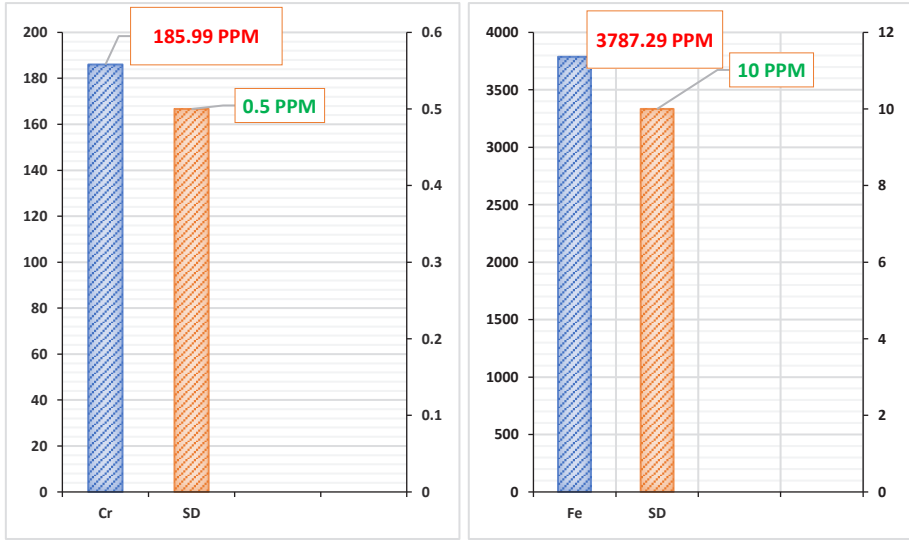
88.21	30.9 6	6.77	836	54.28	0	44	116	7.05	14
93.4	30.4	0	1119	55.5	15.6 4	34.6	117.8	0	15
76.03	16.8	3.033	1944.	56.68	11.2	28.31	185.9	2.884	۱۶
36	68	333	627	587	94	873	907	867	

غلظت‌های به دست آمده در این تحقیق با برخی مطالعات انجام شده در سایر نقاط جهان مقایسه شد. در جدول (2) این مقادیر ارائه شده است. غلظت فلزات موجود در نمونه‌های سنگ نمک تاقچه‌خانه از سایر مطالعات مشابه در سایر کشورها در اغلب موارد مقادیر بیشتری را نشان داد.

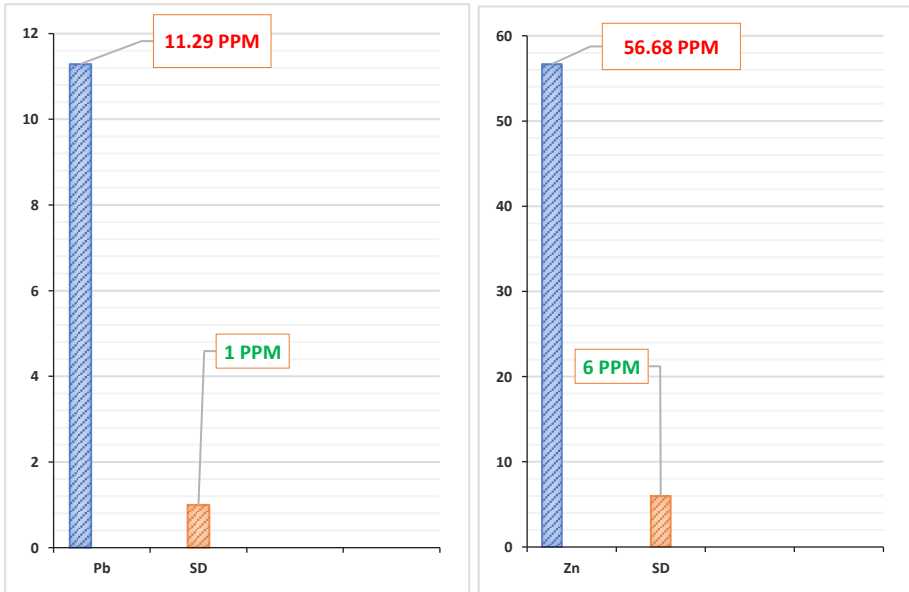
جدول 2. معیارهای جهانی عناصر کیمیایی در ترکیب نمک طعام (جعفری و دیگران، 1383).

شماره	نام عناصر	حدمجاز در نمک طعام به ppm
1	آرسنیک (As)	0.5 PPM
2	مس (Cu)	2 PPM
3	سرب (Pb)	1 PPM
4	کادمیم (Cd)	0.5 PPM
5	سیماب (Hg)	0.1 PPM
6	آهن (Fe)	10 PPM
7	پوتاشیم (K)	10 PPM
8	کلسیم (Ca)	9200 PPM
9	مگنیزیم (Mg)	48 PPM
10	کروم (Cr)	0.5 PPM
11	نیکل (Ni)	2 PPM
12	کوبالت (Co)	3.74 PPM
13	منگان (Mn)	0.171 PPM

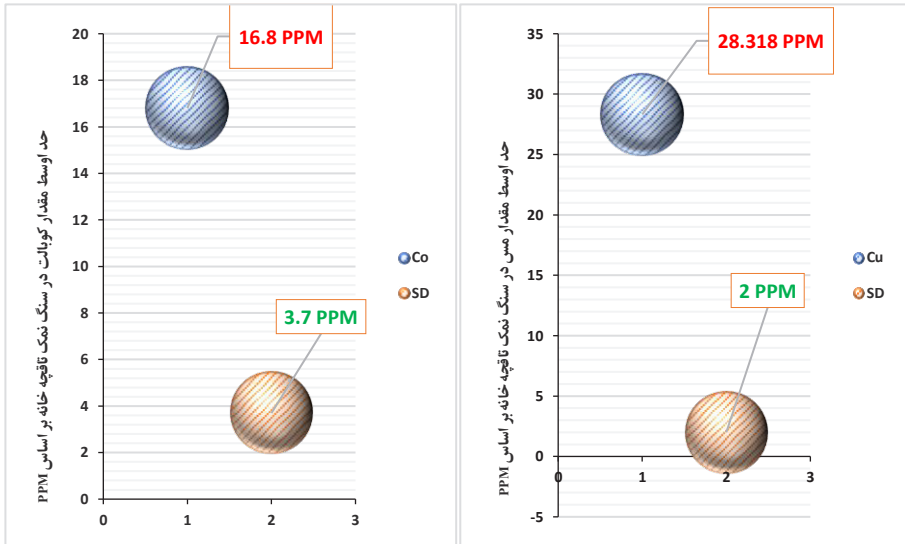
عناصرکه در ترکیب نمک تاقچه‌خانه بعد از تجزیه XRF تثبیت گردیده است در زیر توسط چارت‌های جداگانه با معیارهای جهانی مقایسه گردیده است.



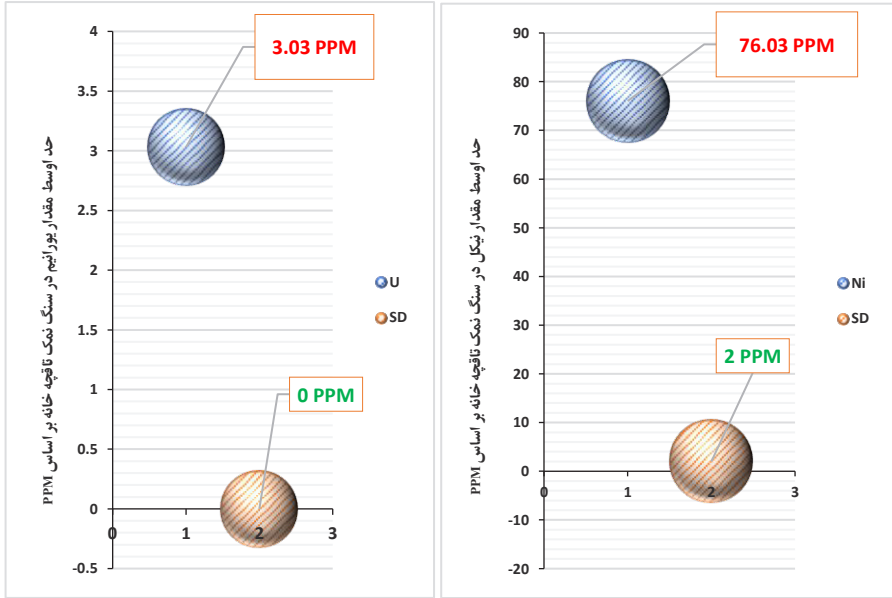
شکل 3. چارت حد اوسط عناصر آهن و کروم در ترکیب سنگ‌های نمک تاقچه‌خانه و مقایسه‌ای آن با حد مجاز عناصر مذکور در ترکیب نمک طعام بر اساس معیارهای WHO، USEPA و Iranian Food Standard (حاتمی‌منش و دیگران، 1392: 91-98؛ جعفری و دیگران، 1383؛ Heshmati et al., 2014).



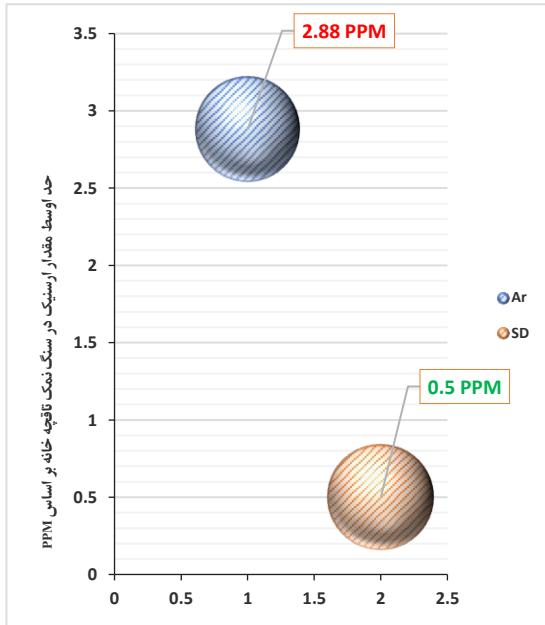
شکل 4. چارت حد اوسط عناصر سرب و جست در ترکیب سنگ‌های نمک تاقچه‌خانه و مقایسه‌ای آن با حد مجاز عناصر مذکور در ترکیب نمک طعام بر اساس معیارهای WHO، USEPA، و Iranian Food Standard (حاتمی منش و دیگران، 1392: 91-98؛ جعفری و دیگران، 1383؛ Heshmati et al., 2014).



شکل 5. چارت حد اوسط عناصر مس و کوبالت در ترکیب سنگ‌های نمک تاقچه‌خانه و مقایسه‌ای آن با حد مجاز عناصر مذکور در ترکیب نمک طعام بر اساس معیارهای WHO، USEPA، و Iranian Food Standard (حاتمی منش و دیگران، 1392: 91-98؛ جعفری و دیگران، 1383؛ Heshmati et al., 2014).



شکل 6. چارت حد اوسط عناصر نیکل و یورانیم در ترکیب سنگ‌های نمک تاچه‌خانه و مقایسه‌ای آن با حد مجاز عناصر مذکور در ترکیب نمک طعام بر اساس معیارهای WHO، USEPA و Iranian Food Standard (حاتمی‌منش و دیگران، 1392: 91-98؛ جعفری و دیگران، 1383؛ Heshmati et al., 2014).



شکل 7. چارت حد اوسط عنصر آرسنیک در ترکیب سنگ‌های نمک تاقچه‌خانه و مقایسه‌ای آن با حد مجاز عنصر مذکور در ترکیب نمک طعام بر اساس معیارهای WHO، USEPA و Iranian Food Standard (حاتمی منش و دیگران، 1392: 91-98؛ جعفری و دیگران، 1383؛ Heshmati et al., 2014). مقایسه نمک تاقچه‌خانه با حداکثر مجاز آلوده کننده‌ها در نمک خوراکی نشان داد که غلظت فلزات سنگین بیش‌تر از حداکثر مجاز آن در نمک طعام بود.

فلزات سنگین دارای خاصیت تجمع‌ی بیولوژیکی هستند. در نتیجه این قابلیت، غلظت آن‌ها در مواد غذایی پرورش یافته در محیط‌های آلوده می‌تواند تا چند برابر غلظت آن‌ها در آب و یا خاک افزایش یافته و در نهایت از طریق زنجیره غذایی به انسان منتقل شود. کتیون‌های فلزات سنگین یا مالیکول‌هایی که این فلزات را در بردارند از روش‌های مختلف وارد بدن می‌شوند و به آسانی با گروپ‌های سلفوهایدریل (-SH) که در بدن انسان به وفور یافت می‌شوند، متصل می‌گردند. فلزات سنگین سم‌های سیستماتیک بوده و با اثر اختصاصی بر روی اعصاب، کلیه‌ها، و جنین و سرطان‌زایی می‌توانند سبب مرگ و میر شوند.

فلزات سنگین با ایجاد اختلال در سیستم ذهنی و عصبی بدن و تحت تأثیر قرار دادن انتقال دهنده‌های عصبی و همچنین اثرات قلبی عروقی و اثر روی سیستم ایمنی تولید مثل، اثرات مخرب و زیانباری را ایجاد می‌کنند. فلزات سنگین، به واسطه ماهیت غیرقابل تجزیه، سمیت زیاد، اثرات تجمع‌ی زیاد و سرطان‌زایی شان مورد توجه متولیان بهداشت و سلامت می‌باشند. قابل تذکر است که مردم محل به صورت مستقیم از سنگ نمک بدون تصفیه استفاده می‌کنند، بر علاوه آب که از زیر گنبد نمکی خارج و وارد دریایی نمک

می‌شود برای آبیاری زمین‌های زراعتی نیز استفاده می‌گردد، چنین آب‌های حاوی فلزات سنگین به تنها برای زندگی آبزیان و دیگر موجودات سمی می‌باشد، بلکه آب‌های طبیعی را نیز جهت مصارف آشامیدنی نامناسب می‌سازد. آن‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم بر گیاه تأثیر منفی می‌گذارند و برخی از اثرات مستقیم ناشی از غلظت زیاد فلز شامل مهار انزایم‌های سیتوپلاسمی و آسیب به ساختارهای سلولی به دلیل استرس اکسیداتیو است.

تأثیر منفی فلزات سنگین بر رشد و فعالیت مایکروارگانیزم‌های خاک نیز به طور غیر مستقیم رشد نباتات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کاهش تعداد مایکروارگانیزم‌های مفید خاک به دلیل غلظت زیاد فلز ممکن است منجر به کاهش تجزیه مواد عضوی که منجر به حاصلخیزی کم‌تر خاک شود. فعالیت‌های انزایمی برای متابولیسم نباتات بسیار مفید است، که به دلیل تداخل فلزات سنگین در فعالیت‌های میکروارگانیزم‌های خاک مختل می‌شود. این اثرات سمی (چه مستقیم و غیرمستقیم) منجر به کاهش رشد نباتات می‌شود که در نهایت منجر به مرگ گیاه می‌شود؛ فلزاتی مانند سرب، آرسنیک و کدیمیم که هیچ نقشی مفید در رشد نباتات ندارند، عوارض جانبی در غلظت‌های بسیار کم این فلزات در محیط رشد ثبت شده است. حداکثر غلظت مجاز و اثرات سمی و عوارض مهم فلزات سنگین خطرناک بر سلامتی انسان در جدول (3) نشان داده شده است.

جدول 3. حداکثر غلظت مجاز فلزات سنگین در ترکیب نمک طعام و تأثیرات مخرب آن بر سلامت انسان بر اساس معیارهای WHO، USEPA و Iranian Food Standard (مهدی‌نیا و ناصحی‌نیا، 1401: 538-550؛ یوسفی‌پور و تباردرزی، 1400: 43-52؛ بهودی و شایسته، 1399: 145-160؛ Heshmati et al., 2014).

نام فلز	حد وسط فلزات سنگین در سنگ های نمک معدن تاقچه خانه PPM به	حداکثر غلظت مجاز در نمک طعام به PPM	عوارض و اثرات سمی
آرسنیک	2.88	0.01-0.5	ضایعات پوستی، هیپوپیتگماتناسیون، سرطان پوست، مشکلات عصبی، بیماری ریوی، بیماری عروق محیطی، فشار خون بالا، دیابت، مشکلات تنفسی، کم خونی و مشکلات داستگاه تناسلی سرطان‌زا، آسیب به ریه، شکننده شدن استخوان‌ها، بهم زدن تعادل کلسیم در سیستم‌های بیولوژیکی، آسیب کلیه، کبد، ناراحتی پانکراس و سرطان ریه و پروستات
کدیم	0	0.2-0.5	مشکلات تنفسی، ناراحتی ریه، آسم و ریزش مو
کروم	185.99	0.5	آسیب کلیوی و مغزی، در غلظت‌های بالا منجر به سیروس کبدی و کم خونی مزمن، التهاب روده و معده
مس	28.318	0	بیماری های خود ایمنی، افسردگی، خواب آلودگی، خستگی، ریزش مو، بی خوابی، از دست دادن حافظه، بی قراری، اختلال در بینایی، بدخلق و خوی، صدمه به مغز، نارسایی کبدی و ریوی و آسیب به کلیه
سیماب	0	0.1-0.05	

سرطان‌زا، کاهش عملکرد سیستم عصبی، اثرات قلبی، کلیوی، معده، روده، مفاصل، تولید مثل، کند ذهنی، مشکلات عصبی، عدم رشد نوزادان و ضعف در انگشتان	1	11.294	سرب
مواجهه زیاد کودکان می‌تواند سبب اختلال در رشد، کاهش هوش، از دست دادن حافظه کوتاه مدت، ناتوانی در یادگیری و هماهنگی، ریسک بیماری قلبی و عروقی شود	12-4	56.68	جست
گیجی و خستگی	10	3787.29	آهن
انواع سرطان‌های قسمت‌های گوارشی، حملات قلبی و شایع‌ترین بیماری به نام هموکروماتوسین	0	3.03	یورانیوم
سرطان، کلیه، ریه‌ها، سیستم عصبی، تولید مثل، دستگاه گوارشی، چشم، قلب، عروق	3.7	16.868	کوبالت
استراغ و تهوع، مشکلات بینایی، قلبی و آسیب به تیروئید	2	76.03	نیکل
بیماری‌های آلرژیک پوستی مانند خارش، سرطان ریه، نیبی، سینوس، گلو از طریق استنشاق مدام، ایمنی سبی، سمیت عصبی، ژنتیکی، باروری و ریزش مو را تحت تأثیر قرار می‌دهد			

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت ویژه‌ی نمک در زندگی روزمره و مصرف متنوع در بخش‌های مختلف صنایع غذایی، کیمیاوی و صنعتی باید توجه بیشتری به کیفیت و درجه خلوص و ناخالصی‌های نمک معطوف گردد و همین‌طور با توجه به مصرف نمک در افغانستان که از حد معمول جهانی نیز بالاتر است و همین‌طور؛ دیگر محصولات غذایی که در تولیدشان نمک استفاده می‌شود و در رژیم غذایی مردم قرار دارد، اهمیت کیفیت نمک و ناخالصی‌ها و درجه خلوص آن دو چند می‌شود.

در تمام نمونه‌های سنگ نمک برداشت شده از ساحه‌ی مورد تحقیق میزان فلزات سنگین بیش‌تر از حد مجاز بود که بالاترین میزان این عناصر (Ar=2.88 PPM)، (Cr=185.99 PPM)، (Cu=28.318)، (Co=16.868 PPM)، (Pb=11.29 PPM)، (Zn=56.68 PPM)، (Fe=3787.29 PPM)، (U=3.03 PPM)، (Ni=76.03) است. همان‌طور که مقادیر فوق نشان می‌دهد، اوسط غلظت فلزات سنگین در نمک تاقچه‌خانه نسبت به حد مجاز فلزات فوق در نمک طعام به ده‌ها و صدها و حتی مانند آهن به هزارها مرتبه بیش‌تر است. با توجه به اختلاف این مقادیر می‌توان دریافت که غلظت فلزات سنگین با معیارهای جهانی نمک تصفیه شده اختلاف معنی‌داری دارند. این ناخالصی‌ها با توجه به ایجاد عوارض نامطلوب و مسمومیت‌های مزمن در بدن بسیار با اهمیت تلقی می‌شوند. بنابراین؛ استحصال نمک بدون تصفیه توسط مردم محل و بدون آگاهی از اثرات ناگوار آن روزانه مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌تواند پیامدهای ناگوارای برای سلامت مردم در پی داشته باشد و می‌تواند هشدار جدی برای مسئولین ذیربط و صاحب نظران و پژوهشگران باشد که نسبت به رفع آن اقدام کنند و تحقیقات کاربردی و عملی اساسی در جهت روش‌های کارآمدتر را در دستور کار خود قرار دهند. از آن‌جایی که بیش‌تر نمک‌های موجود در بازار تصفیه نشده‌اند و تعداد کارخانه‌هایی که نمک تصفیه شده تولید می‌کنند کم است، پیشنهاد می‌گردد تعداد کارخانه‌هایی که نمک تصفیه شده تولید می‌کنند افزایش یابد، همچنین استحصال آن توسط مردم محل و ولسوالی‌های اطراف آن که به شکل غیرقانونی و بدون آگاهی از تبعات منفی آن مورد بهره‌برداری و بدون تصفیه مستقیماً در مواد غذایی مورد استفاده قرار می‌گیرد جلو آن گرفته و قرارداد آن با شرکت‌های که از لحاظ داشتن ماشینری در زمان استخراج، پروسس و تصفیه به شکل معیاری در اختیار دارند سپرده شود.

منابع

بهبودی، گیتی، شایسته، کیوان. (1399). روش‌های حذف فلزات سنگین از محیط آب و فاضلاب: یک مطالعه مروری. پژوهش در بهداشت محیط، 6 (2)، 145-160.

<https://sid.ir/paper/364634/fa>

جعفری، محمد. آذرنیوند، حسین. توکلی، حسین. زهتاییان، غلارضا و اسمعیل، حمید (1383). مقررده تاسیس و بهره برداری کارخانه جات تولید کننده نمک طعام. اداره نظارت بر مواد غذایی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی، وزات بهداشت ایران.

زینوند، محمد، میخک، آزاده، و سهرابی، اکبر. (1392). اثرات نامطلوب فلزات سنگین در سلامت انسان. همایش ملی آلاینده‌های کشاورزی و سلامت غذایی، چالش‌ها و راهکارهای شیوه‌های نوین در حذف آلاینده‌ها. <https://sid.ir/paper/887864/fa>

ساقی، معصومه، نوائی فیض آبادی، علی اصغر، یزدانی، محسن، دنکوب، محمود، و زنگی، ریحانه. (1394). ارزیابی اثرات فلزات سنگین بر محیط زیست. همایش دانشجویان تحصیلات تکمیلی.

<https://sid.ir/paper/874005/fa>

الصاق، اکبر. (1390). سنجش فلزات سنگین در نمک طعام حاصل از تصفیه به روش شست و شو با آب و مقایسه با سنگ نمک آن. نوآوری در علوم و فناوری غذایی (علوم و فناوری غذایی)، 3(2) (پیاپی 53-58). <https://sid.ir/paper/176594/fa>

فروغی، فرید، و ابراهیم پور، راحیل. (1400). بررسی مقادیر فلزات سنگین و ارزیابی میزان پتانسیل خطر در نمک دریاچه مهارلو و معدن کرسیا. تحقیقات آب و خاک ایران (علوم کشاورزی ایران)، 52(2)، 361-377. <https://sid.ir/paper/380097/fa>

فیروز، نور محمد. (1357). جیولوجی منطقوی افغانستان. کابل: انتشارات وزارت تحصیلات عالی افغانستان.

متین‌فر، مهناز. (1381). فلزات سنگین. نشریه استاندارد، 13(136)، 1-18.

<https://sid.ir/paper/424937/fa>

مهدی‌نیا، سید محمود و ناصحی‌نیا، حمیدرضا. (1401). اثرات بهداشتی و محیط زیستی فلزات سنگین (کادمیوم، سرب و آرسنیک). محیط زیست و مهندسی آب. 8 (2)، 538-550. doi:

10.22034/jewe.2020.253534.1445

یوسفی پور، کیان، تبار درزی، سیمین. (1400). بررسی تأثیر اورانیوم روی اندام‌های حیاتی بدن. شیمی سبز و فناوری‌های پایدار. 3 (2)، 43-52.

Abdullah, S., & Chmyriov, V. M. (1977). Map of mineral resources of Afghanistan: Kabul, Afghanistan, Democratic Republic of Afghanistan, Ministry of Mines and Industries, Department of

- Geological and Mineral Survey. V/O Technoexport USSR, scale, 1(500,000).
- Baygan, A., Mogaddam, M. R. A., Lotfipour, F., & Nemati, M. (2022). Evaluation of heavy metals (Cd, Cr, Hg, Ni, As, and Pb) concentration in salt samples of Lake Urmia, Iran. *International Journal of Environmental Analytical Chemistry*, 102(7), 1672-1682.
- Brahman, KD., Kazi TG., Afridi, HI, Naseem, S. and Arain, SS. and Ullah, N. (2013). Evaluation of high levels of fluoride, arsenic species and other physicochemical parameters in underground water of two sub districts of Tharparkar, Pakistan: A multivariate study. *Water research*, 47(3):1005-7.
- Cheraghali AM, Kobarfard F, Faeizya N. Heavy Metals Contamination of Table Salt Consumed in Iran. *Iranian Journal of Pharmaceutical Research* 2010; 9(2): 129-32. (Persian).
- Codex Alimentarius commission, 2001. Codex Standard: Standard for food grade salt. CX STAN150- Amend. 2-2001. Codex Alimentarius Commission. Rome, Italy: Joint FAO/WHO Food Standards Programs; 2001.
- Eksperiandova LP, Makarovska YN, Blank AB. Determination of small quantities of heavy metals in water-soluble salts and natural water by X-ray fluorescence. *Analytica Chimica Acta* 1998; 371(1): 105-8.



نقش جنگل‌ها در صنعت اکوتوریسم (گردشگری طبیعی)

نامزد پوهنبار جاوید شریفی

دیپارتمنت جنگلات و منابع طبیعی، پوهنچی زراعت پوهنتون بدخشان

jawed.sharifi2021@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0007-7920-8347>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

جنگل‌ها به عنوان یکی از منابع اصلی اکوتوریسم، برای جذب گردشگران طبیعت دوست و علاقه‌مند به فعالیت‌های فضای باز بسیار مهم است و صنعت اکوتوریسم جنگلی به حفظ و احیای منابع طبیعی کشورها کمک میکند و به طور غیرمستقیم پیامدهای قابل توجهی از جمله افزایش تولیدات داخلی و ایجاد درآمد برای محلیها را به دنبال دارد که جنگلها با ایجاد فضاهای عمومی با امکانات متنوع و زیبایی طبیعت، به بهبود کیفیت زندگی شهروندان و گردشگران کمک می‌کنند و به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست شهر نیز کمک می‌کنند. هدف از این تحقیق آگاه ساختن نسل نوین در رابطه به نقش جنگل در صنعت اکوتوریسم و ارزش اقتصادی آن می‌باشد این پژوهش با استفاده از منابع معتبر ملی و بین‌المللی تبیین یافته و به گونه تحلیلی - توضیحی بررسی شده که در نتیجه جنگل‌ها بر علاوه سایر فکتور در توسعه و گسترش اکوتوریسم در یک منطقه نقش مرکزی و اساسی را دارا می‌باشد و بالا اوضاع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تاثیر مستقیم داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: اکوتوریسم، ایکوسیستم، جنگل، صنعت، محیط زیست.

The role of forests in the ecotourism industry (natural tourism)

Author

Email

Orcid

Jawed (Sharifi)

Department of Forestry and Natural Resources

Badakhshan University, Afghanistan.

jawed.sharifi2021@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0007-7920-8347>

Abstract

Forests, as one of the main resources of ecotourism, are very important for attracting nature-loving tourists and those interested in outdoor activities. The forest ecotourism industry helps to preserve and restore the natural resources of countries and indirectly has significant outcomes, including increasing domestic production and generating income for locals. Forests, by creating public spaces with diverse facilities and natural beauty, help improve the quality of life for citizens and tourists and contribute to the preservation of natural resources and the urban environment. The aim of this research is to inform the new generation about the role of forests in the ecotourism industry and their economic value. This study, using credible national and international sources, has been analyzed in an explanatory-analytical manner, concluding that forests, in addition to other factors, play a central and fundamental role in the development and expansion of ecotourism in a region and have a direct impact on economic, cultural, and social conditions.

Keywords: Ecotourism, Ecosystem, Forest, Industry, Environment.

مقدمه

گردشگری طبیعی یک پدیده جدید نه چندان قدیم در ذهن و افکار مردم جذابیت های را خلق نموده که اکثر افراد این را با دیگر بخش های توریستی از لحاظ اقتصادی در حد نه چندان بزرگ حساب می کنند و در این پژوهش به خوبی معلوم خواهد شده که این نوع گردشگری از لحاظ اقتصادی در کدام سطح می باشد و هدف اساسی این پژوهش شناخت سهم گردشگری طبیعی در معیشت مردم در یک منطقه می باشد که بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری سال ۲۰۲۰، بودجه گردشگری جهانی به حدود ۱۰۷ تریلیون دلار می رسد که حدود ۶ فیصد آن برای گردشگری جنگلی است که در بسیاری از کشورها، اکوتوریزم جنگلی می تواند اشتغال بسیاری از افراد را فراهم کند، به عنوان مثال، در برخی از کشورهای آمریکای لاتین، انجام فعالیت های گردشگری جنگلی باعث ایجاد حدود ۴۰۰۰۰۰ شغل شده است و بسیار خوب است که جهت حفظ و ارتقاء جنگل های مهماندار تلاش شود و این فضاها از لحاظ پایداری و محیط زیست بسیار حساس هستند و تلاش برای حفظ آنها باعث حفظ تنوع زیستی و بهبود کیفیت زیستی شهرها و مناطق نزدیک به جنگل ها خواهد شد. همچنین، پارک ها و جنگل ها به عنوان فضاهای عمومی می توانند برای تفریح و استراحت در طبیعت و قدرت ایجاد ارتباط اجتماعی به کار گرفته شوند. در کنار حفظ و حراست از این فضاها، توسعه گردشگری اکوتوریستی می تواند به توسعه اقتصادی منطقه و حفظ منابع طبیعی آن کمک کند لذا نیاز است که مقامات و جامعه در کنار همکاری های لازم در این زمینه، سیاست های جدی و پایدار برای توسعه جنگل ها و ایجاد امکانات تفریحی با استفاده از یک شیوه پایدار و به جهت حفظ محیط زیست و تنوع زیستی دنبال کنند.

جنگل تنها مجموعه از درختان نیست، و معنایی فراتر از آن را دارد، که در آن مواد خام چیزهایی است که برای تولید و لذت بردن از آنها نیازمندیم موجود بود و وسیله امرار معاش برای افراد است که در آن کار می کنند. وسیله امرار معاش حیوانات، ماهها، پرند گان و گیاهانی است که در آن زنده گی می کنند. همچنین وسیله ایست برای افرادی که در آن شکار می کنند، به راهپیمایی می پردازند، قایق رانی و ماهیگیری می نمایند، هوا با آن تازه می شود و در نهایت از آن آب های خروشان برای نوشیدن جاری می شوند (مناس، 1382، ص 95).

این ممکن است در آینده میان مدت، عواقب برای گردشگری و تفریح داشته باشد. جنگل ها، به ویژه در مناطق گرمسیری، همچنین میزبان اکثریت تنوع زیستی جهان هستند (Myers et al: 2000).

برودهرست و هارپ در سال 2000 از نظرسنجی بازدیدهای روزانه انگلستان (SCPR 1998) نقل قول می کنند که نشان می دهد هر ساله حدود 350 میلیون بازدید روزانه به جنگل های انگلستان انجام می شود. به طور متوسط، بازدید کنندگان روزانه 3.20 پوند هزینه می کنند، که منجر به هزینه تخمین زده شده برای تفریح جنگل بیش از 1 میلیارد پوند می شود. بسیاری از گونه های فردی که برای گردشگری اهمیت زیادی

دارند و از آنجا که تنوع زیستی از طریق تغییرات آب و هوایی جهانی تحت فشار جدی قرار دارد، از دست دادن گونه‌ها نیز ممکن است بر گردشگری جنگل تأثیر بگذارد (Thomson et al: 2004).

اکوسیستم‌های جنگل برای تفریح و گردشگری اهمیت زیادی دارند و هر روز میلیون‌ها بازدیدکننده را به ویژه در عرض‌های متوسط جذب می‌کنند. تغییرات جهانی محیط زیست بر اکوسیستم‌های جنگل از طریق تغییرات استفاده از زمین، تغییر حرارت و الگوهای بارندگی، افزایش غلظت CO₂ و جذب نیتروژن تأثیر می‌گذارد (Sala et al: 2000).

اکوتوریسم به عنوان یک گونه از گردشگری قادر است که در استفاده از توان‌های محیطی سبب افزایش همکاری و تأثیرات اقتصادی و همچنین حفاظت و توسعه پایدار شود. تحرک و پویایی را در سطح درآمد محلی و منطقه‌ای به وجود آورد که این خود بازار یابی قوی در زمینه معرفی جاذبه‌های اکوتوریستی را از طریق رشد و توسعه جنگل می‌طلبد (کوهستانی، 1393، ص 125).

دلایل افزایش علاقه به گردشگری جنگل چندگانه است. همانطور که اوری (1995) می‌گوید، گردشگری به طور فزاینده‌ای بر اساس بازاریابی طبیعت و طبیعت ساخته شده است که به عناصر اصلی سفر تبدیل شده‌اند. طبیعت در بسیاری از زمینه‌ها به یک زمین بازی برای گردشگران ماجراجویی و تجربه طلب تبدیل شده است (Mykletun 2004, Gössling 2004).

گردشگری و تفریح در مناطق جنگل در آینده افزایش یابد و این توسعه در کشورهای صنعتی نتیجه تمایل به بهبود از زندگی روزمره شهری و در کشورهای در حال توسعه به دلیل علاقه فزاینده گردشگران داخلی و بین‌المللی به گردشگری طبیعت خواهد بود (Ghimire: 2000, Font and Tribe, 2000). (cf.

تیین مسأله

گردشگری جنگل ارزش اقتصادی در مقیاس جهانی یعنی گردشگری مبتنی بر مناطق طبیعی ممکن است تا 7٪ از کل هزینه‌های سفر بین‌المللی را تولید کند (Lindberg et al: 1998). بنابراین سهم نسبی از گردش مالی از گردشگری بین‌المللی را می‌توان به وجود اکوسیستم‌ها، اغلب جنگل‌ها نسبت داد که به عنوان مثال در کاستاریکا بیش از 50٪ از همه گردشگران در طول اقامت خود در سال 1988 از حداقل یک منطقه حفاظت شده (معمولاً جنگل‌ها) بازدید کردند و حدود 40٪ اظهار داشتند که مناطق حفاظت شده دلایل مهم یا اصلی انتخاب کشور به عنوان مقصد هستند (Boo: 1990). همین امر برای اکوادور نیز صدق می‌کند، 65 درصد از کل گردشگران اظهار داشتند که مناطق حفاظت شده دلیل مهم یا اصلی انتخاب سفر آنها است و 75 درصد حداقل از یک منطقه حفاظت شده بازدید کرده‌اند (Boo: 1990). درآمد مستقیم از گردشگری مبتنی بر جنگل می‌تواند قابل توجه باشد، به عنوان مثال هزینه ورودی تا 250 دلار آمریکا برای هر فرد در روز برای بازدید از گوریل‌ها در رواندا و اوگاندا پرداخت می‌شود (Wilkie and Carpenter 1999). که 21750 هکتار از جنگل‌های هالیبرتون و حفاظت از حیات وحش در انتاریو، کانادا، 67٪ از کل درآمد خود را مردم از فعالیت‌های مرتبط با گردشگری کسب می‌کند

(Sandberg and Midgley 2000). حتی در کشورهای صنعتی، جایی که دسترسی به جنگل‌ها معمولاً رایگان است و فقط ارزش کمی برای صاحبان جنگل ایجاد می‌کند (Font and Tribe 2000)، گردشگری جنگل می‌تواند درآمد ایجاد کند. به عنوان مثال مهمانخانه‌ها، هتل‌ها و رستوران‌ها در نزدیکی پارک‌های ملی شناخته شده و سایر مناطق حفاظت شده معمولاً از گردشگری سود می‌برند و در بسیاری از کشورها، توره‌های راهنما، بسته‌های تجربه مانند بیور یا موس سفاری یا صنایع فروش سوغاتی توسعه یافته است. دومی شامل پرورش حیات وحش برای گوشت یا کشت گیاهان دارویی است (2000 knight).

اکوتوریسم در جنگل می‌تواند به عنوان منبعی از درآمد برای جامعه محلی و مدیران جنگل باشد که برخی راه‌های کسب درآمد از اکوتوریسم در جنگل شامل تعرفه‌گذاری برای ورود به جنگل، فروش محصولات محلی، ارائه خدمات راهنمایی، تشکیل توره‌های گردشگری، ایجاد امکانات و ارائه خدمات آموزشی برای مردم محل می‌باشد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی

1- آیا گردشگری طبیعی سبب اشتغال در جامعه می‌شود؟

پرسش فرعی

۱- بیشتر گردشگران در جنگل به کدام موضوع علاقه دارند؟

۲- آیا جنگل‌ها می‌توانند در جلب و جذب توریست‌ها نقش فعال داشته باشند؟

اهداف تحقیق

1- بررسی نقش جنگل‌های در صنعت گردشگری طبیعی!

2- سهم اقتصادی جنگل‌ها در معیشت مردم!

3- پاسداری از جنگل‌ها جهت ارتقاء و بهبود زنده گی در طبیعت!

اهمیت تحقیق

با توجه به اهمیت جنگل در زندگی انسان‌ها نقش آگاهی در مقیاس تخصص و دانشگاهی را نمی‌توان نادیده گرفت و به این منظور و با هدف افزایش آگاهی دانشجویان رشته‌های جنگلداری، کشاورزی، محیط زیست و مانند این‌ها اقدام به نوشتن این مقاله علمی در باره نقش جنگلات در صنعت اکوتوریسم شدم تا باشد از این طریق بتوانیم جنگلداری و جنگل‌کاری را در کشور خود حمایت و ترویج بیشتر نمایم.

پیشینه‌ی تحقیق

در داخل کشور نثار احمد کوهستانی در کتاب خویش که تحت عنوان اساسات جنگلداری در سال 1393 ه ش در قسمت نقش جنگل‌ها در گردشگری اشاره کوتاه داشته که بیان می‌نماید جنگل نقش مسقیم را در جذب گردشگری را در یک کشور باز می‌نمایند و در همه کشورها این نقش به صورت یکسان نبوده که 80% در آمد از این صنعت مربوط به آمریکا و اورپا می‌باشد و 20% باقی مانده مربوط به شرق میانه می‌باشد.

در سراسر جهان جنگل‌ها مناظر جذابی برای تفریح و گردشگری را فراهم می‌کنند، جنگل‌های وسط عرض جغرافیایی در اروپا و ایالات متحده برای قرن‌ها به خاطر مزایای تفریحی خود شناخته شده‌اند (Carhart 1920). در کشورهایی مانند اتریش، سوئیس، سوئد، انگلستان، ژاپن و استرالیا یا نیوزیلند، آنها یک عنصر مهم از مناظر هستند که هر ساله میلیون‌ها گردشگر داخلی و بین‌المللی را جذب می‌کنند (Bostedt و Mattsson 1995، Hall and Higham 2000، Kearsley 2000، Knight 2000، McShane و McShane-Caluzi 1997). در جنگل‌های عرض جغرافیایی میانه، تعداد فزاینده‌ای از فعالیت‌های مصرفی و غیر مصرفی توسط جمعیت شهری در جستجوی فضاهای تفریحی انجام می‌شود. فعالیت‌ها شامل، به عنوان مثال، پیاده روی، پیاده روی، دوچرخه سواری کوهستانی، اسکی دوانی، سگ سواری، ماهیگیری، شکار، تماشای پرندگان یا جمع آوری قارچ و توت است. چنین سطح مشارکت در فعالیت‌های تفریحی مبتنی بر جنگل است که برخی از نویسندگان شروع به توصیف جنگل‌ها به عنوان "مکان‌های تفریحی جمعی" کرده‌اند (Knight 2000: 341, in the context of Japanese forests). در بسیاری از کشورها، اهمیت رو به رشد جنگل‌ها برای تفریح و گردشگری حتی استدلال برای ترویج گسترش جنگل بوده است (Broadhurst و Harrop 2000، Ghimire 1994).

وجود حیات وحش در جنگل از طرق مختلف همانند فعالیت‌های هنری، تفریحی، عکاسی، شکارچیان پرنده، ماهیگیری و امثال آنها به اقتصاد ملی کمک خواهند نمود. فعالیت‌های صحرایی موجب ایجاد اشتغال می‌شود و در هر مناطقی که فاقد امکانات لازم یا کم می‌باشند ایجاد درآمد می‌کند که شکارچیان 2 سالانه 2 میلیون دالر در این راه هزینه می‌کنند. مسابقات کوچک که بمدت دو روز برگزار می‌گردد برای هر نفر 122 دالر هزینه دارد که در مجموع 953 میلیون دالر می‌شود. (مناس، 1382، ص 129)

گیاهان گونه‌های مهم برای گردشگری معمولا دارای خواص زیبایی، تغذیه‌ای یا پزشکی هستند. برای مثال، در اروپا، گیاهان گلدار که کف جنگل را پوشش می‌دهند، تعداد زیادی از بازدیدکنندگان را در بهار جذب می‌کنند، در حالی که در پاییز، جمع آوری قارچ جذابت توریستی زیادی دارد. در ژاپن، بازدیدکنندگان همچنین شناخته شده‌اند که گیاهان را جمع آوری می‌کنند (knight: 2000).

بیش از یک ملیون شغل خصوصی مربوط به تفریح خارج از شهر می باشد، که شامل چند صد ملیون هکتار زمین بوده و بالغ بر 800 ملیون بازدیدکننده در سال را می پذیرد. همچنین هزاران کار تجارتي برای فعالیت های ورزشی خارج از شهر و پارکهای تفریحی با 18 ملیون هکتار زمین و چند صد ملیون بازدیدکننده در سال را فراهم و یا آماده می سازد که مزارع بسیار بزرگ و زیبا، اردوگاههای شکار و ماهیگری، سواحل و پناه گاه، تفریح گاهی ساحلی، مناطق ورزشی زمستانی و مزارع مرکب خالی از هزاران منطقه تفریحی با 600 ملیون بازدیدکننده در سال دارد (مناس، 1382، ص 115).

روش تحقیق

این پژوهش یک تحقیق بنیادی و محتوایی اسن و روش جمع آوری اطلاعات و داده در این تحقیق اسنادی و کتاب خانه ای بوده که به شیوه تحلیل اطلاعات و داده ها به گونه ی توصیفی - تحلیلی به آن پرداخته شده است. این تحقیق با رویکرد کیفی و محتوایی تبلور یافته است که نقش جنگل ها را در صنعت اکوتوریزم بررسی می نماید و فکتورهای اساسی جنگل را که در جذب گردشگران نقش بازی می نمایند در این مقاله تحلیل و بررسی شد است.

نتایج و یافته ها

جنگل یک بخش حیاتی و اساسی در روی کره زمین می باشد و پدید آورند حیات در سطح زمین به حساب می آید چون در دل جنگل هزار ها نوع نبات و حیوانات زنده گی دارند و این تنوع حیات در جنگل سبب جذب کاهوشگران و اکوتوریزم ها در جنگل شده است همچنان محل اساسی برای تحقیق و کشف پدیده ها بکر جنتیکی می باشد و جنگل ها دارای موجودات بی زبانی هستند کی پای ملیون ها گردشگر را به داخل خود می کشانند و این جذابیت سبب گردیده است تا کشورها بیشترین سرمایه گذاری را روی جنگل ها داشته باشند تا از این طریق کسب درآمد نمایند و برای حفاظت از حیات وحش که شامل نباتات، حیوانات و پرند گان ناب که در دل جنگل زنده گی دارند توجه خاصی را روی دست گرفته و از انقراض آنها از طرق آگاهی رسانه و چاپی جلوگیری می نمایند تا نسل حیات در جنگل گسترش یابد و جذابیت آن را دوچند نماید.

با استفاده از این روش ها و ترکیب آن ها، می توان از یک اکوتوریزم در جنگل علاوه بر حفظ طبیعت و جذب گردشگران، عواید قابل توجهی نیز کسب نمود ولی متأسفانه، سطح درآمد اکوتوریزم در جنگل ها به طور کلی وابسته به شرایط محلی و مدیریت موجود است و نمی توان به طور کلی برآورد کرد. هر جنگل و منطقه می تواند شرایط و توانمندی های مختلفی برای کسب درآمد از اکوتوریزم داشته باشد. عواملی مانند تعداد گردشگران، نوع فعالیت های اکوتوریستی، سطح توسعه و تجهیزات موجود و سیاست ها و قوانین محلی می توانند تأثیر گذار باشند. بنابراین، برآورد دقیق درآمد اکوتوریزم در جنگل ها بسیار پیچیده است و باید به صورت جداگانه بررسی شود

گردشگری در جنگل‌ها دارای فواید چون حفاظت و حفظ محیط زیست، توسعه اقتصادی، ارتباط با طبیعت فرصت یادگیری و آموزش و تفریح و سرگرمی می باشد و از این لحاظ اماکن تفریحی و توریستی با جلب و جذب جهانگردان، دانشمندان و ورزشکاران سالانه مقادیر زیاد ارز و اسعار خارجی نصیب کشور های می گردد که به اکوتوریسم و جیوتوریسم شهرت یافته وحتی بعنوان یک رشته کارشناسی در پوهنتون- های دنیا مطرح است.

نتیجه گیری

از این مقاله به این نتیجه می رسیم که جنگلها به عنوان یکی از پیچیده ترین ایکوسیستم های طبیعی اثرات بسیاری برای جوامع انسانی داشته و حمایت، حفاظت و توسعه و بهره برداری معقول و مناسب از آنها سبب سعادت در تمام عرصه های مختلف حیات بشری می گردد. چنانچه جنگل ها ارزش مالی زیادی داشته و جنگل ها در بسیار از کشور ها به حیث مهم ترین منبع اقتصادی مطرح بوده و بنهیه مالی شان وابسته به منابع جنگلی می باشد. که یکی از این منبع های مالی عبارت از صنعت اکوتوریسم در جنگل های می باشد که جنگل ها نقش اساسی و کلیدی را در جلب و جذب گردشگران بازی می نمایند. چون در داخل جنگل های بر علاوه درختان و گیاهان موجودات مرموز هم موجود بوده که هر گردشگری ره به خود جلب و جذب می نمایند و از این طریق سبب درآمد و بلند رفتن سطح اقتصادی همان جامعه یا کشور می شوند.

با توجه به اهمیت حفظ منابع طبیعی و بهبود کیفیت زیستی شهرها و مناطق نزدیک به جنگل‌ها، تلاش برای حفظ و حراست از جنگل‌ها بسیار مهم و ضروری است. پارک‌های جنگل به عنوان فضاهای عمومی با امکانات متنوع و زیبایی طبیعی، می‌توانند به بهبود کیفیت زندگی شهروندان و گردشگران کمک کنند و به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست شهر نیز کمک می‌کنند. با توجه به این موضوع، توسعه گردشگری اکوتوریستی، می‌تواند علاوه بر توسعه اقتصادی، به حفظ منابع طبیعی و توسعه پایدار کمک کند. به همین جهت، نیاز است که مقامات و جامعه در کنار همکاری‌های لازم در این زمینه، سیاست‌های جدی و پایدار برای توسعه جنگل‌ها و ایجاد امکانات تفریحی با استفاده از یک شیوه‌ی پایدار و به جهت حفظ محیط زیست و تنوع زیستی دنبال کنند.

منابع

- حسینی. محمد واثق (1395). حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی. کابل. انتشارات جهان اسلام. ص 55
- فقیری، شاه محمود (1395). اساسات علم اندازه گیری جنگل. بلخ. پوهنتون بلخ. ص 16
- کوهستانی، نثار احمد. 1393. اساسات جنگلداری. کابل. پوهنتون کابل. ص ص 125. 107. 29.
- مناس. مک کولینز. 1382. جنگلداری مقدماتی. ترجمه: پارکی. جعفر. تهران انتشارات رشاد. ص ص 125. 113. 101.
- ناصری، غلام نقش بند. 1383. مبادی جنگلداری. کابل. پوهنتون کابل. ص 9

Ecotourism, sustainable development, and conservation education: development of a tour guide training program in Tortuguero, Costa Rica": <https://link.springer.com/article/10.1007/s00267-004-0376-0>

"Sustainable tourism and cultural heritage in forest ecosystems":

<http://www.fs.fed.us/r2/blackhills/publications/information/tick_warnin_g.shtml> (accessed 8 December 2004).

Boo, E. (1990) Ecotourism: The potentials and pitfalls, vol.1 and 2, Washington D.C: WWF

Borgström-Hansson, C. and Wackernagel, M. (1999) 'Rediscovering place and accounting space: how to re-embed the human economy', Ecological Economics 29(5): 203-13.

Bostedt, G. and Mattsson, L. (1995) 'The value of forests for tourism in Sweden', Annals of Tourism Research 22(3): 671-80.

Bradshaw, R.H.W., Holmqvist, B., Cowling, S.A., and Sykes, M.T. (2000). 'The effects of climate change on the distribution and management of Picea abies in southern Scandinavia', Canadian Journal of Forestry Research 30: 1992-8.

Broadhurst, R. and Harrop, P. (2000). Forest Tourism: Putting Policy into Practice in the Forestry Commission. In Font, X. and Tribe, J. (eds) Forest Tourism and Recreation. Case Studies in Environmental Management, New York, USA: CABI Publishing, 183-199.

Carhart, A.H. (1920). 'Recreation in the forests', American Forests 26: 268-72.

Costanza, R., d'Arge, R., de Groot, R., Farber, S., Grasso, M., Hannon, B., Limburg, K., Naeem, S., O'Neill, R.V., Paruelo, J., Raskin, R.G., Sutton, P. and Van den Belt, M. (1997) 'The value of the world's ecosystem services and natural capital', Nature 387: 253-60.

Font, X. and Tribe, J. (eds) (2000) *Forest Tourism and Recreation. Case Studies in Environmental Management*, New York, USA: CABI Publishing.

- <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1462901114001072>
- Knight, J. (2000). From timber to tourism: recommentitizing the Japanese forest. *Development and Change* 31: 341-359.
- Lindberg, K., Furze, B., Staff, M. and Black, R. (eds.) (1998) *Ecotourism in the Asia-Pacific Region: Issues and Outlook*, Rome, Bangkok: FAO/USDA Forest Service/The Ecotourism Society.
- Myers, N., Mittermeier, R.A., Mittermeier, C.G., da Fonseca, G.A.B. and Kent, J. (2000) 'Biodiversity hotspots for conservation priorities', *Nature* 403: 853-8.
- Online. Available HTTP:
- Sala, O.E., Chapin III, F.S., Armesto, J.J., Berlow, E., Bloomfield, J., Dirzo, R., Huber-Sanwald, E., Huenneke, L.F., Jackson, R.B., Kinzig, A., Leemans, R., Lodge, D.M., Mooney, H.A., Oesterheld, M., Poff, N.L., Sykes, M.T., Walker, B.H., Walker, M. and Wall, D.H. (2000) 'Global biodiversity scenarios for the year 2100', *Science* 287:1770-4.
- The Nature Conservancy, 2020, Sustainable Forest Tourism and Recreation: A Comprehensive Guide to Planning and Achieving Sustainability, p. 13.
- Thomas, C.D., Cameron, A., Green, R.E., Bakkenes, M., Beaumont, L.J., Collingham, Y.C., Erasmus, B.F.N., de Siqueira, M.F., Grainger, A., Hannah, L., Hughes, L., Huntley, B., Van Jaarsveld, A.S., Midgley, G.F., Miles, L., Ortega-Huerta, M.A., Townsend Peterson, A., Phillips, O.L. and Williams, S.E. (2004) 'Extinction risk from climate change', *Nature* 427: 145-8
- United Nations Environment Programme (UNEP), 2019, Global Environment Outlook (GEO-6): Healthy Planet, Healthy People, p. 369.
- Urry, J. (1995) *Consuming Places*. London: Routledge.
- USDA Forest Service (2004) *Warning: We have Ticks in the Black Hills*.
- World Tourism Organization (UNWTO), 2020, United Nations World Tourism Organization (UNWTO) Annual Report 2019.
- World Tourism Organization (UNWTO), 2020, *World Tourism Barometer*, Volume 18, Issue 1.